

مجله ایران مهر | شماره ۸ | ۱۲ دی ۹۴

مجله ایران

احیای خانه پدری رهبر انقلاب

روایت خانواده‌ای با پنج معلول

وقتی سوپرمن در برف گیر افتاد!

اینجا بهشت روی زمین است

فهرست مطالب

قلب استانی

۴



- ۵ احیای خانه پدری رهبر انقلاب
- ۶ عکس شهیدی که در یونسکو ثبت جهانی شد
- ۷ آخه کی فلامینگو میخوره!
- ۸ وقتی سوپرمن در برف گیر افتاد!
- ۹ روایت خانواده‌ای با پنج معلول
- ۱۰ فصل سرد استقبال و طوفانی که یار مهربان را برد
- ۱۱ روایت اشک‌های اتباع افغانی و خادمی که عزادار شد
- ۱۱ «اربعین» امتداد سرخ عاشقی
- ۱۲ اینجا بهشت روی زمین است

جامعه ایران

۱۳



- ۱۴ حیات وحش آذربایجان غربی امنیت ندارد
- ۱۵ پرند «بمب انداز» در آستانه انهدام
- ۱۶ وقتی «عشق» بهتر از ثروت می شود
- ۱۷ وقتی «آبدارخانه» کلاس درس می شود
- ۱۹ تنها یک جرقه تا فاجعه
- ۲۰ رمزگشایی از پست اینستاگرامی پرویز فتح
- ۲۱ فلامینگوها به بختگان نمی آیند
- ۲۴ چشم «خسروی» در حسرت قدم زوار اربعین
- ۲۵ سیل «هویت» اصلی ایلام را نشان داد
- ۲۷ واکاوی دلایل تنگی نفس ۵۰ هزار اهوازی
- ۲۸ پروژه نیمه کاره «پل حامی» سهم کارتن خوابها شد
- ۲۹ جان تالاب های گیلان در دست سنبیل آبی

فرهنگ و هنر ایران

۳۱



- ۳۲ «نیم» ققنوس خوشخوان با آوازه جهانی
- ۳۳ کتابخانه مرکزی کرمانشاه ۷ ساله شد
- ۳۴ استان فرهنگی کشور کتابخانه مرکزی ندارد
- ۳۵ فرصت کشف جهان در ورق ورق اندیشه
- ۳۶ ساخت مجموعه تجاری در جوار مزاراستاد لطفی
- ۳۸ تئاتر سرزمین «تقش و نمایش» ناخوش است
- ۴۰ جای خالی کتابهای پرفروش در گلستان
- ۴۱ نذری که خرج تعالی فرهنگ میشود



شناسنامه مجله

□ مدیر مسئول: علی عسگری

□ شورا ی سردبیری: سید امیر حسن دهقانی،
سید نوید بر کچیان، محمد عکاف

□ دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

□ مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر و
سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

شماره تماس: ۸۸۱۰۹۵۰۰

پست الکترونیک: Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی،
کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای
مجله ایران مهر ارسال کنند

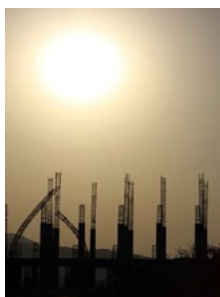
فهرست مطالب

تاریخ و فرهنگ
۴۳



- ۴۴ کشف گونه جدید گلسنگ
- ۴۵ آغاز مجدد سریال مردان نمکی
- ۴۷ غفلت از ظرفیت گردشگری سد سیمره
- ۴۸ فاتحه سنگ قبرهای تاریخی خوانده شد
- ۴۹ «پاده» روستایی با جاذبه های فراوان
- ۴۹ سمفونی خشت، گل و تاریخ در دل کویر
- ۵۲ معرفی تخریب کنندگان «سنگ چهره» به دادگاه
- ۵۳ موزه قاجار تبریز بیدار و دیوار شد
- ۵۴ شهر سوخته در بی تدبیری می سوزد

اقتصاد ایران
۵۷



- ۵۸ کارخانه الیاف شیشه مرند همچنان یک رویا
- ۵۹ حکایت های خواندنی برخی پروژه های استانی
- ۶۱ محبوب ترین پولشوی ایرانی
- ۶۲ یک بام و دو هوای طرح حبله رود
- ۶۴ حاصل دسترنج سیب کاران به جیب دلالتان می رود
- ۶۵ لبخند زعفرانی بر لب کرمانی ها
- ۶۶ شترداری صنعتی مغفول مانده
- ۶۷ داستان فرار سرمایه گذاران در گلستان
- ۶۹ مرورید سیاه به خزر بر می گردد
- ۶۹ فرصت ۱۸۰ روزه تحول هرمز تمام شد

- ۷۱ تصویر ایران

قَابِ استانے

قَابِ استانی بهانه و فرصتی برای دست‌نوشته‌های خبرنگاران مهر در جای‌جای ایران اسلامی است، نوشته‌هایی از تجربیات هرروزه دنیای هیجان‌انگیز خبرنگاری، حواشی اخبار، مرور رویدادهای استان‌ها و دغدغه‌هایی که مجال طرح آن‌ها در تولیدات خبری روزمره فراهم نمی‌شود اما شنیدن و خواندن آن‌ها خالی از لطف نیست.

■ در مقابل اخبار تلخ ماه، خبری شیرین که به صفحه اول روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های آمد، دستور استاندار آذربایجان شرقی برای احیای خانه پدری رهبر معظم انقلاب در شهر خامنه بود که بنا به تأکید این مسئول استانی، کار احیای این خانه سرعت می‌گیرد.

■ اما دهه اول آذرماه، از خبرهای جذاب حوزه ورزش نیز خالی نبود به‌طوری‌که در هشتمین روز از این ماه، حضور نخستین ایرانی که جوانی اهل شهرستان انزلی است، در کلاس‌های مربی‌گری «ژوزه مورینیو»، آقای خاص فوتبال دنیا خبرساز شد.

■ ثبت جهانی عکس شهید حتم‌لو از شهدای مدافع حرم به‌عنوان میراث معنوی در یونسکو به همت عکاس پرافتخار گلستانی و قدردانی دانشگاه فرانسه از دیگر اخبار این ایام بود، خبری که برخی رسانه‌ها کمتر به آن پرداختند.

■ مطمئن شدم «ابر» روی خوشش را به من نشان نداده. به سرم زده بود برگردیم ولی باز پیش خودم گفتم همه از این‌که یک رسانه با سه خبرنگار و دو دوربین عکاسی و فیلم‌برداری برای تهیه گزارش از یک چالش منطقه‌ای به «ابر» آمده‌اند خوشحال‌اند. حالا اگر این وسط من قبل از رسیدن به منطقه اصلی جا بزنم چه می‌شود؟

حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن در گیلان

ماجرای جسد بی‌دست‌وپا، یک گیاه بیگانه و امیرعلی ۳ ساله

آذرماه برفی گیلان همچون سایر استان‌ها شاهد اخبار متنوع و متفاوتی بود. در نیمه نخست این ماه سرد که حال و هوای زمستان را پیش از فرارسیدن فصلش به گیلانی‌ها ارزانی کرد، حضور یک گیاه بیگانه در تالاب‌ها خبر ساز شد.



مانده اسفند مز

هجوم گیاه زیتنی زیبا و خوش‌رنگ «سنبل‌آبی» به تالاب‌های گیلان سبب شد که در سومین روز از آذرماه امسال، مسئولان برای مقابله با آن کارگروه تشکیل دهند تا پیش از فراگرفتن تمام تالاب‌های استان توسط این گیاه، راهکارهای مقابله با آن اندیشیده شود.

در این میان پنجمین روز آذرماه یکی از خبرسازترین روزهای این ماه در گیلان و حتی در تمام کشور بود. به دنبال عملیات عمرانی شهرداری رشت برای اجرای پروژه پیاده‌راه‌سازی در این میدان تاریخی، چندتکه استخوان و سفال کشف شد. کشف این استخوان‌ها و سفال‌ها سبب ایجاد حساسیت کارشناسان میراث فرهنگی استان شد تا دستور توقف پروژه داده شود. اگرچه هنوز باستان‌شناسان اداره کل میراث فرهنگی گیلان نظر قطعی خود را در خصوص قدمت این کشفیات اعلام نکرده‌اند اما بنا بر اعلام نظرات شفاهی این کارشناسان، قدمت این بقایا به دوره تیموری بازمی‌گردد. اما دهه اول آذرماه گیلان، از خبرهای جذاب حوزه ورزش نیز خالی نبود به‌طوری‌که در هشتمین روز از این ماه، حضور نخستین ایرانی که جوانی اهل شهرستان انزلی است، در کلاس‌های مربی‌گری «ژوزه مورینیو»، آقای خاص فوتبالی دنیا خبر ساز شد.

«ابوذر نوغانی» که به‌عنوان اولین مربی ایرانی شاغل در لیگ انگلیس نیز شهرت دارد، دوران کودکی و تحصیل خود را در انزلی گذرانده و به دنبال علاقه وافر به فوتبال همچون بسیاری دیگر از مردم این شهر بندری، در کلاس‌های مربیگری دانشگاه لیسبون پرتغال زیر نظر مورینیو شرکت خواهد کرد.

اولین روز از دهه دوم آذرماه بود که کشف یک جسد بی‌جان که دست و پای وی قطع شده بود در خیابان آیت‌الله ضیابری رشت سبب نگرانی شهروندان از نبود امنیت در خیابان‌های این شهر شد. اگرچه نیروی انتظامی در جستجوی کشف دلیل فوت این فرد است اما شنیده‌ها حاکی از وقوع قتل دارد. علاوه بر این پیدا شدن پیکر بی‌جان یک جوان ۲۴ ساله در شهر املش نیز خبر دیگری از حوزه حوادث گیلان در دوازدهمین روز این ماه بود.

اما خبرهای حوزه حوادث گیلان در نیمه نخست ماه آذر به همین دو خبر ختم نمی‌شود بلکه سرقت از یک طلافروشی در چهاردهمین روز از این ماه و سوختگی شدید یکی از آتش‌نشانان سازمان آتش‌نشانی شهرداری رشت در جریان عملیات اطفای حریق یک‌ممنزل مسکونی در روز بعد نیز از مهم‌ترین اخبار حوادث در نیمه آخرین ماه پاییز بود.

سارق طلافروشی متواری بوده و مأموران نیروی انتظامی گیلان به دنبال یافتن وی هستند و آتش‌نشان آسیب‌دیده هم به دلیل شدت جراحات در بیمارستان بستری است.

اما سرمای هوای گیلان در روزهای آخرین ماه پاییز، خبر از زمستانی سرد و سخت دارد. باوجود هشدارهای هواشناسی درباره فرارسیدن زمستان زودرس و لزوم مقابله با حوادث احتمالی، بارش برف در اکثر ارتفاعات و روستاها سبب غافلگیری گیلانی‌ها در نیمه نخست آذرماه شد.

برودت هوا و کاهش ۱۵ درجه‌ای دما و بارش شدید باران در روزهای سیزدهم و چهاردهم آذر سبب شد که اجرای ۲۱۰ نمایش خیابانی در رشت لغو شود. این اجراها که قرار بود با هماهنگی سازمان مدیریت پسماند شهرداری رشت در ۲۰ نقطه شهر به اجرا درآید به دلیل شدت بارش‌ها به تعویق افتاد.

خبری تأثیرگذار و درعین‌حال ستودنی، سرمای پانزدهمین روز آذر را برای گیلانیان به گرمی تبدیل کرد. اهدای اعضای بدن یک کودک سه‌ساله اهل لنگرود بانام «امیرعلی توحیدی» که دچار مرگ مغزی شده بود به سه بیمار، جانی دوباره به این بیماران بخشید و تأثیر و تحسین توأمان گیلانی‌ها را از این واقعه برانگیخت. از ابتدای امسال، «امیرعلی» نهمین فردی است که از گیلان برای اعطای جانی دوباره به بیماران، اهدای عضو کرده است.

اخبار داغ روزهای سرد آذربایجان شرقی خودکشی به خاطر مالیات/ احیای خانه پدری رهبر انقلاب

آذربایجان شرقی از ابتدای آذرماه اتفاقات جالب و عجیبی را تجربه کرد، اتفاقاتی که هر کدام تا مدت‌ها بر سر زبان‌ها بوده و یا تیتیر روزنامه و خبرگزاری‌ها را به خود اختصاص دادند هرچند در این میان اخبار درگوشی نیز کم نبود، اخباری که گاه به دلیل محدودیت‌هایی روی صفحه مطبوعات نقش نیست.



فائزه زنجانی

و اما خبر عجیبی که با انتشارش بر روی صفحه جراید، بهت را به چهره تک‌تک خوانندگان آورد، جریان خودکشی راننده وانت باری در تبریز به دلیل مالیات بود که البته با حضور رسولي، مدیرکل امور مالیاتی استان در دقایق آخر قضیه فیصله یافته و راننده وانت‌بار از خودکشی منصرف شد. دلیل این راننده برای خودکشی، ۱۵ میلیون مالیات تعلق گرفته به وانت بارش بود که به همین دلیل، وی ساختمان دارایی غرب تبریز را برای این عمل انتخاب کرده بود، ولی ماجرا ختم به خیر شد!

اما آذربایجان شرقی در این ماه بازهم با یک قضیه خودکشی مواجه بود که البته متأسفانه این اتفاق همانند مورد قبل ختم به خیر نشده و دانشجویی اهری در خوابگاه دانشگاه تبریز به زندگی خود پایان داد تا این خبر به یکی از اخبار تلخ ماه تبدیل شود. هرچند جزئیات زیادی از این حادثه همچنان در اختیار مطبوعات قرار داده نشده است.

اما در مقابل اخبار تلخ ماه، خبری شیرین که به صفحه اول روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های استان آمد، دستور استاندار آذربایجان شرقی برای احیای خانه پدری رهبر معظم انقلاب در شهر خاмене بود که بنا به تأکید این مسئول استانی، کار احیای این خانه سرعت می‌گیرد.

اما از همه شیرینی و تلخی اخبار این ماه که بگذریم، آذربایجان شرقی در روزهای ابتدایی آذرماه روزهای سردی به خود دید و پایین آمدن دمای هوا به میزان ۱۵ درجه به مردم اطمینان بخشید که امسال زمستان سردی را پیش رو دارند.

بارش اولین دانه‌های برف در استان در طول این ماه شورش‌ناش خاصی را برای مردم به ارمغان آورد به‌خصوص برای دانش‌آموزانی که به‌واسطه همین سردی هوا و بارش برف و تعطیلی مدارس چند روزی بیشتر در خانه‌ها ماندند.

آذربایجان شرقی روزهای سردی و برفی را نهم پشت سر می‌گذارد اما همه این سردی‌ها، از داغی اخبار موجود در استان نکاسته و هرروز در گوشه و کنار استان حوادثی اتفاق می‌افتد که می‌تواند از حجم سردی هوا کاسته و دلگرمی بزرگ برای مردم باشد.

آنچه این استان از لحاظ سیاسی از ابتدای آذرماه به خود دید، رفت‌وآمدهای سیاسی بود که البته برخی‌ها آن را مرتبط با نزدیک شدن به زمان انتخابات دانسته و از سویی گمانه‌زنی برای حضور برخی افراد به‌عنوان نامزد انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با این حضورها افزایش یافت.

حضور برخی چهره‌های سیاسی از احزاب و جناح‌های مختلف نیز در این مدت بدون حاشیه نبود به‌خصوص آنکه اکثر این مهمانان سیاسی دانشگاه‌های مختلف استان را برای سخنرانی‌های خود انتخاب کرده بودند و این سخنرانی‌ها در روز دانشجو و در دانشگاه‌های مختلف نمود بیشتری یافت.

حضور برخی مسئولان دولتی همچون وزیر صنعت و معدن در تبریز نیز با برخی حواشی روبرو بود چراکه این روزها بحث بر سر واگذاری شرکت ماشین‌سازی تبریز به بخش خصوصی به یکی از دغدغه‌های مهم نمایندگان استان و همچنین کمیسیون صنایع و معادن مجلس تبدیل شده تا این مسئله وزیر صنعت و معدن را به تبریز بکشانند.

در این سفر نعمت زاده با بازدید از این شرکت، خواستار مهلتی پنج‌ساله برای واگذاری سهام ماشین‌سازی به بخش خصوصی شد، هرچند طولی نکشید که خبر مخالفت رئیس سازمان خصوصی‌سازی با این درخواست وزیر صنعت و معدن در صفحه اول مطبوعات استان انتشار یافت تا این شرکت بازهم چشم‌انتظار دیگر واکنش‌ها برای واگذاری‌اش باشد.

از رفت‌وآمدهای سیاسی که بگذریم نوبت به حوادث عجیب و گاه تأسفبار در استان می‌رسد.

آتش گرفتن بخاری نفتی مدرسه «قوپوز هشت‌رود» از جمله اخباری بود که هر مخاطبی را بلافاصله پس از خواندن تیتیر به شین‌آباد و خاطرات تلخ آتش‌سوزی مدرسه این روستا می‌برد تا یادآوری کند حال پس از گذشت سال‌ها بساط این بخاری‌ها بازهم از مدارس جمع نشده است و باید همچنان نگران آتش‌سوزی‌های دیگر و صورت‌های سوخته بیشتری بود.

از لابه‌لای اخبار گلستان

عکس شهیدی که در یونسکو ثبت جهانی شد

فیلم سینمایی زاپاس در شهرستان رامیان انتخاب کرد تا گلستان هزار رنگ میزبان چهره‌های سرشناس سینمای کشور باشد.

ستاد دیه هم در این ایام دست به کار شد تا با تلاش خود و گذشت شاکیان، ۱۶ زندانی جرائم غیر عمد در استان آزاد شوند. باین حال حوزه قضایی هنوز اخبار ناگواری مانند اقدام به خودکشی هزار و ۸۱۹ نفر طی شش ماهه نخست را دارد.

این روزها امید محیط‌زیست که با دستگیری ۲۰ شکارچی متخلف در سواحل گلستان تازه رنگ گرفته بود با خبر شکار پلنگ توسط شکارچیان در شهرستان گالیکش به ترازوی غم‌انگیزی مبدل شد.

بخش فرهنگ هم خبر استقبال کم‌فروغ مخاطبان در نهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان را به خود اختصاص داد تا مثل همیشه از ضعف برنامه‌های فرهنگی گلایه داشته باشیم.

برگزاری همایش اتباع خارجی هم در آذرماه گرهی از مشکل تعیین تکلیف این قشر باز نکرد و این در حالی است که استان گلستان به‌عنوان پایلوت طرح مطالعاتی اشتغال اتباع خارجی تعیین شده است.

و اما از هر چه بگذریم سخن عشق خوش‌تر است تا آذرماه خبر حضور بیش از چهار هزار گلستانی در کاروان عشق به‌سوی سرزمین کربلا به سرخط رسانه‌ها پرود. برگزاری آیین نکوداشت شهدای اهل سنت شمال کشور و کشف پیکر سه شهید در مناطق عملیاتی از دیگر رخدادهای این ایام است. همچنین ثبت جهانی عکس شهید حتم لو از شهدای مدافع حرم به‌عنوان میراث معنوی در یونسکو به همت عکاس پرافتخار گلستانی و قدردانی دانشگاه فرانسه از دیگر اخبار این ایام بود، خبری که برخی رسانه‌ها کمتر به آن پرداختند.

پایه‌پای آذرماه در پاییز هزار رنگ گلستان قدم می‌زنیم، روزهایی که حال و هوای پادشاه فصل‌ها سرخط اخبار استان رفته است؛ فصلی که رنگ‌هایش همه دوستداران طبیعت را میخ‌کوب کرده و می‌توان از عکس‌هایی که در فضایی مجازی پرشده این لذت را دید.



فاطمه گرزین

از مدارس استان و برگزاری مانورهای زلزله که بگذریم به دانشگاه‌ها و یادواره‌های ۱۶ آذر روز دانشجو می‌رسیم که امسال سخنرانی‌های زیادی در این روز برگزار شد ولی جای دانشجو در میان این سخنرانی‌ها خالی بود. نمایشگاه گل و گیاه پاییز امسال گلستان را رنگ و بویی دیگر بخشید و خبرهای خوشی مثل درخشش دختران گلستانی در لیگ برتر اسکواش بانوان، میزبانی استان گلستان در دور برگشت مرحله نهایی لیگ برتر کبده ایران و بازدید جمعی از اهالی کبده شهرستان گرگان از مرکز خیریه آوای مهر که لیخنه بر لبان کودکان بی‌سرپرست نشانند در رسانه‌ها منعکس شد.

همین ایام بود که رئیس مرکز اطلاع‌رسانی میراث فرهنگی کشور به گرگان آمد تا با افتتاح پورتال اطلاع‌رسانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان بتواند کمکی به رونق از دست‌رفته گردشگری گلستان بکند، آن‌هم در روزهایی که خبر تخریب بناهای بافت تاریخی گرگان که ۸۰ سال قبل به ثبت ملی رسیده و اکنون وضعیت وخیمی را دارد، به گوش می‌رسد.

برزوی نیک نژاد هم پاییز استانش را برای ساخت

ایران تب کرد

آژیر قرمز آنفلوانزا!



مریم اسدی

مردم صورت ملتپیشان را پشت ماسک‌های سفید پنهان می‌کنند، تبشان را با مسکن‌ها پایین می‌آورند و با بافت‌های گرم سرمای هوا را پس می‌زنند شاید بهترین کلمه برای وصف حال این روزهای ایران تب و لرز باشد.

صدای آژیرهای آمبولانس خواب را از چشم پسر بچه گرفته بود، ظاهراً هر لحظه یک مورد اورژانسی را به بیمارستان می‌آوردند و پسر بچه بالشتش را با دستان کوچکش روی سرش می‌فشرد تا صدا را نشنود.

در گوشه‌ای دیگر از شهر در اتاق مسئولان صدای هر زنگ تلفن تلخ و نگران‌کننده بود، به هر زنگ تعداد قربانی‌ها بالاتر می‌رفت، ۱ نفر، ۲ نفر، ۱۰ نفر و در آخر بیشتر از ۴۰ نفر قربانی که در دام ویروس آنفلوانزا افتاده بودند.

امسال خبر آنفلوانزا مثل یک بمب در کشور منفجر شد و نگاه‌ها ابتدا به سمت استان کرمان رفت، این استان هرچند سال یک‌بار در صفحه اول روزنامه‌ها جا خوش می‌کند دفعه پیش بر اثر زلزله و این بار ۲۳ نفر بر اثر بیماری آنفلوانزا در مدت زمان ۳ هفته جان باختند.

اما متأسفانه این بیماری فقط در کرمان نبود که جان گرفت، زیرا رد این بیماری در دیگر استان‌های کشور نیز گرفته شد به‌طوری‌که وزیر بهداشت از فوت ۴۲ نفر خبر داد.

این بیماری از شرق تا غرب و از شمال غرب تا جنوب غرب کشور را در بر گرفت و شیوع این ویروس هیچ چیز جز تب و لرز برای مردم مانداشت حال می‌خواهد این لرز از ترس ابتلا به ویروس آنفلوانزا باشد یا از سرماخوردگی که با شک و تردید به علائم آن فکر می‌کند.

اما شرایط بیماری در تمام استان‌ها یکسان نبود تا در همین مورد وزیر بهداشت بگوید: «ظاهراً هر سال در فصل سرما آنفلوانزا وارد می‌شود که مرز نمی‌شناسد و شدت و ضعفش در نقاط مختلف کشور متفاوت است.»

در این اوضاع واکنش مسئولان در مواجهه با ویروس آنفلوانزا متفاوت بود در همدان با وجود سه قربانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی می‌گوید: وضعیت در این استان نرمال است و بیماری روند کاهشی دارد.

در کرمان بعد از قربانی شدن ۲۰ نفر گفتند وضعیت سفید شده است ولی پس از این اظهار نظر ۱۳ نفر دیگر جان باختند و این در حالی بود که حسن هاشمی وزیر بهداشت می‌گفت: «هیچ‌یک از افرادی که جان خود را از دست داده‌اند تنها به دلیل داشتن بیماری آنفلوانزا فوت نکرده‌اند» اما آنچه شرایط این متوفیان را بحرانی کرده آنفلوانزا بوده است.

در استان لرستان هم با وجود دو قربانی مسئولان هیچ‌گونه پاسخی به مردم ندادند و از رد یا تأیید آمار کشته‌شدگان خودداری کردند. در استان سیستان و بلوچستان ۵ نفر قربانی آنفلوانزا شدند که دو نفر از آن‌ها مادران باردار بوده‌اند و این در حالی بود که عباسی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس علت را این چنین شرح داد: منشأ بیماری حضور نیروها و افرادی هستند که به‌صورت قاچاق از کشور پاکستان و افغانستان وارد شده‌اند.

البته وضعیت شیوع بیماری در همه استان‌ها یکسان نبود و بیشتر استان‌ها تعداد قربانی‌هایشان صفر بود اما بودند کسانی که با این بیماری مبارزه کردند و جان به در بردند.

آژیر قرمز آنفلوانزا در حالی پاییز امسال به صدا درآمد که در سال ۸۸ تعداد افراد جان‌باخته بر اثر آنفلوانزا ۸۶ نفر بود و در سال ۹۳ این تعداد به ۸ نفر کاهش یافت اما امسال این بیماری جان ۱۱۲ نفر از هموطنانمان را گرفت.

به نظر می‌رسد حکایت آنفلوانزا همچنان باقی است.



تجربه‌های یک خبرنگار

«نقطه» در دسرساز!



مریم قاضی زاده

تازه دوره‌های خبر را در دانشکده «خبر» گذرانده بودم و چون جزو نفرات برتر دوره بودم برای فعالیت به‌عنوان خبرنگار به یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار معرفی شدم.

روز اولی که وارد فضای تحریریه روزنامه شدم آن قدر ذوق‌زده بودم که امربر من مشتبه شده بود اگر قرار باشد تغییری در دنیا به وجود بیاید قطعاً سرمنشأ آن تغییر از خبرها و گزارش‌های من خواهد بود. وقتی قرار شد جای خالی خبرنگار حوزه تجسمی را در سرویس فرهنگ و هنر پر کنم هر چند کمی توی ذوقم خورده بود چرا که دوست داشتم به‌عنوان خبرنگار سیاسی یا اجتماعی در یکی از این دو سرویس قلم‌فرسایی کنم ولی، با خودم گفتم خوب فرهنگ و هنر هم از مسائل اساسی یک مملکت است و حتماً توی این حوزه هم می‌توانم منشأ اثر باشم. این‌ها را می‌گویم که فضای ذهنی آن روزهای من دستتان بیاید.

سرتان را در نیاروم، دبیر سرویس ما- نمی‌دانم الان کجاست و چه می‌کند ولی هر کجا هست سلامت باشد- از آن دبیرهای سخت‌گیر بود که توی کار با هیچ‌کس شوخی نداشت، روال کار ما هم به این صورت بود که خبرهای حوزه خودمان را از خبرگزاری گرفته و در یک فایل ورد کمی می‌کردیم تا برای تنظیم مجدد از آن‌ها پرینت بگیریم، بعد هر خبری که پرینت می‌شد را بر اساس رسم‌الخط روزنامه تنظیم کرده و در نهایت پس از تأیید دبیر در کارتابل مخصوص واحد تایپ قرار می‌دادیم تا برای استفاده در صفحه آماده شود.

هر چند روزهای اول از جبروت دبیرمان هول‌برم داشته بود و سعی می‌کردم تمام قواعد خبرنویسی را رعایت کنم تا جزو مغضوبین واقع نشوم اما، یک «نقطه» بلایی بر سر من آورد که تا به همین امروز با تمام نقطه‌های موجود در عالم نوشتار، با احتیاط برخورد می‌کنم.

سپهوا تیتیر خبرم را با «نقطه» به پایان رساندم و این پایان نامیمون آغازی شد بر ماجرای من و دبیر گرامی!

دبیرمان کاغذ خبر من را چنان روی میز کوبید و فریاد زد خانم قاضی‌زاده... که قند توی گلوئی هم‌کارم پرید و من از شدت ترس ایستادم.

«نقطه» توی تیتیر کار خودش را کرده بود و دبیرمان آن قدر خشمگین بود که هر آن منتظر بودم میز و هر آنچه روی میز قرار گرفته را بر سرم خراب کند که ای کاش می‌کرد. میز را سرم خراب نکرد ولی آن قدر فریاد کشید و من را به خاطر آن نقطه مورد شماتت قرار داد که از صدای دادوبیدادهای او توجه همه خبرنگاران در سرویس‌های دیگر هم به میز ما جلب شده بود.

صداهای در سرم گنگ و گنگ‌تر می‌شد و تنها چیزی که می‌شنیدم و می‌دیدم انبوهی از نقطه‌ها بود که جلوی چشمم رژه می‌رفتند و قاقاهه می‌خندیدند.

وقتی به خودم آمدم جلوی آینه دستشویی بودم و سعی می‌کردم سیل اشکی را که بر گونه‌هایم جاری شده به کمک آب پنهان کنم و چه تلاش بیهوده‌ای!

به تحریریه که برگشتم چشمان خیس و سرخم بیانگر همه چیز بود. دبیرمان صدایم کرد و گفت: گریه کردی؟ از شدت بغض نمی‌توانستم پاسخ دهم فقط سری به نشانه تأیید تکان دادم و اشک دوباره در چشمانم حلقه زد.

جمله آخرش هیچ‌گاه از ذهنم بیرون نمی‌رود که گفت: تو امروز با این «نقطه» نقره‌داغ شدی ولی مطمئن باش بعد از این دیگر هیچ‌وقت آخر تیتیرهایت نقطه نمی‌گذاری، این بود ماجرای من و یک نقطه در دسرساز!

ماجرای یک عکس

آخه کی فلامینگو می‌خوره!



مریم رضایی

از ترس آبرو یا شاید از ترس قانون در گوشه‌ای از استان پنهان شده است. فکرش را هم نمی‌کرد یک عکس چنین بلایی سر او بیاورد. البته فقط عکس معمولی نبود. شکار پرندگان مهاجر و نادری که گلستان را برای استراحت خود انتخاب کرده‌اند و گرفتن عکس دست جمعی با بدن بی‌جان آن‌ها جلوی خودروی سمند، احساسات هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حالا عکس دست جمعی او در کل کشور پر شده است و همه‌جا می‌نویسند «لطفاً این عکس رو اونقدر انتشار بدید تا این روانی شناسایی بشه، آخه کی فلامینگو می‌خوره».

حال‌ورز این ایام تالاب‌های و سواحل خزر در گلستان و شمال کشور همین است. به جای صدای دلنواز پرندگان فقط شلیک گلوله شنیده می‌شود. به جای ماهی‌هایی که قرار است شکار پرندگان شوند، پوکه گلوله‌هایی دیده می‌شود که پرندگان را شکار می‌کنند.

و سروصدا نکن! البته ناگفته نماند که ده‌ها هزار مجوز حمل اسلحه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط صادر شده است و به عبارتی ده‌ها هزار نفر از دولت تأیید داشتن اسلحه گرفته‌اند و منتظرند تا فصل شکار آغاز شود.

با همه این اوصاف، مجوز این شکار از نظر طرفداران محیط زیستی به معنای نابودی حیات پرندگان مهاجری است که شاید در سال‌های آینده دیگر به این منطقه سفر نکنند.

شکار این روزها به مشکل اول محیط‌زیست گلستان تبدیل شده است. مشکلی که باعث شده شکارهای غیرمجاز زیادی هم در این استان انجام شود. صدور مجوز شکار چند برابر تعداد نیروهای محیطبان باعث شده تمام کارمندان محیط‌زیست مجبور باشند آخر هفته از مرخصی و استراحت خود بزنند تا خسارت کمتری به حیات گونه‌های جانوری استان وارد شود.

کمبود نیروی محیطبان از یک‌طرف و فصل شکار



نظارت‌ها را هم کم کرده است و شکارچانی که دنبال فرصتی هستند به حیات وحش گلستان هم تک تیراندازی‌هایی می‌کنند. وحوش استان گلستان دیگر در زیستگاه‌های خود نیز آرامش ندارند و پیچش صدای شلیک تفنگ، خواب از چشمان آن‌ها ربوده است.

خبرها نشان از تلف شدن گونه‌های جانوری مختلفی دارد و هیچ‌کدام از آن‌ها امنیت جانی ندارند. برای کسی که شکار می‌کند خیلی فرق ندارد پرنده بزند یا پلنگی که در حال انقراض است، به خرس شلیک کند یا قرقاول. جانوران از زمین و آسمان در امان نیستند و شکارچانی که اسلحه در دست و سودای شکار در سردارند به هیچ‌گونه‌ای رحم نمی‌کنند.

استان گلستان به دلیل وجود گونه‌های مختلف جانوری همواره مورد توجه شکارچیان بوده است و این افراد حتی بدون در نظر گرفتن قوانین شکار با گلوله‌های سربی به استقبال جانورانی می‌روند که بسیاری از آن‌ها گلستان را تنها برای استراحتگاه موقت سفر خود انتخاب کرده‌اند.

متأسفانه شکار پرندگان مهاجر که سواحل دریای خزر را برای زمستان‌گردانی خود انتخاب کرده‌اند این روزها به‌خصوص در آخر هفته که شکار مجاز است، رونقی دوچندان دارد. بعضی‌ها حتی روزهای شکار را به بازارهای هفتگی تشبیه کرده‌اند. روزهایی که خلیج گرگان پر از شکارچانی که پروانه صدور شکار مهر تأیید فعالیتشان است.

برخی نیاز مالی به این کار ندارند و برای تفریح می‌آیند که البته تعدادشان زیاد است و بعضی‌ها هم برای روزی خود و از روی نیاز شکار می‌کنند. از روی مدل‌های جدید اسلحه و هزینه‌های زیادی که برای تجهیزات جانبی خود می‌کنند می‌توان تشخیص داد که اکثر شکارچیان تفریحی جان گونه‌های زیبا را می‌گیرند. آنچه مهم است صدها هزار پرنده‌ای است که در طول فصل شکار اسیر تیر سربی شکارچیان می‌شوند.

حکایت صدور پروانه شکار پرندگان سازمان حفاظت محیط‌زیست مثل حکایت پدر و مادرهایی است که به فرزندشان دو چوب و طبل هدیه می‌دهند و می‌گویند این هم عیدی تو ولی یکجا بشین

سفر به «ابر» و دستاورد سرد یک تلاش رسانه‌ای وقتی سوپرمن در برف گیر افتاد!



محمد چراغلی



نخستین بار که درباره منطقه «ابر» گزارشی تهیه کردیم به سه سال قبل برمی‌گردد. آن زمان نوشتن درباره یک مسئله فرا استانی لذت خاصی داشت و هرگز به عکس العمل‌های بعد از آن فکر نمی‌کردم. موضوع احداث جاده‌ای در دل جنگل‌های تاریخی منطقه «ابر» بود که با مخالفت‌های فراوان محیط زیستی روبه‌رو شده بود.

تصورم این بود که مثل یک سوپرمن جلوی یک تخلف بزرگ را گرفته‌ام و حتماً یک استان بعد از مخالفت درباره احداث این جاده من را بالای دستشان می‌گیرند و هورا می‌کشند!

حتی ذره‌ای به ذهنم خطور نمی‌کرد که تنها ۲۴ ساعت پس از انتشار این گزارش مخالفان آن که عمدتاً از بومیان منطقه بودند، تمام روزنامه‌های روی دکه شهرستان‌های محدوده «ابر» را بخزند، به داخل دفتر سرپرستی روزنامه بریزند و همه آن‌ها را مقابل چشمانمان به آتش بکشند.

آن زمان سعی می‌کردم ترسم را نشان ندهم و خیلی عادی برخورد کنم. انگار که هفته‌ای یک‌بار این موضوع را تجربه می‌کنم، ولی خب همه می‌دانستند من چنین تجربه ندارم.

پس از سال‌ها دوباره هوای «ابر» به سر ما زد و این بار نه برای جاده بلکه برای آب بود. از بخت روزگار باید با بومیان منطقه برای حضور در منطقه هماهنگی می‌کردم. همه چیز در ظاهر آرام و من هم خوش‌بخت به نظر می‌رسیدم چون باید گزارشی از دغدغه همان بومیان تهیه می‌کردم و قرار بود دوباره مثل یک سوپرمن چالش بزرگ منطقه را حل کنم!

«ابر» هم به نظر می‌رسید روی خوشش را به ما نشان داده بود و همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا این که خودروی بومیان منطقه در برف گیر کرد. البته با همدلی و هم‌زبانی توانستیم خودرو را از برف نجات دهیم ولی دلهره‌ای در دلم افتاد. از طرفی خدا را شکر می‌کردم که خبرگزاری مثل روزنامه نیست که بتوان آن را آتش زد اما ولی پیش خودم گفتم نکنند «ابر» می‌خواهد این بار به جای آتش با

برف ضد حال بزنند!

داشتم در ذهنم روند نوشتن گزارش و وقایع پیش آمده از صبح را مرور می‌کردم. با خودم توضیحات خانم حسینی دبیر محترم خبرگزاری را چک می‌کردم تا بتوانم ورودی و مشاهده خوبی برای گزارش داشته باشم، که برای سومین بار در برف گیر افتادیم. البته این بار خودروی دوم ما بود که در چاله‌ای گیر کرد.

مطمئن شدم «ابر» روی خوشش را به من نشان نداده. به سرم زده بود برگردیم ولی باز پیش خودم گفتم همه از این که یک رسانه با سه خبرنگار و دو دوربین عکاسی و فیلم‌برداری برای تهیه گزارش از یک چالش منطقه‌ای به «ابر» آمده‌اند خوشحال‌اند. حالا اگر این وسط من قبل از رسیدن به منطقه اصلی جا بزنم چه می‌شود؟

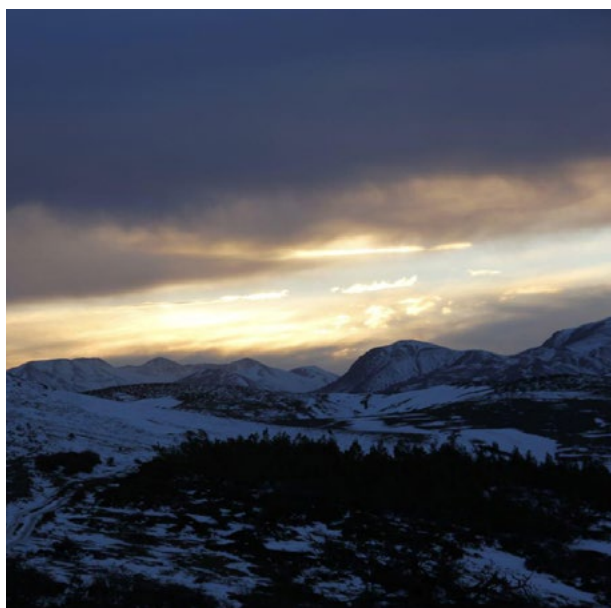
تلاش فراوان بومیان برای رسیدن به منطقه انگیزه‌ام را زیاد کرد و از طرفی هم خیالم از آن‌ها راحت شد که مانند

موضوع «جاده ابر» با ما اختلافی ندارند، ولی ذره‌ای تصور نمی‌کردم که این بار اختلافات داخلی آن‌ها کار دست ما دهد.

خلاصه این که برف «ابر» و اختلافات درون منطقه‌ای باعث شد تا خودروی دوم از ما جدا شود و میانبر را انتخاب کند و علی‌رغم همه تلاش‌ها به مقصد نرسد تا این بار با ورود هلال احمر رسانه خبرساز خود سوژه خبر رسانه‌ها شود.

ساعت‌ها پیاده‌روی، کندن برف‌ها با دست برای درآوردن خودرو و در آخر هم غروب زیبای کوهستان که یادآور حضور گرگ‌ها در منطقه بود تنها دستاورد تلاش رسانه‌ای ما برای تهیه گزارش از منطقه «ابر» شد.

این بار هم تسلیم برف «ابر» شدم ولی با بازهم به همان حس یک سوپرمن قاطع می‌گویم هیچ چیز نمی‌تواند جلوی یک خبرنگار را بگیرد!





رئیس اداره بهزیستی شهرستان گچساران هم می‌گوید: تاکنون همه خانواده‌های بی‌سرپرست و بد سرپرست در سطح شهرستان گچساران شناسایی و مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

مهران کشاورز اضافه می‌کند: خانواده پنج معلولی ترجمی ترجمی چندی پیش نیز در بازدید رئیس بهزیستی کشور و نماینده مردم گچساران و داشت در مجلس شورای اسلامی از منزل آن‌ها مورد مساعدت رئیس بهزیستی کشور قرار گرفت و طی نامه‌ای از سوی واحد توان‌بخشی بهزیستی گچساران مشکلات این خانواده به سازمان بهزیستی کشور گزارش شده است.

کشاورز ادامه می‌دهد: تاکنون سه فرزند معلول این خانواده تحت حمایت بهزیستی بودند که دو نفر دیگر نیز جدیداً تحت پوشش اداره بهزیستی قرار گرفته‌اند.

وی اضافه می‌کند: رفع مشکلات این خانواده‌های که تعداد آن‌ها در گچساران نیز کم نیست تنها با حمایت بهزیستی برطرف نمی‌شود و نیازمند مشارکت و حمایت خیرین و نیکوکاران نیز هستیم. حرف‌هایمان با خانواده ترجمی تمام می‌شود ولی مشکلات معلولان ذهنی و جسمی آن قدر در جامعه ما ریشه گرفته که رفع آن همت می‌خواهد و دغدغه، همتی از سر خیرخواهی افرادی که می‌توانند گره‌گشا باشند و دغدغه‌ای از سوی مسئولانی که برای چاره‌جویی پشت میزهایشان نشست‌اند.

میان وی و فرزندانش است شاید بتواند به‌عنوان یک الگوی مؤثر در خانواده‌های ما معرفی شود.

زمانی که سن فرزندان را از مادر خانواده جویا می‌شویم از شدت گرفتاری و ناراحتی از سرنوشت آینده فرزندان حتی سن یک نفر از فرزندان را نیز به خاطر نمی‌آورد. مادر از علاقه‌مندی پیمان ۲۳ ساله به موسیقی، مسعود ۲۴ ساله و کیانوش ۲۵ ساله به فوتبال و محمود ۲۹ ساله به کارهای خانه می‌گوید، دریغ از اینکه می‌داند فرزندان نمی‌توانند بسیاری از آرزوهای خود را با توجه به معلولیت محقق کنند. هرچند آرزوی مادر خانواده چندان آرزوی بزرگی برای خیلی از انسان‌های اطراف ما نیست اما داشتن سرپرستی برای فرزندان پس از مرگ بزرگ‌ترین آرزوی این مادر رنج‌دیده است.

وی مسائل مالی را از دیگر معضلات پیش روی خود و خانواده‌اش می‌داند و اضافه می‌کند: تاکنون هیچ‌گونه کمکی از فامیل یا مسئولان دریافت نکرده‌ام و این مسئله گذران زندگی را برای ما سخت کرده است.

مادر خانواده در ادامه از همه مسئولان خواست تا در خصوص خانواده‌هایی که دارای شرایطی همچون خانواده وی هستند اقدامات حمایتی بیشتری انجام دهند. وی می‌گوید: فرزندان من سالیان سال است که در خانه هستند و بدون هیچ‌گونه فعالیت روزگار سختی را سپری می‌کنند.

روایت خانواده‌ای با پنج معلول؛ لبخند پیمان، اشک‌های مادر



امین دهقانی

ما در خصوص اینکه به چه چیزی علاقه داری با همه مشکلاتی که در صحبت کردن داشت با اشاره به ضبط‌صوت موجود در اتاقش علاقه خود به موسیقی را به ما نشان می‌داد.

از علاقه پیمان ۲۱ ساله به گوشی تلفن همراه همانا که هرگاه تلفن همراه ما زنگ می‌خورد با همه سختی در گفتار وی پاسخگوی تلفن‌های ما می‌شد.

پیمان ترجمی که متأسفانه به گفته مادرش به دلیل یک بیماری موهای خود را از دست داده بود تنها دل‌خوشی‌اش عکس پدر مرحومش بود که در گوشه‌ای از اتاق نصب شده و عکاس ما با دادن دوربین خود به این جوان معلول آرزوی او را هرچند کوتاه برآورده کرد، و متذکر شد که حتماً در گزارشتان عکس پدرم را نیز بزنید که در این لحظه اشک مادر و خواهر خانواده سرازیر شد.

مسعود پسر معلول دیگر خانواده که ۳۴ سال سن دارد تنها آرزوی خود را رفتن به مشهد وزارت امام رضا (ع) می‌داند، مسعود که روزگار خود را تنها در خانه سپری می‌کند قادر به هیچ‌گونه فعالیت دیگری نیست.

محمود پسر ۲۹ ساله خانواده ترجمی که به قول مادر خانواده در کارهای خانه بیشتر همکاری می‌کند نیز از معلولیت ذهنی رنج می‌برد و تنها آرزوی خود را رفع مشکلات اعضای خانواده‌اش می‌داند.

مادر خانواده ترجمی که زنی زجرکشیده است، با ابراز تأسف از وضعیت معلولیت فرزندان خود می‌گوید: نگهداری از هفت فرزند معلول ذهنی کار بسیار دشواری است. وی اضافه می‌کند: تاکنون پنج فرزندم تحت پوشش اداره بهزیستی گچساران قرار گرفته‌اند و با یک مستمری بازنشستگی همسر مرحومم گذران زندگی می‌کنیم. این مادر که با چشمانی اشک‌بار تنها نگرانی خود را نگهداری فرزندان پس از خودش عنوان می‌کند، ادامه می‌دهد: تاکنون هیچ اداره‌ای برای حل مشکلات فرزندانم کمکی به ما نکرده است.

وی بایان اینکه محمود، فرزند بزرگ ۴۵ ساله‌اش در بیمارستان صنعت نفت گچساران کارهایی نظیر نام‌رسانی را انجام می‌دهد می‌گوید: فرزندش تاکنون به دلیل معلولیت ذهنی نتوانسته در بیمارستان استخدام شود.

مادر خانواده ترجمی از داشتن دو دختر دیگر در خانه نیز خبر می‌دهد که آن‌ها نیز قادر به انجام کاری نیستند و تنها در کارهای خانه به وی کمک می‌کنند.

زندگی این پنج معلول ذهنی اگرچه با سختی‌های بسیاری گذران می‌شود اما روحیه بالای مادر خانواده و صمیمیتی که

گاهی پس از فراغت از کار روزمره و مشغله‌های زندگی اگر نگاهی کوتاه به زندگی افراد بیندازیم با اتفاقات تلخ و شیرین در زندگی دوروبری‌هایمان روبرو می‌شویم.

از آغاز سپیده‌دم تا غروب آفتاب هریک از مردم شهر من در خلوت خود با مصائب و مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، هرچند این مشکلات ممکن است تأثیر زیادی در زندگی همه ما نداشته باشد اما وقتی به عمق لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه پیرامون خود نگاه می‌کنیم خواب شب برای هر کدام از ما سخت می‌شود. انتخاب بعضی سوژه‌های خبری گاهی تا مدت‌ها ذهن خودمان و قلممان را درگیر می‌کند، مثل این روایت که هنوز با خودش درد دارد، هر بار که مرور می‌شود، باز هم تلخ است و با خودش رنج می‌آورد. ورود به عمق مشکلات یک خانواده فقیر، با هفت فرزند که پنج نفر از آن‌ها دارای معلولیت ذهنی هستند تن هر خواننده‌ای را به لرزه درمی‌آورد.

خانواده ترجمی ماجرای خانواده‌ای است در گچساران که با داشتن پنج فرزند معلول ذهنی از داشتن پدر نیز محروم است و اکنون تحت سرپرستی مادر سقف خانواده حفظ شده است.

خانواده هشت‌نفره ترجمی روایتی از هفت فرزند بانام‌های داریوش، مسعود، کیانوش، محمود، پیمان، کبرا و زهرا است که تحت سرپرستی مادر خانواده نگهداری می‌شوند و امکان داشتن یک زندگی معمولی برای آن‌ها دشوار است.

پس از آنکه برای تهیه گزارش با مسئول توان‌بخشی اداره بهزیستی گچساران هماهنگی‌های لازم به عمل آمد هرگز پیش‌بینی یک چنین سوژه‌ای را نکرده بودم اما این بار موضوع کاملاً فرق می‌کرد و من باید راوی داستان پنج انسانی می‌شدم که خود قادر به بیان عمق مشکلاتشان نبودند و مادری که به قول خودش هرگاه درب خانه‌اش به صدا درمی‌آید امید به این دارد کسی برای حمایت از فرزندان معلولش آستینی بالا بزند.

پس از هماهنگی‌های لازم برای تهیه گزارش راهی خانه خانواده پنج معلولی یا شاید به قول مادر خانواده هفت معلولی گچسارانی شدم و پس از استقبالی گرم و غیرقابل‌انتظار خانواده ترجمی سر صحبت‌مان باز باشد.

ورود ما با استقبال پیمان پسر دارای معلولیت ذهنی با یک دوربین عکاسی قدیمی همراه شد که شروع سؤالات گزارش ما از این پسر معلول ۲۱ ساله رقم خورد.

پیمان که علاقه بسیاری به عکاسی و موسیقی داشت بارها وقتی در مقابل سؤال

به جامانده از نهمین نمایشگاه کتاب گلستان

فصل سرد استقبال و طوفانی که یار مهربان را برد



زهره خورشید کلایی



برگزاری نهمین نمایشگاه کتاب گلستان در روزهای پایانی فصل پاییز شاید مهم‌ترین رخداد فرهنگی این فصل استان بود.

سال گذشته به دلایل مختلف شاهد برگزاری نمایشگاه کتاب در گلستان نبودیم و گمان می‌شد امسال تعداد زیادی از علاقه‌مندان کتاب را برای جبران سال قبل به این نمایشگاه بکشاند، اما آنچه رخ داد استقبال سرد مخاطبان از کتاب بود.

این استقبال سرد هر چند باید واکاوی عمیق‌تری شود اما در نگاهی اولیه به این موضوع می‌توان از زمان نامناسب برگزاری این نمایشگاه به عنوان یک عامل اساسی نام برد.

روزهای پایانی ماه صفر و شب‌های سرد پاییزی که باد و طوفان خسارت‌هایی هم به نمایشگاه زد، نزدیک بودن فصل امتحانات دانش‌آموزان، دور بودن نمایشگاه کتاب گلستان از مرکز شهر و اطلاع‌رسانی نامناسب این رخداد مهم فرهنگی را شاید بتوان دلایل اصلی استقبال کم مخاطبان از این نمایشگاه عنوان کرد.

استقبالی که صدای ناشران حاضر در این نمایشگاه را نیز بلند کرد و حتی برخی از آن‌ها حاضر بودند نمایشگاه در همان روزهای ابتدایی مهر پایان یابد.

در صحبت با ناشران برجسته کشوری که در نمایشگاه حضور دارند دریافتیم که آن‌ها به دلیل صیغه خوبی که نمایشگاه گلستان در استقبال از کتب و خرید کتاب داشته در این نمایشگاه حاضر شدند و حالا با تعجب به غرفه‌های خالی از بازدیدکننده نگاه می‌کنند و می‌گویند اگر تا روز آخر نمایشگاه به همین منوال باشد دیگر عطای شرکت در این نمایشگاه را به لقای آن می‌بخشیم. عده‌ای هم که در حیاط نمایشگاه بساط پهن کرده بودند طوفان همه داروندارشان را برهم زد تا سناریوی سردی استقبال و هوا با خسارتی که دیدند کامل شود. در این میان سخن بازدیدکنندگان هم شنیدن داشت. عده‌ای ادعا داشتند در این نمایشگاه همه عناوین

و رشته‌ها حضور ندارند و نتوانسته‌اند در بسیاری از رشته‌ها کتاب‌های موردنیاز خود را پیدا کنند.

حضور فعال کتاب‌های کمک‌آموزشی و نرم‌افزار در کنار مشارکت کم‌رنگ انتشارات سرشناس و کتاب‌های پرفروش سال، باعث شد آن عده کمی هم که به نمایشگاه آمدند، دست‌خالی برگردند.

البته برخی هم مشکلات اقتصادی را دلیل اصلی کاهش خرید مردم در بحث کتاب عنوان می‌کردند. به نظر می‌رسد اگر برنامه‌ریزی مدونی برای حضور دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی و همچنین دانشجویان طی روزهای نمایشگاه انجام می‌شد، می‌توانست به رونق بیشتر نمایشگاه منجر شود ولی در عمل شاهد این موضوع نبودیم.

شاید همه دلایلی که گفته شد را بتوان به حساب استقبال کم مخاطبان از نمایشگاه گذاشت ولی این، همه

ماجرای غربت یار مهربان نیست. از دیدگاه فعالان فرهنگی و رسانه‌ای استقبال کم مردم از نمایشگاه کتاب دلایل دیگری هم دارد. با توجه به گسترش فضای مجازی و ظهور و بروز ابزارهای چندرسانه‌ای اشتیاق مردم روزبه‌روز به کتاب مکتوب کمتر می‌شود.

مشکل اصلی مردم ما این است که کتاب نمی‌خوانند و نه تنها مردم عادی بلکه قشر تحصیل کرده ما اعم از پزشکان، اساتید و دانشجویان و مهندسان و از همه مهم‌تر مسئولان ما نیز کتاب نمی‌خوانند و مطالعه داشتن دغدغه مردم ما نیست.

بخش قابل‌توجهی از مردم ما حاضرند همه نوع هزینه را داشته باشند و از انواع تکنولوژی و آخرین مدل گوشی‌های در بازار را خریداری می‌کنند، گران‌ترین رستوران‌ها را هر روز امتحان می‌کنند، ولی در رابطه با کتاب هزینه کردن را ضروری نمی‌دانند.

در شهری مثل گرگان که هر هفته شاهد افتتاح فست فود و رستوران جدید هستیم، کمتر پیش می‌آید که در طول یک سال بشنویم و یا جایی تبلیغ شود که فلان کتاب‌فروشی راه‌اندازی شد.

برخی می‌گویند مردم در فضای مجازی کتاب می‌خوانند اما آمارها نشان می‌دهد اعضای شبکه‌های مجازی فرهنگی یا مرتبط با کتاب بسیار کمتر از شبکه‌های سرگرمی و جوک است. از طرفی آنچه در هجده‌های فضای مجازی بیش از همه گم‌شده، معرفی کتاب و کتاب‌خوانی است.

در شرایطی که مردم هزینه و وقت خود را برای حضور در شبکه‌های مجازی و یا صرف غذا در فست فودها می‌گذرانند، به نظر می‌رسد برگزاری یک نمایشگاه کتاب با حضور حداکثری نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تری بخواهد.

برنامه‌ریزی که علاوه بر شناخت نیاز مخاطبان کتاب‌خوان و بتواند کتاب‌خوان‌ها را هم جذب کند. اما باید بدانیم موضوع مطالعه فقط در مسئولیت یک نهاد مانند ارشاد نیست بلکه باید عوامل و نهادهای مختلفی از جمله رسانه، خانواده و آموزش در این باره نقشی اساسی را ایفا کنند.



خسارت طوفان به نمایشگاه کتاب گلستان

سیده فاطمه هلاّت - خبرنگار
اعزامی به شلمچه



روایتی از مرز شلمچه

«اربعین» امتداد سرخ عاشقی از کربلا تا کربلا

اینجا هر گوشه‌اش را می‌شد قلاب کرد، نقش خاطره زد. مبین آن کوچک خادمی که خاک از پای رهگذران می‌ربود، آنجا پدر پیری هم بود که از زائران به تمنا می‌خواست مهمان سفره‌اش باشند، اینجا مادر بزرگی بود که هر چه داشت گونی آردی بیش نبود و تنها توانش پخت نان و دختران و پسران بسیاری که اگر خانه خودشان بودند دست به سیاه‌وسفید نمی‌زدند اما اینجا در این برهه خاص و در این فضای روحانی هر چه توان داشتند برای خادمی هزینه می‌کردند. هوا بوی اسپند می‌داد، بوی خوش چای زغالی با چاشنی دلدادگی؛ اینجا گوش‌ها هم بهتر می‌شنید، نوای نوحه و ضرب‌آهنگ عزاداری عزاداران با هر ملت و از هر نژاد.

اینجا گذرگاه عاشقان بود، عرب و عجم و آذری و ازبکی و پاکستانی و افغانی نداشت همه با پرچم‌های مختلف باهدفی واحد راهی شده بودند و سفره اهل بیت برای همه پهن شده بود.

اینجا همان خرمشهر است، همان خونین شهر سی و اندی سال پیش و باهمه همه آمده بودند، از سراسر ایران، به شلمچه، به نخستین خاکریز دفاع مقدس. باهم برخی بی‌سیم‌چی بودند، نه با آن بی‌سیم‌های بزرگ و سنگین زمان جنگ؛ اما پیام‌های رد و بدیده این بی‌سیم‌چی‌ها همان امتداد «یا زهرا» بود، امتداد شعار «یا حیدر».

اینجا شلمچه بود، بوی خاک می‌داد همه‌جا، بوی عاشقی پخش شده بود در سراسر پهنه خاکریزها. اینجا و در این قطعه بهشت هنوز برخی بر خاک‌های سرد نشستند و با نغمه یا حسین، مروارید از ژرفای وجود می‌تراویدند و در این دیار عاشقی عزم رفتن کردند.

اینجا شلمچه گویی به آخر دنیا بدل شده بود، مرد و زن و پیر و جوان نداشت همه آمده بودند و یک‌صدا تکرار می‌کردند تا طنین صدای پیراهن این شیعیان محب مسیر سرخ سیدالشهدا را به افلاک برسانند و دوباره به سجده درآورند ملائکه را و هم‌نوا کنند آن‌ها را با راهیان دشت نینوا و همه باهم در این بزرگ مانور تشییع هم دل و هم‌صدا فریاد زنند: «لیک یا حسین»، «لیک یا زینب».

«اربعین»؛ کلمه‌ای که از یک ماه قبل ورد زبان خیلی‌ها شده بود و هر چه به این اربعین نزدیک می‌شدیم شور و شوق و تب این بزرگ چهلم تاریخ بیشتر خودنمایی می‌کرد.

شلمچه در اربعین غربت نداشت هیچ‌کس غریب نبود، همه آشنا بودند، همه عاشق یک معشوق بودند و بی رقابت یاری می‌داند برای وصل به آن معشوق. همه خیره بودند به دروازه خروج، به نقطه صفر مرزی و آن گیت‌های سرد سنگی و استشمام می‌کردند بوی حسین (ع) را از پس مرزها و فاصله‌ها. اینجا و در کربلا ایران زمین هم علم بود، همه خیمه، هم علمدار و هم کودک شیرخواره؛ اینجا بهراستی کربلا بود و تعبیر هزارساله «ما رایت الا جمیلا»، همه‌چیز زیبا بود همه‌چیز...

حال و هوای شلمچه در اربعین حال و هوای عجیبی بود، مردی خمیده قامت می‌دیدم با عصایی بر دست که با سرعت راه می‌رفت، شاید بیم داشت توانش را به تردید نگرند و یا شاید اراده‌اش توانش را دوچندان ساخته بود.

اینجا پدر بزرگ دیگری هم بود، قدمی برمی‌داشت و بر زمین می‌خورد و مردم لباس‌های خاک‌آلودش را می‌تکاندند و بر می‌خواست و می‌رفت و باز زمین می‌خورد و چه زیبا ناگفته «یا عباس» را هجی می‌کرد. در شلمچه شوق دخترک یتیمی را هم دیدم که «فاطمه» نام داشت، می‌گفت سفر کربلا را دوست دارد، می‌گفت دوست دارد سوره بروج بخواند، با شیطن لیخن زد و گفت: همین‌طور اروپا. و از پی آن چشمانش برق خاصی زد و محکم‌تر گفت: «اما کربلا را بیشتر از همه جا دوست دارم».

می‌گفت: «آنجا بوی خوبی دارد» بوی خوبی که توانست توضیحش دهد. اما از چشمانش می‌توانستی بخوانی آنجا بوی بابا می‌داد، بوی بابای رقیه سه‌ساله دشت نینوا را.

آنجا چشمان اشک‌آلود هم بود، اشک زنانی که جامانده بودند، از راه دور آمده بودن با امید گذر آسان بدون ویزا و یا با گذرنامه دیگری و امید داشتن به رفتن و از سوز گریه می‌کردند که طلیده نشدند.

مجتبی کاور - خبرنگار اعزامی
مهر به مرز مهران



اینجا مرز مهران است

روایت اشک‌های اتباع افغانی و خادمی که عزادار شد

در چند سال اخیر شهرستان مهران میزبان زوار ابا عبدالله الحسین بوده و همین سبب شد که امسال نیز این شهرستان بار دیگر در کانون توجهات قرار بگیرد.

مهران روایتی از سال‌های دیروز دفاع مقدس است و عنوان دروازه شهادت تا امروز میزبانی زائران سیدالشهدا و دروازه ورود به عتبات عالیات، اینجا همان جایی است که «خدا آن را آزاد کرد».

امسال با کلید زدن پرونده پیگیری تأمین زیرساخت‌های اربعین در خبرگزاری مهر تلاش شد گامی برای بهبود زیرساخت‌های این شهرستان برداشته شود، هرچند که هنوز راه تا بهبود اوضاع در این شهرستان مرزی همچنان باقی ست.

شرایط سخت انعکاس اخبار

حضور زوار از سراسر کشور در شهرستان مهران سبب شد که مسئولان کشوری و لشکری زیادی به مرز مهران سفر کنند ولی چون در پایانه مرزی مهران مکان یا محلی برای کنفرانس خبری در نظر گرفته نشده بود همین امر سبب شد که شرایط کار برای انعکاس اخبار سخت شود تا امیدواری برای حل این مشکل به سال آینده موکول شود.

با این حال خبرگزاری مهر توانست همه اخبار مسئولان را چه به‌صورت اختصاصی و چه جمعی به‌خوبی پوشش دهد به‌طوری‌که خبرنگاران مهر تا پاسی از شب در پایانه حضور داشتند و اخبار را در کمترین زمان ممکن منتشر می‌کردند، تجربه‌ای در نوع خود سخت ولی خواستی و دوست‌داشتنی.

اشک ریختن اتباع افغانی در مرز مهران

شرایط عبور زوار در مرز مهران باعث شده بود علاوه بر هم‌وطنان ایرانی برخی از اتباع خارجی به‌خصوص افغانی برای رفتن به کربلا مرز مهران را انتخاب کنند ولی مصوبه شورای امنیت ملی از یک‌سو و نپذیرفتن طرف عراقی از سوی دیگر خروج اتباع از مرز مهران را نشدنی کرد تا اتباع افغانی پشت مرز مهران بمانند. در گفتگوهایی که با اتباع افغانی شکل گرفت خیلی از آن‌ها با ریختن اشک و خواندن دعا و آیت‌الکرسی دنبال راهی برای رفتن کربلا بودند، اینجا در مرز مهران ملیت آدم‌ها حرفی برای گفتن نداشت، مکتب و کیش و آئین همگی حسینی بود و حیدری.

مرگ دل‌خراش خانواده خادم حسین در سانحه تصادف

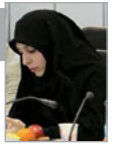
مرز مهران امسال شاهد پا گرفتن موکب‌های پذیرایی از زائران حسینی بود، موکب‌هایی که باهمت خودجوش مردمی برپا شد و با عشق و ارادت خادمان حسین رونق گرفت.

تهیه خیر و گزارش بهانه‌مان بود برای سرک کشیدن به موکب‌ها و هم‌کلام شدن با خادمان زائران حسین (ع)؛ در موکبی جوانی را دیدم که خانواده‌اش راهی سفر کربلا شد و خودش ماند تا خدمت کند؛ اما این همه ماجرا نبود.

خانواده این جوان در برگشت از کربلا در مسیر مهران به دهلران بر اثر سانحه تصادف جان خود را از دست می‌دهند، خبر تصادف را خبرنگاران زودتر از همه شنیدند، هرکسی به ابزاری تلاش می‌کرد تا به بهانه‌ای پسر جوان را راهی خانه‌اش کند، بهانه آخر تعویض نوبت بود و استراحت، برخی از فعالان موکب با مرد جوان راهی شدند تا شاید در مسیر آرام‌آرام همه‌چیز را بگویند؛ این مرز مهران است، و هیچ چیز از تکاپوی خادمان برای خدمت به زوار نمی‌کاهد.



معصومه نوروز پور - خبرنگار
اعزامی به کربلا



به وقت عمود ۱۴۰۰

اینجا بهشت روی زمین است

نزدیک ظهر است باعجله وضو گرفته و با سرعت مسافت طولانی محل اسکان تا حرم را با پای پیاده طی می کنیم تا به نماز جماعت در حرم امیر و مولای شیعیان برسیم. تا کیلومترها نزدیک حرم خودروها حق عبور نداشتند و مجبوریم این مسافت را با پای پیاده طی کنیم که البته عشق رسیدن به حرم و دیدن ایوان نجف نمی دانم چگونه به حرم می رساندمان.

از سه محل گشت یا به قول عراقی ها «تفتیش» که بافاصله نسبتاً دور از هم و در مسیر حرم قرار دارند می گذریم و می رسیم. با درسته مواجه می شویم و از صحبت های ایرانیان اطراف حرم که تعدادشان کم هم نیست متوجه می شویم که به دلیل پر شدن ظرفیت داخل حرم درها بعد نماز بسته شده و باز نمی شوند.

بدلی گرفته از نداشتن توفیق شرکت در نماز جماعت حرم جای کوچکی روی فرش ها پهن شده اطراف حرم پیدا کرده و نمازمان را می خوانیم و بعدش فرصت دست می دهد تا دور و اطراف را ورنه انداز کنیم.

مسیرمان از بازار سرپوشیده نجف می گذشت و عجله برای رسیدن به نماز جماعت زمان رفت اجازه دیدن بازار را نداد، بازاری که خیابان های کوچک و تنگش مملو از زائران بود و مغازه هایی که همه چیز در آن ها دیده می شد.

بوی فلافل عراقی برای ایستادن در صف ترغیمان می کند، از فلافل عراقی ها زیاد شنیده ولی هنوز موفق به خوردنش نشده بودیم، در صف می ایستیم تا طعم این خوردنی عراقی هم لایه لای خاطر اتمان از این سفر جا پیدا کند.

عراق فقط کربلا و نجف نیست، راهی کوفه می شویم، جایی که با شنیدن نام آن اولین چیزی که در ذهنمان تداعی می شود ۱۸ هزار نامه کوفیان به امام خوبی هاست، آمده ایم تا پس از زیارت و اسکان چندروزه در نجف در مسجد کوفه و سهله و مرقد مطهر میثم تمار ادای احترامی کرده و راهی کعبه دل ها شویم.

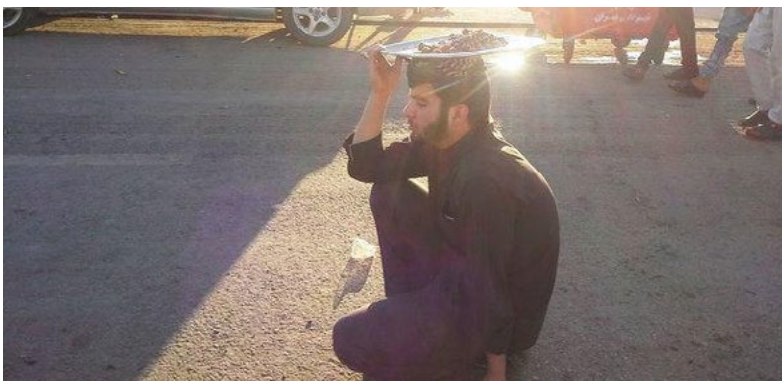
کوفه برایمان دل تنگی و احساس غربت می آورد، از نخلستان های زیبای کوفه می گذریم و برای اقامه نماز در خانه ای که صاحبش دم در ایستاده و اصرار دارد زائران در خانه اش نماز خوانده و ناهار بخورند توقف می کنیم.

خانم جوانی با فرزندان قد و نیم قدش و استقبالی گرم، خوشحالی خود را از ورود ما به خانه شان نشان می دهند؛ خانه ای کوچک و فقیرانه در عین حال بسیار تمیز و خواستنی؛ انگار با همه غربت کوفه، اینجا حس آشنایی همراهت می کند.

اینجا حداقل نجف تا کربلا عمود ۲۸۵ موکب امام رضا (ع) است، برای استراحت توقف می کنیم، موکبی که شکل ورودی و حتی شکل حیاط آن آدم را به یاد کیلومترها دورتر یعنی حرم مطهر امام رئوف می اندازد. پیاده روی روز قبل در بیداری تنبلمان می کند اما به سختی بیدار شده و پس از اقامه نماز جماعت صبح باز راهی می شویم که هیچ توقفگاهی در این سفر شیرینی مقصد اصلی را ندارد.

عمودها را یکی یکی می شماریم تا زود برسیم، مرد مسنی به حالت لبخند به دوستانش می گوید: «نمی گید یه پیرمرد باهاتونه مراعات حال من پیرمرد را بکنید» و همه می ایستند تا پیرمرد به قدم هایشان برسد.

اینجا عمود ۱۳۰۰ است، حال عجیبی در دلم دارم جلوتر رفتن بیشتر دلم را هوایی و سرعتم را بیشتر می کند، از عمود ۱۴۰۰ هم که داخل شهر کربلاست می گذریم، کم کم گنبد طلایی دیده می شود، میخکوب می شوم و دست به سینه اشکها روی گونه هایم آوار می شود، این اشکها حرف دلم را می زنند، اینجا جنس زمینی ندارد و به قول عراقی ها «جنه الله فی ارضه»، اینجا بهشت روی زمین است.



در این شماره از بخش جامعه ایران از معضلات سر به مهر گوشه گوشه این خاک پهناور می‌گوییم از روزگار ناخوش دریاچه ارومیه تا دل خون «سیر خون»، از حجره‌های خسته بازار همدان تا مهمان ناخوانده تالاب‌های گیلان و محرومیت‌های ۳۰ ساله ایلام.

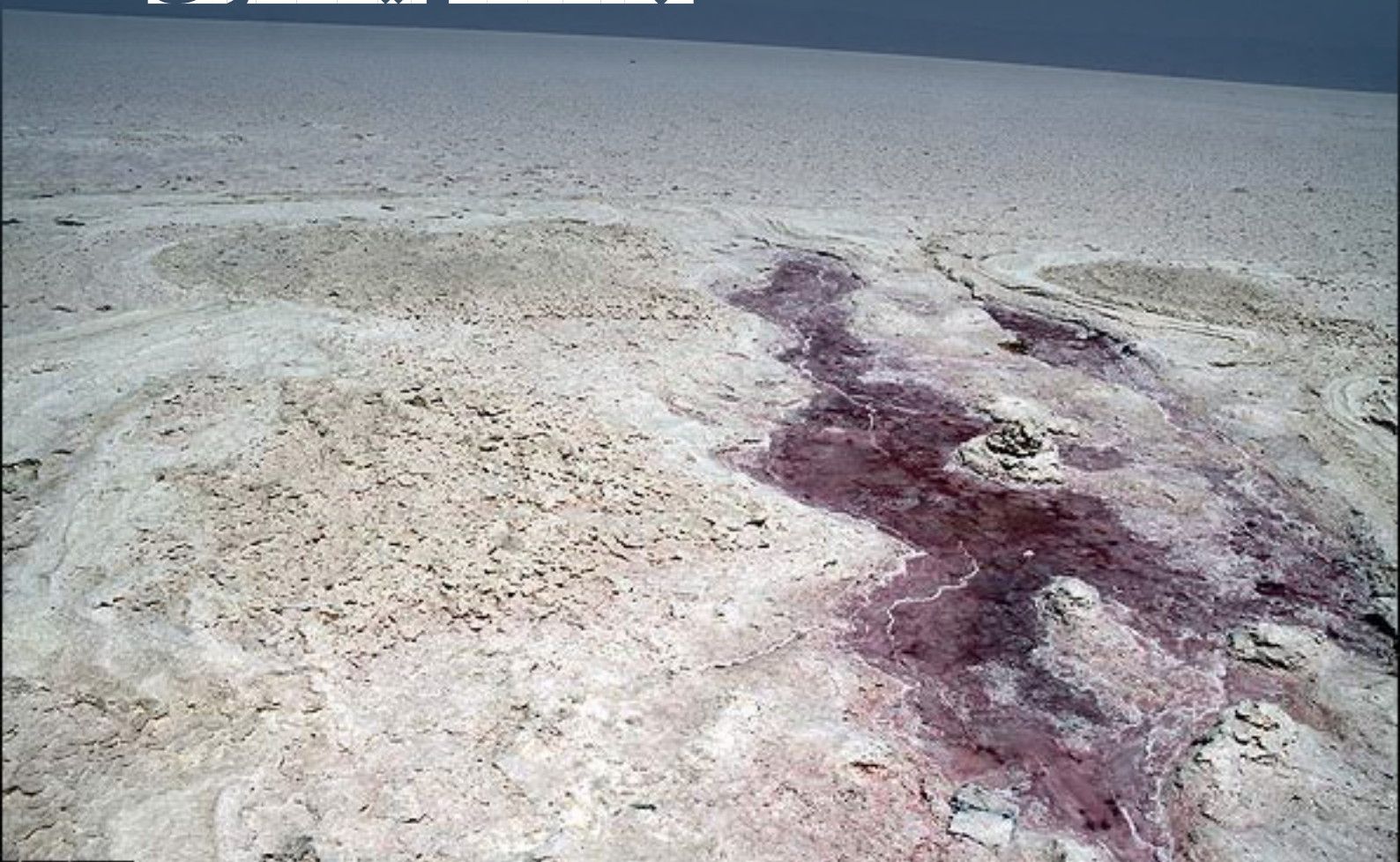
■ «هوبره» این روزها حال و روز خوشی ندارد، پرنده‌ای که شکار و قاچاق آن به کشورهای حوزه خلیج فارس به علت علاقه زیاد شیوخ عرب، خراسان رضوی را به محلی برای جولان قاچاقچانی که چشمانشان را بر اثر شدت نور دلار بر روی طبیعت بسته‌اند تبدیل و نسل این پرنده را در آستانه انقراض قرار داده است.

■ محیط بانان گلستانی پای محیط زیست استان خود بدون سلاح ایستاده‌اند و خم به ابرو نمی‌آورند. آنها فقط یک سخن با مسئولان دارند: یک ماه بیاوید در عرصه حضور داشته باشید، نگران جای جای منطقه مورد حفاظت خود باشید، با دیدن شکارچی، بی‌خیال اسلحه‌اش دل را به دریا بنزید، یاد همکاران که تیر خورده بیفتید و تصویر فرزندان را گوشه قلبتان می‌خکوب کنید، آخر ماه هم ۸۹۰ هزار تومان دریافتی داشته باشید.

■ صورتت را پوشانده‌اند، انگار که دیدنی نیست، اما من دوست دارم تو را ببینم نترس کسی دست به پوست سوخته ات نمی‌زند، پوستی که حالا تحمل حتی یک بوسه را هم ندارد، صورتی که دو برابر جان آدمیزاد قیمت دارد دیدنی است، آنچه را تو فروخته‌ای خدا خریده است.

■ هفت سال از روزگاری می‌گذرد که دریاچه بختگان در استان فارس شیره وجودش را از دست داد، از زمانی که خشکسالی و بی‌مهری آسمان فلامینگوهای این دریاچه را با بالهای پوشیده از نمک در میان نمکزارها دفن کرد. هفت سال گذشت و هنوز فلامینگوها به تالاب نیامده‌اند.

جامعه ایران





حیات وحش آذربایجان غربی امنیت ندارد وقتی قانون بازدارنده نیست



طبیعت زیبا، تنوع آب و هوایی، جریان رودهای فصلی و دائمی، وجود هزاران چشمه قنات و پارک ملی دریاچه ارومیه، آذربایجان غربی را به لحاظ امکانات زیست محیطی و تنوع زیستی از سایر استانها متمایز کرده است.

۱۷۶ شکارچی غیرمجاز شناسایی و دستگیر شده‌اند

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی در گفتگو با خبرنگار ما در خصوص وضعیت شکارمجاز و غیرمجاز در استان گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۱۷۶ شکارچی غیرمجاز در استان شناسایی و به مقامات قضایی معرفی شده‌اند.

محمد خلیلی با بیان اینکه در این مدت ۴۸ اسلحه شکاری نیز کشف و ضبط شده است افزود: متأسفانه با وجود اطلاع رسانی‌های گسترده مبنی بر ممنوعیت شکار در مناطق ممنوعه و تحت حفاظت محیط زیست استان و نیز مناطق آزادی که مامن حیات وحش است شاهد حضور شکارچیان غیرمجاز هستیم.

وی در خصوص اینکه آیا یگان حفاظت محیط زیست استان قادر به شناسایی و دستگیری تمام شکارچیان غیرمجاز است پاسخ داد: شناسایی تمامی شکارچی‌های غیرمجاز امکان پذیر نیست اما کنترل این معضل زیست محیطی نیازمند نیروی انسانی و تجهیزات ویژه در یگان‌های حفاظت است.

خلیلی با اشاره به اینکه هم‌اکنون ۱۰۰ نیروی مسلح یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی به صورت شبانه‌روزی مشغول رصد و حفاظت از مناطق زیست محیطی استان هستند اظهار داشت: این تعداد نیرو در مقایسه به وسعت بالای مناطق زیستگاهی در استان بسیار کم است.

وی با اشاره به اینکه بر اساس استانداردهای جهانی به ازای هر سه هزار هکتار منطقه حفاظت شده زیست محیطی باید یک نیروی حفاظتی مستقر باشد عنوان کرد: این حالی است که ما برای رسیدن به این استاندارد فاصله زیادی داریم به طوری که هم‌اکنون در منطقه حفاظت شده مراکان که ۳۰ هزار هکتار است تنها ۲۰ نیروی یگان حفاظت مستقر است.

آذربایجان غربی به ۱۲۰ نیروی یگان حفاظت محیط زیست نیاز دارد

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی کمبود نیروی انسانی به همراه تجهیزات در یگان‌های حفاظت محیط زیست را یکی از عوامل مؤثر در سودجویی شکارچیان غیرمجاز عنوان کرد

آذربایجان غربی سرزمینی است با طبیعت خاص در تابستان و بهارش پوشیده از لاله، شقایق، نرگس، سوسن و سنبل و در پاییز و زمستان تالابها، مردابها آبگیرها و سواحل و جزایر دریاچه ارومیه‌اش، میعادگاه و زیستگاه صدها نوع پرنده وحشی بومی و مهاجر و رودهای آن محل زندگی آبزیان منحصر به فرد است.

گوزن زرد، قوچ، میش ارمنی، انواع کل، مرغ آتشین، فلامینگو، انواع مرغابی‌ها، پلیکان، تنجه، قو، عروس غاز، غاز خاکستری، درنای طنار، درنای خاکستری، اردک سرسبز، آنقوت، کرکس، قرقی، عقاب طلایی، دلیجه، کبوتر چاهی، پلنگ ایرانی، انواع خفاش‌ها، سیاه‌گوش از ذخایر ارزشمند حیات وحش در این استان به شمار می‌روند.

بر اساس استانداردهای جهانی به ازای هر سه هزار هکتار منطقه حفاظت شده زیست محیطی باید یک نیروی حفاظتی مستقر باشد. هم‌اکنون در منطقه حفاظت شده مراکان که ۳۰ هزار هکتار است تنها ۲۰ نیروی یگان حفاظت مستقر است

هم‌اکنون وجود ۵۴ گونه پستاندار، ۲۸۶ گونه پرنده، ۵۹ گونه خزنده، ۲۶ گونه انواع ماهیان، ۱۵۰۰ گونه گیاهی در استان ثبت شده است.

با وجود اینکه آذربایجان غربی به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی به عنوان یکی از زیستگاه‌های مهم حیات وحش و گونه‌های گیاهی کشور شناخته شده هم‌اکنون ۳۸ گونه جانوری در این استان در لیست انقراض قرار دارد، تهدیدی که بخشی از آن ناشی از شکار غیرمجاز و سودجویی برخی افراد ناآگاه است.

متأسفانه در سالهای اخیر افزایش بی‌رویه شکار غیرمجاز به تهدید اساسی در این بخش تبدیل شده است. در این میان با وجود تصویب قانون بازدارنده و نیز ممنوعیت شکار در مناطق حفاظت شده در کشور هر روز شاهد صید هزاران گونه نادر هستیم.

حیات وحش در استان کشف نمی‌شود
رئیس اداره حیات وحش حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی در خصوص تهدیدات موجود حیات وحش استان گفت: متأسفانه در کنار برخی چالش‌ها از جمله تخریب مراتع و زیستگاه‌ها، کم‌آبی و خشکسالی افزایش شکارهای بی‌رویه حیات وحش در استان تهدیدی جدی برای این موضوع زیست محیطی شده است. امید یوسفی با بیان اینکه فراوانی اسلحه‌های شکاری مجوز دار و بدون مجوز و شکار بی‌رویه جانداران تهدیدی جدی است که متأسفانه تا به امروز چاره‌اندیشی اساسی در خصوص آن نشده است عنوان کرد: در حال حاضر نیمی از شکارهای بی‌رویه حیات وحش در استان کشف نمی‌شود.

وی کمبود نیروی انسانی، کمبود امکانات، وسعت بالای مراتع و زیستگاه‌های حیات وحش به همراه تنوع بالای زیست محیطی استان را از دلایل عدم کشف ۵۰ درصد شکارهای صورت گرفته در استان برشمرد و گفت: این امر تهدیدی جدی برای حیات وحش استان است.

رئیس اداره حیات وحش حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی با اعلام اینکه بی‌توجهی به افزایش تخلف و شکارهای غیرمجاز موجب شده در حال حاضر حیات وحش استان سیر نزولی داشته باشد افزود: ما با شکار مخالف نیستیم چرا که آن را برای تعدیل جمعیت لازم می‌دانیم و خودمان نیز مجوز می‌دهیم ولی با افراط مخالف هستیم و باید این را گفت که در حال حاضر تعداد اسلحه‌های شکاری موجود بیش از ظرفیت زیستگاه‌های استان است.

یوسفی با تأکید بر فرهنگ سازی و آگاهی بخشی به مردم در خصوص اهمیت محیط زیست و صدمات شکار بی‌رویه بر تنوع زیستی، اجرای طرح همیاران، همکاری بیش از پیش با تشکلهای مردمی، اجرای برنامه‌های اطلاع رسانی، تجهیز ناوگان حفاظت و آموزش نیروها و محیط بانان را از دیگر اقدامات در راستای افزایش آگاهی مردمی و نیز برخورد با متخلفین برشمرد.

و گفت: هم‌اکنون استان به ۱۲۰ نیروی یگان حفاظت محیط زیست نیاز دارد تا این تعداد به ۲۲۰ نفر برسد. خلیلی بر ضرورت تجهیز یگان‌های حفاظت محیط زیست استان نیز تأکید کرد و افزود: با وجود اینکه هم‌اکنون تجهیزات مناسبی در اختیار استان قرار دارد ولی برای کنترل و نظارت بیشتر نیازمند تجهیزات پیشرفته به میزان دو برابر تجهیزات فعلی هستیم.

وی با اشاره به اینکه هم‌اکنون ۱۱ گشت شبانه‌روزی یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی به صورت مستمر مشغول کنترل و بازرسی و نیز رصد شکارهای مجاز صورت گرفته در مناطق تحت حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی هستند گفت: همچنین تعداد ۱۳ گروه سیار به صورت دو شیفت فعالیت دارند که جوابگو نیست.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی با اشاره به اینکه در حال حاضر برخی گروه‌ها مجبور به فعالیت در دو شیفت در برخی شهرستان‌ها هستند افزود: برای جبران نیاز استان باید ۱۵ گروه سیار دیگر تشکیل و به گروه‌های یگان حفاظت استان افزوده شود.

صدر پروانه شکار پرندگان در آذربایجان غربی آغاز شد

خلیلی در ادامه با اشاره به آغاز صدور پروانه شکار پرندگان در آذربایجان غربی با هدف جلوگیری از شکار غیرمجاز اظهار داشت: صدور پروانه شکار پرنده با شرایط خاصی که شامل محدودیت‌های مکانی، زمانی و نوعی خواهد بود و این پروانه تا پایان اسفندماه جاری اعتبار دارد.

وی اضافه کرد: این پروانه طبق دستورالعمل یگان حفاظت محیط زیست استان در راستای بهره‌برداری پایدار و خردمندانه از گونه‌های پرندگان عادی قابل شکار با هدف کمک به جوامع محلی که معیشت آنان از طریق بهره‌برداری سنتی از حیات وحش است صادر می‌شود.

۵۰ درصد از شکارهای غیرمجاز

گونه نادر «هوبره» یکی از پرندگان ارزشمند و در معرض انقراض است که به عنوان گونه‌ای آسیب‌پذیر در فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت (NCUI) به ثبت رسیده و مورد حفاظت قرار دارد.



بابک رحیمیان

می‌داند و با اشاره به اینکه با پنج محیط بان نمی‌توان به مقابله با باندهای بین‌المللی رفت ادامه می‌دهد: برای حفاظت بیش از صدها نیرو نیاز داریم.

● چشم کشورهای عربی به «هوبره» دوخته شده است
طاهریان با اشاره به اینکه شکار غیرقانونی از این فصل به دلیل زمان مهاجرت پرند هوبره آغاز شده است یادآور می‌شود که بیشتر کشورهای عربی چشم به این پرند دوخته‌اند.

وی جریمه شکار هر قطعه پرند هوبره را ۲۰ میلیون تومان عنوان می‌کند و می‌گوید این میزان جریمه خود گواه قیمت ارزشمند این گونه در حال انقراض است اما ظاهراً بازهم بازدارنده نیست. وی که وجود تالابها را در این منطقه فرصتی برای تکثیر گونه‌های مختلف جانوری از جمله هوبره، آهو، زاغ بور، گربه شنی و خزندگانی همچون بزمرجه و آرگوتا می‌داند اما کمبود امکانات و سوءاستفاده از فقر معیشتی روستائیان را مهم‌ترین عامل در راستای انقراض این گونه‌های ارزشمند می‌خواند. شاید نخستین نکته‌ای که برای مقابله با قاچاقچیان به ذهن

متبادر می‌شود روند عملکرد یگان حفاظت اداره محیط‌زیست است اما به گفته حمید صالحی مدیرکل محیط‌زیست خراسان رضوی تعداد این افراد برای اجرای صحیح وظایف خویش حتی به اندازه یک‌دهم استانداردهای جهانی هم نیست.

مدیرکل محیط‌زیست خراسان رضوی می‌گوید: بر اساس استانداردهای جهانی باید به ازای هر دو یا سه هزار هکتار یک محیط بان باید وجود داشته باشد اما در خراسان رضوی برای هر ۲۰ الی ۴۰ هزار هکتار یک محیط بان در اختیار داریم.

وی مسیر تایباد-مشهد-بوشهر را خط قاچاق می‌خواند و می‌گوید: همه‌ساله در این فصل با سبیل ورود گونه‌های جانوری به ویژه بالابان از سمت کشور افغانستان و از طریق شهرستان مرزی تایباد به سمت ایران مواجه هستیم که طی سال‌های گذشته نیروهای مرزبانی نقش فعالی در کشف این پرنده‌های قاچاق داشتند.

مدیر محیط‌زیست خراسان رضوی با اعتراف به اینکه در شهرهای تایباد، باخرز و تربت‌جام با کمبود نیرو مواجه هستیم می‌گوید: تقویت یگان حفاظت، آشنایی مردم محلی با حیات وحش، افزایش تعداد همیاران محیط‌زیست و آموزش مردم محلی، افزایش جریمه‌ها و تأمین وثیقه‌های سنگین توسط مراجع قضایی از جمله راهکارهایی است که باید با حساسیت و جدیت بیشتری دنبال شود. وی یادآور می‌شود برای کشاورزان و روستائیان باید تبیین شود که پرنده‌های شکاری نقش بسیار مهمی در ایجاد تعادل جمعیت جوندگان دارند و به‌طور غیرمستقیم به حفظ محصولات کشاورزان کمک می‌کنند.

● مسافران غیرقانونی و عبور از مرزهای قانونی

قاچاق پرند و سود ناشی از آن به حدی است که حتی پای بسیاری از حاملان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان را به این تجارت باز کرده است.

در آستانه سپیددم و در حوالی مشهد مقدس اتوبوس‌های مسافربری بسیاری که از زاهدان تا مشهد را شبانه طی طریق کرده‌اند مشاهده می‌کنی که برای تحویل مسافران غیرقانونی به خودروهای در انتظار لحظه‌ای در کنار جاده توقف می‌کنند. گونه‌های مختلف بالابان، طوطی، هوبره، طوطی خاکستری آفریقایی یا کاسکو از جمله مسافران این اتوبوس‌ها هستند که به دلیل اینکه حجم کمتری اشغال می‌کنند و حساسیت و جرایم کمتری نسبت به قاچاق کالا و انسان دارند شوق بیشتری برای حمل و قاچاق آنها در بین قاچاقچیان دیده می‌شود.

پرند «بمب‌انداز» در آستانه انهدام فرش قرمز قاچاق از شرق تا جنوب



داخلی تا قیمت ۲۰۰ هزار تومان و آن طرف آب‌های حوزه خلیج فارس تا ده‌ها میلیون تومان قیمت‌گذاری می‌کنند.

حمید صالحی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اینکه خراسان رضوی از زیستگاه‌های پرندگان شکاری است ادامه می‌دهد: در این سودای قاچاق، پرنده‌های شکاری بالابان مشتری و البته قیمت‌های گزافی را به خود اختصاص دادند.

وی می‌گوید: خریدوفروش پرنده‌های شکاری که به ازای هر قطعه توسط شیوخ عرب افزون بر ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود طبیعی است که پای گروه‌های مافیایی بسیار قدرتمند را در این بازار باز می‌کنند. وی گفت: در حال حاضر ۴۱ منطقه در استان خراسان رضوی در قالب بوستان‌های ملی، مناطق حفاظت‌شده، پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق شکارممنوع تحت پوشش این اداره کل هستند اما امکانات موجود اجازه مقابله همه‌جانبه با قاچاقچیان را نمی‌دهد.

● بمب‌هایی که کارساز نیست

هوبره از جمله پرندگانی است که حتی وقتی احساس خطر می‌کند، ترجیح می‌دهد روی زمین راه برود یا بدود. رنگ بدن هوبره‌ها با رنگ زیستگاه آن‌ها تناسب زیادی دارد و به همین سبب به‌خوبی می‌توانند خود را از دید دشمنان مخفی کنند اما این فریب‌ها در مقابل صیادان و قاچاقچیان دو پا کارساز نیست. اگر در هنگام پرواز، یک پرند شکاری هوبره را تعقیب کند این پرند از روش جالبی برای دفاع از خود استفاده می‌کند. هوبره در این حالت، مدافع چسبناک خود را مانند یک بمب به سمت پرند شکاری تعقیب‌کننده پرتاب می‌کند و این بمب طبیعی که بسیار چسبناک است پروبال پرند شکاری را به هم می‌چسباند و مانع ادامه پرواز آن می‌شود.

● دستمان خالی است

سرپرست اداره محیط‌زیست شهرستان خواف با بیان اینکه این شهرستان پس از سبزوار بزرگ‌ترین وسعت حوزه است حفاظتی محیط زیست در استان را با یک میلیون هکتار به خود اختصاص داده است می‌گوید: با این وسعت و با توجه به اینکه این منطقه یکی از زیستگاه‌های مهم هوبره است اما تنها پنج محیط بان برای حفاظت از حیات وحش در اختیار داریم و دستمان در برابر صیادان خالی است. عباس طاهریان در گفت‌وگو با مهر خلاص محیط بان در شهرستان خواف را بزرگ‌ترین خلاص در قبال سوءاستفاده قاچاقچیان

شکار و قاچاق هوبره به کشورهای حوزه خلیج فارس به دلیل علاقه بسیار زیاد شیوخ عرب، نسل این پرند را در آستانه انقراض قرار داده و به دلیل فراوانی این پرند در خراسان رضوی حال این استان به محلی برای جولان قاچاقچیان تبدیل شده است.

در کشورهای عربی طبق سنتی دیرینه پرندگان شکاری را برای شکار هوبره تربیت می‌کنند و به همین دلیل، تعداد هوبره‌ها در این کشورها کاهش چشمگیری یافته و بازار پرسودی برای قاچاق این پرند به این کشورها ایجاد شده است.

در این میان قاچاقچیان پرند که چشم‌انداز را بر اثر شدت نور دلار، بر روی طبیعت بسته‌اند حتی از قاچاق تخم‌های پرندگان نیز نگذشته و روش‌های قاچاق و غیر معمول آنها همه ساله جان بسیاری از پرندگان را در رسیدن به آن سوی آب‌ها می‌گیرد.

● دشت «سیر خون» دلش از دست قاچاقچیان خون است

دشت سیر خون به‌عنوان یکی از زیستگاه‌های تحت حفاظت محیط‌زیست در شهرستان خواف در خراسان رضوی از جمله مناطقی است که به واسطه جولان صیادان غیرمجاز و تله‌های زنده‌گیری متعدد دلش از دست قاچاقچیان خون است. دستگیری و انهدام افزون بر ۲۵ باند قاچاق بین‌المللی پرند به گفته مدیرکل سازمان محیط‌زیست خود حدیث مفصلی است از این مجمل.

این منطقه واقع در استان خراسان رضوی دارای ۱۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان است و به دلیل برخورداری از وجود رودخانه کال شور مژن آباد و وجود زیستگاه‌های تالابی، بیابانی و جنگل دست کاشت گونه تاغ زرد به توقفگاه و کریور مناسبی جهت مهاجرت پرندگان از شمال استان خراسان رضوی به مناطق جنوبی کشور و البته کمینگاه قاچاقچیان تبدیل شده است. بسیاری از افراد محلی و بومی که به دلیل تأمین معاش زندگی خود در قلاب قاچاقچیان بین‌المللی و واسطه‌ها قرار دارند نسبت به تله‌گذاری و زنده‌گیری این پرند در مناطق مختلف خراسان از جمله شهرستان خواف اقدام می‌کنند اما به چند اسکناس هزارتومانی این پرندگان را به قاچاقچیان تحویل می‌دهند غافل از اینکه قیمت این پرندگان از خودروهای لوکس امروزی نیز سبقت گرفته است.

به گفته مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی هرچند که زنده‌گیری این پرند توسط صیادان بومی سود چندانی به همراه ندارد اما قاچاقچیان حرفه‌ای این پرند را در بازارهای

فیش حقوقی‌اش را تا می‌کند و می‌گذارد گوشه طاویه. شرایط کاری‌اش راحت نیست، گشت زدن در مناطقی که



مریم رضایی

پستی و بلندی‌های زیادی دارد. کمبود محیطبان در منطقه باعث شده حتی نوبت‌های کاری‌اش هم مرتب نباشد. حفاظت از محیط زیست منطقه مأموریتش، جدای از یک شغل، علاقه‌اش است. همه این سال‌ها را هم به خاطر همین علاقه‌مندی تحمل کرده است.

● ۳ هزار امتیاز محیطبانان گلستانی تأمین اعتبار نشده است

با همه این مسائل و مشکلات محیطبانان گلستانی پای محیط زیست استان خود بدون سلاح ایستاده‌اند و خم به ابرو نمی‌آورند. مدیر کل حفاظت محیط زیست گلستان، اظهار

می‌کند: هنوز هیچ اتفاقی برای محیطبانان گلستانی نیفتاده و اعطای سه هزار امتیاز به آنها تأمین اعتبار نشده است. اسماعیل مهاجر می‌گوید: اعتبار سه هزار امتیاز در بعضی استان‌ها تأمین شده و داده شده اما در گلستان هنوز این امر محقق نشده است.

وی با بیان اینکه سازمان حفاظت محیط زیست گلستان ۴۰۰ پست خالی دارد که حداقل ۲۰۰ پست در بخش محیطبانی است، می‌گوید: محیطبانان موجود برای فضای ۲۰ هزار کیلومتری گلستان کافی نیستند و همین مسئله فشار کاری فعالان این حوزه را زیاد کرده است.

گزارش‌م را با حرف دل نه یک محیطبان گلستانی بلکه تمام محیطبانان گلستانی خطاب به مسئولان، تمام می‌کنم؛ یک ماه بیايید، در عرصه حضور داشته باشید، نگران جای‌جای منطقه مورد حفاظت خود باشید، شکارچی که دیدید بی‌خیال اسلحهاش دل را به دریا بزنید، یاد همکاران که تیرخورد بیافتید و تصویر فرزندتان را گوشه قلیتان می‌خوب کنید، آخر ماه هم ۹۸۰ هزار تومان دریافتی داشته باشید.



نیاز گلستان به ۲۰۰ محیطبان

وقتی «عشق» بهتر از ثروت می‌شود



وی که محیطبانی را از سال ۷۵ شروع کرده است، ادامه می‌دهد: کمبود محیطبان وجود دارد و فشار حفاظت و حراست بر روی محیطبانان زیاد است.

محمدخانی بایان اینکه علاقه، ما را در این شغل نگه داشته است، می‌گوید: تعداد سلاح و جاده‌های دسترسی به مناطق زیاد شده و همین باعث شده است شکارچی‌ها راحت‌تر به مناطق راه پیدا کنند. هر چیزی که در طبیعت از بین برود و آسیب ببیند اکولوژی منطقه دچار آسیب می‌شود.

از یدالله در خصوص کاربرد اسلحه‌اش و مشکلات قضایی می‌پرسیم و می‌گوید: امیدوارم روزی برسد که ما قاضی محیط زیستی داشته باشیم تا نسبت به حیات وحش دیدی محیط زیستی داشته باشد.

با محیطبانان بسیاری در مناطق مختلف و زمان‌های متفاوت صحبت کرده‌ام. نقطه مشترک تمام آن‌ها «عشق به کار» بوده است. واژه‌ای که شاید از نظر خیلی‌ها نخنما شده اما واقعیتی است که در بین محیطبانان وجود دارد.

کارگزینی یک محیطبان گلستانی حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است که دریافتی برابر با ۹۸۰ هزار تومان دارد.

طرح سه هزار امتیاز ویژه محاسبه و پرداخت سختی کار محیطبانان همداستان درازی دارد. این طرح با مشقات فراوانی بالاخره مصوب شد زیرا یکبار در هیئت وزیران به تصویب رسید و سپس در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی لغو شد؛ سپس بعد از رایزنی‌های فراوان و تصویب دوباره، این بار در دیوان محاسبات اداری کشور ملغی شد. اما بالاخره برای بار سوم به تصویب رسید. حالا محیطبانان گلستان منتظرند تا پس از این همه کش و قوس، طرح سه هزار امتیاز سختی کار شامل آنان شود.

● شکارچی‌ها راحت به مناطق دسترسی دارند

یدالله محمدخانی که در منطقه حفاظت‌شده جهان‌نما محیطبان است، می‌گوید: سختی‌های کار محیطبانان زیاد است. در شروع کار امکاناتی نداشتیم فقط کوله‌پشتی خود را می‌گرفتیم و به منطقه می‌رفتیم.

وضعیت محیطبانان گلستانی هنوز روبه‌راه نشده است و فیش حقوقی آن‌ها با توجه به شرایط کاری که دارند نه تنها رضایت‌بخش نیست بلکه هیچ دردی هم از زندگی‌شان دوا نمی‌کند.

اوضاع وقتی بدتر می‌شود که خیلی از محیطبانان از حمایت‌های قضایی خوبی هم برخوردار نیستند و از طرفی به دلیل اینکه محیط زیست گلستان به شدت در معرض استفاده شکارچیان از گونه‌های جانوری است؛ محیطبانان در درگیری مداوم با آن‌ها دل‌نگرانی‌هایی دارند.

همه این مشکلات در حالی است که معاون رئیس‌جمهور در صحبت‌های پیشین خود رویکرد دولت یازدهم را در رابطه با مسائل محیط زیستی مثبت اعلام کرده و معتقد است بااهمیت مسئولان و توجه ویژه رئیس‌جمهور به مسائل محیط زیستی، شرایط در این زمینه بهبود چشم‌گیری یافته است.

● دولت تدبیر و امید؛ دولت محیط زیستی

ابتکار رئیس سازمان محیط زیست نیز در صحبت‌هایی اظهار کرده است که «دکتر روحانی دولت خود را دولت محیط زیستی» می‌نامد و این نگاه ویژه به حفاظت از محیط زیست قطعاً در رویکردها دیده می‌شود.

وی همچنین در جایی عنوان کرده است که بازگرداندن رتبه و درجه‌های کارمندی و تطابق حقوق و مزایای کارکنان و پرسنل به نسبت آن نهایی شده و به امضای ناچا، ستاد مشترک نیروهای مسلح و محیط زیست رسیده و می‌توان کار را اقطعی دانست.

نگاهی گذرا به حقوق و وضعیت بسیاری دیگر از کارکنان دولت که شرایط کاری به مراتب راحت‌تری دارند نشان می‌دهد که آن‌ها از حقوق بیشتری برخوردارند. حکم

اضطراب تحصیل در خانه‌های فرسوده وقتی «آبدارخانه» کلاس درس می‌شود



فرشته شاهماری

نگاه معصومانه و نگران محمد به دیوار کلاس دوخته شده بود، یک کابینت آهنی بزرگ، درست بالای سر علی و محسن و دیوارهای گچی که از چند جا ترک برداشته است.
روزها بود که سنگینی کابینت بالای سرش را در ذهنش مجسم می‌کرد و ترک‌های دیوار را که هر روز بزرگ‌تر می‌شدند با نگاه کودکشانه‌اش اندازه می‌گرفت، بعضی وقت‌ها هم که ناخودآگاه برای پاسخ به پرسشی یا سؤال از معلمی بلند می‌شد سرش به لبه کابینت می‌خورد تا مدام حواسش را جمع کابینت بالای سرش کند.

می‌شوم تا شاید برای این سوال‌ها جوابی پیدا کنم.

وارد دفتر مدیریت شدم و از وضعیت نامناسب تحصیل دانش‌آموزان در این مدرسه و کلاس‌ها از مدیر سؤال کردم که متأسفانه مانع از تهیه گزارش و بررسی این مشکل شد.

وقتی با همکاری نکردن مدیر مدرسه مواجه شدیم موضوع را از طریق والدین پیگیری کرده و درحالی که به ساعت‌های پایانی کلاس‌های درس نزدیک می‌شدیم بیرون از مدرسه منتظر والدین دانش‌آموزان شدیم.

اولین سوژه مصاحبه خانمی میانسال است که وقتی موضوع وضعیت فضای فیزیکی مدرسه و کلاس‌های درس را با او در میان می‌گذارم سر درد دلش باز می‌شود.

کلاسی که فرزندم در آن درس می‌خواند بیشتر شبیه حمام است

با گذر از تصور روزهای تحصیلم وارد این مدرسه شدم که به نظر خانه‌ای قدیمی بود و حیاط بسیار کوچک آن با موزاییک‌های شکسته از حال‌وروز ناخوش آن قصه‌ها داشت.

قدم‌هایم را بلندتر کردم تا زودتر وارد سالن مدرسه شوم که صدای زیبای دانش‌آموزان را شنیدم که الفبای درس را تکرار می‌کردند، یاد روزهای آموختن الف، ب، پ... و تکرار درس‌ها لبخند را بر لبانم زنده کرد.

● **طنین صدای دانش‌آموزان از داخل آبدارخانه**

از درب سالن به سمت یکی از کلاس‌ها به راه افتادم که صدای دانش‌آموزان از داخل آبدارخانه این مدرسه توجهم را به خود جلب کرد، در کمال ناباوری تشکیل کلاس در یک آبدارخانه نه‌چندان مناسب که از



وی که از ذکر نامش خودداری کرد، گفت: کلاسی که فرزندم در آن درس می‌خواند بیشتر شبیه حمام است چراکه پنجره‌ای روبه حیاط ندارد و قبلاً از آن به‌عنوان آبدارخانه استفاده می‌شده است. یکی دیگر از والدین بایان اینکه فضای مناسب و کافی برای بازی بچه‌ها وجود ندارد، گفت: در این مدرسه با در نظر گرفتن این قانون که اگر بچه‌ها بازی کنند و آسیب ببینند تنبیه می‌شوند از بازی کردن دانش‌آموزان در فضای باز جلوگیری می‌شود چراکه فضا کوچک است و نمی‌توانند بازی کنند.

این مشکلات تنها به این مدرسه ختم نمی‌شود چراکه در استان همدان

سوی والدین گزارش شده بود با مشاهداتم تأیید شد.

درب یکی از کلاس‌ها باز بود و دانش‌آموزان مشغول یادگیری ابتدایی‌ترین آموزش‌های این دوران بودند که یکی از پسر بچه‌ها با لبخندی مهربان مرا دلگرم کرد تا با جدیت کار را پیگیری کنم.

در میان راهروهای این خانه که چند ماهی از مدرسه شدنش می‌گذشت قدم زدم؛ بی‌اختیار دهنم به‌روزهای زمستان و هوای سرد همدان کشیده شد که قرار است در این اتاق‌ها سیستم گرمایشی نیز راه‌اندازی شود و اینکه آیا تضمینی برای رخ ندادن یک حادثه وجود دارد یا خیر؟ راهی دفتر مدیریت مدرسه

پنجره هم ندارد. چندی قبل با اطلاع رسانی توسط والدین یکی از دانش‌آموزانی که در مدرسه «میدان انقلاب» شهرک مدنی تحصیل می‌کند تصمیم بر آن شد تا در مورد وضعیت کلاس‌های درس این مدرسه یا بهتر است بگوییم خانه قدیمی که به مدرسه تبدیل شده است، گزارشی تهیه شود.

پس از چند روز پرس‌وجو برای یافتن این مدرسه در شهرک مدنی همدان بالاخره

صدای معلم در کلاس می‌پیچد؛ محمد حواست کجاست؟ صدای معلم اگرچه در ظاهر توجه محمد را از دیوار و کابینت کلاس گرفته و چشم‌هایش را به تخته‌سیاه می‌دوزد اما همچنان ذهنش درگیر کلاسی است که شباهتش به آشپزخانه خانه‌شان حس خواندن و آموختن را درگیر خود کرده است.

شاید این روزها محمد فکر می‌کند اگر آن کابینت آهنی بالای سر همکلاسی‌هایش هوس سقوط کند یا یک‌بار که حواس‌شان نیست وسط بلند شدن برای پاسخ به پرسش معلم قدشان از سقف کابینت بالا بزنند، آن وقت چه می‌شود؛ شاید محمد بیشتر از همه متولیان به این پرسش‌ها فکر می‌کند.

وجود ساختمان‌های قدیمی و فرسوده‌ای که با عنوان مدرسه محل حضور صدها دانش‌آموز در استان همدان است، به‌خودی‌خود می‌تواند دلهره‌آور باشد و اگر در کنار آن به وقوع حوادث غیرمترقبه نیز کمی دقت کنیم، خواهیم دید وضعیت برخی مدارس همدان به لحاظ ایمنی چندان خوشایند نیست و باید هرچه سریع‌تر و پیش‌ازاین که اتفاقات ناگوار رخ دهد، به فکر راهکار سریع و عملیاتی باشیم.

همه این موارد یک‌طرف و اینکه بازهم تغییرات جدید در نظام آموزش و پرورش مشکلاتی را به وجود آورده است یک‌طرف، چراکه چه خواهیم چه نخواهیم این تغییرات بر نحوه تحصیل دانش‌آموزان تأثیراتی را خواهد داشت که شاید متأسفانه در برخی موارد تأثیرات منفی آن بیشتر از تأثیرات مثبت آن باشد.

● **واحد‌های مسکونی جای کلاس‌های درس را در همدان گرفته‌اند**

امسال و در پی تغییر نظام آموزشی و از طرفی ساخت واحد‌های مسکن مهر بدون در نظر گرفتن فضای آموزشی مناسب برای دانش‌آموزان ساکن در این مساکن، برخی واحد‌های مسکونی نه‌چندان مناسب که به لحاظ بنیه مقاومت ندارند جای کلاس‌های درس ایمن را در همدان گرفته‌اند به‌نحوی که آشپزخانه‌های این واحد‌ها نیز محلی برای حضور دانش‌آموزان شده حال آنکه بعضی از اتاق‌ها حتی یک

یکی از دانش‌آموزان ساکن این شهرک بارانمایی‌هایش مسیر را نشانم داد تا بتوانم مدرسه را پیدا کنم.

خیابان‌ها و کوچه‌های آدرس داده شده را طی کردم تا اینکه سر در یک خانه نظرم را به خود جلب کرد، خانه‌ای با درهای کوچک و پنجره‌ای که تاریکی اتاق‌ها را فریاد می‌زد.

یادم آمد که مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم اگر اتاق‌هایش هم نامناسب بود لااقل ورودی مناسبی داشت و هنگام ورود، مستخدم مدرسه که او را بابای مدرسه صدا می‌کردیم در را چهارطاق باز می‌کرد تا دانش‌آموزان بدون مشکل وارد کلاس شوند.



مجتمع‌های مسکن مهر بدون در نظر گرفتن فضای آموزشی تحویل مردم شده‌اند و روز بروز مشکلات این واحدها خود را بیشتر نمایان می‌کند.

همین موضوع باعث شد تا به سران مسئولان آموزش و پرورش استان همدان برویم.

رئیس آموزش و پرورش ناحیه دو همدان در این باره بایان اینکه نظام ۶۳۳ مشکلاتی را برای مدارس استان به وجود آورده است، گفت: اجرای این نظام قبل از تأمین زیرساخت‌های آموزشی و نیروی انسانی آغاز شد که همین مسئله نیز مشکلاتی را به وجود آورد.

محمد باب‌الحوائجی بایان اینکه اجرای این نظام آموزشی باعث چالش‌هایی در مدارس شده است، عنوان کرد: اجرای این نظام باعث شده تا بخش عظیمی از نمازخانه‌ها، آشپزخانه‌ها و فضاهایی که مناسب کلاس درس برای دانش‌آموزان نیست به کلاس درس دانش‌آموزان اختصاص پیدا کند.

نیروهای انسانی برخی از مدارس هیچ تجربه‌ای در زمینه تدریس ابتدایی ندارند و بایان اینکه نیروهای انسانی که در برخی از مدارس تدریس می‌کنند هیچ تجربه‌ای در حوزه ابتدایی ندارند و صرفاً با یک دوره آموزشی کوتاه ضمن خدمت به‌عنوان معلم ابتدایی از آن‌ها استفاده شده است، گفت: این موضوع چالش‌های زیادی را برای آموزش و پرورش و تحصیل دانش‌آموزان به وجود آورده است.

رئیس آموزش و پرورش ناحیه دو همدان بایان اینکه تا سال ۹۷ با چالش نیروی انسانی روبرو خواهیم بود، عنوان کرد: در دوره متوسطه دوم تا سال تحصیلی ۹۷-۹۸ یک چهارم نیروهای انسانی مازاد داریم که

سازمان‌دهی نیروی انسانی آموزش و پرورش شد.

حسن آقا یوسفی عنوان کرد: تمام مدارس ابتدایی در روستا پنج کلاسه بودند و چون یک‌پایه به آن‌ها اضافه‌شده با کمبود فضای آموزشی برای دانش‌آموزان روبرو شده‌ایم که علت اصلی آن اجرای نظام ۶۳۳ است.

وی بایان اینکه در بعضی از مناطق مجبوریم از مکان‌های نامناسب استفاده کنیم، عنوان کرد: به علت اجرای بدون تأمین زیرساخت این نظام آموزشی، نمی‌توانستیم به یک‌باره فضاهای آموزشی را در مدارس افزایش دهیم.

● به‌زودی مشکل بسیاری از این مدارس حل خواهد شد

معاون فرهنگی آموزش و پرورش استان همدان بیان کرد: با اعتباری که از سوی اداره کل نوسازی در نظر گرفته‌شده و نیز به کمک خیرین استان به‌زودی مشکل بسیاری از این مدارس حل و وضعیت فضاهای آموزشی مناسب خواهد شد. بر اساس آنچه مسئولان بارها و بارها اعلام کرده و به آن تأکید داشته‌اند، وضعیت مدارس فرسوده همدان نیز جای بحث دارد و این موضوع زمانی حادث می‌شود که بدانیم تراکم دانش‌آموزی بالاتر از حد استانداردهای آموزشی است و همین مسئله می‌تواند بر اهمیت موضوع بیفزاید، موضوعی که کیفیت آموزش و پرورش را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

به‌هرروی به نظر می‌رسد بهتر است قبل از اینکه حادثه‌ای در این مدارس فرسوده و غیراستاندارد پشیمانی به بار بیاورد مسئولان به فکر راه‌حلی برای حل مشکلات فضاهای آموزشی دانش‌آموزان باشند.

شود پیمانکار سازه موظف است تمام زیرساخت‌های رفاهی اعم از زیرساخت‌های آموزشی، درمانی، کتابخانه و آتش‌نشانی را در نظر بگیرد، عنوان کرد: پروژه‌هایی توسط خیرین و اداره کل نوسازی استان در حال احداث است که امیدواریم با اتمام این پروژه‌ها از چالش کمبود مکان آموزشی عبور کنیم.

معاون فرهنگی آموزش و پرورش استان همدان نیز بایان اینکه اجرای نظام ۶۳۳ مشکلاتی را در سازمان‌دهی‌ها به وجود آورده است، عنوان کرد: سال گذشته سخت‌ترین سال سازمان‌دهی نیروها بوده است چراکه یک‌پایه به دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول اضافه و یک‌پایه از متوسطه دوم کاسته شد و همین امر باعث مشکلاتی در

باید در دوره اول متوسطه سازمان‌دهی شوند و باید امتیاز لازم را به دست آورند در غیر این صورت باید در دوره ابتدایی خدمت کنند.

باب‌الحوائجی با تأکید بر اینکه اگر این یک چهارم امتیاز موردنیاز را کسب نکنند در حوزه ابتدایی خدمت خواهند کرد، ادامه داد: مشغول شدن این افراد در حوزه ابتدایی هم به ضرر معلم و هم به ضرر دانش‌آموزان است چراکه دوره ابتدایی تخصصی‌ترین دوره دانش‌آموزی است.

● **پیمانکار سازه موظف است تمام زیرساخت‌های رفاهی را در نظر بگیرد**
وی بایان اینکه طبق قانون شوراها اگر در یک منطقه ۱۸۰ تا ۲۰۰ واحد ساخته



عصر یک روز پاییزی و هنگامی که در راسته‌ای از بازار تاریخ همدان قدم می‌زد صدای گریه کودک طنین‌انداز شد، به سمت صدا برگشتم و کودکی که بر روی پله‌ها زمین خورده بود و دستان مادرش را می‌طلبید نظرم را به خود جلب کرد؛ جای پایش را نگاه کردم، پله‌ها فرسوده و قسمتی از آن‌ها در اثر گذر زمان از بین رفته بود و خدا می‌داند روزانه چند نفر بر روی این پله‌ها قدم بر می‌گذارند.



مریم اسدی



اساس اولویت‌ها صورت می‌گیرد.

● کارها باید آهسته اما دائم باشد

توتونچی بایان اینکه باید حین کار به شعار «آهسته اما پیوسته» توجه شود، عنوان کرد: محدودیت اعتبارات باعث پیشرفت نکردن در زمینه مرمت نمی‌شود بلکه معتقد هستیم کارها باید آهسته اما دائم باشد.

معاون سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان بایان اینکه بازار همدان یک بافت تاریخی است، گفت: بازار همدان از سرمایه‌های ملی و یک بافت کاملاً تاریخی است و حتی می‌توان برخی مغازه‌ها را با قدمت ۴۰۰ سال در آن مشاهده کرد.

توتونچی در ادامه افزود: برخی مغازه‌ها از زمان صفویه به ما رسیده‌اند که باید به‌شدت از آن‌ها نگهداری کنیم و چه در زمینه مرمت و چه در زمینه ایمنی بازار اقدامات لازم انجام شود.

وی با اشاره به بحث ایمنی بازار عنوان کرد: ایمنی بازار مسئله گسترده‌ای است اما قسمت عمده‌ای که به چشم می‌خورد وجود کنتورهای برقی است که تقریباً به ۴۰ یا ۵۰ مغازه برق‌رسانی می‌کنند که با استانداردها هم‌خوانی ندارد.

معاون سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان گفت: مسئله کنتورها پیش‌پاافتاده نیست زیرا هر لحظه ممکن است فاجعه‌بار باشد و اداره برق موظف است به این مسئله رسیدگی کند و حداقل برای هر حجره کنتور برقی جدا در نظر بگیرد.

توتونچی بایان اینکه امروزه بر روی هر جواز داشتن کپسول‌های آتش‌نشانی امری اجباری است افزود: هنگامی که اسم کپسول‌های آتش‌نشانی به میان می‌آید بحث دیگری به دنبال آن مطرح می‌شود که آموزش است.

وی با اشاره به سهل‌انگاری اصناف در زمینه توجه به ایمنی بیان کرد: گاهی این سهل‌انگاری‌ها فاجعه‌های بزرگی به دنبال دارند که خود تهدیدی برای سرمایه‌ها می‌شود و گاهی فقط به خسارات مالی ختم نمی‌شود و ممکن است خسارات جانی نیز در برداشته باشد.

دهبانی صابر بایان اینکه شاید وجود تضادهای شغلی برای بسیاری از مردم موضوع پیش‌پاافتاده‌ای باشد، گفت: یکی از مسائل مهم از بین بردن تضادهای شغلی در کنار یکدیگر است به‌طوری که گاهی اوقات می‌توان یک مغازه لباس‌فروشی را در کنار یک مغازه آهنگری دید و یا انبار اجناس اشتغال‌زا در کنار اجناس دیگر که هر کدام از این‌ها خود به‌تنهایی می‌توانند خطرهایی به دنبال داشته باشد.

● اعتبارات عمرانی که به سازمان میراث فرهنگی تعلق می‌گیرد مبلغ ناچیزی است

معاون سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان نیز در خصوص وضعیت بازار همدان با اشاره به اینکه مرمت بازار همدان در دستور کار است، بیان کرد: برای مرمت بازار نیاز به اعتبار و بودجه مالی است و اعتبارات عمرانی که به سازمان میراث فرهنگی تعلق می‌گیرد مبلغ ناچیزی است. بهرام توتونچی بایان اینکه مرمت بازار باید به‌صورت مشارکتی صورت گیرد، عنوان کرد: طرح مشارکتی به‌گونه‌ای است که ۵۰ درصد مبلغ را سازمان میراث فرهنگی به‌صورت بلاعوض پرداخت می‌کند و ۵۰ درصد دیگر باید از سمت اصناف تأمین شود.

معاون سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان بایان اینکه رویکرد امسال بر اساس اقتصاد مقاومتی است، گفت: تأمین اعتبار از سمت دولت بر

آتش در کمین بافت تاریخی بازار همدان

تنها یک جرعه تافاجعه

به‌وضوح دیده می‌شود که از یک کنتور برق برای برق‌رسانی به حداقل ۴۰ مغازه یا بیشتر استفاده شده و این مسئله به طرز شدیدی استانداردها را زیر سؤال می‌برد زیرا کوچک‌ترین جرعه‌ای می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر جای بگذارد. همین مشاهد‌ها سبب شد راهی دفتر مسئولان تأمین ایمنی بازار همدان شوم که در قدم اول به سراغ مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری همدان رفتیم.

مسعود دهبانی صابر در این زمینه با اشاره به آتش‌سوزی مهیبی که چند سال پیش در بازار همدان رخ داد، گفت: پس از آن اتفاق و برای اجرای ایمنی بازار با اساتید دانشگاه‌ها و مشاوران یک طرح ایمنی برای بازار تهیه شد.

وی بایان اینکه اجرای بخشی از این طرح بر عهده شهرداری و بخشی بر عهده سازمان آتش‌نشانی بود و هر دو ارگان وظایف خود را انجام داده‌اند، گفت: از وظایف سازمان آتش‌نشانی برای مثال می‌توان به‌قرار دادن شیرهای آتش‌نشانی در قسمت‌هایی که شبکه‌های آب‌رسانی وجود دارد به فواصل ۱۰۰ متری در بازار و نصب تابلوهای خروج از بازار برای مواقع اضطراری اشاره کرد.

دهبانی صابر در ادامه عنوان کرد: تاکنون چندین بار در زمینه آموزش اصناف اعلام آمادگی کرده‌ایم و در حال حاضر هر هفته به تعدادی از اصناف رعایت موارد ایمنی را آموزش می‌دهیم.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری همدان بایان اینکه رعایت اصول ایمنی در بازار مسئله حائز اهمیت است، افزود: امسال از سمت اصناف کوتاهی صورت گرفته و اقدام نکردن آن‌ها برای دریافت تأییدیه ایمنی از سازمان آتش‌نشانی مشکل‌ساز شده است و به‌بیان دیگر اصناف تمایلی به تأیید شدن از سمت این سازمان ندارند.

جمعیت انبوهی در حال حرکت بود هر کس به سمت مسیری می‌رفت، چیزی نگاهم را سمت خود کشاند و برآیم جالب بود که مغازه ترشیجات در کنار عطر فروشی قرار گرفته و تضاد رایحه‌ای عجیب به مشام می‌رسید.

ناخودآگاه نگاهم به بالای سرم هدایت شد و الوارهای روی سقف توجهم را خود جلب کرد، الوارهایی که برخی از آن‌ها ترک‌خورده بودند به‌گونه‌ای که انگار هر لحظه امکان ریزش آن وجود دارد یا شاید منتظر اتفاقی برای ریزش بودند. کمی آن‌طرف‌تر مردی فریاد می‌زد خانم آن سمت نرو. از جانب سیرشده‌ای؟ مگر نمی‌بینی سقفش در حال ریزش است؟ حتی صاحبش مغازه را ترک کرده و بعد زیر لب گفت شاید فرار را برقرار ترجیح داده.

همه این‌ها مرا به حیرت واداشت و سؤالی مدام در ذهنم زنگ می‌زد که آیا اینجا بازار تاریخی همدان است؟ چگونه سلامت جان مردم در اینجا تأمین می‌شود؟ پله‌های فرسوده، سقف‌های در حال ریزش، کنتورهای برقی که سیم‌های رنگارنگش به آدم چشمک می‌کنند و ...

این بازار روزهای برقی و بارانی زیادی را پشت سر گذاشته و شاهد چه روزها و شبها که نبوده است، برخی از این حجره‌ها خاطراتی از دوران صفویه با خود دارند، اما اکنون به‌گونه‌ای است که انگار خسته‌اند و شاید نیاز به استراحت دارند یا جامه جدیدی که خود را زیباتر جلوه دهد.

بازار همدان یک بافت کاملاً تاریخی و فرسوده است و نیاز به مرمت دارد و شاید درصد ایمنی بازار را بتوان ۱۰ درصد تخمین زد که آن هم برای وجود سقفی بر بالای سر کسبه است که از باران و برف آن‌ها را در امان نگه می‌دارد.

● از یک کنتور برق برای برق‌رسانی به حداقل ۴۰ مغازه یا بیشتر استفاده شده است





مهر سکوت بر لب یک فداکاری

چه کسی می گوید صورت سوخته ات زیبا نیست

پست اینستاگرامی «پرویز فتاح» رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) کشور، شاید کنجکاو بسیاری از کاربران را برانگیخت تا بدانند ماجرا از چه قرار است و این عکس می خواهد چه چیزی را روایت کند، روایتی که شاید تلخی و اندوهش بیشتر از احساس اولیه ای است که دیدن عکس وجودت را پر می کند.



فاطمه زنگنه

جویای ماجرای روایت شده در پست پرویز فتاح شدیم، تلفن را برداشته و با کمیته امداد امام خمینی (ره) توپسراکان تماس گرفتیم، موضوع تأیید شد و با مراجعه به کمیته امداد توپسراکان، جریان را از زبان مددکار این جوان فداکار شنیدیم.

چگونه می توان درک کرد در نزدیکی شهر ما چنین فداکاری رخ دهد و کسی متوجه نشود، اینک پس از گذشت تقریباً یک سال، حتی برخی از همسایه ها نیز از موضوع مطلع نبودند! خانواده این جوان تمایلی نداشتند و ندارند موضوع را اطرافیان بدانند و یا اینکه رسانه ای شود، اما مگر نه این است که ما هم در قبال این گونه فداکاری ها وظیفه ای داریم؟ وی در یکی از روزهای آذرماه سال گذشته نزدیک ظهر خسته از سرکار به خانه برمی گردد، آن روز کوچه با سروصدای پیرمرد و پیرزنی شلوغ شده بود، صدای پیرزن چندان بالا نمی رفت فقط به اندازه ای بود که «حمید» بشنود تا برای کمک به آنان وارد خانه همسایه شود، پسر همسایه معتاد بود و با توهمی که از مصرف شیشه پیدا کرده بود، چاقو به دست قصد جان پدر مسنش را که بر روی ویلچر است می کند. «حمید» هر طور که می شود، چاقو را از دست این معتاد می گیرد، پسر معتاد از کار «حمید» عصبانی می شود و گالن پر از بنزین را برداشته و بر روی بخاری می ریزد، به یکباره همه اتاق در آتش احاطه می شود، «حمید» پیرزن را به بیرون هدایت کرده و زمانی که می خواهد پیرمرد را هم در آغوش بگیرد و بیرون ببرد در آتش زبانه کشیده گرفتار می شود. و اما به گفته خانم علانی، «حمید» که در خانه استیجاری زندگی می کرد برای خرج و مخارج بالای

دست به دست شدن تصاویر اینستاگرام پرویز فتاح در شبکه های اجتماعی کنجکاو ها را بیشتر می کند، همه می خواهند بدانند مردی که روی تخت خوابیده و به سقف خیره شده چه کسی است و ماجرای صورت پانسمان شده اش چیست.

عمیق نگاهش در عکس پیدا نیست، حتی نمی شود که فهمید لیکن روی لبش ماسیده است یا اندوهی عمیق همین لیکن پڑمرده را هم از عکس دریغ کرده است؛ پرویز فتاح در پست اینستاگرامی اش از فداکاری جوانی می گوید که زیبایی صورت را با سیرت معاوضه کرده و حالا هم سرش بالاست، بالای بالا! حرف های رئیس کمیته امداد کشور کوتاه است، از دردی می گوید که حالا شاید پی مرهم است و شاید هم همدردی، حرف هایش را این گونه آغاز و تمام می کند؛ صورتت را پوشانده اند، انگار که دیدنی نیست، اما من دوست دارم تو را ببینم نترس کسی دست به پوست سوخته ات نمی زند، پوستی که حالا تحمل حتی یک بوسه را هم ندارد، فقط می خواهم تو را آن طور ببینم که خودت خواستی، مگر خودت نخواستی که صورتت را با جان دو نفر معاوضه کنی؟ صورتی که دو برابر جان آدمیزاد قیمت دارد دیدنی است، نیست؟ آنچه را تو فروخته ای خدا خریده است، باور کن،

شهروند توپسراکانی که برای جان دو نفر از چنگال آتش، زیبایی سیرتش را به زیبایی صورتش ترجیح داد شاید به این زودی ها سلامت کافی برای زندگی عادی به دست نیابد، او حالا یکی از هم خانوادگی های ما در کمیته امداد امام خمینی (ره) است، قهرمانی که همه به او افتخار می کنند.

وی در ادامه گفت: هر شخص باید روش استفاده از کپسول آتش نشانی را بداند که این امر به مسئله آموزش مربوط می شود و سازمان آتش نشانی باید آموزش اصناف را به طور جدی تری دنبال کند.

بیشتر کسبه نگران آتش سوزی مجددند چرا که کنتورهای برق بیش از حد توانشان کار می کنند
یکی از کسبه بازار همدان با اشاره به وضعیت ایمنی بازار گفت: در زمینه برق، کابل ها به شدت دارای مشکل هستند و بیشتر کسبه نگران آتش سوزی مجددند چرا که کنتورهای برق بیش از حد توانشان کار می کنند.

حمید گبو با اشاره به آموزش های آتش نشانی برای اصناف گفت: این آموزش فراگیر نبوده و اطلاع رسانی خوبی در این زمینه صورت نگرفته زیرا نیمی از اصناف نسبت به این موضوع آگاهی ندارند.

گبو بایان اینکه سقف به شدت فرسوده شده و در برخی از قسمت ها امکان ریزش وجود دارد، عنوان کرد: در اغلب اوقات اصناف برای بازسازی و مرمت مغازه های خود داوطلب می شوند اما سازمان میراث فرهنگی اجازه بازسازی به اصناف نمی دهد.

وی بایان اینکه بازسازی باید از سمت سازمان میراث فرهنگی صورت بگیرد، گفت: سازمان میراث فرهنگی برخی قسمت ها را مرمت می کند اما بعضی دیگر را نه و به خود کسبه اجازه کار نمی دهد، آیا ما باید دست روی دست بگذاریم تا سقف مغازه ها که پناه ما است آفت جان و مال ما شود؟

گبو در ادامه گفت: بازار از نظر بصری در وضعیت خوبی نیست در حالی که اینجا یک مکان تاریخی است و مکان تاریخی باید جاذب توریست باشد نه فراری دهنده آن، هم اکنون بسیاری از توریست ها در اولین نگاه بازار را ترک می کنند زیرا بازار از جلوه بصری خوبی برخوردار نیست.

● بازار تاریخی همدان نه تنها از نظر ایمنی بلکه از نظر ظاهری هم دارای وضعیت ناپسامانی است

با این تفاسیر آنچه مسلم است اینکه بازار تاریخی همدان نه تنها از نظر ایمنی بلکه از نظر بصری هم دارای وضعیت ناپسامانی است و موضوعی که قابل توجه است اینکه هر ارگان مسئولیت را از دوش خود برمی دارد و دیگری را مقصر می داند. به درستی کدام یک مقصر است؟ آیا بازار همدان فقط از نظر مرمت مشکل دارد؟ آیا اصناف وظایف خود را به خوبی انجام می دهند؟ آیا اداره برق از استانداردها پیروی نمی کند؟ آیا سازمان آتش نشانی در زمینه آموزش کوتاهی کرده است؟ این ها و هزاران سؤال دیگر ذهن را به تأمل وادار می دارد.

برای این سؤال ها فقط یک جواب وجود دارد و آن این که تمامی ارگان ها موظف هستند دست به دست یکدیگر دهند و جای مقصر دانستن دیگری، هر کدام وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند تا ایمنی بازار را تأمین کنند چرا که روزانه جان صدها نفر که به بازار همدان مراجعه می کنند در خطر است و یادمان نرود که همیشه می گویند پیشگیری بهتر از درمان است.

نمی‌توانند بنویسند، رفت‌وآمدهای «حمید» به تهران برای درمان و ... همه بخشی از هزینه‌های جاری درمان است که دیگر این خانواده توان پرداخت آن را ندارند.

خبرنگار ما با خانواده این جوان فداکار تماس گرفت تا شاید روزنه‌ای پیدا شود و به دیدار «حمید» برود، اما آنان از رفت‌وآمدهایی که برایشان سودی ندارد خسته‌اند، رفت‌وآمدها که حالا بیشتر آزارشان می‌دهد و تعاملی به دیدن هیچ‌کس را ندارند، می‌آیند و می‌روند، دل می‌سوزاند و دیگر هیچ ...

حتی اگر هزینه‌های درمان اولیه پرداخت شود و آن‌ها مشکلی در خصوص تأمین این هزینه‌ها نداشته باشند، تازه نوبت می‌رسد به هزینه‌هایی که باید حداقل برای جراحی پلاستیک صورت و دست‌های حمید تأمین شود که از بیرون نمایان است؛ حال برای این درد چه باید کرد؟

می‌گویند خودمان از پس همه چیز برمی‌آییم، اما مددکار «حمید» خوب می‌داند که چگونه با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند و باسبیلی صورت خود را سرخ نگاه می‌دارد، صورتی که آتش فداکاری آن را سوزانده و خانواده «حمید» تمام سرمایه‌های خود را در این یک سال برای درمان هزینه کرده‌اند و حال پدر و مادرش به گردو شکستن روی آورده‌اند... این روزها مردم ایران علاوه بر گردوی تویسرکان باید «حمید» این دیار را هم به فداکاری بشناسند...

درمان پرایدش را می‌فروشد و با توجه به نوع سوختگی و شدت آن همسرش نیز به‌تنهایی نمی‌تواند از او نگهداری کند، بنابراین برادر «حمید» هر طور شده منزلی برایش تهیه می‌کند و پدر و مادرشان نیز از زندگی خود دست می‌کشند و با همسر و فرزند «حمید» به نگهداری از او می‌پردازند.

خرج و مخارج‌ها بالا و بالاتر می‌رود تا اینکه در اسفندماه سال گذشته به کمیتۀ امداد توپسرکان مراجعه می‌کنند و در نهایت فروردین‌ماه عضو ی از مددجویان امداد می‌شوند.

کارت درمانی امداد و دریافت سه میلیون تومان بلاعوض هم نتوانست آنان را در تأمین هزینه‌های درمان یاری دهد و آنان از تمامی سرمایه‌های انباشته خود استفاده کردند و حال زمان می‌گذرد و «حمید» همچنان به‌سختی زندگی خود را می‌گذراند.

پنجم مردادماه اسما را پرویز فتح رئیس کمیته امداد کشور که برای مراسم روز نویسرکان به این شهر سفر کرده بود، با خانواده «حمید» دیداری دارد، در این دیدار فتح قبول مساعد برای تأمین ۲۲ میلیون تومان را به او می‌دهد، اما تاکنون این مبلغ به دست «حمید» و خانواده‌اش نرسیده است.

هزینه‌های درمان بسیار بالا است، دومرتبه حمام کردن «حمید» در روز، هزینه داروهای که برای جلوگیری از عفونت و یا موارد دیگر نیاز است و در دفترچه درمانی «حمید»



فلامینگوها به **بختگان** نمی آیند

حکایت ۷ سال خشکی تالاب

بختگان هیچ اقدامی صورت نگرفته است

مدیرکل محیط زیست فارس به منابع تأمین کننده آب بختگان نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: با توجه به این موضوع باید اعلام کرد که رودخانه کر طی این سال‌ها به‌جز در فصول بارش که میزان کمی آب داشته به‌طور کامل خشک بوده است. براساس صوبه تیرماه هیئت دولت، باید بعد از آب شرب حقایق دریاچه

وی می‌گوید: اختصاص حقایبه ۲۰ میلیون مترمکعبی دردی از بختگان دوا نمی‌کند و یادآور می‌شود: بر اساس قانونی که وجود دارد هر سازه آبی که ایجاد می‌شود باید ۱۵ درصد بهره‌برداری به جریان‌پایداری رودخانه اختصاص یابد در صورتیکه برای رودخانه کر که آب آن به سمت بختگان جاری می‌شود این میزان در نظر گرفته نشده است.

● عملاً برای تخصیص حقایق

فارس پیرامون وضعیت دریاچه بختگان در خصوص وضعیت تالاب این گونه می‌گوید: متأسفانه این دریاچه وارد هفتمین سال خشکی شده و در این مدت حتی به میزان کمی آب وارد دریاچه نشده است. چند سال قبل از سوی وزارت نیرو ۱۶۰ تا ۷۰۰ میلیون مترمکعب بر اساس وضعیت بارش برای این دریاچه حبابه در نظر گرفته شده که متأسفانه طی این سال‌ها هیچ حبابه‌ای به دریاچه اختصاص نیافته است.

هفت سال از
روزگاری می‌گذرد
که دریاچه بختگان
در استان فارس
شیره وجودش را
از دست داد، هفت



سال پیش در پی شروع خشک‌سالی در فارس و برداشت بی‌رویه آب توسط کشاورزان، تالاب بختگان رو به خشکی گذاشت، ابتدا کسی فکر نمی‌کرد که این خشکی جدی باشد اما هرچه بیشتر گذشت از باران خیری نشد تا اینکه یک روز مردم فلامینگوهای را دیدند که در بستر نم‌زار شده تالاب در حال تلف شدن بودند.

آن سال‌ها مردم و محیط بانان ۴۰۰ جوجه فلائینگ را از بستر نمکی تالاب نجات دادند اما خیلی‌ها نیز شانس برای زنده ماندن نداشتند و در میان نمکزارها دفن شدند با بال‌هایی که از نمک پوشیده شده بود.

هفت سال گذشت و امروز فلایمگوها دیگر به تالاب سر نمی‌زنند، آبی هم برای احیاء تالاب نمانده است. تالابی که خشک‌شده و اکنون از بستر آن فقط سطحی پوشیده از نمک باقی مانده است. چند ماه پیش آخرین امید احیای تالاب یعنی رودخانه کر به‌عنوان بخشی از تأمین‌کننده آب تالاب نیز خشک شد تا برای همگان کوچک‌ترین روزنه امیدی باقی نماند.

حمزه ولوی مدیر کل محیط زیست استان



منابع آب سطحی (چشمه، رودخانه و سد) با توجه به شدت خشکسالی کاهش می‌یابد، اعلام کرد که کاهش سطح زیر کشت یا کاهش حقابه آب‌های سطحی و زیرزمینی در سالهای خشکسالی روشی کاملاً علمی است و در کشورهای پیشرفته کاملاً مورد استفاده قرار می‌گیرد در ایران نیز باید از این روش استفاده شود و مردم را برای استفاده از این روش آماده کرد.

● عمق فاجعه

یک کارشناس حوزه محیط زیست فارس نیز اعتقاد دارد تا زمانی که روند کشاورزی در این استان توسعه پیدا نکرده و چاه‌های غیر مجاز اطراف بختگان ایجاد نشده بود حجم زیادی از سیلاب وارد بختگان می‌شد و این امر از خشک شدن دریاچه جلوگیری می‌کرد.

علمدار علمداری که پیش‌ازین مدیر پروژه احیاء تالاب‌های استان فارس بوده است، با بیان این که ورود قابل توجهی آب به بختگان میزان تبخیر را جبران می‌کرد می‌گوید: در گذشته زهکشی تالاب‌های اقماری مانند کمجان، کافت، شول، بنامیر و... به سمت دریاچه بختگان سرازیر می‌شد اما در سال‌های اخیر این تالاب‌ها زهکشی و تبدیل به اراضی شدند به همین دلیل بختگان پشتوانه آبی خود را از دست داد، سدرودن برای تأمین آب ۴۰ تا ۳۳ هزار هکتار اراضی سطح زیر کشت پیش‌بینی شده بود و در حال حاضر سطح زیر کشت بیش از ۱۳۰ هزار هکتار

غیرمجاز مسدود شود و میزان برداشت از چاه‌ها ۲۰ درصد کاهش یابد به‌طور متوسط می‌توان ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه کرد. کاهش ۲۰ درصد برداشت آب معادل کاهش تولید محصول نیست، در این راستا کشاورز تلاش می‌کند روش‌های دیگری را به کار گرفته تا تولید محصول خود را افزایش دهد.

● لزوم نصب کنتور هوشمند

دبیر قطب زمین‌شناسی زیست‌محیطی ایران می‌گوید: با نصب کنتور هوشمند علاوه بر کاهش برداشت می‌توان میزان مصرف را نیز کنترل کرد از این‌رو ضروری است کنتورها در اختیار کشاورزان قرار گرفته و هرچه سریع‌تر قانون حفاظت از کنتور تصویب شود.

وی گفت: سد ملاصدرا با آب قابل تنظیم ۳۲۰ میلیون مترمکعب طراحی شده که هدف اصلی سد، تأمین برق بوده از این‌رو باید اجازه کشت هرگونه محصول آبرابر با استفاده از سد ملاصدرا داده نشود و در سال‌های خشکسالی درصد کشت به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد. سد سیوند با هدف جلوگیری از سیلاب‌ها طراحی شده از این‌رو باید فقط بخش محدودی از آن برای شرب و صنعت اختصاص داده شود و برای مصرف کشاورزی استفاده نشود.

پروفسور رئیسی با یادآوری اینکه در سال‌های خشکسالی درصد زیر کشت

بر روی دریاچه بختگان و طشک در طول سال حدود ۲۵۰ میلی‌متر است اما این دریاچه سالیانه به‌طور متوسط یک میلیارد و ۲۰۰ مترمکعب آب تبخیر می‌کند. عزت‌الله رئیسی با اشاره به اینکه تبخیر آب در این منطقه برای مزارع و انجیرستان‌ها استفاده می‌شد، می‌گوید: به‌طور میانگین سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب از اطراف دریاچه برداشت می‌شود که از این میزان ۷۰۰ میلیون مترمکعب مربوط به سد درودزن، ۲۰۰ میلیون مترمکعب هم مربوط به سد سیوند و ملاصدراست.

وی بر این باور است که طی ۱۰۰ سال گذشته بدترین خشکسالی را از سال ۸۶ در استان داشته‌ایم.

پدر هیدرولوژی آب‌های زیرزمینی در ایران می‌گوید: حجم ذخیره هیدرولیکی در تمام طول تاریخ فقط یک‌بار تشکیل می‌شود و در صورتیکه از آن استفاده شود دیگر توسط بارندگی جبران نمی‌شود از این‌رو باید گفت در ۵۰ سال گذشته اضافه برداشت در اطراف بختگان از حجم هیدرولیکی بوده به همین دلیل در سال‌های خشکسالی با بحران آب روبه‌رو هستیم. در حال حاضر بارندگی این منطقه به ۲۰۰ میلی‌متر هم نمی‌رسد و متأسفانه برداشت آب از اطراف دریاچه به حدی زیاد است که به‌هیچ‌عنوان با بارندگی‌ها سنجی ندارد.

پروفسور رئیسی تنها راه نجات بختگان را کاهش مصرف آب در حوزه آبرگیر دریاچه عنوان می‌کند می‌گوید: اگر چاه‌های

تأمین شود که این امر می‌تواند در احیاء آن مؤثر باشد. عملاً برای تخصیص حقابه بختگان هیچ اقدامی صورت نگرفته ضمن اینکه محیط زیست استان برای گرفتن حقابه بختگان در سال جاری به‌هیچ‌عنوان کوتاه نمی‌آید زیرا خشک شدن دریاچه خسارت‌های زیادی را بر جای گذاشته است. «عز می برای احیاء دریاچه‌های فارس به‌ویژه بختگان وجود ندارد» این را مدیر کل محیط زیست فارس می‌گوید و یادآور می‌شود که در سال جاری باید به هر شکلی که شده مصوبه دولت برای تأمین حقابه دریاچه‌ها به‌ویژه بختگان اجرایی شود.

مدیر کل محیط زیست فارس همچنین به چاه‌های غیرمجاز اطراف تالاب هم اشاره می‌کند و می‌گوید: در این مدت اقدامات زیادی صورت گرفته که به‌عنوان نمونه می‌توان به نصب کنتورهای هوشمند و مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز اشاره کرد اما این اقدامات به‌تنهایی دردی از بختگان دوا نمی‌کند.

در این رهگذر اما محققان نیز اعتقاد دارند که باید در عین حالی که برداشت آب اطراف تالاب مدیریت می‌شود، شرایط برای بازگشت آب به بختگان نیز فراهم شود.

● ۳ میلیارد مترمکعب آب از اطراف دریاچه برداشت می‌شود

در این باره یک محقق و استاد دانشگاه شیراز می‌گوید: در حال حاضر بارندگی



دروذن به میزان ۳۵۰ میلیون مترمکعب، ۱۰ درصد آن یعنی ۳۵ میلیون مترمکعب برای حقایقه دریاچه رهاسازی شود ادامه می‌دهد: متأسفانه به علت عدم بارش مناسب تنها یک‌سوم آبیگری موردنظر در این سد به وقوع پیوست.

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای فارس البته تاکید می‌کند که مدتی پیش حدود ۲۰ میلیون مترمکعب از سد درودزن به سمت دریاچه رهاسازی شد اما به دلیل بعد مسافت کشاورزان بخش اعظمی از آب را در میانه راه برداشت کردند و عملاً تأثیری در احیای دریاچه نداشته است.

دهقانی معتقد است که رهاسازی کمتر از ۲۰ میلیون مترمکعب به علت فاصله زیاد بین سد و دریاچه، تأثیری بر دریاچه نداشته و آب به دریاچه نخواهد رسید.

وی یادآور می‌شود: در حال حاضر میزان آب قابل استفاده سد درودزن صفر است بنابراین نمی‌توان در این خصوص برنامه‌ای داشت اما در صورت وقوع بارش‌های مناسب و آبیگری قابل قبول به میزان ۱۰ درصد آب قابل رهاسازی به حقایقه زیست محیطی و دریاچه تخصیص داده خواهد شد.

به گزارش مهر، دوستداران محیط زیست، فلاینگوهای تالاب را درحالی که بال‌هایشان پر از نمک بود و قدرت پرواز نداشتند و در همان حال در میان نمکزارهای بختگان تلف شدند، فراموش نکرده و نمی‌کنند. این روزها هم فرقی با هفت سال پیش ندارد حالا تالاب «آب» ندارد، «فلاینگو» هم ندارد.

چاه غیرمجاز در حوزه بختگان وجود دارد. برداشت‌های غیرمجاز به دو صورت توسط متخلفان آبی صورت می‌گیرد.

به گفته این مسئول در سال ۹۳ تعداد یک هزار و ۶۴ حلقه و سال ۹۴ تاکنون نزدیک به هزار حلقه چاه غیرمجاز پر و مسلوب المنفعه شده و با توجه به اهمیت تالاب‌هایی که در سطح استان خشک‌شده از جمله تالاب بختگان، تمرکز فعالیت در پرکردن چاه‌های غیرمجاز در شهرستان نیریز، استهبان، خامه و ارسنجان است. تجهیز ۱۰ هزار حلقه چاه به کنتور هوشمند

دهقانی یکی دیگر از راه‌های برداشت را برداشت‌های غیرمجاز از چاه‌های پروانه دار عنوان می‌کند و می‌گوید: این شرکت از سال ۸۹ و به‌صورت خیلی جدی‌تر از سال گذشته اقدام به نصب تجهیزات اندازه‌گیری و کنتور هوشمند آب و برق بر روی چاه‌های پروانه دار استان کرده که حدود ۱۰ هزار حلقه چاه مجهز به کنتورهای هوشمند آب و برق به‌منظور تحویل حجمی آب به کشاورزان است و برداشت‌های غیرمجاز از چاه‌های پروانه دار کنترل شده و آب تحویلی به کشاورزان مدیریت می‌شود.

وی یادآور می‌شود: در حال حاضر برنامه مصارف سد درودزن و رهاسازی آب از این سد در کمیته‌ای به ریاست استاندار یا معاون استاندار تعیین می‌شود و شرکت آب منطقه‌ای مسئول تعیین و اولویت‌بندی حقایقه‌ها نیست.

دهقانی با یادآوری اینکه در سال آبی گذشته مقرر شد که در صورت آبیگری سد

نمک تبدیل شده و تمام شرایط برای ایجاد طوفان نمکی در منطقه وجود دارد ضمن اینکه در زمان پرآبی دریاچه بختگان به‌عنوان سپر حفاظتی مانع ورود اقلیم کویری به منطقه و استان فارس می‌شود اما در حال حاضر با خشک شدن دریاچه شرایط تغییر کرده است.

● ۱۰۰۰ حلقه چاه پر شد

یکی از سازمان‌هایی که در خصوص تأمین و تخصیص آب به دریاچه مسئولیت دارد آب منطقه‌ای فارس است که مدیرعامل این شرکت اعلام می‌کند: سد درودزن به‌عنوان سد بالادستی بختگان طی مدت اخیر آبی نداشته که بتواند حقایقه تالاب را به دریاچه اختصاص دهند.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای فارس در خصوص دریاچه بختگان اینگونه می‌گوید: سد درودزن از سال ۱۳۵۱ آبیگری شده و با توجه به اینکه دریاچه بختگان تا سال‌های بعد و در اواخر ۸۰ دچار مشکل شده نمی‌توان مشکلات دریاچه بختگان و عدم بارش‌های مناسب در جنوب کشور را به آبیگری سد درودزن نسبت داد. با توجه به اینکه استان فارس از دیرباز قطب کشاورزی کشور بوده به همین دلیل از لحاظ تعداد منابع آبی (شامل چاه، چشمه و قنات) مقام اول را در کشور دارد.

حمیدرضا دهقانی البته به اقدامات مقابله‌ای آب منطقه‌ای در راستای پر کردن چاه‌های غیرمجاز اطراف بختگان نیز اشاره کرده و ادامه می‌دهد: حدود یک هزار و ۴۰۰ حلقه چاه مجاز و نزدیک به ۶۰۰ حلقه

است که با این رقم می‌توان به عمق قاجعه پی برد.

این کارشناس حوزه محیط زیست اعلام می‌کند که باید بین میزان آب و برداشت‌ها تعادل ایجاد شود و می‌گوید: اگر این تعادل برقرار و حقایقه تخصیص یابد می‌توان برای احیای بختگان گام‌هایی برداشت، این دریاچه در زمان پرآبی حدود ۱۵۰ هزار هکتار وسعت داشت و بیش از ۱۶۰ گونه پرنده مهاجر و بومی در آن زندگی می‌کردند، با خشک شدن این دریاچه انجیرستان‌ها استهبان که بیش از هزاران سال قدمت داشتند از بین رفت.

اراضی روستائیان اطراف دریاچه نیز دچار شوری شده و علمداری می‌گوید: وجود ریزگردها و پراکنش آن در منطقه باعث شد که اراضی کشاورزی مردم شور شود و این امر نیز مشکلاتی برای مردم به وجود آورد. علمداری می‌گوید: در واقع کویر سیرجان در ۳۰ کیلومتری شهرستان نیریز که دریاچه در آن واقع شده، قرار دارد، در گذشته مناطق اطراف بختگان شرجی بود اما در حال حاضر به دلیل خشکی دریاچه آب‌وهوای منطقه خشک‌شده، با خشک شدن این دریاچه نشانه‌های ورود کویر و اقلیم کویر به استان نمایان شده و زنگ خطر به صدا درآمده از این‌رو ضروری است که نسبت به احیای دریاچه اقدام شود.

از زمانی که تالاب خشک‌شده شرایط برای اتصال کویر به داخل استان و پیشروی اقلیم کویری به فارس فراهم شده و هم‌اکنون نشانه‌هایی از این موضوع نیز دیده می‌شود. دریاچه به یک دشت

غبطه یک مرز مسدود به پایانه مهران

چشم «خسروی» در حسرت قدم زوار اربعین



اربعین حسینی بزرگ‌ترین اجتماع شیعیان در دنیاست و تلاش دشمنان برای برهم زدن و پراکندن این اجتماع بر کسی پوشیده نیست اما به اباعبدالله الحسین (ع) هر ساله شاهد بزرگ‌ترین اجتماع جهان در اربعین هستیم.

تهدیدات تکفیری‌های اجیر شده برای برهم زدن اجتماع شیعیان حسینی، ذره‌ای از عزم دلدادگان امام حسین (ع) برای شرکت در مراسم اربعین نکاسته و همچنان خیل عظیم عاشقان سالار شهیدان (ع) مشتاق حضور در اجتماع اربعین هستند.

اهمیت مراسم اربعین تا بدان جاست که مقام معظم رهبری اربعین را آغاز جاذبه مغناطیسی حسینی بیان کردند اما در سال‌های اخیر انسداد مرز خسروی به روی زوار ایرانی مشکلات عدیده‌ای برای زائران و مسئولان و اقشار مختلف ایجاد کرده است.

نبود امکان عزیمت زوار از مرز خسروی سبب شده هرساله حجم زیادی از تردها از مرز مهران انجام شود که این مسئله نیز مشکلات بی‌شماری در مرز مهران به وجود آورده است.

ورشکستگی هتل داران قصر شیرین

از طرفی مرز خسروی مهم‌ترین پایانه جمهوری اسلامی ایران است که در چند سال اخیر تنها محل رفت‌وآمد تجار شده و زوار حسینی از این امکان بی‌نصیب مانده‌اند چراکه به دلایل امنیتی در آن سوی مرزها، امکان عزیمت زوار ایرانی از مرز خسروی وجود ندارد.

آنچه باعث تأسف شد و ورشکستگی سرمایه‌داران مرز به دلیل نبود امکان تردد زائران از مرز خسروی است به گونه‌ای که بسیاری از سرمایه‌داران با امید به ایجاد بستر اقتصادی فعال در این منطقه از سالیان گذشته با صرف هزینه‌های فراوان از محل تسهیلات بانکی اقدام به احداث اقامتگاه‌های متعدد در مرز کردند و ایستگاه‌های خدماتی فراوانی نیز برای زوار ایجاد شد اما عدم امکان عزیمت زائران از این مرز تمام روزنه‌های امید برای جبران سرمایه‌های هزینه شده را از بین برده است.

تنها مشکل اعزام زوار ایرانی نبود تضمین امنیتی است

جمهوری اسلامی ایران تنها خواهان تضمین طرف عراقی برای تأمین امنیت زوار ایرانی است و تنها با این شرط مرزهای خسروی به روی زائران گشوده می‌شود اما تا بدین لحظه مقامات عراقی چنین تضمینی ندادند.

نماینده مردم قصر شیرین، گیلان غرب و سرپل ذهاب در مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت: ۸۰ نماینده مجلس خواهان بازگشایی مرز خسروی هستند تا علاوه بر

تجار امکان عزیمت زائران از این مرز فراهم شود. فتح‌الله حسینی افزود: روزانه شاهد تردد ده‌ها ماشین سنگین از مرز خسروی هستیم و در این حوزه نیز اقدامات خوبی صورت گرفته است اما در بحث امکان تردد زوار ایرانی از مرز خسروی تنها مشکل ما تضمین امنیت زوار است.

وی ادامه داد: ما منتظر تضمین مقامات عراقی هستیم و در این رابطه نیز مذاکراتی انجام شده و مقامات عراقی باید ما را قانع می‌کردند اما چنانچه دولت عراق امنیت زوار ایرانی را تضمین کند آمادگی کامل برای اعزام از کرمانشاه وجود دارد و زیرساخت‌ها نیز فراهم است و تمام دستگاه‌ها حاضر به

بایده‌ها هم‌هنگ شود اما حفظ جان مردم از همه مسائل بالاتر است و تضمینی که گرفته می‌شود برای حفظ جان مردم است هر چند تبعاتی هم در پی داشته باشد. مجتبی نیک کردار در ادامه افزود: رسیدگی به وضعیت نابسامان هتل‌داران قصر شیرین مسئله اقتصادی کار است، مرز خسروی با وجود سرمایه‌گذاری‌های عظیم صورت گرفته در این منطقه مسدود است. وی بیان کرد: حفظ جان مردم از تمام این مسائل بالاتر است و چنانچه اتفاقی برای امنیت زوار بیفتد انتقادهای متوجه دولت می‌شود و به‌صرف جبران رکود اقتصادی هتل‌داران نمی‌توان اقدام به اعزام زوار از مرز کرد و حفظ جان مردم مهم‌تر است. نیک کردار اظهار کرد: در حوزه اقتصادی استانداری نیز



تصمیماتی برای کمک به هتل‌دارانی که در قصر شیرین متضرر شدند، گرفته است اما تصمیم بر بازگشایی مرز از مرکز گرفته می‌شود. فرمانده مرزبانی استان کرمانشاه نیز اظهار داشت: تاکنون مجوزی برای تردد زوار از مرز خسروی صادر نشده و ابلاغیه‌ای صورت نگرفته است.

مشکل امنیتی در مرزهای ایران برای اعزام زائران وجود ندارد

سردار کیومرث شیخی افزود: هم‌اکنون تنها امکان عزیمت زوار از مرز مهران وجود دارد همچنان که در ایام تاسوعا و عاشورا تعداد زیادی تردد از مرز مهران انجام شد اما امکان تردد از مرز خسروی کاملاً متفی است.

وی تأکید کرد: ما در رابطه با امنیت مرزها مشکلی نداشتیم و نخواهیم داشت و اگر قرار بر این باشد که ترددی در بحث زوار صورت گیرد این آمادگی وجود دارد.

سردار شیخی افزود: البته زیرساخت‌های لازم در مرز خسروی برای تردد زوار باید فراهم شود اما در حوزه امنیتی مشکل خاصی وجود ندارد و تنها باید مجوز تردد زوار صادر شود.

وی بیان کرد: آنچه به ما مربوط است بحث امنیت مرز بوده که هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد اما بخشی از مسئله به زیرساخت‌ها بازمی‌گردد و باید دید که نهادهای مسئول در این مدت کوتاه می‌توانند آمادگی لازم را پیدا کنند یا خیر، اما در بحث امنیتی مشکلی نداریم و هر لحظه ابلاغی صادر شود آنچه به ما مربوط است انجام می‌شود. به هر روی تاکنون مجوز اعزام زائران از مرز خسروی برای شرکت در مراسم اربعین صادر نشده و مقامات عراقی هر بار از زیر بار این مسئولیت شانه خالی می‌کنند و همچنان باید در انتظار بازگشایی مرز خسروی برای عزیمت زوار باشیم.

کمک در این رابطه هستند. حسینی در خصوص نبود امکان تردد زوار ایرانی از مرز خسروی گفت: تمام مشکل نبود امنیت در آن سوی مرز است در این رابطه حتی مصوبه‌ای در شورای عالی امنیت ملی داریم. این نماینده مجلس ادامه داد: مجلس و جمهوری اسلامی ایران مشکلی برای تردد زوار ایرانی از مرز خسروی ندارد و تنها بحث ما گرفتن تضمین امنیت زوار از طرف عراقی است همچنان که دولت بارها برای اعزام زوار از مرز اعلام آمادگی کرد.

اعزام زوار ایرانی از مرز خسروی از ضرورت‌ها است

وی عزیمت زوار ایرانی از مرز خسروی را از ضرورت‌ها عنوان و بیان کرد: متأسفانه اکثر هتل‌داران مرز ورشکسته شدند و بخشی از دغدغه‌های ما مربوط به سرمایه‌گذاران در این منطقه است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: در بازدید وزیر اقتصاد از مرز موافقتی صورت گرفت تا به تمام هتل‌دارانی که در این رابطه متضرر شدند خساراتی پرداخت شود تا جبران گوشه‌ای از هزینه‌های آن‌ها باشد.

حسینی افزود: در رابطه با اعزام زوار از مرز چندین نشست با مسئولان سازمان حج و زیارت برگزار کردیم و با دوستانمان در شورای امنیت نیز صحبت شد و اظهار نظرهایی نیز با گروه امنیت ملی انجام گرفت اما چون دغدغه آن سوی مرز را داریم امکان اعزام تحت هیچ شرایطی وجود ندارد. وی تأکید کرد: تا طرف عراقی تأمین امنیت زوار ایرانی را تضمین ندهد امکان اعزام وجود ندارد اما اگر در این لحظه دولت عراق تضمین را بپذیرد مسئولان استانی از آمادگی کامل برای اعزام برخوردارند و اکنون نیز سفارت عراق پیگیر جدی این مسئله است.

این نماینده مجلس تأکید کرد: ما خواهان بازگشایی مرز هستیم و به رئیس‌جمهور نیز تذکر کتبی دادیم اما تا زمانی که دولت عراق تضمین ندهد هیچ‌کس زیر بار این مسئولیت بزرگ نخواهد رفت.

وی ادامه داد: آن سوی مرز برای زوار ایرانی خطرناک است و این مسئله باید توسط جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

حفظ جان زوار ایرانی از هر مسئله‌ای بالاتر است

معاون استاندار کرمانشاه نیز حفظ جان مردم را مهم‌تر از هر مسئله‌ای دانست و گفت: این مسئله در حوزه سیاسی

سیل «هویت» اصلی ایلام را نشان داد

محرومیت‌های ۳۰ ساله در بی توجهی



رمضان نوری

سیل اخیر در استان ایلام که باعث خسارت‌های فراوان در بخش‌های زیربنایی و زیرساختی شد، در واقع هویت اصلی یعنی همان محرومیت‌های ۳۰ ساله استان را آشکار کرد. روز پنجشنبه صبح وقتی سیل ایلام را در بر گرفت، خیلی‌ها فکر کردند فقط خسارت به زیرساخت‌ها، زیربناها، منازل و خیابان‌ها وارد شده ولی واقعیت این است در حالیکه شهر را آب برده گویا مسئولان را خواب برده؛ چراکه ۰۳ سال است نسبت به این استان محروم بی توجه هستند.



وی گفت: استان ایلام دارای مشکلات بی‌شماری در بحث کمبود امکانات و زیرساخت‌ها است و انتظار از دولت این بود که به استان توجه ویژه داشته باشد.

● حجم خسارت‌های سیل به ایلام بسیار بالا است

احمد کرمی مدیرکل ستاد مدیریت بحران استانداری ایلام نیز اظهار داشت: متأسفانه سیل اخیر ضربات سختی بر پیکره زیرساخت‌های استان وارد کرده و حجم خسارات ناشی از سیل در بخش‌های زیرساختی و منازل مردم بسیار بالا است. وی عنوان کرد: هم‌اکنون از تمام ظرفیت استان ایلام برای عادی شدن وضعیت شهر ایلام استفاده می‌شود و تاکنون ۵۰ درصد از شهر نیز پاک‌سازی شده است. کرمی با اشاره به خسارت‌های وارد شده به منازل مردم، اظهار داشت: مردم برای جبران خسارت‌ها عجله نکنند و قطعاً مسئولان کشوری به‌زودی با برآورد دقیق خسارت‌ها، رقم دقیق پرداخت به مردم آسیب‌دیده در بخش‌های تسهیلات و کمک‌های بلاعوض را اعلام می‌کند.

● نیاز استان به امکاناتی مثل پمپ‌لجن کش و ماشین‌آلات رفت‌ووروب

مدیرکل ستاد مدیریت بحران استاندار ایلام با اشاره به اینکه در سیل اخیر زیرساخت‌های بخش آب استان خسارت فراوان دیدند، گفت: هم‌اکنون تلاش‌هایی برای برقراری آب آشامیدنی در روستاهای استان در جریان است و تاکنون مشکلات بیشتر آن‌ها حل شده است. وی گفت: در حال حاضر با توجه به بارش‌های جدید و احتمال سیل، استان ایلام به پمپ‌های لجن کش و ماشین‌آلات رفت‌ووروب نیاز دارد و این امکانات برای استان ضروری است. کرمی تأکید کرد: از تمامی مردم استان درخواست می‌شود تا زمان اعلام بنیاد مسکن از هرگونه مراجعه به دستگاه‌های اجرایی و ازدحام در ادارات خودداری کنند.

● خسارت ۱۰۰ میلیارد تومانی به زیرساخت‌های آب استان ایلام

داراب بیرانوند مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان ایلام اظهار داشت: متأسفانه

محیط زیست و... وارد شده که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد؛ البته اینکه ایلام یک استان حادثه‌خیز در بخش بلایای طبیعی بوده، قطعاً نیازمند توجه جدی به همراه عمل مسئولان به وعده‌ها است.

● انتظار از دولت جبران خسارت‌های زیرساختی است

احمد شوهانی نماینده ایلام در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: در سیل اخیر حجم زیادی از خسارت‌ها به زیرساخت‌های استان و شهر ایلام وارد شده که انتظار داریم دولت در کمترین زمان ممکن مشکلات استان را حل کند. وی بیان داشت: حجم خسارت‌های وارد شده به منازل و اموال مردم نیز بالا بوده که در این زمینه نیز توجه دولت نیاز است و امیدواریم بخشی از مشکلات شهر و مردم برطرف شود. نماینده ایلام در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه هم‌اکنون مهم‌ترین بحث مطرح شده بحث حجم خسارت‌های زیرساختی به استان ایلام است، بیان داشت: قطعاً تا آخرین لحظه از مسئولان کشوری پیگیر حل مشکلات زیرساختی در شهر و نقاط حادثه‌دیده استان هستیم.

زیرساخت‌های استان توجه نکردند. نتیجه بی‌توجهی به استان محرومی مثل ایلام این می‌شود که تمام زیرساخت‌ها یک‌شبه از بین برود و حالا دولت باید چند برابر هزینه‌های ساخت یک زیرساخت مناسب را پرداخت کند و البته بازهم توسعه استان چند سال عقب می‌افتد. شهر ایلام به‌عنوان مرکز استان بیشترین خسارت را از سیل اخیر دید که در این بین نقش ساخت‌وسازهای غیرمجاز نیز به‌خوبی قابل مشاهده بود، این همان بلایی است که خود مسئولان با بی‌توجهی سر مردم آوردند. در همین خبرگزاری مهر بارها راجع به کمبود امکانات و مشکلات زیرساختی استان ایلام صحبت شده ولی کمتر شده مسئولان کشوری به این مسئله توجه کنند و یک کار اساسی در استان انجام دهند. راه‌های استان ایلام در همین سیل اخیر مسدود شدند، به دلیل اینکه شهر ایلام در همه مسیرهای ارتباطی دارای تونل است؛ آیا نباید یک بالگرد در استان وجود داشت که در مواقع اضطراری خدمات‌رسانی انجام می‌داد. حال این همه خسارت به زیرساخت‌ها، زیربناها، عشاير، پل‌های ارتباطی، روستاها، تأسیسات آب و برق، منابع طبیعی،

استان ۵۵۰ هزار نفری ایلام بر اثر بارش سنگین ۳۲۴ میلی‌متری باران خسارت ۶۰۰ میلیاردی دید، ولی باید گفت بسیاری از زیرساخت‌ها و زیربنای استان ایلام اصلاً استاندارد نبوده‌اند و این اوضاع مرکز استان در سیل اخیر به‌خوبی مشاهده شده است. چطور می‌شود بعد از گذشت ۳۰ سال استان ایلام یک‌شبه همه داشته‌ها و نداشته‌های خود را از دست بدهد، حتی برای امداد رسانی دارای کمبود جرقیل و بیل مکانیکی باشد و بیشتر تأسیسات آب، برق، مخابرات و... از هم بپاشد.

جواب این سؤال بسیار روشن است و اینکه ایلام از اول تاکنون مورد بی‌توجهی دولت‌ها در بحث توسعه بوده و این استان از نبود امکانات نیز رنج می‌برد، در بسیاری از اعتبارات در کشور به دلیل جمعیت کم همیشه جزو آخرین استان‌های کشور بوده ولی در محرومیت همیشه جزو اولین‌ها قرار داشته است.

باید گفت سیل اخیر هویت اصلی استان ایلام یعنی همان محرومیت‌ها، رنج‌ها، عقب‌افتادگی‌ها، تنگناها و... را آشکار کرده و در این بین متأسفانه همه دولت‌ها به‌نوعی مقصر هستند چراکه به‌رغم شعار محرومیت‌زدایی ولی در عمل به



● دستور رئیس جمهور به دستگاه‌های اجرایی برای جبران خسارت مناطق سیل‌زده

در این راستا همچنین رئیس جمهور در جلسه هیئت، همه دستگاه‌های اجرایی را مأمور اقدامات سریع به‌منظور جبران خسارت‌ها ناشی از سیل در ایلام و لرستان و اتخاذ تدابیر لازم برای پیش‌بینی‌های لازم در حوادث احتمالی کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در جلسه شامگاه یکشنبه از وزراء و مسئولان مربوطه به‌ویژه دکتر نوبخت که با حضور سریع و به‌موقع در استان به مشکلات رسیدگی کرده و همچنین از اقدامات استانداران در راستای اطلاع‌رسانی و واکنش‌های سریع قدرانی کرد.

در ابتدای این جلسه دکتر نوبخت گزارشی از بازدید میدانی حادثه سیل ایلام و مشکلات زیرساختی تشدیدکننده حادثه به هیئت‌وزیران ارائه کرد و هیئت دولت با تخصیص ۱۰۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات مواد (۱۰) و (۱۲) مدیریت بحران برای جبران خسارت‌ها موافقت کرد.

● بارش‌های جدید در راه است

پرونده سیل اخیر ایلام هنوز بسته نشده که طبق گفته مسئولان هواشناسی استان ایلام بارش‌های جدید در راه است و احتمال وقوع دوباره سیل نیز وجود دارد، در این راستا به نظر می‌رسد اول‌ازهمه باید دستگاه‌های اجرایی از آمادگی کامل برخوردار باشند و دوم اینکه در برنامه بلندمدت زیرساخت‌های مناسبی برای آینده استان ساخته شود.

نظرات جوی طی روزهای اخیر که در طول ۱۰۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده خسارت‌های بسیار سنگینی در حوزه‌های مختلف زیرساختی، مسکونی، تجاری، کشاورزی و راه‌های مواصلاتی به بار آورد و جان چهار نفر را نیز گرفت، خسارتی که باید تبدیل به درس عبرتی برای حرکت درست و اصولی در مسیر توسعه استان شود.



● بازدید سه مسئول کشوری از استان ایلام

بعد از وقوع سیل در استان ایلام محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهور، نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور و تابش رئیس بنیاد مسکن کشور از استان ایلام بازدید داشته‌اند.

محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در بازدید از مناطق سیل‌زده ایلام گفت: دولت خسارت‌های وارده به مردم استان ایلام را در سیل اخیر جبران می‌کند.

اسماعیل نجار رئیس سازمان مدیریت بحران کشور نیز از اختصاص ۱۰ میلیارد تومان به‌صورت فوری برای جبران خسارت‌های سیل به استان ایلام خبر داد. علیرضا تابش رئیس بنیاد مسکن نیز در بازدید از مناطق سیل‌زده ایلام، اظهار داشت: به هر میزانی که خسارت وارده، بیش از آن توسط مسئولان برای جبران مشکلات ایجادشده اعتبار در نظر گرفته می‌شود.

از ستاد حوادث غیرمترقبه توسط نماینده ایلام در مجلس مطرح شد و نماینده مردم دهلران، آبدانان، دره شهر و بدره در مجلس شورای اسلامی گفت: عملکرد ستاد حوادث غیرمترقبه کشور در سیل ایلام بسیار سطحی و ابتدایی بود.

وی گفت: اصولاً شهرهایی که در کوهپایه‌ها بوده و از نظر توپوگرافی و عوارض طبیعی متصل به کوه‌های بزرگی چون زاگرس و یا البرز هستند، بیشتر از دیگر شهرها در معرض تهدید حوادث طبیعی همچون سیل قرار دارند.

وی با اشاره به اینکه درحالی‌که ستاد حوادث غیرمترقبه کشور برای مواجهه با این رخداد‌های طبیعی اعلام آمادگی کرده بود، اما واکنش‌شان در این زمینه بسیار سطحی و ابتدایی بود و به‌نوعی غافلگیر شدند و نمی‌دانستند چه باید کنند، افزود: نبود ماشین‌آلات، لجن‌خشک‌کن، لودر، گریدر و تانکرهای آب مشکلاتی بود که دست‌به‌دست هم داد و منجر شد که تصویر خوبی از مدیریت این بحران بر جای نماند.

در سیل اخیر ۴۵ کیلومتر از شبکه آب و ۱۰۰ کیلومتر از شبکه توزیع آب در استان دچار خسارت شده است.

وی بیان داشت: به‌طور مجموع خسارت‌های وارده سیل به بخش آب فاضلاب شهری و روستایی استان ایلام بالغ‌بر ۱۰۰ میلیارد تومان بوده است. مدیرعامل آب و فاضلاب استان ایلام با اشاره به اینکه آب شهر ایلام وصل شده است، گفت: کیفیت آب شهر ایلام هیچ‌گونه مشکل بهداشتی ندارد و شهروندان از خوردن آب اطمینان داشته باشند.

طبق گفته مسئولان آب و فاضلاب روستایی استان ایلام، بیش از ۱۰۰ روستا در سیل اخیر دچار قطعی آب شدند که تاکنون مشکل ۵۰ روستا حل‌شده و هنوز ۵۰ روستای دیگر با مشکل کم‌آبی مواجه هستند.

● خسارت سیل به محیط زیست استان ایلام

(شود) مازیار سلیمان نژاد مدیرکل محیط‌زیست استان ایلام نیز اعلام کرد: بر اثر وقوع سیل در استان ایلام، سایت گوزن زرد ایرانی، آبشخورهای حیات‌وحش، تلمبه‌های بادی، ایستگاه‌های سنجش آلودگی هوا، موزه تاریخ طبیعی و جاده‌های دسترسی به مناطق تحت مدیریت، دچار آسیب‌دیدگی گردیده‌اند.

وی با اشاره به اینکه میزان خسارت وارده به محیط‌زیست استان در دست بررسی است، افزود: جاری شدن سیل و تخریب زیستگاه‌ها اثرات زیانباری به محیط‌زیست منطقه وارد کرده که جبران آن نیازمند صرف هزینه و زمان زیادی خواهد بود.

● عملکرد ستاد حوادث غیرمترقبه در سیل ایلام سطحی و ابتدایی بود

البته در جریان سیل استان ایلام انتقاداتی



واکاوی دلایل تنگی نفس

۵۰ هزار اهوازی

فاجعه‌ای که علت آن مشخص نیست

بارش نخستین باران پائیزی بازم نفس اهوازی‌ها را تنگ و آنها را روانه بیمارستان‌ها کرد ولی با وجود تکرار سه باره این واقعه، مسئولان هنوز علت اصلی را نیافته اند.



علی نواصی

بارش نخستین باران پائیزی برای سومین سال متوالی، هزاران نفر از مردم اهواز و سایر شهرهای خوزستان را دچار تنگی نفس کرده و آنها مجبور به حضور در مرکز درمانی برای بازگرداندن تنفس معمولی خود شدند.

این باران که مسئولان با قاطعیت از اسیدی نبودن آن حرف می‌زنند در سه سال اخیر بیش از ۵۰ هزار نفر در خوزستان و حدود پنج هزار نفر در عراق را با مشکلات تنگی نفس مواجه و آنها را روانه مراکز درمانی کرده است.

نکته جالب این ماجرا اما اینجاست که مسئولان دستگاه‌های مختلف استان خوزستان هنوز به‌طور قاطع اعلام نکرده‌اند که علت وقوع این تنگی نفس بعد از بارش نخستین باران پائیزی چیست؟

● دلایل عجیب سال قبل

سال قبل آن قدر دلایل مختلف و عجیبی از سوی مسئولان بیان شد که اغلب آنها با انتقادات بی‌شمار مواجه و رد نهایت رد شدند. ظاهراً این بار مسئولان دست به عصا در خصوص این مسئله اظهار نظر می‌کنند. برای نمونه سال قبل آتش زدن لاستیک‌های ضایعاتی یکی از نهادهای نظامی مستقر در اهواز علت تنگی نفس اعلام شد که بعدها معلوم شد این واقعه چند روز قبل اتفاق افتاده است. دلیل دیگری هم که اعلام شد، وجود یک دستگاه به نام «سپر بونی» برای جلوگیری از گردوغبار بود، که البته بعد معلوم شد این دستگاه، چندین و چند ماه قبل از بارش باران به دلیل ناکارآمدی غیرفعال شده است. «دستگاه تعدیل کننده کیفیت هوا و اقلیم»، «رسوب‌دهنده الکتروستاتیک» یا اصطلاحاً «سپر بونی» طرحی است که ۲۱ خردادماه سال ۱۳۹۲ با حضور رئیس جمهور وقت و چند روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری در خوزستان افتتاح و اعلام شده بود این طرح ۵۰ تا ۸۰ درصد گردوغبار ورودی به کشور را کاهش می‌دهد.

حتی نمایندگان اهواز در مجلس، پای اعضای کمیسیون بهداشت و درمان را به اهواز باز کردند و با حضور برخی اعضای این کمیسیون، برخی مدیران وزارت بهداشت و مسئولان استان، جلسه‌ای چندساعته گرفته شد ولی باز هم مشخص نشد که علت واقعه چه بوده است.

به هر حال ماجرا در حال فراموش شدن بود که ناصر سودانی نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی بعد از اصرارهای فراوان، مدعی شد که علت این ماجرا تحریم شرکت‌های نفتی و نداشتن نوعی فیلتر در مشعل‌های نفتی است که ماده ناسالم خارج شده از این مشعل‌ها در هوای اهواز متراکم شده و نخستین باران آن را وارد ریه‌های مردم کرده است.

انتشار این مطلب در خبرگزاری مهر هر چند بازتاب



نیست ولی برای مردم مهم اسمی نیست که باید روی این باران در سراسر گذاشته شود بلکه آنچه برای مردم حیاتی به نظر می‌رسد این است که آنها با وجود این باران، زندگی خود را معرض خطر می‌بینند و در این سه سال کسی توانسته راهکاری برای این معضل پیدا کند.

● ثبت نشدن اطلاعات بیماران

دانشگاه علوم پزشکی اهواز اعلام کرده که برای ۶۰ درصد مراجعه کنندگان تنگی نفس پرونده تشکیل نشده و آنها سرپایی معالجه شده‌اند در حالی که واقعاً جای این سؤال باقی می‌ماند که چرا برای سال سوم، این دانشگاه اطلاعات دقیقی از مراجعه کنندگان ثبت نکرده است؟ اطلاعاتی مثل سن و سال، منطقه سکونت، سابقه بیماری و ... باید ثبت می‌شد تا با تجزیه و تحلیل این موارد، به نتایج دقیق‌تری برای مقابله با این پدیده دست یافت. مثلاً با این کار می‌شد متوجه این موضوع شد که بیماران بیشتر در کدام مناطق اهواز ساکن و تا چه اندازه به مناطق نفتی و مشعل‌های صنعت نفت نزدیک هستند. یا اینکه این بیماری بیشتر کدام سن را هدف قرار می‌دهد و یا اینکه افراد مراجعه کننده چه سابقه بیماری دارند.

باید پرسید چرا مسئولان علت اصلی فاجعه‌ای که با اولین باران پائیزی مثل صاعقه بر زندگی مردم خوزستان نازل می‌شود را بعد از گذشت سه سال متوالی به‌طور قطعی پیدا نکرده‌اند، پاسخگو نبوده و حداقل عذرخواهی نمی‌کنند؟

از قضا حداقل در دو سال اخیر و هنگام بروز این پدیده، کسی ریاست دانشگاه علوم پزشکی اهواز را بر عهده دارد که یکی از بهترین پزشکان فوق تخصص ریه در ایران است و بی‌شک بهتر از هر کسی باید تشخیص بدهد که علت این ماجرای که به‌صورت مستقیم با ریه مردم و تنگی نفس آنها ارتباط دارد، چیست؟

آیا وقت آن نرسیده است که استاندار خوزستان یک اولتیماتوم جدی به مسئولان مرتبط به این پدیده مثل دانشگاه علوم پزشکی اهواز، حفاظت از محیط زیست، مدیریت بحران استانداری خوزستان، شرکت‌های نفتی و صنعتی بدهد که اگر امسال علت اصلی واقعه را پیدا نکرده و برای آن چاره‌اندیشی نکنند، باید منتظر عواقب احتمالی آن باشند؟

به‌خصوص اینکه رئیس دانشگاه علوم پزشکی در آخرین اظهاراتش در خصوص این پدیده، تنگی نفس مردم اهواز را به یک گلوله برفی تشبیه کرد که اگر جلوی آن گرفته نشود باید منتظر یک بهمن بزرگ برای چند سال آینده باشیم.

وسیعی در رسانه‌ها داشت ولی هیچ مسئولی به غیر از سودانی حاضر نشد در این خصوص اظهار نظر کند. حتی شرکت‌های نفتی هم حاضر نشدند این مسئله را رد یا تأیید کنند.

سودانی گفته بود: «بعضی فیلترهای موجود در مشعل‌های نفت و گاز فعال در خوزستان به دلیل اینکه بازیابی و تعویض نشده‌اند، گازهایی از این دستگاه‌ها خارج می‌شود که دارای مشکلات زیست‌محیطی است. تعویض نکردن این تجهیزات به دلیل اعمال تحریم‌هاست و ما منتظر هستیم تا این مسئله بررسی شود». آبان ماه امسال یعنی یک سال بعد از گفته‌های سودانی، بازم در حالی که مردم خوزستان به‌خصوص کشاورزان صدمه دیده به علت خشک‌سالی‌های شدید، دست‌ها را به‌سوی آسمان برای بارش باران بالا برده بودند، نزول رحمتی الهی از آسمان خوزستان، سونامی جدیدی از تنگی نفس را برای مردم خوزستان رقم زد و این بار در چند روز متوالی، بیش از ۱۷ هزار نفر راهی مراکز درمانی شدند.

● ردپای نوعی درخت

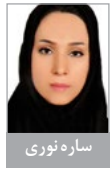
در این میان برخی مسئولان از جمله معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، گرده‌افشانی نوعی درخت به نام کنوکارپوس که به وفور در اهواز یافت می‌شود را یکی از عوامل جدی این ماجرا عنوان کردند.

اما استاندار خوزستان که در مدت اخیر ثابت کرده است همیشه حرف‌های بدون پرده و برخلاف تصور دولت می‌زند به‌صراحت گفت که تنگی نفس مردم اهواز به علت گرده‌افشانی نیست. عبدالحسن مقتدایی عقیده داشت این درخت ۱۰ سال است که در اهواز کاشته می‌شود ولی این مشکل سه سال است اهوازی‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

هرچند مدیرکل حفاظت از محیط زیست استان خوزستان عقیده دارد مشاهداتی در دست دارد که این نوع گیاه در دو کشور پاکستان و ژاپن هم مشکلات مشابه ایجاد کرده و اضافه شدن آلایندگی نفتی و صنعتی موجود در اهواز به گرده‌افشانی کنوکارپوس، مزید بر علت شده که بارش نخستین باران، باعث ایجاد این اتفاقات شود، ولی برخی کارشناسان کشاورزی به‌صراحت این دیدگاه را رد کرده‌اند و آن را بی‌تأثیر می‌دانند زیرا اکنون زمان گل‌دهی کنوکارپوس نیست و گل‌دهی این گیاه بیشتر در بهار و در بازه زمانی اسفند و فروردین آغاز می‌شود که البته در آن زمان، مشکل تنگی نفس وجود ندارد.

در این زمینه یک نکته کلیدی در بین همه مسئولان به‌صورت مشترک دیده می‌شود که این باران اسیدی

پروژه نیمه کاره «پل حامی» سهم کارتن خواب‌ها شد



ساره نوری

پروژه نیمه کاره پل حامی در ورودی شهر کرج نیمه کاره رها شده است و معتادان کارتن خواب برای فرار از سرما به خرابه‌های کنار این پل پناه آورده و آن را سهم خود کرده‌اند.



ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر یک روز سرد پاییزی در حال عبور از خیابان تهران هستیم. میدان کرج از دور پیدا است. خودروها به سرعت در حال گذر هستند. بسیاری از عابران برای فرار از سرما قدم‌های بلند بر می‌دارند. ناگهان جمله «شاید مرده باشد» توجه‌ام را جلب می‌کند. سری بر می‌گردانم و عده‌ای را می‌بینم که دور تا دور ایستاده در حال صحبت کردن هستند. به جمع آنها ملحق می‌شوم رو به رویم خرابه‌ای در دل شهر است. دیوارهایش سیاه شده و در گوشه گوشه این فضا معتادان کارتن خواب برای در امان ماندن از سرما آتش به پا کرده‌اند تا دلتان بخواهد کارتن‌های مختلف کف زمین ریخته است. کارتن‌هایی که گویی کفن معتادان بخت برگشته است. کمی آن سو تر مردی روی زمین افتاده مشخص نیست که زنده است یا مرده. بسیاری از کسانی که در محل حضور دارند کسبه خیابان تهران هستند. یکی از آنها می‌گوید: به اورژانس خبر داده ایم الان پیدایشان می‌شود. یکی دیگر در حال حرف زدن با بغل دستی‌اش می‌گوید: شهرداری کرج کلنگ پروژه پل حامی را زمین زده است حال مدتی است که کار خوابیده گویا داستان تکراری بی اعتباری دامن این پروژه را گرفته است.

● شهرداری گویا کاری جز ساختن پل ندارد و حل معضل ترافیک را در احداث تقاطع هم‌سطح می‌بیند

دیگری می‌گوید: پروژه‌های نیمه کاره شهر کرج بهشت معتادان کارتن خواب شده است و یکی دیگر از کسبه می‌گوید: شهرداری گویا کاری جز ساختن پل ندارد و حل معضل ترافیک را در احداث تقاطع‌های غیرهمسطح می‌بیند.

یکی دیگر از کسبه می‌گوید: مشکلات خیابان تهران برای خودش یک کتاب است هر روز صبح با معتادانی رو به رو می‌شویم که برای فرار از سرما زیر پل نیمه تمام حامی و پل تاریخی صفوی پناه برده‌اند.

در همین حین که به صحبت‌های کسبه گوش می‌کنم نیروهای امدادی اورژانس سر می‌رسند چند ثانیه‌ای نمی‌گذرد که مامور اورژانس به همکاری می‌گوید زنده است و به هر حال ماموران امدادی کارتن خواب نقش بر زمین شده را روی برنکارد گذاشته و با خود می‌برند.

یکی از کسبه‌های خیابان تهران در رابطه با وقایع این منطقه می‌گوید: وقتی هوا سرد می‌شود سربلای معتادان کارتن خواب آغاز می‌شود روزی چندین بار در این محل معتادانی را پیدا می‌کنیم که از سرما به زیر پل تاریخی و کنار پل حامی پناه برده‌اند برخی مواقع از شدت سرما می‌میرند.

آقای نجفی که کمی هم شاکی به نظر می‌رسد می‌گوید: ۵ مغازه از این راسته توسط شهرداری تملک شده است تا برای توسعه پل حامی مورد استفاده قرار بگیرد این مغازه‌ها تبدیل به خرابه‌ای شده‌اند که سرپناه معتادان کارتن خواب شده است.

وی در ادامه می‌گوید: کل مغازه‌هایی که باید تملک شود ۲۱ باب است و خدا می‌داند شهرداری چه زمانی این ۲۱

این خصوص می‌گوید: پروژه پل حامی در بخش تملکات اراضی با مشکل مواجه بود مالکان خانه و مغازه‌ها در این محدوده همکاری نمی‌کردند پس از بررسی یک لایحه دوفوریتی در صحن شورای شهر کرج، مقرر شد که این مشکلات در کوتاهترین زمان ممکن حل شود.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا این پروژه با مشکل بی اعتبار مواجه است، می‌افزاید: خیر این پروژه مشکل اعتباری ندارد عدم همکاری مردم در واگذاری ملک کار را با مشکل مواجه کرده بود چرا که بسیاری از شهروندان وقتی خانه یا ملکشان در طرحی قرار می‌گیرد برای واگذاری به شهرداری رقم را بالا و پایین می‌کنند همین مسئله زمینه ساز کنده پروژه می‌شود.

عباسی در ادامه با تاکید بر اینکه شورای شهر اجرای پروژه مهندسی ارزش را برای همه پروژه‌های عمرانی در سطح شهر لازم می‌داند، در پاسخ به این پرسش که آیا لحاظ کردن پیوست‌های اجتماعی در پروژه‌های عمرانی مورد توجه قرار می‌گیرد یا خیر، می‌گوید: بررسی همه جانبه پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی در همه پروژه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است شورا بر این مهم پافشاری دارد.

واقعیت غیرقابل انکار این است که شهرداری کرج نسبت به پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های سطح شهر کم توجه است عباسی عضو شورای شهر کرج نیز با مهر موافق است و می‌گوید: معتقدیم شهرداری کرج در این زمینه ضعیف عمل می‌کند.

عباسی عضو شورای شهر کرج کم توجهی شهرداری کرج نسبت به پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های سطح شهر را تایید کرده و معتقد است شهرداری کرج در این زمینه ضعیف عمل می‌کند

وی در پایان در پاسخ به این پرسش که شورای شهر در خصوص ضعف عملکرد شهرداری چه رویه‌ای در پیش خواهد گرفت، گفت: قطعاً به شهرداری تذکرات لازم داده خواهد شد تا در اجرای پروژه‌ها پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی لحاظ و با دقت به این مهم توجه شود.

در ادامه تماس با مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی استان البرز برای پیگیری وضعیت معتادان کارتن‌خوابی که

باب را خریداری کند و خدا می‌داند ما تا کی باید این صحنه‌ها را هر روز صبح ببینیم.

حرف‌های کسبه تمام می‌شود همه کسانی که دور کارتن خواب جمع شده بودند پراکنده می‌شوند و به محل کارشان می‌روند مرد نقش بر زمین شده چشم برهم زدن به دست فراموشی سپرده می‌شود. اما هنوز سوالات بیشماری در ذهن وجود دارد. سوالاتی از قبیل اینکه چرا بسیاری از پروژه‌ها به در بسته بی‌اعتباری می‌خورند؟ پروژه‌های ناتمام عمرانی چرا ماواای معتادان کارتن خواب می‌شوند؟ چرا شهرداری نسبت به پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های عمرانی کم توجه است؟ متولی کارتن خواب‌ها کیست؟ پروژه پل حامی که در ورودی شهر قرار گرفته چرا به سرانجام نمی‌رسد؟

برای پیگیری وضعیت این پروژه که در حال حاضر سهم معتادان کارتن خواب شده است با معاون عمرانی شهرداری کرج تماس می‌گیریم تماس‌های مکرر ما و عدم پاسخگویی علی اصغر کمالی زاده کمکی به رفع مجهولات معادله نمی‌کند. پیامکی برایش ارسال می‌کنم که خبرنگار هستم و سوالاتی دارم اما آن هم بی‌پاسخ می‌ماند. کمالی زاده اما مهرماه سال ۹۱ در گفتگو با رسانه‌ها از احداث پل مکمل حامی در تقاطع بلوار شهید مدرس خبر داده و گفته بود: احداث تقاطع غیرهمسطح حامی که در تقاطع بلوار شهید مدرس و رودخانه کرج واقع شده، سرویس ترافیک عبوری در تقاطع غیرهمسطح حافظ را افزایش خواهد داد.

● ضعف شهرداری در زمینه پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ها

پل مکمل حامی به عنوان رابط بین کریدور ورودی شهر (بلوار مدرس) با تقاطع غیرهمسطح حافظ احداث خواهد شد؛ کمالی زاده پیشتر در خصوص سازه این پل گفته بود: گونه این پل رودخانه‌ای و نوع آن بتنی با معماری ویژه است عرض کلی عرشه این پل ۱۶ تا ۱۷ متر و طول آن ۷۵

تا ۸۰ متر و دارای سه خط حرکتی است.

اما؛ حسام عباسی یکی از اعضای شورای شهر کرج در



جان تالاب‌های گیلان در دست سنبل آبی مهمان ناخوانده خطر ساز شد

حضور مهمانی ناخوانده به نام «سنبل آبی» که ریشه در جان میزبان دوانده و همچون ماری خوش خط و خال کمر به قتل وی بسته، این روزها جان تالاب‌های گیلان را تهدید می‌کند.

گیاه سنبل آبی (AinrohhciE) یا ارکید آبی با نام علمی (sepiisarC) گیاهی آبزی شناور چند ساله از خانواده غلافیان بومی مناطق گرمسیری و زیر گرمسیری امریکای جنوبی به خصوص حوضه آمازون است که در آب‌های شیرین زندگی کرده و در خارج از زیستگاه خود به عنوان گیاهی مهاجم شناخته می‌شود.



مریم اصغری

مریم قاضی زاده

ترتیبی استفاده می‌کنند.

وی ادامه می‌دهد: اطلاعات دقیقی از چگونگی ورود این گیاه به تالاب‌های گیلان وجود ندارد اما می‌توان حدس زد برخی افراد که از آن به عنوان گیاه زینتی استفاده کرده‌اند، به دلیل رشد سریع، از نگهداری آن عاجز شده و این گیاه را در آبگیرها یا مجاری آبی رها کرده‌اند. البته رد سنبل آبی را در گلخانه‌ها نیز می‌توان جستجو کرد.

میرزاجانی تصریح می‌کند: متأسفانه حضور این گیاه مهاجم و خطرناک در کوچک‌ترین محیط آبی باعث می‌شود تا از حالت کنترل خارج شده و با گسترش سریع در اکوسیستم، حیات گونه‌های مختلف جانوری منطقه را از بین ببرد.

وی با اشاره به خطرات ناشی از حضور گیاه سنبل آبی در تالاب‌ها و مجاری آبی می‌گوید: مصرف بالای اکسیژن آب توسط سنبل آبی از یک سو و گسترش طولی و عرضی این گیاه از سویی دیگر باعث می‌شود تا علاوه بر اینکه هیچ کدام از گونه‌های جانوری موجود در تالاب قادر به ادامه زندگی نباشند، تردد در تالاب‌ها و دسترسی به آن‌ها نیز به دلیل گسترش ریشه‌های این گیاه در آب با مشکل مواجه شود.

میرزاجانی هشدار می‌دهد: در صورتی که به موقع با این گیاه برخورد نشود می‌توان امیدوار بود که گسترش آن را کنترل و با اقدامات موثر گیاه را ریشه کن کرد در غیر اینصورت شاهد فاجعه‌ای زیست محیطی در دست شبیه آنچه که در بخشی از تالاب عینک رشت رخ داده خواهیم بود.

● سنبل آبی سلطان زاست

این کارشناس محیط زیست در ادامه با اشاره به قدرت

این گیاه با برگ‌های گسترده، ضخیم، براق و تخم مرغی شکل ۱۰ تا ۲۰ سانتی متری که به اندازه یک متر در ارتفاع بالاتر از سطح آب رشد می‌کند، دارای ریشه‌های ارغوانی سیاه آزاد و ساقه راست است که ۸ تا ۱۵ گل جذاب را بر روی خود دارد.

سنبل آبی به دلیل رشد سریع در محیط‌های آبی (رشد دو برابری در عرض دو هفته) و مصرف مقادیر زیادی از اکسیژن آب، یکی از خطرناک‌ترین گونه‌های گیاهان آبزی است که در جهان شناخته شده و در عرض مدت کوتاهی قادر خواهد بود تا اکوسیستم منطقه را نابود کند.

هرچند اطلاعات موثقی درباره چگونگی ورود این گیاه به ایران و تالاب‌های گیلان وجود ندارد اما گمان می‌رود حضور ناخوانده سنبل آبی در زیست محیط‌های آبی گیلان به دلیل گل‌های زیبایی که داشته و شناور بودن آن در آب، از طریق پرورش دهندگان گیاهان آکواریومی بوده است.

● سنبل آبی تهدید جدی برای تالاب‌های گیلان

به گفته یکی از کارشناسان پژوهشکده آبی پروری انزلی، گیاه سنبل آبی خطرناک‌ترین و جدی‌ترین تهدیدی است که تا امروز زندگی در تالاب‌های گیلان را به خطر انداخته و توجه نکردن به حضور این گونه مهاجم به طور حتم عواقب جبران ناپذیری را به بار می‌آورد.

علیرضا میرزاجانی درباره حضور سنبل آبی در تالاب‌های گیلان و خطری که از جانب این گیاه جان تالاب‌ها را تهدید می‌کند توضیح می‌دهد: متأسفانه سنبل آبی گل‌های زیبا و ظاهری فریبنده دارد که بسیاری از علاقه مندان به طبیعت و پرورش گیاه از آن به عنوان گیاهی

از خرابه‌های ناشی از پروژه‌های عمرانی سطح شهر و یا از خرابه‌های دیگر به بیمارستان منتقل می‌شوند ضروری به نظر می‌رسد. آرش رحمتی معاون این مرکز می‌گوید: معنادان و کارتن خواب‌هایی که بالای اتوبان جمع‌آوری می‌شوند به بیمارستان شهید رجایی و آنانی که پایین محدوده جغرافیایی اتوبان تهران - کرج جمع‌آوری می‌شوند به بیمارستان شریعتی منتقل می‌شوند.

وی در ادامه می‌افزاید: اگر اعضای بدن معنادان کارتن خواب آسیب ببیند آنها را به بیمارستان شهید مدنی کرج منتقل می‌کنیم برخی از معنادان به علت استعمال زیاد مواد مخدر به محض انتقال به بیمارستان داروهای را دریافت می‌کنند که اثر مواد مخدر را از بین ببرد. رحمتی ادامه داد: بسیاری از کارتن خواب‌هایی که به بیمارستان منتقل می‌شوند، سطح هوشیاری پایینی دارند به دلیل تغذیه نامناسب سرم های قندی دریافت می‌کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا آماری از معنادان کارتن خواب که روانه بیمارستان های شهر می‌شوند، وجود دارد، گفت: خبر آماری تحت عنوان بیماران معناد کارتن خواب وجود ندارد.

معاون مرکز حوادث و فوریت های پزشکی استان البرز گفت: بسیاری از معنادان کارتن خواب با ماموران امدادی همکاری نمی‌کنند ولی برخی نیز تمایل به بهبودی دارند که از بیمارستان به کمپ ترک اعتیادی در حصارک کرج منتقل می‌شوند.

رحمتی در پایان افزود: متأسفانه معضل کارتن خوابی متولی خاصی ندارد در بسیار از مواقع معنادانی که به کمپ منتقل می‌شوند پس از چندی دوباره به دام اعتیاد افتاده و کارتن خواب می‌شوند.

سید علی اکبر میروکیلی معاون فرهنگی شهرداری کرج نیز می‌گوید: معاونت فرهنگی شهرداری کرج در خصوص فرهنگ سازی در حوزه اعتیاد اقدامات متفاوتی انجام می‌دهد.

وی در ادامه می‌افزاید: اعتیاد مادر بسیاری از معضلات اجتماعی است در حال حاضر یکی از دلایل افزایش طلاق در البرز اعتیاد یکی از طرفین است. به همین منظور با کمک دادگستری استان فرهنگسرای غدیر را به کلاس های مشاوره ای در این زمینه اختصاص داده ایم. روزانه ۱۰ مشاور هم زمان آقایان و بانوانی را که قصد طلاق دارند، مشاوره می‌دهد تدوام این اقدامات باعث شده است ۱۰ درصد طلاق های توافقی کاهش پیدا کند.

وی در پایان می‌گوید: پیشگیری از اعتیاد در حوزه این معاونت تعریف شده است در آموزش های شهروندی سعی می‌کنیم به معضل اعتیاد به طور ویژه ای بپردازیم ولی معضل کارتن خواب‌ها و معنادان خیابانی به این معاونت مربوط نمی‌شود.

در پایان باید گفت: به نظر می‌رسد وجود معنادان کارتن خواب و معضلات ناشی از این پدیده برای شهرداری و دیگر نهادهای متولی در اولویت نخست قرار ندارد و این در حالی است که میدان کرج فقط یکی از محله‌هایی است که در سطح شهر شب‌های بسیاری را میزبان معنادان کارتن خوابان است و خبرگزاری مهر و دیگر رسانه ها در این خصوص گزارش و اخبار بیشمار را منتشر کرده اند.

به نظر می‌رسد ساختن تقاطع غیرهمسطح و پل روگذر و زیرگذر برای شهرداری کرج تبدیل به مسأله ای شده که از دیگر کالانشهرها جا نماند و این در حالی است که شمار معنادان و کارتن خوابان زیر سایه پروژه های عمرانی در سطح شهر رو به افزایش است.



بالای سنبل آبی در بالایش محیط اطراف خود می‌گوید: این گیاه به دلیل قدرت خود بالایی بالا و امکان سازگاری فوق العاده با محیط می‌تواند حتی فلزاتی سنگین مثل جیوه و سرب که از طریق فاضلاب کارخانه‌های صنعتی به آب‌ها وارد می‌شوند را به خود جذب کند از این رو تجمع سنبل آبی در محیط به شدت خطرناک بوده و می‌تواند عامل مهمی برای بروز بیماری‌هایی از جمله انواع سرطان باشد.

میرزاجانی با هشدار نسبت به خطرناک بودن جابجایی این گیاه مهاجم تاکید می‌کند: متأسفانه دیده شده که در برخی از شهرهای استان مثل شهر رشت این گیاه به عنوان گیاهی زینتی فروخته شده و در بین مردم رد و بدل می‌شود در حالیکه جابجایی این گیاه باعث رشد و تکثیر آن در تمام محیط‌های آبی استان شده و خطری هم ردیف استنشاق گاز خردل برای محیط زیست و به تبع آن ساکنان استان دارد.

● راه‌های مبارزه با سنبل آبی

وی با تاکید بر لزوم مقابله سریع‌تر با این پدیده مهاجم به تالاب‌های گیلان تصریح می‌کند: در حال حاضر رودخانه بهمیر به سمت سیارویشان و رودخانه روستای چکوور شهرستان صومعه سرا که دو مدخل مهم ورودی رودخانه به تالاب انزلی هستند به صورت تقریباً گسترده‌ای به این معضل دچار شده‌اند که به دلیل اهمیت موضوع و حساس بودن نقاط درگیر باید اقدامات سریع و موثری در این باره انجام شود.

میرزاجانی ادامه می‌دهد: روش‌هایی از قبیل برخورد مکانیکی (از جا در آوردن) با این گیاه، استفاده از سموم، و مبارزه بیولوژیک از طریق دو گونه شپشک و یک گونه شب پره مهم‌ترین راه‌های مبارزه با این پدیده است. وی در خصوص استفاده از ماهی‌آمر برای مقابله با گسترش این گیاه می‌گوید: به طور حتم ماهی‌آمر نمی‌تواند گزینه خوبی برای مبارزه با این گیاه باشد چرا که ریشه گیاه برای ماهی‌آمر جذابیت خوراکی ندارد ولی آنچه که مسلم است، مقابله با این پدیده باید در گستره‌ای وسیع و با سرعت انجام شود چرا که جان تالاب‌های گیلان در خطر است.

● گسترش سنبل آبی در مناطق غربی تالاب انزلی

همانطور که میرزاجانی اعلام کرده بود رودخانه بهمیر به

به سطح مناطق پاکسازی شده، از هجوم این گیاه به سایر نقاط جلوگیری شود.

عشوری بیشترین حجم مشاهده شده از این گیاه را در روستای چکوور شهرستان صومعه سرا اعلام کرده و تصریح می‌کند: این گیاه در شهرستان صومعه سرا برای نخستین بار در تابستان امسال رویت شد ولی در حال حاضر تالاب عینک منبع اصلی این گیاه در استان گیلان است که متأسفانه به دلیل ناآگاهی مردم از خطر این گیاه و خرید و فروش آن به صورت گیاه تزئینی، به سایر نقاط استان نیز منتقل شده است.

وی می‌افزاید: خوشبختانه در مناطق درگیر در شهرستان صومعه سرا با استفاده از راهکار جمع‌آوری فیزیکی و با کمک جوامع بومی این مناطق توانسته‌ایم رودخانه بهمیر روستای سیارویشان را بطور کامل و مناطق منتهی به تالاب در روستای چکوور را جمع‌آوری کنیم ولی متأسفانه هنوز بخش اعظمی از بخش روستای چکوور باقیمانده که محیط بانان و جوامع بومی در حال کار هستند ولی به دلیل هزینه بر بودن، اندکی با مشکل مواجه هستیم.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست صومعه سرا نبود شناخت کافی در مورد این گونه گیاهی را یکی از مشکلات بر سر راه برخورد با آن عنوان کرده و خاطر نشان می‌کند: بسیاری از کشورهای دنیا درگیر مقابله با این گیاه بوده و حتی در ایالت فلوریدای آمریکا نیز سالانه ۱۰۰ میلیون دلار برای مقابله با این گیاه هزینه می‌شود.

وی با اشاره به مخالفت سازمان محیط زیست برای برخورد با این گیاه از طریق سموم تصریح می‌کند: سازمان محیط زیست مخالف ورود هرگونه سم به داخل رودخانه‌ها و تالاب انزلی است و فعلاً بهترین روش برای نابودی این گیاه جمع‌آوری فیزیکی با کمک محیط بانان و سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین آگاهی و هشدار دادن به مردم برای پرهیز از هرگونه خرید و فروش و تکثیر این گونه گیاه است.

هرچند سرعت رشد و تکثیر سنبل آبی بسیار بیشتر از سرعت اقدامات مقابله‌ای با این پدیده مهاجم است اما امید این است تا مسئولان امر با پیگیری این خصوص و جدیت در مقابله با آن از وقوع فاجعه‌ای دیگر مانند آنچه که در تالاب عینک رشت رخ داده در سایر تالاب‌های استان جلوگیری کنند.

سمت سیارویشان و رودخانه روستای چکوور شهرستان صومعه سرا دو منطقه بسیار مهم هستند که این روزها میزبان سنبل آبی در ابعاد گسترده است.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست صومعه سرا در خصوص حضور سنبل آبی در این مناطق توضیح می‌دهد: در حال حاضر حضور سنبل آبی در دو منطقه مهم از شهرستان صومعه سرا که مدخل ورود رودخانه‌های بهمیر و چکوور به تالاب انزلی است مشاهده شده که به دلیل خطری که این مناطق را تهدید می‌کند، مبارزه مکانیکی با این گیاه مهاجم در این مناطق آغاز شده است.

حمزه عشوری با بیان اینکه سنبل آبی موجب افزایش تهرق آب تا ۸۰ درصد می‌شود، می‌افزاید: به دلیل اهمیت موضوع مأمورین اداره حفاظت محیط زیست شهرستان صومعه سرا تا کنون توانسته‌اند طی یک عملیات پاکسازی در مدت پنج روز رودخانه بهمیر را از وجود سنبل آبی پاکسازی کنند.

وی توانایی زنده بودن این گیاه را ۱۵ تا ۳۰ سال عنوان کرده و می‌گوید: سنبل آبی با کوچک‌ترین ذخیره آبی تکثیر می‌یابد از این رو لازم است تا با اجرای برنامه‌های پیشی برای جلوگیری از ورود مجدد این گیاه



■ آبان ماه که گذشت تولد مردی بود که شعر و ادب پارسی را از بند قافیه رهانید و جانی تازه به فرهنگ و ادب پارسی بخشید. علی اسفندیاری، روستازاده‌ای که بعدها به شاعر پرآوازه معاصر و به نیما یوشیج معروف شد، خالق، شاهکارهایی چون افسانه، غراب و ققنوس، همچنان ترا چشم در راه است، شباهنگام که می‌گیرند در شاخ تلاجن.

■ بوی کاغذ و دفترهایی که دیگر کاهی نیست و سیمی است، بوی پاک کن های جمع شو، بوی کیک های شیرین عسل و تافی هایی که رنگ و شکلشان عوض شده و بوی بچه ها موج می زند در سالن مدرسه... تجربه یک روز در کنار یار مهربان و دانش آموزان دبستان ابتدایی «سبلان».

■ استان قزوین از دیرباز مهد هنرمندانی بوده که تلخ اند و شکرخند مردمان روزگارشان را پشت قاب یک قصه نقش می زدند و زندگی را به روی صحنه هنرمندی شان می برند اما هنر تئاتر این استان این روزها حال ناخوشی دارد و برای نفس کشیدن و بالیدن به نقش آفرینی هنرمندانه مسئولان در صحنه مدیریت و فرهنگ نیاز دارد.

■ نذری که می‌تواند در تأمین غذای روح افراد جامعه تأثیرگذار باشد، نذر کتاب، است، این نوع نذر علاوه بر ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی می‌تواند با در اختیار قرار دادن کتاب های مفید در اعتلای آگاهی افراد جامعه در خصوص مسائل مختلف تأثیرگذار باشد.

فرهنگ و هنر ایران



«نیما» ققنوس خوشخوان با آوازه جهانی

شباهت نیما و فردوسی



آبان، ماه تولد مردی بود که شعر و ادب پارسی را از بند قافیه رها نید و جانی تازه به فرهنگ و ادب پارسی بخشید. دیوان اشعار نیما، بازتاب دهنده آیین‌ها، سنت‌های بکر و اصیلی بوده که باورها، سنت‌ها و مثل‌های عامیانه کوه‌نشینان و مردمان ساده اما به رنج خو گرفته در آن به تصویر کشیده شده و زندگی همانند رود هراز در آن جریان دارد.



به‌ویژه روحا می‌گوید: جلوه‌هایی از باورهای عامیه در دیوان روحا به چشم می‌آید و روایت‌هایی از سنت‌ها، آیین‌ها، فرهنگ و بوم در شعر نیما موج می‌زند. وی بایبان اینکه مؤلفه‌هایی از زبان بومی در آثار نیما وجود دارد گفت: نیما اشارات قوی در این زمینه در دیوان روحا دارد و دست‌نخورگی چهره زبانی نیما و استفاده از ترکیب‌هایی که امروزه به کار نمی‌رود یا خیلی کم بکار می‌رود را نیما در دیوان روحا آورده است و می‌توان به آیین‌ها، باورها و نکات سنتی زیادی اشاره کرد. وی درباره بازتاب ضرب‌المثل‌ها در دیوان نیما با اظهار اینکه ضرب‌المثل‌ها دربرگیرنده آمال‌ها و باورهای بومی هستند، اظهار داشت: جلوه‌هایی از باورهای عامیانه در دیوان روحا وجود دارد.

این نیما پژوه به اشاره به اینکه تلاش نیما این بود که زبان طبری را هم احیا کند، ادامه می‌دهد: زبان طبری کم‌کم در حال رخت بستن بود و نیما در این زمینه دغدغه داشت.

طی سال‌های گذشته تا به امروز به‌صورت متفرقه و پراکنده آثار نیما بزرگ به زبان‌های مختلف انگلیسی، اسپانیایی، ترکی و لهجه‌های مختلف افغانی و زبان اردو در پاکستان و کشورهای مختلف توسط ایران شناسان، اساتید دانشگاه‌ها و علاقه‌مندان به آثار وی، ترجمه شده است اما نیما همچنان پژوهشگران را چشم در راه است.

● شباهت پدر شعر نو و حماسه سرای پارسی

امین رستمی از شاعران مازندران نیز بایبان اینکه نیما آبروی فرهنگ و ادب ما به شمار می‌رود، به شباهت‌های بین نیما و فردوسی اشاره کرد و از نیما به‌عنوان پدر شعر نو و فردوسی به‌عنوان پدر حماسه ایران نام برد.

وی به پایان غم‌انگیز زندگی هر دو شاعر اشاره کرد و گفت: بالاینکه هر دو شاعر قله شعر و ادب ایران به شمار می‌روند، یکی فرزند دهقان توس و دیگر فرزند ابراهیم‌خان اسفندیاری و از نوادگان شه‌یاران مازندران بوده است.

به گفته او، هر دو شاعر مغضوب حکام زمانه بودند و فردوسی مدتی متواری بود و نیما نیز پس‌ازآنکه پدر شعر نو شده بود، می‌تسید که دستگیر شود.

علی اسفندیاری، روستا‌آدای که بعدها به شاعر پراوازه معاصر و به نیما پوشیچ معروف شد، خالق، شاهکارهایی چون افسانه، غراب و ققنوس است و همچنان ترا چشم راه است، شباهنگام که می‌گیرند در شاخ تلاجن.

از نیمای شعر ایران که با سروده‌هایش تحولی در شعر کلاسیک و سنتی پدید آورد، به‌عنوان ققنوس خوش‌خوان با آوازه جهانی یاد می‌شود، هم او که با «قصه‌های رنگ‌پریده‌اش» به دنیای شعر پا گذاشت و «تعریف و تبصره و یادداشت‌های دیگر» را درنوردید تا «حرف‌های همسایه» را بشنود و «حکایات خانواده سرباز» را بیان کند و «شعر من»، «مانلی» و «خانه سربولی»، «فریادهای دیگر» و «عکبوت رنگ» و ... را از خود به یادگار گذارد.

نیما با مجموعه تأثیرگذار افسانه که مانیفست شعر نو فارسی بود، در فضای راکد شعر ایران انقلابی به پا کرد، این شاعر بزرگ، درحالی‌که به علت سرمای شدید یوش، به ذات‌الریه مبتلا شده بود، برای معالجه به تهران آمد، معالجات تأثیری نداشت و در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۳۸، نیما پوشیچ، آغازکننده راهی نو در شعر فارسی، برای همیشه خاموش شد، او را در تهران دفن کردند؛ تا اینکه در سال ۱۳۷۲ طبق وصیتش، پیکرش را به یوش برده و در حیاط خانه محل تولدش به خاک سپردند.

● گردشگری ادبی شاخه مهم صنعت گردشگری است

دلوار بزرگ نیا بایبان اینکه آثار پدر شعر نو پتانسیل جهانی شدن دارد، از گردشگری ادبی به‌عنوان شاخه‌ای از صنعت گردشگری یادکرد و گفت: گردشگران ادبی علاقه‌مند به زبان پارسی و فرهنگ و عرفان ایران -اسلامی نیز از سراسر جهان به یوش سفر کرده و از خانه -موزه نیما دیدن می‌کنند.

مدیرکل میراث فرهنگی مازندران می‌گوید: موزه نیما در سال ۶۸ توسط سازمان میراث فرهنگی کشور از وراث نیما خریداری شده است و پیکر نیما در سال ۷۲ طبق وصیتش در حیاط این خانه یعنی خانه پدری نیما به خاک سپرده شده است.

خانه نیما به موزه تبدیل شده تا برخی عکس‌ها و وسایل شخصی پدر شعر نوی فارسی را در خود جای دهد، عینک و قلم و لباس و کفش و چراغ و پیه‌سوز... وقتی در خانه می‌گردی و روزهایی را در ذهن مجسم می‌کنی که نیما و برادرش لادین و خواهرش بهجت از درودیوار بالا می‌رفتند و فریاد کودکانه‌شان در فضای خانه می‌پیچید، بیشتر شاعر اندیشه‌های نو را درک می‌کنی.

تاکنون اشعار زیادی از نیما به زبان‌های روسی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، آلمانی و ترکی ترجمه شده است و مشهورترین و نزدیک‌ترین ترجمه منظومه «افسانه» توسط نویسنده شاعر و ایران‌شناس فرانسوی روزه لسکو بوده است.

جلوه‌هایی از باورهای عامیه در دیوان روحا به چشم می‌آید و روایت‌هایی از سنت‌ها، آیین‌ها، فرهنگ و بوم در شعر نیما موج می‌زند

محمد حیدری شعر پژوه و نیما پژوه درباره آثار نیمایی

زادگاه علی اسفندیاری که بعدها به نیما پوشیچ معروف شده، روستای یوش است، دهکده‌ای کوهستانی که همه شهرتش را همانند شعر سپید و نو مدیون نیماست. یافته‌های پژوهشی نیما پژوهان نشان از آن دارد که در آثار نیما، رگه‌هایی از رمانتیک اجتماعی نیز به چشم می‌آید و تحول‌آفرینی وی در شعر فارسی، نیما را از توجه به شعر و ادب طبری باز نمی‌دارد و دغدغه اصلی نیما حفظ و احیای زبان طبری بود و او در نامه‌ها و دست‌نوشته‌هایش، به این دغدغه اشاره می‌کند.

نیما که از وی به‌عنوان پدر شعر نو ایران یاد می‌شود، آغازکننده راهی نو در سرایش شعر فارسی شد و اینک مرد شاعر جنگل‌های شمال، چشم به نیماپژوهانی دارد تا اندیشه‌های شگرفش را بازشناسند.

نیما این شاعر افسانه‌ای مازندرانی، در عمارت پدری‌اش زاده و مدفون شده است و به گفته خودش «مانده اسم از عمارت پدرم / طرف یورد شمالی‌اش: تالار / طرف یورد جنوبی‌اش: سردر / طرف بیرون آن: طویله‌سرا...»

علی اسفندیاری متخلص به نیما پوشیچ، در آبان ماه سال ۱۳۷۶ دیده به جهان گشود و در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۳۸ دیده از جهان فروبست، زادگاه علی اسفندیاری معروف به نیما پوشیچ پدر سبک جدید شعر نو، یوش مازندران است که جسم خاکی این شاعر در خانه پدری و مکان ولادت او، آرام گرفته است نیما شهر و زندگی شهری را رها کرد و در یوش ساکن شد ولی تفکرات جهانی داشت و برای بشریت، شعر سرود که در هر زمان و مکانی، قابلیت استفاده و پرداخته شدن، دارد.

مدیرکل میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری مازندران بایبان اینکه افکار و اندیشه‌های نیمایی هنوز دارای ابعاد پنهانی است از پژوهشگران و نیماپژوهان خواست در این زمینه کارهای تحقیقاتی بیشتری انجام دهند.

گرد فراموشی بر یک پروژه فرهنگی

کتابخانه مرکزی کرمانشاه ۷ ساله شد



طیبه قدمی

«یار مهربان» نام آشنایی است که ما از سال‌های پیش بر دوست بخشنده، پندآموز و بی‌منت یعنی همان کتاب نهاده‌ایم، دوستی که با او حتی به سرزمین‌های دور و ناشناخته سفر کرده و بدون صرف عمری طولانی تجارب ۰۰۱ ساله گذشتگان و مردمان فراتر از قاره‌های محل زندگی‌مان را به‌رایگان می‌آموزیم.

گرفته‌شده و به‌بهر برداری می‌رسد. وی یادآور شد: این کتابخانه کرمانشاه در صورت تکمیل به‌عنوان کتابخانه شاخص در استان مطرح خواهد بود. پس از احداث، کتابخانه مرکزی مرکز اسناد استان کرمانشاه می‌شود. مدیرکل کتابخانه‌های استان کرمانشاه تأکید کرد: این کتابخانه بر اساس استانداردهای جهانی طراحی شده اما توقف و عدم پیشرفت آن در سال‌های گذشته یک نمای نامناسب از آن را ارائه داده است. وی گفت: چنانچه اجرای کتابخانه مرکزی کرمانشاه از سر گرفته شود این مرکز یکی از کتابخانه بزرگ در غرب کشور است که

مشکلات مالی را از اصلی‌ترین مشکلات بر سر راه اجرای این پروژه دانست که آن را سال‌ها متوقف کرده است. علیرضا شایق افزود: کلنگ احداث این پروژه سال ۸۷ به زمین خورد و قرار بود ظرف ۴ سال به بهره‌برداری رسیده و مردم استان از نعمت وجود یک کتابخانه مدرن بهره‌مند شوند. وی پیشرفت فعلی کتابخانه مذکور را ۳۸ درصد عنوان و تصریح کرد: این کتابخانه در سال ۹۰ با پیشرفت مذکور به دلیل مشکلات مالی متوقف شده و برای تکمیل و بهره‌برداری نیازمند تزریق اعتبارات موردنیاز است.

دقیقی از میزان مطالعه ارائه نشده است. البته آمار مذکور نیز یک‌فصله معنادار با آمار مطالعه در کشورهای توسعه‌یافته دارد که یکی از دلایل و مؤلفه‌های اصلی این شکاف نبود سرانه فضای کتابخانه‌ای به‌تناسب جمعیت موجود است. کلنگ کتابخانه مرکزی کرمانشاه به‌عنوان یکی از پروژه‌های عمرانی - فرهنگی برای پاسخ به این نیاز اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی در توسعه در حالی در سال ۸۷ و با اعتبار اولیه ۵۰۰ میلیون تومان به زمین خورد که هم‌اکنون و پس از گذشت حدود ۷ سال تنها ۳۸ درصد آن احداث و به دلیل مشکل همیشگی پروژه‌های عمرانی یعنی اختصاص اعتبارات مالی متوقف شده است. وعده‌های متعدد برای تکمیل این پروژه

با گذر انسان از دوران کشاورزی به صنعتی و اختراع دستگاه چاپ، رسانه کتاب به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه هر جامعه‌ای روی کار آمد و افراد با خواندن و مطالعه کردن رازهای موفقیت سایر افراد و جوامع را در پس این رسانه مکتوب می‌آموختند. شاید امروزه و با رشد بسیار سریع رسانه از رسانه مکتوب کتاب به رسانه‌های جمعی شنیداری و دیداری چون رادیو و تلویزیون و هم‌اکنون نیز رسانه‌های مجازی چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، وجود کتب نوشتاری و مصحف چندان ضروری به نظر نیاید اما خوشبختانه هنوز هم مخاطبان کتاب کسانی که بخش اعظم زندگی خود را با کتاب گذرانده‌اند بر اثر گذاری و حس آرامش‌بخش مطالعه کتب نوشتاری واقف بوده و این دسته افراد که درصد کمی از جامعه ما را شامل می‌شوند هنوز هم خواهان مطالعه این دسته از کتاب‌ها هستند.

ویرتین، از زمان ورود انسان‌ها به زندگی صنعتی و تقریباً مدرن وسیله‌ای برای نمایش اقلام بالارزش و حداقل بالارزش مالی بوده است تا از این طریق افراد با مشاهده این کالاهای بالارزش توجه‌شان جلب شود. کتابخانه یا همان خانه کتاب یکی از ویرتین‌هایی است که کالای بالارزش فراوان فرهنگی به نام کتاب را به معرض نمایش می‌گذارد تا مخاطبان و افراد در ارتباط با این ویرتین نمایشی نسبت به آن توجه کرده و به آن گرایش پیدا کنند.

وجود کتابخانه یک ضرورت فرهنگی به‌عنوان زیربنای توسعه است

همان‌گونه که بارها تأکید شده کتاب و کتابخوانی به‌عنوان معیار سنجش تفکر هر جامعه نقش اساسی داشته و از سوی دیگر نیز به‌عنوان زیربنای توسعه جوامع مذکور ایفای نقش می‌کند. لذا وجود کتابخانه نیز برای نمایش این کالای فرهنگی و البته مکانی برای حضور و در معرض کتاب قرار گرفتن یک ضرورت در جوامع روبه توسعه کنونی است.

متأسفانه آمار پایین مطالعه در ایران طی سال‌های اخیر زنگ خطر را به صدا درآورده است و این مسئله ضرورت ارتقای سرانه فضای کتابخانه‌ای به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بسیار مؤثر در افزایش میزان مطالعه و این شاخص را می‌رساند تا کتاب که یک کالای بالارزش فرهنگی است در به‌جوریت قرار نگیرد.

بر اساس آخرین آمار مطالعه که در سال ۹۱ از سوی «منصور واعظی دبیر کل وقت کتابخانه‌های کشور» اعلام شد میانگین سرانه مطالعه در بین ایرانیان ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه است و طی سال‌های اخیر نیز آمار



در هفت‌طبقه احداث می‌شود. شایق زیربنای کتابخانه مذکور را ۱۵ هزار متر در زمینی به ابعاد چهار هزار متر اعلام کرد و گفت: همان‌گونه که ذکر شد این کتابخانه در ۷ طبقه احداث خواهد شد ولی متأسفانه هم‌اکنون و با اجرای اسکلت بتنی در طبقه پنجم متوقف شده است. وی مجری این طرح را اداره کل راه و شهرسازی استان کرمانشاه اعلام کرد و گفت: بهره‌بردار پروژه مذکور نیز اداره کل کتابخانه‌های استان کرمانشاه خواهد بود. مدیرکل کتابخانه‌های استان کرمانشاه، از طراحی بخش‌های تحقیق و پژوهش، آموزشی، فرهنگی، نسخ و کتب تاریخی برای کتابخانه مذکور خبر داد و گفت: این کتابخانه پس از تکمیل به‌عنوان مرکز اسناد استان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مدیرکل کتابخانه استان کرمانشاه گفت: در جریان سفر سوم استانی هیئت دولت به استان کرمانشاه طی سال ۹۰ برای تسریع در احداث و تکمیل این پروژه مقرر شد که ۴۰ درصد از اعتبارات موردنیاز برای پروژه مذکور از محل اعتبارات استانی و ۶۰ درصد مابقی نیز از محل اعتبارات ملی تأمین شود تا هر چه زودتر به بهره‌برداری برسد. وی تصریح کرد: از محل اعتبارات استانی ۳۸ درصد از ۴۰ درصد سهم استان احداث شده و برای تکمیل ۲ درصد باقیمانده آن نیاز به ۱۴ میلیارد ریال اعتبارات استانی است. شایق افزود: برای تکمیل ۶۰ درصد مابقی پروژه از محل اعتبارات وزارت ارشاد نیز طبق آخرین برآوردها و تغییر قیمت‌ها ۲۲۰ میلیارد ریال نیاز است که چنانچه پرداخت شود کار اجرا و تکمیل پروژه از سر

فرهنگی از زبان مسئولان استان طی سال‌های اخیر ما را هنوز هم به امید تکمیل و بهره‌برداری از آن واداشته است اما علی‌رغم همه این وعده‌ها به نظر می‌رسد گرد فراموشی بر این پروژه فرهنگی نشسته و با این وضعیت مالی دولت، طی یکی دو سال اخیر و تخصیص آن به حوزه فرهنگ کشور با زیرمجموعه عظیم دستگاه‌های فرهنگی جای چندان امیدواری برای تکمیل این پروژه در آینده نزدیکی که مسئولان استانی وعده می‌دهند نیست.

بیش از ۲۳ میلیارد تومان اعتبار برای تکمیل کتابخانه مرکزی کرمانشاه نیاز است

مدیرکل کتابخانه‌های استان کرمانشاه،

● رفع کمبود سرانه فضای کتابخانه‌های در کرمانشاه با احداث کتابخانه مرکزی

وی بایبان اینکه در شهر کرمانشاه کمبود سرانه فضای کتابخانه‌ای داریم، احداث کتابخانه مرکزی را راهکاری بر رفع این مشکل دانست. شایق با یادآوری اینکه پروژه کتابخانه مرکزی کرمانشاه از سال ۹۰ متوقف شده است، تکمیل و بهره‌برداری از آن را یک ضرورت دانست.

وی به رابطه مستقیم میزان سرانه فضای کتابخانه‌ای و آمار مطالعه در جامعه اشاره کرد و در دسترس بودن کتاب را یکی از موارد جذب افراد به مطالعه و در نتیجه آن ارتقا فرهنگ کتابخوانی دانست. مدیرکل کتابخانه‌های استان کرمانشاه افزود: هر چه ظرفیت‌ها و فضای فیزیکی برای نمایش کتاب و در معرض کتاب قرار گرفتن بیشتر باشد، میزان مطالعه نیز در جامعه بیشتر خواهد بود و البته نیازهای افراد به کتاب با توجه به محدودیت‌های مالی برای خرید از این طریق تأمین شده و

افراد می‌توانند با امانت گرفتن آن نیاز خود را در این زمینه رفع کنند. شایق در پایان گفت: با توجه به زیربنای ۱۵ هزار متری و وجود بخش‌های مختلف و تخصصی طراحی شده در این کتابخانه می‌توان گفت در صورت بهره‌برداری از این کتابخانه شاهد تغییر چشمگیر و مؤثری در توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی در کرمانشاه خواهیم بود و شرایط استفاده هرچه بهتر و بیشتر از فضای کتابخوانی برای شهروندان فراهم می‌شود.

● **مجمع نمایندگان استان پیگیر جذب اعتبارات برای تکمیل کتابخانه مرکزی کرمانشاه است**
نماینده مردم کرمانشاه در مجلس نیز در خصوص اقدامات مجمع نمایندگان استان در پیگیری این پروژه بر زمین مانده گفت: مجمع نمایندگان استان طی سال‌های اخیر بارها به‌صورت موردی و مجمعی این موضوع را پیگیری کرده است و تذکرات شفاهی و کتبی زیادی در این مورد به وزارت ارشاد برای عمل به

تعهدش داده شده است. محمد رزم افزود: ازجمله تذکرات ما به وزیر ارشاد می‌توان به تذکر شفاهی بنده در صحن علنی مجلس طی ۲۱ مهرماه امسال اشاره کرد. وی تصریح کرد: در تذکر بنده به وزیر ارشاد تأکید شد که این پروژه با زیربنای ۱۵ هزار مترمربع از سال ۸۷ کلید خورده و با تأخیر پیش آمده در روند تکمیل آن در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد بنابراین باید در روند تکمیل آن تسریع شود.

نماینده مردم کرمانشاه یادآور شد: طی سال‌های اخیر مکاتبات متعددی با امضای مجمع نمایندگان استان و همچنین استانداران وقت به وزارت ارشاد صورت گرفته و همچنین سال گذشته جلسه‌ای نیز با وزیر ارشاد در دفتر ایشان داشتیم و خواستار تسریع در تخصیص اعتبارات به این پروژه و تکمیل هر چه سریع‌تر آن شدیم.

● سال گذشته قول تخصیص

اعتبارات برای تکمیل کتابخانه مرکزی از محل اعتبارات امسال کشور داده شد

وی افزود: طی سال گذشته که با حضور مجمع نمایندگان و استاندار وقت کرمانشاه با وزیر ارشاد جلسه‌ای داشتیم ایشان قول دادند که از اعتبارات امسال مبلغی را برای تکمیل ۶۰ درصد باقیمانده کتابخانه مذکور که از دور سوم سفر استانی دولت در تعهدات وزارت ارشاد قرار گرفت اختصاص دهند.

رزم از پیگیری مجمع نمایندگان برای تحقق این قول خبر داد و گفت: هم‌اکنون نیز مکاتباتی تنظیم شده و به وزارت ارشاد ارسال خواهد شد. همچنین در صورت امکان در آینده نزدیک دیداری را با وزیر ارشاد خواهیم داشت و تحقق این موضوع را پیگیر و خواستار می‌شویم. وی خاطرنشان کرد: این موضوع بارها از طریق تذکر و نطق مجمع نمایندگان استان در مجلس مورد تأکید قرار گرفته است و به جد به دنبال تکمیل هر چه سریع‌تر این پروژه خواهیم بود.

استان فرهنگی کشور کتابخانه مرکزی ندارد

استان قم به عنوان فرهنگی ترین استان کشور کمبودهای بسیاری در عرصه زیرساخت‌های مرتبط با ترویج کتابخوانی دارد که نداشتن یک کتابخانه مرکزی از جمله این کمبودها است.



زینب اخوندی

مردم قم و زائرانی که هر روز مسیر خیابان امام خمینی (ره) تا حرم حضرت مصومه (س) را طی می‌کنند، چشمان آشنا به محوطه خالی انبار نفت قدیم است که بعد از مدت‌ها چند ماهی است کارگران دوباره مشغول به کار شده‌اند و در حال ساخت بنایی هستند.

این پروژه در گذشته قرار بود کتابخانه مرکزی قم با ۱۰ هزار متر زیربنا باشد و سه منطقه پرمجمیع امام، خاک‌فرج و نیروگاه را تحت پوشش قرار داده و نقش یک کتابخانه مرکزی برای کل استان قم ایفا کند اما بی‌پولی که این روزها ازدهای شده و بسیاری از آرزوهایمان را بلعیده، به پروژه نماد فرهنگ استان قم هم رحم نکرد و با تغییر طرح کتابخانه مرکزی به کتابخانه استاندارد، فرهنگی‌ترین استان کشور را بدون یک کتابخانه مرکزی رها کرد...

حجت‌الاسلام امیرعطاالله جباری، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان قم می‌گوید کتابخانه مرکزی قم قرار بود از محل اعتبارات سفر مقام معظم رهبری به قم احداث شود و کار ساختش را هم اداره کل ارشاد اسلامی استان قم پیگیری می‌کند منتهمی مشکلات مالی موجب شد این کار ساخت این کتابخانه به صورت یک کتابخانه استاندارد پیگیری شود.

وی نداشتن یک کتابخانه مرکزی، با وجود وعده وعیدهای گذشته مسئولان را برای استان قم یک ضعف می‌داند. آن هم در شهری که بیشترین کتابخانه را در کشور دارد اما از کمبود کتابخانه‌های عمومی رنج می‌برد. با این حال به نظر می‌رسد اگر این کتابخانه به صورت استاندارد ساخته و در اختیار مردم قرار



بگیرد بهتر است تا سال‌ها بالاترکلیف بماند. البته کمبودهای قم در عرصه کتابخوانی تنها به نبود کتابخانه مرکزی محدود نمی‌شود. استان قم ۲۳ کتابخانه نهادی و ۲۹ کتابخانه مشارکتی دارد که در مجموع از نظر سرانه فضای کتابخانه‌ای نه تنها با استاندارد یعنی ۴ متر مربع به ازای هر نفر فاصله زیادی دارد بلکه نسبت به بسیاری از استان‌ها در جایگاه پایین تری قرار دارد.

شاید یکی از دلایل، وجود و تعدد کتابخانه‌های تخصصی در استان است که مسئولان فرهنگی را از توجه به ایجاد فضاهایی برای عموم مردم غافل کرده باشد. مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان قم درباره پروژه‌های نیمه تمامی که این نهاد در قم دنبال می‌کند، افزود: کتابخانه شهدای نوبهار در منطقه نوبهار یکی از این کتابخانه‌ها است که ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و تحول خوبی به عنوان یک پایگاه فرهنگی در این منطقه ایجاد خواهد کرد.

وی حرف و حدیث‌ها درباره تعطیلی کتابخانه علامه امینی در شهرک فاطمیه را هم تکذیب کرد و گفت: این کتابخانه در یک منطقه کم‌برخوردار دهه‌هاست گذشته به بهره‌برداری رسید و با وجود اینکه مشکلات بسیاری برای اداره آن داشتیم نگذاشتیم تعطیل شود.

حجت‌الاسلام جباری به نقش کتابخانه‌ها در مناطق محروم اشاره کرد و افزود: این کتابخانه‌ها فقط کتابخانه نمی‌مانند بلکه انواع فعالیت‌های فرهنگی در آن‌ها شکل می‌گیرد در کتابخانه علامه امینی هم تلاش کردیم ضعف‌های امکانات فرهنگی در این منطقه را جبران کنیم. از جمله اینکه یک بخش کودک و نوجوان بسیار قوی در این کتابخانه راه‌اندازی شده که عملکرد موفقی هم دارد.

● ۱۰ روستای قم کتابخانه روستایی دارند

وی با اشاره به محرومیت‌های فرهنگی بخش‌های قم اظهار داشت: در حال حاضر ۱۰ روستای قم کتابخانه روستایی دارند و قرار است در روستاهای پستکان، قمرود و ورجان هم به زودی راه‌اندازی شود.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان قم با اشاره به مشکلات مالی این نهاد ابراز کرد: ما به روستاها اعلام کرده‌ایم که در صورتی که اهالی بتوانند ساختمانی در اختیار ما قرار دهند، ما آمادگی احداث کتابخانه روستایی را داریم.

● شهرداری‌ها آن گونه که باید به تأمین منابع مالی کتابخانه‌ها توجه نمی‌کنند و تمام شهرها با این مشکل مواجه هستند

نهاد کتابخانه‌ها یک نهاد غیر دولتی است که هر چند از حمایت‌های دولت بهره می‌برد اما بیشترین اتکا را به پرداخت نیم درصد سهم درآمد از سوی شهرداری دارد. در شهر قم هم مانند دیگر شهرها توسعه و حمایت از کتابخانه‌ها بدون پرداخت این نیم درصد که در قانون آمده، ممکن نیست.

حجت‌الاسلام جباری درباره همکاری شهرداری قم با اداره کل کتابخانه‌ها در این زمینه می‌گوید: نه تنها قم بلکه تمام شهرها با این مشکل مواجه هستند و شهرداری‌ها آن گونه که باید به تأمین منابع مالی کتابخانه‌ها توجه نمی‌کنند.

وی ادامه داد: طبق قانون دولت می‌تواند در صورت عدم پرداخت این نیم درصد از سوی شهرداری‌ها، این سهم را از حساب آن‌ها برداشت کند اما ما در قم تمایل نداریم به این مراحل برسیم و تلاش ما این است که موضوعات در سایه همدلی و تعامل حل شود.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان قم با اشاره به اینکه سرانه مطالعه در استان ما مطلوب نیست و همه باید برای رفع این مشکل اقدام کنند، گفت: هر چند آمار دقیقی از سرانه مطالعه در دست نداریم اما همین که گفته می‌شود مردم ما مردمی کتاب‌نخوان هستند، برای ما کافی است که بدانیم اوضاع در این عرصه مطلوب نیست.

وی با اشاره به اینکه باید برای فرهنگ هزینه کرد، افزود: این هزینه را باید به حساب سرمایه‌گذاری‌هایی گذاشت که در آینده نتیجه‌اش را خواهیم دید.

نمایشگاه‌های کتاب درون مدرسه‌ای در حالی همه‌ساله برگزار می‌شوند که مربیان و مسئولان آموزشی به ضرورت‌هایی در بازنگری این طرح تأکید دارند. وارد حیطه مدرسه که می‌شوم خلوت است اما هیاهوی بچه‌ها از کلاس‌های درس، سؤال و جواب‌ها و شعرهای دسته‌جمعی حیات آن را تداعی می‌کند.



ونوس پهنود



کنار گذاشته شود و علوم مختلف به‌صورت مفهومی آموزش داده شود.

● تجارتی به نام کمک‌درسی

مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک اردبیل معتقد است والدین بعد از پوشاک و خوراک بیشترین هزینه فرزندان خود را کتاب‌های کمک‌آموزشی قرار داده‌اند.

علی ورودی بایان اینکه کتاب بهترین منبع برای مطالعه است اما باید به شیوه درست و کتاب درست مورد استفاده باشد، اضافه کرد: متأسفانه باید از این شکل از آموزش جلوگیری شود چراکه اغلب کتب کمک‌آموزشی فضای تجاری را ساخته‌اند. وی که در سه هزار جلد کتاب توزیع شده کتب آموزشی معتبر به‌ویژه داستانی را محور قرار داده است از جمله مدیرانی است که معتقد است اگر منابع درسی به سمت کتاب‌های آموزش عمیق هدایت شود به‌مراتب دانش‌آموز بیشتر و وسیع‌تر یاد خواهد گرفت.

مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک اردبیل با نگاه قابل توجهی تمرکز نمایشگاه‌های کتاب به انتشارات خاص و حمایت از این انتشارات را نیز نادرست می‌داند و تأکید دارد نباید انگیزه نمایشگاه کتاب، فروش کتاب باشد و باید به دنبال ترویج فرهنگ مطالعه باشیم.

● ما همه کتاب را دوست داریم

خرس قهوه‌ای، شیر جنگل، شنل قرمزی، پینکیو، پلنگ صورتی، پوپو، سیب‌زمینی‌ها و حسن کچل همه و همه قهرمان‌هایی هستند که ذهن و احساس کودکان را جهت می‌دهند و با کارهایشان می‌خواهند اخلاقیات و انسانیت را یاد کسانی بدهند که

طین‌انداز می‌شود. مانتوهای صورتی، کوله‌پشتی‌های صورتی و سرخابی که گاهی همقد خود دانش‌آموزان است و کتاب‌های باز در مقابل نیمکت‌های چوبی شور و اشتیاقی برای کشف جهان است. کلاس اولی‌ها درحالی که در مقابل صحبت‌های معلم خود خیره به تخته‌سیاه نگاه می‌کنند به دنبال ورق‌ورق تجربه شگرف ادراک هستند. از کشف قدم‌های کوچک یک مورچه برای ذخیره کردن آذوقه زمستان تا بارانی که به ترانه به بام خانه می‌خورد و زیبایی هستی را دره‌ذر نفس می‌کشد. کتابخانه‌های کلاسی قفسه‌های کوچک فلزی در کلاس‌ها است که به نظر می‌رسد به‌مراتب با هزینه‌های خیلی کمتری از هوشمند سازی مدارس توانسته یار مهربان را به هم‌کلاسی همیشگی تبدیل کنند.

دانش‌آموزان می‌توانند از این کتابخانه کتاب امانت بگیرند و مدرسه برای تغذیه آن از اولیا خواسته کتب کودکان خود را که مطالعه کرده‌اند اهدا کنند. تا جایی که ۵۰۰ جلد کتاب اهداشده و در تمام ۱۶ کلاس مدرسه سیلان این کتابخانه‌ها برای هزار و ۳۳ دانش‌آموز مدرسه دایر است. به گفته معاون پرورشی علاوه بر این ایستگاه‌های مطالعه دایر شده و در کلاس‌های درس نهضت مطالعه مفید باهدف ترویج مطالعه بین دانش‌آموزان تدارک دیده شده است.

بایرامی گفت: دانش‌آموزان در نهضت مطالعه روی یک موضوع خاص مثل نماز تمرکز کرده و مطالعه می‌کنند و یافته‌های خود را به یکدیگر می‌آموزند. چقدر گرهمایی‌هایی از برای دانستن عمیق و شگرف در مدارس ضروری است تا محفوظات که آفت جان دانش‌آموزان شده

فرصت کشف جهان در ورق‌ورق اندیشه امروز یار مهربان مهمان ما بود

● نمایشگاه کتاب کارکرد تشویق والدین را دارد

معاون پرورشی مدرسه سیلان معتقد است بخشی از هدف نمایشگاه‌های کتاب تشویق والدین به کتب غیردرسی کودکان خود است. رقیه بایرامی درحالی که جواب سؤال‌های بچه‌ها را با صبر و حوصله می‌دهد معتقد است در اغلب مواقع دانش‌آموز به دلیل اینکه کتاب را نمی‌شناسد از روی عکس روی جلد و جذابیت بصری آن را خریداری می‌کند.

وی افزود: این در حالی است که برخی دانش‌آموزان نیز داریم که آگاهانه کتاب‌ها را بررسی می‌کنند و حتی به انطباق آن با گروه سنی خود توجه نشان می‌دهند. بایرامی با تأکید به اینکه مربیان مدارس دانش‌آموز را مجبور به خرید کتاب خاصی نمی‌کنند، اضافه کرد: بایں وجود راهنمایی لازم در خصوص کتاب‌ها صورت می‌گیرد و هدف ما این است توجه والدین به این کتاب‌ها جلب شود و خود در تهیه آن مشارکت کنند.

هرچند نمایشگاه کتاب می‌خواهد علاوه بر دانش‌آموز توجه والدینشان را به خود جلب کند اما کافی نیست. بطوریکه مدرسه سیلان برای اینکه به سرانه مطالعه دانش‌آموزان خود اضافه کند از کتابخانه‌های کلاسی استفاده کرده و برای تغذیه کتب این کتابخانه‌ها نیز از خود دانش‌آموزان و والدین آن‌ها کمک گرفته است.

● یار مهربان هم‌کلاسی ما است

نمایشگاه کتاب و کلاس سومی‌ها را مدتی در خلوتشان رها می‌کنم تا به سراغ یکی از کتابخانه‌های کلاسی بروم. معاون پرورشی با یکی از معلمان کلاس اول صحبت می‌کند و وارد کلاس که می‌شویم شعر به کلاس ما خوش آمدید هفت‌ساله‌ها

بوی کاغذ و دفترهایی که دیگر کاهی نیست و سیمی است، بوی پاک‌کن‌های جمع‌شو، بوی کیک‌های شیرین عسل و تافی‌هایی که رنگ و شکشان عوض شده و بوی بچه‌ها موج می‌زند در سالن مدرسه. به همراه معاون پرورشی دبستان ابتدایی «سیلان» وارد نمایشگاه کتاب می‌شوم و هنوز قدم به داخل نمایشگاه نگذاشته بچه‌ها به طرفم می‌دوند تا شعر نمایشگاه و سلام به مهمان را بخوانند.

نگاه همه‌شان برق می‌زند برقی از شادی و امید به زندگی و مهم‌تر کنج‌کاوی برای کشف هر ناشناخته‌ای. تا من به خودم بیایم بچه‌ها دوره‌ام کرده‌اند و هر کسی می‌خواهد از داستان‌هایی که خوانده برایم بگوید.

همگی به کتاب‌های درسی‌شان علاقه دارند و برای اثبات آن هر کسی تلاش می‌کند قدش را بالا بکشد و بلندتر از بغل دستی، دست بلند کند. پاسخ سؤال‌ها را در بینشان تقسیم می‌کنم تا هر کدام فرصتی برای ابراز دانش و علم خود داشته باشد و گمان نکند دوستش و هم‌کلاسی‌اش در نگاه مهمان غریبه‌ای که یک‌قلم و خودکار و یک دوربین به دست گرفته عزیزتر است.

وقتی می‌پرسم مادر کدامتان برایتان داستان می‌خواند تعداد کمی، کمتر از نیمی از بچه‌ها دست‌هایشان به‌ارامی بالا می‌رود.

یکی می‌گوید: خانم مادر من بعضی وقتا می‌خونه ها نه همیشه.

و وقتی سؤال می‌کنم پدر کدام یک برایشان داستان می‌خواند باز تعداد به‌مراتب کمتری دست بلند می‌کنند. اما در پاسخ به این که می‌خواهند پدر یا مادر برایشان داستان بخوانند یا نه همگی دست‌ها را تا حدی که قدشان مجال بدهد بالا می‌کشند.



ساخت مجموعه تجاری در جوار مزار استاد باغ مزار لطفی در هاله ابهام



گفت: ساخت مجتمع تجاری با مجوز از شهرداری گرگان و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آغاز شده است.

وی با تأکید بر اینکه پیش از آغاز عملیات گودبرداری کلیه مجوزهای لازم اخذ شده است، افزود: با توجه به تأکیدهای مقام معظم رهبری و امام راحل موقوفات باید بر نیت واقف و وقف انجام شده باقی بماند.

وی ادامه داد: در جوار مقبره استاد لطفی، وقف منفعتی وجود داشت که می‌بایست درآمد حاصل از آن برای عزاداری امام حسین (ع) هزینه می‌شد.

حجت الاسلام رئوف سیدنژاد اضافه کرد: با توجه به اینکه ملک قبلی از انتفاع خارج شده و امکان بهسازی آن وجود نداشت، با اخذ مجوز لازم ساخت مجتمع تجاری در این ملک آغاز شده تا به نیت واقف عمل شود.

مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان با تأکید بر اینکه «ما طبق ضوابط عمل کرده و نمی‌توانیم خارج از ضوابط عمل کنیم»، تصریح کرد: ما آمادگی هر گونه همکاری با شورای اسلامی، شهرداری و شرکت عمران و بهسازی را داشتیم اما بودجه یاری نکرد.

● عزم جدی برای همکاری وجود نداشت

در حالی که مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان از آمادگی این دستگاه برای آمادگی برای هر گونه همکاری خبر می‌دهد اما نماینده شرکت عمران و بهسازی در گلستان چنین نظری ندارد. وی که از وجود نامه نگاری‌های مختلف برای تعامل با اداره کل اوقاف گلستان خبرداد حالا معتقد است عزم لازم برای واگذاری این زمین از سوی اداره کل اوقاف وجود نداشته و تمام راه حل‌های ممکن برای این توافق اعلام شده اما مورد موافقت قرار نگرفته است.

حسین کتولی، نماینده شرکت عمران و بهسازی در گلستان در این باره به خبرنگار مهر گفت: در زمینی در جوار مقبره استاد لطفی با درصد اشغال و تراکم قانونی مجتمع تجاری در حال ساخت است که ساخت باغ مزار و یا مجتمع فرهنگی و هنری را با مشکلات عدیده مواجه کرده است.

وی ادامه داد: مطابق طرح ۷۰ درصد از زمین ۷۰۰ متری جوار مقبره استاد لطفی در ارتفاع پنج تا ۶ متر بنای تجاری ساخته خواهد شد و در این صورت ساخت باغ مزار استاد لطفی عملاً منتفی می‌شود.

لودرهای اوقاف در حالی مشغول خاکبرداری در جوار مزار استاد لطفی هستند که قرار بود باغ مزار لطفی در این زمین احداث شود ولی حالا در حال تجاری شدن است و احداث این مجموعه فرهنگی تحت تأثیر قرار گرفته است.



زهره پورنازی

اردیبهشت‌ماه سال گذشته بود که استاد محمدرضا لطفی در اثر بیماری سرطان از دنیا رفت و طبق وصیت وی، پیکر این نوازنده پیشکسوت و خوش‌نام موسیقی کشور به زادگاهش منتقل و در بافت تاریخی گرگان تدفین شد. روز ۱۵ اردیبهشت و در مراسم تدفین استاد بود که حسن صادقلو، استاندار گلستان از ساخت مجتمع فرهنگی و هنری در جوار مقبره استاد لطفی خبر داد. خبری که در مدت کوتاه و در دیدار اعتراض‌آمیز برخی از گرگان‌دوستان به بی‌مهری‌های صورت گرفته برای برگزاری مراسم چهلیم استاد در صحن علنی شورای اسلامی مرکز استان وارد فاز جدیدی شده و به‌عنوان باغ مزار تغییر نام داد.

حالا ۱۸ ماه از آن روزها می‌گذرد و به‌جای این که ساخت باغ مزار آغاز شود شاهدیم که لودر مشغول گودبرداری برای ساخت مجتمع تجاری در جوار مقبره استاد لطفی هستند. مسئله‌ای که یک‌بار دیگر، کم توجهی و بی‌مهری به این استاد جهانی موسیقی را نمایان کرده و اظهارات ضدونقیض هم خبر از منتفی شدن ساخت مجتمع فرهنگی و هنری و باغ مزار استاد لطفی در گلستان که قرار بود پاتوقی برای هنرمندان و هنر دوستان باشد، می‌دهد.

پس از آنکه روز چهارشنبه گذشته گودبرداری برای ساخت مجتمع تجاری در محله سبزه مشهد آغاز شد؛ روز جمعه برخی از فرهنگ‌دوستان نسبت به تجاری‌سازی در مجاورت مزار استاد لطفی اعتراض کردند و شامگاه شنبه برخی از پیشکسوتان و اهالی فرهنگ و هنر در صحن علنی شورا حاضر شده و خواستار توقف ساخت مجتمع تجاری اوقاف گلستان در جوار مقبره استاد و چاره‌اندیشی اعضای شورا شدند.

● آمادگی همکاری داشتیم، بودجه یاری نکرد

در پی این اعتراض خبرنگار مهر پیگیر این موضوع از مدیرکل اوقاف و امور خیریه گلستان شد و حجت‌الاسلام سید محمد جواد رئوف سیدنژاد در این باره به خبرنگار ما

گاهی باوجود کوچکی‌شان ما را از عمق انسان بودنشان شگفت‌زده می‌کنند.

همه بچه‌ها به‌صاف شده‌اند تا نمایشگاه کتاب افتتاح شود. «همه ما کتاب را دوست داریم» این فریاد کلاس دومی‌ها است که به همراه معلم در افتتاح نمایشگاه حاضر شده‌اند.

چقدر قشنگ می‌شود دنیا وقتی یار مهربان را کنار خود می‌نشانیم و می‌گذاریم حرف بزند. بچه‌ها عکس‌ها را به همدیگر نشان می‌دهند. برخی باحوصله و دقت مثل یک آدم‌بزرگ متفکر می‌خواهند یک کتاب خوب انتخاب کنند و برخی محو داستان شده‌اند و حتی فریاد معلم را که وقت شما تمام شده است، نمی‌شنوند.

مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک اردبیل از سلاطین اشتباه و خالی ماندن سید خانوار از کتاب‌گله دارد و اینکه نه در فیلم‌ها نه در برنامه‌ها یک فرد کتاب‌خوان قهرمان نمی‌شود، ارزش نمی‌گیرد و رسانه ملی در این همه فیلمی که می‌سازد تلاش نمی‌کند قهرمانش را علاقه‌مند به کتاب معرفی کند.

ورودی تصریح کرد: ما از صداوسیما خواهش می‌کنیم کمی از برنامه‌های ما را پوشش دهند اما متأسفانه فقط حاضر به تولید برنامه مشارکتی هستند؛ این در حالی است که آموزش و پرورش برای اینکه بتواند نتیجه بگیرد باید از توان شرکای خود شامل رسانه ملی، مطبوعات، ارشاد اسلامی، تبلیغات اسلامی، امور کتابخانه‌ها و والدین کمک بگیرد. دغدغه تغییر سلیقه فرهنگ‌سازی در رسانه ملی همچنان پابرجاست تا جایی که همیشه تبلیغ یک پفک به یک کتاب داستان کودکانه چون هزینه آن تأمین می‌شود ترجیح داشته است.

مدیر مدرسه سبلان از تلاش‌های خود می‌گوید برای اینکه حداقل ذهنیت والدین را تغییر بدهد. اینکه به همین منظور ابتدای هر سال تحصیلی با والدین جلسهای ترتیب می‌دهد و به اهمیت کتاب اشاره می‌کند.

معصومه چمچاخ در این خصوص متذکر شد: ما به والدین می‌گوییم این همه هزینه برای تنقلات می‌دهید در حالی که خورده می‌شود و اثری از آن باقی نمی‌ماند و به‌جای آن می‌توان کمی به کتاب بها داد تا تأثیر دائمی آن در روح و روان کودک باقی باشد.

وی افزود: حتی دانش‌آموزان تشویق می‌شوند مبلغی پول به‌عنوان مثال ۵۰ هزار ریال از پول توجیبی پس‌انداز کنند و کتاب بخرند و در نمایشگاه کتاب هم که تخفیف ۲۰ درصد در نظر گرفتیم به‌مراتب شرایط تهیه کتاب تسهیل شده است.

این مدیر مدرسه دغدغه دیگری نیز دارد و آن اینکه بازی‌های امروز و فضای مجازی کتاب را به حاشیه رانده و در حالی که خواهش ما از اولیا تشویق دانش‌آموز به حداقل خواندن دو خط کتاب در روز است.

آموزش و پرورش خود را مسئول تربیت نیروی انسانی می‌داند و باور عمومی بر این است که هر اتفاق و اخلاق نیکویی اگر در دوران کودکی آموزش داده شود نهادینه خواهد شد.

سپیده و سارا کتاب‌های خود را انتخاب کرده‌اند و دست زهرارامی گیرند و می‌کشند سمت دیگر نمایشگاه کوچک کتاب.

داستان‌های شگفت‌انگیز، قهرمان‌های ستودنی، ماجراجویی، تحقق آرزوها، شگفت‌زدگی از واقعیت‌ها و مهم‌تر از همه لحظه‌ای مکث از برای فهمیدن حقیقتی نو از جهانی که ستاره‌ها، درختان، خورشید و ماه، گل‌ها، حیوانات، دریاها و خشکی‌ها و انسان‌ها ترکیبی بی‌نظیر به آن بخشیده‌اند، هدیه‌ای است که یار مهربان در ذهن کودکان ما به یادگار می‌گذارد. کافی است لبخندشان را وقتی یار مهربان بوسه‌ای بر پیشانی‌شان می‌زند نظاره‌گر باشیم.

در یک فوق العاده ابعاد مختلف این موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

در حالی که به نظر می‌رسد پس از گذشت ۱۸ ماه شورای شهر با کم کاری مصوبه ای برای باغ مزار لطفی تصویب نکرده، نورا گفت: در اولین جلسه هیات رئیسه نیز به موانع و مشکلات موجود برای اجرای باغ مزار موشکافانه مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا معتقدم باغ مزار استاد لطفی یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های فرهنگی در استان گلستان است.

اکنون ساخت مجتمع تجاری اوقاف نه تنها ساخت باغ مزار استاد لطفی در بافت تاریخی گرگان را با اما و اگرهایی همراه کرده است، بلکه باززنده سازی محله سبزه مشهد که با مرمت تکایای مذهبی مرکز این محله و تخصیص بودجه‌های ملی آغاز شده، نیز به عنوان یک طرح فرهنگی تحت تأثیر این مجتمع تجاری قرار می‌گیرد. طرح باززنده سازی محله سبزه مشهد به همراه سه محله تاریخی دیگر، احیای کالبدی و اقتصادی اجتماعی این محلات تاریخی را در بافت قدیم گرگان مد نظر دارد و پروژه مذکور از معدود پروژه‌های در حال اجرا در کشور توسط وزارت راه و شهرسازی است.

به اعتقاد منتقدان ساخت بنای تجاری مذکور، مغایر با طرح تهیه شده فرهنگی گردشگری محدوده است و اوقاف باید در راستای منافع شهر تصمیم بهتری در این ارتباط اخذ کند. جمعه گذشته نیز جمعی از شهروندان گرگانی به نشانه اعتراض در محل احداث مجتمع حاضر شدند و صدور بیانیه ای ع بندی که در رسانه‌های استانی و ملی منتشر شد، خواستار توجه بیشتر اوقاف به مسائل فرهنگی، تعامل با دستگاه‌های استان برای احداث طرح باغ مزار لطفی و همچنین جلوگیری از احداث طرح تجاری در جواز مزار استاد لطفی شدند.

در بند پنجم و ششم این بیانیه آمده است:

از مسئولان محترم اداره کل اوقاف استان گلستان درخواست داریم ساخت این مجتمع در این مرحله متوقف و مذاکرات راهگشا با سایر مسئولان مربوطه برای اتخاذ تصمیمی آینده نگرانه و بهتر مبتنی بر منافع عمومی و مطابق قوانین تا حصول نتیجه و اعلام به مردم ادامه یابد.

همچنین از ارگان‌های مختلف، مدیران کل ارشاد، میراث فرهنگی و راه و شهرسازی استان، شهرداری و شورای اسلامی شهر، عمران و بهسازی شهری و سایر مسئولان مربوطه می‌خواهیم ضمن اعلام صریح و مستند عملکرد سازمان خود در این ارتباط، به وعده‌ها عمل کرده و از توان خود در جهت حل موضوع بهره گیرند تا خدای ناکرده پروژه احیای محله سبزه مشهد به سرافکندگی شهر گرگان و ناتوانی در پاسداشت این امانت ملی تبدیل نشود.



پزشکیور افزود: قرار بود در تابستان سالجاری باغ مزار در سبزه مشهد اجرایی شود که تاکنون محقق نشده است. وی همچنین از انجام مکاتبه با اداره کل‌های میراث فرهنگی و ارشاد اسلامی گلستان و شهرداری و سازمان فرهنگی ورزشی برای تعیین تکلیف و نبود پاسخگویی این دستگاه‌ها با وجود گذشت بیش از هفت ماه خبر داد و اضافه کرد: ساخت مجتمع اقتصادی و تجاری با اعتراض شهروندان گرگانی همراه بوده است و ما نیز از اعطای مجوز از سوی شهرداری بی اطلاع بوده‌ایم.

● ساخت باغ مزار لطفی مطالبه به حق مردم است

وی ساخت مجتمع فرهنگی و هنری استاد لطفی را از مطالبات به حق مردم گرگان دانست و اظهار کرد: باید تمهیدات لازم برای تحقق آن از سوی شهرداری چاره اندیشی شود.

همانند رئیس کمیسیون فرهنگی و سخنگوی شورا خواستار تمهیدات لازم از سوی شهرداری برای تحقق مطالبه شهروندان گرگانی و ساخت باغ مزار در سبزه مشهد است، رئیس شورای اسلامی شهر گرگان هم به خبرنگار مهر گفت که باید کلیه تمهیدات برای تملک فضای مورد نیاز برای باغ مزار استاد لطفی صورت پذیرد.

زهرانورا از توافقات شفاهی در چند جلسه علنی با موضوع باغ مزار خبرداد و با بیان این که این توافقات هنوز تبدیل به مصوبه نشده، گفت: از کمیسیون فرهنگی خواسته شده

وی خاطر نشان کرد: طرح باغ مزار استاد لطفی به کارفرمایی راه و شهرسازی انجام شده و عمارت اصلی در همین زمین اوقاف پیش بینی شده است.

وی اضافه کرد: تاکنون جلسات متعدد و نامه نگاری‌های فراوانی از سوی شرکت عمران و بهسازی، اداره کل راه و شهرسازی، شهرداری و شورای اسلامی و همچنین عیسی امامی نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی برای واگذاری انجام شد، اما هماهنگی میسر نشد. کنولی با بیان اینکه عزم جدی برای این واگذاری وجود نداشت، تصریح کرد: تبدیل به احسن، واگذاری زمین معوض، پیشنهاد «پرداخت دو برابری قیمت کارشناسی شده زمین»، تغییر نقشه و طراحی واحدهای تجاری به مالکیت عرصه و عیان در اختیار اداره کل اوقاف و امور خیریه و ... مطرح شد و مکاتبات صورت گرفت.

نماینده شرکت عمران و بهسازی در گلستان که حاضر به اعلام قیمتی که به اوقاف پیشنهاد شده بود، نشد، اظهار کرد: ظاهراً تصمیم گیری در این خصوص با بنیاد عمران موقوفات است و این نهاد حاضر به همکاری برای ساخت باغ موزه نشده‌اند. کنولی افزود: اوقاف گلستان یک فعالیت کاملاً قانونی را آغاز کرده و پروانه ساخت یک بنای تجاری مستقل را به شکل مشارکتی با سرمایه گذار از شهرداری اخذ و عملیات اجرایی آن را از روز چهارشنبه گذشته آغاز کرده است. به گفته وی در سفر اخیر هیات دولت به گلستان تخصیص اعتبار حدود چهار تا پنج میلیارد تومانی از نهادهای فرهنگی کشور برای اجرای این مهم در بافت تاریخی گرگان اخذ شده بود که قرار بود با مشاوره شرکت عمران و بهسازی اجرایی شود که هم‌اکنون با مشکلات موجود به نظر می‌رسد اراده ای برای پیگیری ساخت باغ موزه استاد لطفی وجود نداشته باشد.

● بی‌اطلاعی شوراییان از صدور مجوز بنای تجاری

در حالی که نماینده شرکت عمران و بهسازی در گلستان نبودن عزم جدی برای همکاری را مانع اجرای این طرح می‌داند، علیرضا پزشکیور سخنگوی شورا و رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی گرگان از واگذاری دو هزار متر زمین از سوی شهرداری برای ساخت باغ موزه در محله سبزه مشهد خبر داد و به خبرنگار مهر گفت: قبل از سالگرد درگذشت استاد لطفی جلسه ای با حضور رئیس کمیسیون فرهنگی شورا، میراث فرهنگی، شهرداری گرگان، سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری و خانواده استاد در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار شد.



تئاتر سرزمین «نقش و نمایش» ناخوش است

سالن؛ حلال مشکلات تئاتر قزوین



میترا بهرامی

استان قزوین سرزمین نقش و نمایش است و این همه ذوق در گل بوته‌های تذهیبش و در لابه‌لای دفتر هنرش جان گرفته اما هنر تئاتر این سرزمین این روزها حال ناخوشی دارد. در این مرز پر گهر که هر تکه از خاکش مهد هنر بوده، از دیرباز آدم‌هایی بوده‌اند که تلخ‌اند و شکر خند مردمان روزگارشان را پشت قاب یک قصه نقش می‌زدند و زندگی را به روی صحنه هنرمندی‌شان می‌بردند.

کارگردان تئاتر استان قزوین از حمایت نکردن مسئولان از هنرمندان این عرصه گلایه می‌کند و می‌گوید: در برخی موارد ممکن است گروه‌های هنری نمایش‌هایی اجرا کنند که مورد توجه مردم باشد و مسئولان نیز ملزم به حمایت از گروه می‌شوند؛ اما از دیگر گونه‌های نمایشی تئاتر که تأمل و تفکر بیشتری در مخاطب ایجاد می‌کند و اثر هنری و مفهومی قلمداد می‌شود، حمایت چندانی به عمل نمی‌آورند. میرآخور می‌گوید: این حمایت‌ها

سرزمین نقش و نمایش نیز جزو نخستین شهرهایی بوده که تئاتر در آن شکل گرفته و به واسطه قرار گرفتن بین دو شهر تئاتر خیز تبریز و تهران، قدمت و اصالت هنر تئاتر با این دو شهر برابری می‌کند. در سال‌های دور هر دبیرستانی در قزوین سالن تئاتر داشته و در مرکز شهر هم، سالن تئاتر آرامنه آن معروف بوده است اما امروز در چنین شهری گویا تئاتر با همه علاقه و ذوق مردم هنردوستش آن‌چنان که بایده‌اشد حال خوشی ندارد. نظر مردم قزوین هم انگار مؤید همین امر است؛ چنان‌که رضا کرمی شهروند ۱۷ ساله قزوینی با اشاره به این موضوع و علاقه زیادی که به تماشای تئاتر دارد، بیان می‌کند: کمتر موفق به اطلاع از زمان و محل اجرای نمایش تئاتر می‌شوم و نمی‌توانم به تماشای تئاتر بروم.

کرمی می‌گوید: لازم است تئاتر استان قزوین نیز همچون سینما جذابیت بیشتری داشته باشد تا بتواند ضمن ایجاد فضایی مفرح برای مردم، مفاهیم مورد نیاز را نیز به تماشاگران منتقل کند. وی ادامه می‌دهد: مردم ایران از جمله استان قزوین به‌طور معمول نمایش‌های طنز را می‌پسندند و تمایل دارند ساعاتی را به‌دور از دغدغه‌های زندگی روزمره تنها به تماشای تئاتر مشغول شوند که برای این کار باید محل اجرا و تبلیغات مناسبی وجود داشته باشد.

سمانه یارمحمدی از دیگر اهالی قزوین نیز معتقد است اگر برای مردم قزوین فضا و محتوای مناسبی در زمینه تئاتر فراهم شود، آنان به‌خوبی از این هنر استقبال می‌کنند.

یارمحمدی می‌افزاید: استقبال حدود چند هزار نفری مردم استان از کمدی آزاد سوپراستار که به‌تازگی در استان با هنرمندی هنرمندان تئاتر قزوین اکران شد، نشان‌دهنده علاقه مردم به تئاتر است؛ چراکه این استان پیشینه فرهنگی و هنری برجسته‌ای دارد و مردم آن به‌خوبی بر ارزش و اهمیت هنر واقف هستند.

● تئاتر قزوین حمایت نمی‌شود

این در حالی است که حمید میرآخور،

نمایشی استان قزوین حل مشکلات را پیگیری نکرده است. کارگردان تئاتر استان قزوین اضافه می‌کند: مشکلات حوزه تئاتر استان در دیدار با مسئولان مطرح می‌شود؛ اما به نتیجه نرسیده است و هنرمندان تنها از طریق رسانه‌ها می‌توانند مشکلات خود را برجسته کنند.

میرآخور خاطرنشان می‌کند: تماشاگران نیز در صورت ارائه کارهای هنری فاخر و بهره‌مندی از فضای مناسب از آن استقبال می‌کنند از همین رو پیگیری برای ایجاد سالن مناسب برای تئاتر باید اولویت نخست مسئولان باشد.

● تبلیغات، اعتبار مالی، سالن

شهرام کوچک علی، هنرمند تئاتر استان قزوین نیز تبلیغات، اعتبار مالی و سالن مناسب را سه نیاز اساسی هنرمندان تئاتر استان عنوان می‌کند.

وی بایان اینکه مهم‌ترین مشکل هنرمندان این عرصه در قزوین نداشتن سالن مناسب برای تمرین و اجرای تئاتر است، ادامه می‌دهد: هم‌اکنون نمایش‌های تئاتر استان در سالن علامه

قبل ساخت یک سالن مناسب تئاتر در تالار شهر در شهرک پونک به تصویب رسیده بود که به گفته مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین، طرح احداث آن بلا تکلیف رها شده است.

وی خاطرنشان می‌کند: همچنین در خصوص حمایت‌های تبلیغاتی نیز مسئولان استان می‌توانند تعدادی از ابزارهای تبلیغات محیطی سطح شهر را برای معرفی و اعلام زمان و مکان اجرای کارهای هنری در اختیار هنرمندان تئاتر قرار دهند که این امر بدون نیاز به بودجه خاصی، از طریق رایزنی میان استانداری، شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین امکان‌پذیر است؛ همچنین که در تمام دنیا شهرداری‌ها سالن تئاتر را در اختیار هنرمندان قرار می‌دهند.

هنرمند تئاتر استان قزوین با تأکید بر اینکه تأمین نشدن نیاز هنرمندان تئاتر استان ناخواسته بر مفهوم و کیفیت اثر هنری تأثیر می‌گذارد، یادآور می‌شود: گروه‌های تئاتر استان با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ حال‌آنکه تهیه متن خوب و ارتباط با نویسندگان



خوب یا بهره‌مندی از حضور مشاور در تمرینات، نیازمند وجود اعتبارات مالی مناسب است.

کوچک‌علی بیان می‌کند: در حال حاضر هیچ حمایتی از فعالان تئاتر استان صورت نمی‌گیرد و خود گروه‌ها باید تمام هزینه‌های خود را تأمین کنند؛ زیرا انجمن هنرهای نمایشی استان به دلیل نداشتن بودجه کافی یا صرف کردن آن در جاهای دیگر به گروه‌های تئاتر بدهکار است و همین موضوع سبب می‌شود کار این انجمن تنها محدود به نظارت اجرایی باشد.

رفیعی با ظرفیت حدود ۸۰ نفر اجرا می‌شود که به علت قرار داشتن در زیرزمین، تهویه آن نامناسب است و در مجموع بهای بلیت باکیفیت سالن همخوانی ندارد.

این هنرمند تئاتر استان قزوین بیان می‌کند: سالن تئاتر باید جایی با دسترسی مناسب و دارای پارکینگ برای خودروهای تماشاچیان باشد و چند تئاتر هم‌زمان در بخش‌های مختلف آن اجرا شود تا مردم فرصت انتخاب تئاتر موردنظر خود را داشته باشند.

کوچک‌علی تصریح می‌کند: در دولت

می‌تواند در زمینه تأمین سالن، اعتبارات و جذب تماشاچی باشد و دستگاه‌ها این امکان را دارند که برای کارکنان خود بلیت تهیه کنند که تحقق این امر منوط به وجود فضای مناسب برای تئاتر است تا کارهایی درخور عموم مردم در آن اجرا شود.

وی تصریح می‌کند: در صورت پیگیری مسئولان و تأمین فضای مناسب ممکن است گروه‌های تئاتر بتوانند به خودکفایی برسند و نیازهای خود را در زمینه درآمدزایی، جلب تماشاچی و تبلیغات تأمین کنند؛ اما انجمن هنرهای



وی بیان می‌کند: مسئولان باید به‌منظور ارتقای سطح کیفی و هنری کارگروه‌های تئاتر استان کارگاه‌های آموزشی با حضور استادان برجسته کشوری همچون قطبال‌الدین صادقی و پرویز پرستویی برگزار و با تأمین هزینه‌های آن، زمینه شرکت و بهره‌مندی هنرمندان استان را فراهم کنند که این قبیل دوره‌ها در حال حاضر به دلیل مسائل مالی برگزار نمی‌شود.

این هنرمند تصریح می‌کند: اگر مشکلات هنرمندان تئاتر حل شود، آنان برای استان قزوین افتخارآفرینی می‌کنند؛ همچنان که تاکنون بارها توانمندی خود را با ارائه آثار فاخر در جشنواره‌های کشوری به نمایش گذاشته‌اند؛ چرا که قزوین تنها استانی است که تمام گروه‌های تئاتر آن شناسنامه دارند و در چارچوب حرفه‌ای کار می‌کنند.

● سالن مناسب حلال مشکلات است؛ پیگیری برای حل موقت مشکل سالن

ناصر ایزد فر، رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان قزوین اما بایان اینکه گروه‌های تئاتر استان مورد حمایت قرار می‌گیرند، اظهار می‌کند: مشکل تئاتر قزوین در حال حاضر ناشی از فقدان تخصیص، استاندارد و مجهز به امکانات سن، نور، سیستم صوتی و سالن انتظار است که نیازهای مخاطبان را پاسخ دهد و بتوان در آن تئاترهایی با ویژگی‌های استاندارد اجرا کرد. ایزد فر می‌افزاید: چنین سالنی یک محل مناسب برای تمرین و اجراست که سالن‌ها و پلاتوهای مختلفی برای آن در نظر گرفته می‌شود و تماشاگر هنگام ورود به آن آرامش دارد.

قزوین عنوان می‌کند: فضای سالن‌های داخل شهر به‌گونه‌ای ساخته شده است که در هر یک از آن‌ها یکی از بخش‌ها ضعف دارد و برای تبدیل آن به سالن استاندارد باید هزینه‌های قابل توجهی صرف شود؛ اما با این حال انجمن هنرهای نمایشی استان تلاش می‌کند مشکل نداشتن سالن استاندارد را به‌صورت موقت حل کند.

ایزد فر بایان اینکه باید مخاطب علاقه‌مندی تربیت شود که برای تماشای تئاتر هزینه کند، خاطر نشان می‌کند: با تأمین سالن و حضور تماشاچی، گروه‌ها ملزم به شناخت سلیقه مخاطبان و به‌روزرسانی خود برای پاسخگویی به نیاز مخاطبان هستند که به این ترتیب اهمیت آموزش گروه‌های تئاتر نیز برجسته می‌شود.

وی اضافه می‌کند: به‌روز بودن اطلاعات تئاتری و خودآموزی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به تئاتر است و هنرمندان باید همواره توجه کنند که تئاتر منتظر آنان نمی‌ماند؛ بلکه لازم است بامطالعه، آموزش هنرمندان و تقویت نویسندگان بومی، نیاز مخاطب امروزی در تئاتر گنجانده شود.

وقتی قزوین چنین سابقه درخشانی در عرصه تئاتر دارد و سال‌به‌سال نیروهای جوان و موفق آن در این عرصه ظهور و بروز می‌یابند، حیف است که درختی با این عظمت و قدمت محصور شود و ریشه آن خشکد.

اکنون تئاتر قزوین با هنرمندانی که بارها هنرشان را در صحنه‌های گوناگون به نمایش گذاشته‌اند، برای نفس کشیدن و بالیدن به نقش‌آفرینی هنرمندانه مسئولان در صحنه مدیریت و فرهنگ نیاز دارد.

یک از این ارکان خللی وارد شود، دو رکن دیگر نمی‌تواند به‌خوبی عمل کند و از همین رو در صورت نبود سالن مناسب، نیازهای تماشاگران قابل ارزیابی نیست و هر چه هزینه شود، به نتیجه نمی‌رسد. وی بیان می‌کند: احداث تالار شهر یک طرح بزرگ و نیازمند پیش‌بینی بودجه ملی و حمایت استانی است که می‌تواند مشکلات تئاتر استان را تا حد زیادی حل کند؛ اما تا زمان تحقق آن، می‌توان سالن‌های اجتماعات نهادهای مختلف را که بدون استفاده یا با استفاده اندک باقی‌مانده است، برای تمرین و اجرای تئاتر مناسب‌سازی کرد. رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان

وی ادامه می‌دهد: فلسفه وجودی تئاتر، تماشای آن است و اگر مکانی برای دیدن تئاتر وجود نداشته باشد علاوه بر دیده نشدن اثر هنری، گروه‌ها در زمینه تأمین مالی خود و جبران هزینه‌های صرف شده نیز دچار مشکل می‌شوند. رئیس انجمن هنرهای نمایشی استان قزوین بیان می‌کند: در صورت داشتن سالن استاندارد، گیشه به‌تدریج فعال می‌شود، مردم برای خرید بلیت هزینه می‌کنند و مسائل مالی گروه‌های تئاتر نیز حل می‌شود. ایزد فر، هنرمند، مخاطب و محلی برای گردهمایی را سه رکن اصلی تئاتر می‌داند و تصریح می‌کند: چنانچه در هر



جای خالی کتاب‌های پر فروش سال در کتابخانه‌های گلستان

کتابی که گفته می‌شود «غذای روح انسان» است، این روزها در هیاهوی دنیای مجازی و تعداد زیاد رسانه‌های اینترنتی و کیفیت کم کتابخانه‌های عمومی شهر گرگان کمتر طرفدار دارد.



مریم رضایی

کتاب پرفروش سال ۱۳۹۳ از طریق سامانه کتابخانه‌های کشور پیگیری می‌شود. بعد از وارد کردن ۹۸ عنوان کتاب در کتابخانه‌های استان گلستان، تنها ۳۲ کتاب موجود بوده که بیشتر در زمینه‌های داستان ایران و جهان بوده است و سایر حوزه‌ها از غنای خوبی برخوردار نیست.

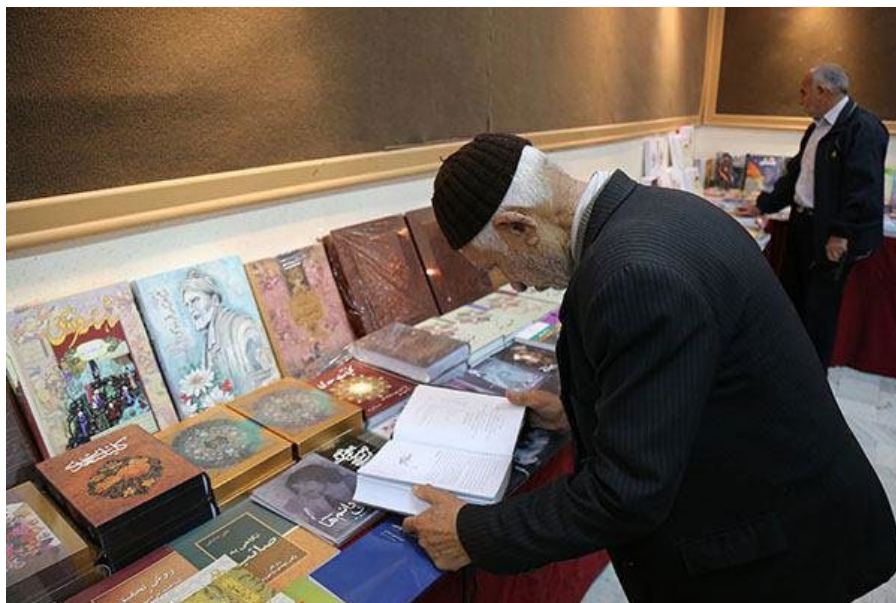
● کتاب‌ها در اسفندماه هر سال به‌روزرسانی می‌شود

مدیر کتابخانه‌های گلستان از به‌روزرسانی کتابخانه‌ها در اسفندماه هر سال خبر می‌دهد و می‌گوید کتاب‌ها و جین می‌شوند. و جین کردن هم به معنای خارج کردن کتاب‌هایی است که به دلایلی مانند مستعمل و پاره شدن، تکراری بودن نسخ و یا همخوان نبودن به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مورد استفاده نیستند و از سوی دیگر برای جایگزین کردن آن‌ها از سوی مرکز میدانه تهران سهم‌های در نظر گرفته‌شده که بر اساس درجه‌بندی به استان‌ها تعلق می‌گیرد.

رضا قوئللو در خصوص اینکه کتاب‌های کتابخانه بروز نیستند توضیح می‌دهد: برای خرید کتاب درجه‌بندی کتابخانه‌ها به‌عنوان مبدأ قرار داده می‌شود و شاید نهاد کتابخانه‌ها بعضی از کتاب‌ها را ممیزی و یا تأیید کرده و هنوز در لیست خرید خود قرار نداده است.

وی توجه به فرهنگ بومی هر منطقه را هم مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید: نهاد کتابخانه‌های کشور در تلاش است به این مسئله توجه کند. مثلاً کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های مناطق ترک‌نشین هستند در این زمینه بیشتر باشد.

قوئللو از طرح «کتاب من» در گذشته یاد می‌کند و می‌گوید: اگر کتابی در کتابخانه وجود نداشت و توسط کتابخوان درخواست داده می‌شد این کتاب تهیه می‌شد که الان این طرح متوقف شده است و قرار است به گونه دیگری در نرم‌افزار نمایشی اجرا شود.



از این محیط در بیشتر زمان‌ها استفاده می‌کنند نشان می‌دهد که آن‌ها حتی یک‌بار هم به داخل کتابخانه نرفته‌اند.

دختر جوانی که حدود ۱۸ سال سن دارد و عضو کتابخانه است می‌گوید: ما کنکوری هستیم و فقط برای درس خواندن به این فضا می‌آییم. مثل من هم خیلی‌ها هستند که همین شرایط را دارند. ما حتی یک‌بار هم از بخش امانت کتاب نگرفته‌ایم.

او می‌گوید: فکر می‌کنم شرایط استفاده از کتابخانه‌ها به همین استفاده کنکوری‌ها محدود شده است و بازار کتابخانه رفتن و یا اینکه پر کردن اوقات فراغت با کتاب خواندن دیگر مُد نیست. شاید هم کتابخانه‌ها چیز جدیدی برای عرضه به نسل جدید را ندارند.

آنچه مشخص است اینکه کتابخانه‌های عمومی شهر نتوانسته‌اند نیاز نوجوانان و جوانان را برطرف کند، از طرفی وجود فضاهای مجازی چنان در سبب خانوار جای خودش را باز کرده است که با ادامه این روند نسل آینده با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد بود.

دامه جستجوهای خبرنگار مهر برای بودن یا نبودن ۱۰۰

مدیرکل کتابخانه‌های گلستان در آستانه هفته کتاب و کتابخوانی از وجود ۷۲۶ هزار و نسخه کتاب در ۷۳ کتابخانه استان گلستان خبر داده است. این آمار در حالی ارائه شده که تنها دو درصد جمعیت استان گلستان عضو کتابخانه‌ها هستند. جمعیت استان گلستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ بالغ بر یک میلیون و ۶۱۷ هزار و ۸۷ نفر است که از این جمعیت تنها ۳۷ هزار و ۲۸۳ نفر عضو کتابخانه‌های استان گلستان هستند.

بسیاری از این تعداد هم که عضو کتابخانه‌های استان هستند به دلیل استفاده از فضای کتابخانه‌ای برای کنکور عضو کتابخانه شده‌اند و عملاً استفاده‌ای از کتاب‌های کتابخانه ندارند.

● به ازای هر ۱۰۰ نفر ۴۰ نسخه در استان گلستان کتاب داریم

اوضاع وقتی وخیم‌تر می‌شود که به ازای هر ۱۰۰ نفر ۴۰ نسخه در استان گلستان کتاب داریم. یعنی اگر حتی همه این ۱۰۰ نفر بخواهند مطالعه کنند باز هم برای ۶۰ نفر کتابی موجود نیست. سرانه کتابخانه‌های گلستان هم آمار خوبی ندارد. به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۵ مترمربع فضا داریم در حالی که این سرانه در افق آینده چهار مترمربع برای هر ۱۰۰ نفر است.

باوجود این آمارها، کسانی که عضو کتابخانه‌های استان هستند از کیفیت نوع کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها دل‌خوشی ندارند و می‌گویند که این کتاب‌ها نه تنها به‌روز نیستند بلکه همه حوزه‌ها را هم پوشش نمی‌دهد.

خبرنگار مهر بعد از جستجو در سایت‌ها، پنج‌شنبه ساعت ۱۳ حدود ۱۰۰ کتاب پرفروش سال ۱۳۹۳ را لیست می‌کند و برای تکمیل گزارش خود به کتابخانه می‌فرستد و می‌رود. کتابخانه بسته است.

پنج‌شنبه و جمعه روزهایی هستند که به‌عنوان تعطیلات آخر هفته زمان مناسب‌تری برای رفتن به کتابخانه و پر کردن اوقات فراغت است. توقع این می‌رود با توجه به اینکه این کتابخانه در مرکز شهر گرگان قرار دارد این روزها هم تنور خود را گرم نگه‌دارند. اما گویا آن‌ها هم ناامید از مطالعه نکردن شهروندان کرکره کتابخانه را پایین می‌کشند. کتاب خواندن از مُد افتاده است

گشتی در پارک شهر گرگان و صحبت با شهروندانی که



مطالعه مؤثر بوده، اضافه می‌کند: اکثر وقت خانواده‌ها برای کار گذاشته می‌شود و کمتر فرصت می‌کنند به سمت کتاب بروند، در خانواده‌ای هم که بزرگ‌تر کتاب‌خوان نباشد خواه‌ناخواه این موضوع تبدیل به یک فرهنگ در آن خانواده می‌شود.

● مدارس مسابقات کتابخوانی برگزار کنند

خالصی تجهیز مدارس به کتاب‌های مناسب و روز و همچنین برگزاری مسابقات کتابخوانی بین دانش آموزان را از راهکاری دانست که نه تنها باعث درگیر شدن خود دانش آموزان با موضوع کتابخوانی می‌شود بلکه پای خانواده‌ها را هم به مسئله کتابخوانی و مطالعه و خرید کتاب باز می‌کند.

این کارشناس فرهنگی که انتقاد جدی از تبلیغ کتاب‌های کمک‌آموزشی دارد، بیان می‌کند: رسانه ملی، کتابفروشی، کتابخانه‌ها و حتی مدارس ما شدن فضای برای رقابت کتاب‌های کمک‌آموزشی که همه فقط یک محتوا را شامل می‌شوند.

متأسفانه همان‌طور که از سوی مسئولان گلستان هم اذعان شدن در سرانه مطالعه و فرهنگ کتابخوانی بسیار عقب‌تر از جهان مدرن است امروز هستیم. باید یادآوری کرد بسیاری از مشکلات فرهنگی با ترویج هرچه بیشتر فرهنگ مطالعه برطرف می‌شود و هر چه میزان مطالعه در جامعه بالاتر رود، رسیدن آن جامعه به توسعه سریع‌تر صورت خواهد گرفت.

اکنون فضای مجازی یک فرصت است که باید در توسعه منابع مکتوب از آن بهره‌برداری شود لذا نباید گرایش مردم در آنجا به سمت مطالب کم محتوا و مختصر رود. جامعه‌ای که کم‌سواد باشد و به سمت علم و دانش حرکت نکند، نفوذ فرهنگی را زود می‌پذیرد. با بالا بردن سرانه مطالعه و فرهنگ مردم یک کشور، می‌توان جلوی هجوم‌های فرهنگی را گفت و ناهنجاری‌ها را به هنجار تبدیل کرد.

دیگر نیاز داریم و باید همه پای کار بیایند. اظهارات قوانلو در شرایطی است که به گفته خودش گلستان از نظر سرانه مطالعه با ۵۹ دقیقه در روز رتبه ۲۵ام کشور قرار دارد. البته با شرایط ذکر شده در بالا نمی‌توان شرایط بهتری را توقع داشت اما باید تاکید کرد اقدامات انجام شده در راستای اشاعه فرهنگ مطالعه در گلستان هم مناسب نبوده است.

در شرایطی که فضای مجازی جای خود را با سرعت زیادی در بین خانواده‌ها باز کرده و حتی باعث شده تلویزیون و روزنامه هم تحت تأثیر قرار بگیرد، تلاش برای بازگرداندن کتاب به سید خانوار بسیار ضرورت دارد.

● ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای معرفی کتاب استفاده شود

یکی کارشناس فرهنگی یکی از اقداماتی که می‌تواند برای حضور بیشتر کتاب در بین خانواده مؤثر باشد را معرفی کتاب‌های پرفروش روز دنیا و کشور در رسانه‌ها و فضای مجازی می‌داند و می‌گوید که باید از ظرفیت همه رسانه‌ها بخصوص شبکه‌های اجتماعی برای معرفی کتاب استفاده کرد. رضا خالصی، حضور کتاب در رسانه ملی را بسیار کم‌رنگ می‌داند می‌گوید: صداوسیما بخصوص شبکه‌های استانی بیشتر وقت خود را صرف معرفی و تبلیغات اقلام و اجناس مصرفی می‌کنند ولی هیچ تبلیغی از کتاب در این رسانه بخصوص شبکه استانی سبز دیده نمی‌شود.

وی که معتقد است از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی که اکنون جایگاه ویژه‌ای بین خانواده‌ها دارد باید استفاده بیشتری کرد، ادامه می‌دهد: کودکان، نوجوانان و حتی پدر و مادرها ساعت‌ها از وقت خود را پای موبایل و تبلت خود می‌گذرانند تا با دیگران هم‌صحبت شوند و عکس‌های یکدیگر را به‌اصطلاح لایک کنند، ولی کمتر پیش آمده در این شبکه‌ها حضور کتاب را ببینیم. وی با تاکید بر این که شرایط اقتصادی هم بر فرهنگ

مدیر کتابخانه‌های گلستان می‌گوید: اگر احتمال داشته باشیم بخواهیم کتاب را بخریم اسم کتاب را می‌دهیم و از منابع استانی خودمان خرید می‌کنیم اما این کار هم محدود است.

● نشست‌های کتابخوان موج خوبی در جهت افزایش کتابخوانی به وجود آورده است

وی از نشست کتابخوان به‌عنوان یکی از برنامه‌های عملی در این حوزه صحبت می‌کند که باعث شده موجی برای افزایش فرهنگ کتابخوانی در جامعه به وجود آید. برگزاری ۱۰ جلسه نشست‌های کتابخوان هم در جهت افزایش فرهنگ کتابخوانی است.

مدیرکل کتابخانه‌های گلستان در پاسخ به خبرنگار مهر که آیا این نشست‌ها تأثیری دارد و یا فقط در حد یک نشست و ارائه گزارش عملکرد است، می‌گوید: در این نشست اشتراک‌گذاری کتاب‌های خوانده‌شده انجام می‌شود و ما که در کار اجرا هستیم تأثیرش را شاهد هستیم.

قوانلو در خصوص تعطیلی کتابخانه در عصرهای پنج‌شنبه و روزهای جمعه هم توضیح می‌دهد: نیروی انسانی ما هم نیاز به تعطیلی دارند و جمعه‌ها طبیعتاً تعطیل است و باید از دو زاویه کتابخوان و از لحاظ کتابدار نگاه کنیم.

وی بایبان اینکه نیاز به نیروی انسانی و تجهیزات داریم، می‌گوید: باید با شرایط خودمان را هماهنگ کنیم، ما کمبود نیروی انسانی داریم و دستورالعمل کشوری داریم که کتابخانه در نوبت دوم روز پنج‌شنبه تعطیل باشد.

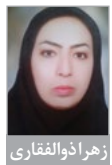
مدیرکل کتابخانه‌های گلستان می‌گوید: کتابخانه در ایام هفته تا ساعت ۱۹ باز است و تجهیزات و نیروی کافی وجود ندارد. کتابخانه بشارت هم‌روزه تا ساعت ۲۳ باز است.

قوانلو ادامه می‌دهد: آسیبی که در بحث مطالعه ایجاد شده حداقل ۳۰ سال طول کشیده است و نیازمند یک عزم همگانی است تا بتوانیم فرهنگ مطالعه را دوباره برگردانیم؛ باید فعالیت‌های ما همه‌گیر باشد و به کمک دستگاه‌های

نذری که خرج تعالی فرهنگ می‌شود

استقبال مردم همدان از «نذر کتاب»

سنت حسنه نذر در بین مردم استان همدان از جایگاه والایی برخوردار بوده و در این بین «نذر کتاب» نیز در راستای اعتلای فرهنگ جامعه مورد استقبال مردم قرار گرفته است. سنت‌های مختلفی در بین مردم شیعه ایران رواج داشته که هر یک از این سنت‌ها ریشه در اعتقادات و فرهنگ مردم این مرزوبوم دارد، یکی از این سنت‌ها سنت حسنه «نذر» بوده که از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در بین مردم کشور داشته است.



زهره آغایی

نذر با اهداف مختلفی مانند برآوردن شدن خواسته و حاجات، رضای خدا و عشق به ائمه اطهار(ع) و غیره انجام شده و در واقع سنت نذر در بین ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره اهمیت بالایی را در فرهنگ ایرانی اسلامی داشته و دارد.

● نذر در جامعه با اشکال گوناگون و به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود

نذر در جامعه با اشکال گوناگون و به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود، گاهی به‌طور مثال فردی برای ادای نذر گوسفند قربانی کرده و یا غذا توزیع می‌کند، گاهی شمع را در مکان مقدسی

اما در این بین برخی از نذرها با توجه به اینکه گره از کار و مشکل انسانی باز می‌کنند و یا اینکه موجب اعتلا و ارتقاء آگاهی فرد و یا افراد جامعه می‌شوند، به نظر از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و آنچه باید بدان توجه شود این بوده که فرهنگ «نذری» فقط برای غذای جسم



مردم استان همدان نیز مانند مردم سایر نقاط کشور اهمیت بسیاری برای سنت حسنه نذری قائل هستند و از همین رو در مناسبت‌های مختلف سال به‌ویژه در ایام ماه محرم و صفر و یا اعیاد شعبانیه شاهد نذورات مردم همدان در زمینه‌های مختلف هستیم، اما «نذر کتاب» چقدر در بین مردم استان همدان جاذبه است و یا اینکه مردم استان با این نوع نذر چه میزان آشنایی دارند، موضوعی بوده که در این گزارش سعی شده است به آن پرداخته شود.

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی

نیست و می‌توان غذای روح مردم را نیز تأمین کرد. نذری که می‌تواند در تأمین غذای روح افراد جامعه تأثیرگذار باشد «نذر کتاب» است، این نوع نذر علاوه بر ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی می‌تواند با در اختیار قرار دادن کتاب‌های مفید در اعتلای آگاهی افراد جامعه در خصوص مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و یا حتی اقتصادی تأثیرگذار باشد و افراد می‌توانند با مطالعه یک کتاب برخی از مشکلات فرهنگی و اجتماعی خود را حل کنند.



همدان در این خصوص بایان اینکه اجرای طرح «نذر کتاب» از سال گذشته در استان همدان انجام شد، اظهار داشت: فاز نخست این طرح در اردیبهشت ماه سال گذشته اجرا و ۶۰ هزار نسخه کتاب در اجرای این طرح جمع آوری شد. عاطفه زارعی بایان اینکه فاز دوم طرح در اسفندماه اجرا شد، افزود: ۱۲۸ هزار نسخه کتاب در مجموع توسط مردم استان همدان به کتابخانه‌ها اهدا شد و کتاب‌ها به کتابخانه‌های روستایی و کتابخانه‌های در حال افتتاح انتقال یافت. وی با اشاره به اینکه مردم در راستای ترویج فرهنگ مطالعه و آگاه‌سازی مردم می‌توانند کتاب‌های خوب و مفید را نذر کنند، بیان کرد: طرح «نذر کتاب» در سال جاری نیز به اجرا درمی‌آید و از مردم خواسته می‌شود که کتاب‌های نذری خود را به نهاد کتابخانه‌های عمومی استان تحویل دهند تا در اختیار مردم قرار بگیرد.

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی همدان با اعلام اینکه طرح «نذر کتاب» همزمان با آغاز هفته کتاب و کتابخوانی و از ۲۴ آبان ماه شروع می‌شود، عنوان کرد: این طرح در تمام طول سال ادامه داشته و متوقف نمی‌شود.

زارعی با تأکید بر اینکه کودکان و نوجوانان قشری هستند که به مطالعه بیشتری برای آگاهی نیاز دارند، گفت: محوریت اجرای طرح «نذر کتاب» در هفته کتاب امسال کتاب‌های کودک و نوجوان بوده چراکه منابع موجود در کتابخانه‌های استان برای این قشر محدود است.

● در مدیریت نذرها باید کمی تأمل شود

یکی از شهروندان همدانی نیز در خصوص «نذر کتاب» بیان داشت: نذر کردن در فرهنگ ایرانی اسلامی ریشه دیرینه دارد و مردم ایران به نیت‌های مختلف نذر می‌کنند.

مهرداد حمزه با اشاره به اینکه نذر دارای اشکال مختلفی است، افزود: سنت نذر در نقاط مختلف کشور به شکل‌های متنوع و متفاوت برگزار می‌شود که هر کدام جایگاه خاص خود را دارد.

وی با تأکید بر اینکه نذورات مردم در ماه محرم و صفر بیشتر می‌شود، اظهار کرد: مردم ایران بنا به اعتقاداتی که دارند نذرهای مختلفی را انجام می‌دهند و اما آنچه اتفاق افتاده افزایش نذورات مردمی به‌ویژه در دهه اول ماه محرم و در مورد اطعام عزاداران است.

حمزه در این مورد ادامه داد: متأسفانه گاهی به دلیل حجم بالای نذورات شاهد اسراف هستیم که با دستورات دینی و فرهنگ ایرانی منافات دارد و بنابراین در مدیریت نذرها باید کمی تأمل شود.

وی بایان اینکه مردم می‌توانند نذرهای خود را به سمت نیازهای واقعی‌تر جامعه پیش ببرند، عنوان داشت: این کار به‌طور قطع نیاز به فرهنگ‌سازی

دارد که در این میان «نذر کتاب» یکی از رفتارهای فرهنگ‌ساز است. شهروند همدانی گفت: در جامعه‌ای که سرانه مطالعه کتاب بسیار پایین بوده و یا اینکه برخی اقشار جامعه توانایی خرید کتاب را ندارند چنین نذرهایی باعث می‌شود تا هم از اسراف جلوگیری شده و هم به رشد فرهنگی جامعه کمک شود.

حمزه بایان اینکه نذر کتاب یک ابتکار هوشمندانه بوده است، بیان داشت: «نذر کتاب» در همدان با استقبال خوبی روبرو بوده و به‌جرت می‌توان گفت که «نذر کتاب» در سال‌های آینده جایگاه ویژه‌ای بین نذورات مردم خواهد داشت.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن کودک هم‌ه‌ان نیز بایان اینکه این انجمن از ۱۴ سال قبل فعالیت خود را آغاز کرده و در سال گذشته به‌عنوان یک انجمن مردم‌نهاد مجوز دریافت کرده است، بیان داشت: این انجمن به‌عنوان یک انجمن دوستدار کودک و باهدف رشد و تکامل همه‌جانبه کودکان و ترویج آموزش پیش‌دبستان و کمک به کیفی سازی این آموزه‌ها و تأسیس خانه‌های بازی و شادی در مناطق محروم آغاز به کار کرد.

زهره افشار لر در ادامه اظهار داشت: با توجه به فرارسیدن هفته کتاب و کتابخوانی انجمن تصمیم گرفت که طرح «نذر کتاب» را در استان همدان اجرا کند و از همین رو با انجام تبلیغات و شبکه‌های اجتماعی اقدام به فراخوانی در این خصوص کرد.

وی با اشاره به اینکه هدف این کار جمع‌آوری کتاب‌هایی در مورد کودکان و نوجوانان است، عنوان کرد: خوشبختانه استقبال مردم از این طرح بالا بوده و کمک‌های بسیاری با اهدا کتاب

در زمینه کودک و نوجوان و مالی برای اجرای این طرح انجام شد.

افشار لر اظهار داشت: چندین کارشناس نیز وقتشان را برای برگزاری کارگاه‌های کتابخوانی در مناطق محروم نذر کردند و یک کتابخانه تخصصی نیز مسئولیت تهیه کتاب‌ها را بر عهده گرفت.

شهروند دیگر همدانی بایان اینکه مردم در «نذر کتاب» باید کتاب‌های مفید را اهدا کنند، اظهار کرد: مردم برای برآورده شدن حاجات نذرهای مختلف مالی و معنوی را انجام می‌دهند که «نذر کتاب» یکی از نذرهای معنوی است.

محمد صالحی پارسا بیان کرد: با انجام «نذر کتاب» کتاب‌های خوب و آموزنده و راهگشا وارد کتابخانه‌ها شده و در دسترس افراد قرار می‌گیرد.

شهروند دیگری نیز بایان اینکه با جا افتادن فرهنگ «نذر کتاب» در استان و همدان استقبال از این سنت بیشتر می‌شود، عنوان کرد: نذر غذا می‌تواند پاسخگوی یک وعده غذایی افراد باشد درحالی که «نذر کتاب» می‌تواند زندگی فرد را نجات دهد.

سید لادن هادتی با اشاره به اینکه «نذر کتاب» در راستای آگاهی و بالا بردن بینش فرد است، گفت: کتاب‌هایی باید نذر شود که تأثیر زیادی را در فرهنگ خانواده‌ها و حل مسائل اجتماعی دارد.

با این تفاسیر می‌توان گفت که توسعه «نذر کتاب» در بین اقشار مختلف جامعه علاوه بر افزایش آگاهی مردم می‌تواند در راستای بالا بردن سرانه مطالعه نیز مفید باشد و از سویی موجب شکل‌گیری کتابخانه‌ها در مناطق محروم و علاقه‌مند کردن مردم این مناطق به کتاب شود و در نتیجه «نذر کتاب» نذری برای فرهنگ جامعه خواهد بود.



■ رشد و نمو گلسنگ ها در میراث جهانی تخت جمشید سالها به دغدغه محققان، کارشناسان و باستان شناسان تبدیل شده بود، تا اینکه اخیراً محققان ایرانی توانستند راهی برای از بین بردن این گلسنگ ها بیابند. محققان معتقد بودند این گلسنگ ها می تواند در طولانی مدت باعث از بین رفتن نقوش تخت جمشید و سایر بناهای تاریخی سنگی شود.

■ ۲۰ سال از کشف نخستین مرد نمکی در معدن نمک چهر آباد می گذرد و این روزها آلمانی ها برای بررسی مجدد این معدن به کاوش پرداختند تا شاید مرد نمکی دیگری پیدا شود، احتمالی که باستان شناسان آلمانی آن را رد نمی کنند و می گویند: «امکان هر اتفاقی وجود دارد».

■ وجود دریاچه در کنار زیبایی های طبیعی، پرندگان مهاجر، آثار تاریخی و... باعث شده سد سیمره یکی از مهم ترین ظرفیت های گردشگری استان ایلام باشد، اما متأسفانه تاکنون به خوبی از این ظرفیت برای توسعه گردشگری این استان استفاده نشده است.

میراث ایران



سالم‌هاست که رشد و نمو گلسنگ‌ها در میراث جهانی تخت جمشید دغدغه محققان، کارشناسان و باستان‌شناسان شده است.



ه. ر. فرحانی

محققان معتقدند این گلسنگ‌ها می‌تواند در طولانی‌مدت باعث از بین رفتن نقوش تخت جمشید و همچنین سایر بناهای تاریخی سنگی شود، از این‌رو همواره به دنبال راهی برای حذف آن‌ها بودند تا اینکه محققان ایرانی توانستند با کارهای پژوهشی و تحقیقاتی راهی برای از بین بردن این گلسنگ‌ها بیابند.

مشاهده نشده است.

سهرابی با اشاره به اینکه دو نظریه در خصوص وجود گلسنگ‌ها بر روی سطوح سنگی وجود دارد، گفت: برخی کارشناسان بر این اعتقادند که گلسنگ از سطح سنگ‌ها بخصوص نقوش برجسته و سنگی محافظت کرده و برخی دیگر آن را عامل فرسایش تدریجی می‌دانند.

وی در مورد دلایل ایجاد گلسنگ بر روی سطوح سنگی افزود: شرایط و دلایل مختلفی برای ایجاد گلسنگ در سطح سنگ‌ها وجود دارد که حاصل نیازهای اکولوژیکی و فیزیولوژی و تولیدمثل گلسنگ‌ها است، اما باید گفت که گلسنگ در تمامی بناهای سنگی وجود دارد.

وی تصریح کرد: گلسنگ‌ها از زمان پیدایش زمین در سطح سنگ‌ها وجود داشته و گمان نیز وجود دارند اما بعد از پیدایش تمدن، انسان‌ها یادگارانی از خود برجای گذاشتند که نیاز به حفاظت دارند. در قرن اخیر با شروع و رشد صنعت گردشگری و گفتگوهای بین فرهنگی‌ها، تلاش برای حفاظت از سرمایه‌های فرهنگی شدت گرفته و ملت‌ها به دنبال حفاظت از دستاوردهای پیشینیان خود هستند، از این‌رو رشد گلسنگ‌ها را بر روی سطوح تاریخی مخرب می‌دانند.

وی با تأکید بر اینکه هجوم و رشد گلسنگ‌ها بر روی آثار تاریخی فقط مربوط به بناهای تاریخی ایران نیست، اظهار داشت: طی دو سال اخیر در کشورمان کارهای مهم و خوبی برای تحقیقات و پژوهش بر روی این پدیده انجام شده که یکی از دستاوردهای آن نتایج اخیر است که در طرح پایش علمی گلسنگ‌های تخت جمشید به‌دست آمده است.

به گزارش مهر، روش جدید مبارزه با گلسنگ‌های تخت جمشید می‌تواند نویدبخش آینده‌ای روشن برای حفاظت از بزرگ‌ترین بنای سنگی جهان باشد.

اختراع روش نوین مقابله با گلسنگ‌های تخت جمشید

کشف گونه جدید گلسنگ

به نام مبارزه نرم با گلسنگ‌هاست که هیچ‌گونه تخریب، تغییر رنگ و یا ضرر دیگری برای نقش برجسته و سایر نقوش ندارد.

سهرابی در خصوص اختراع این روش علمی برای گلسنگ زدایی گفت: بر این اساس یکی از دستاوردهای پژوهش در تخت جمشید شناسایی روش بسیار سالم و بی‌خطر بدون آسیب به نقوش برجسته است که کارهای مقدماتی ثبت اختراع در حال انجام است.

وی با اشاره به اینکه این خبری خوش برای دوستداران تخت جمشید است، تصریح کرد: پس از اتمام مراحل ثبت اختراع روش گلسنگ زدایی، به‌طور حتم در این خصوص اطلاع‌رسانی خواهد شد.

به گفته وی بخشی از دستاوردهای این پژوهش طی مراسمی از طرف سازمان پژوهش‌ها در معرض دید عموم قرار می‌گیرد.

● شناسایی ۱۰۰ نوع گلسنگ

سهرابی با اشاره به اینکه بیش از ۱۰۰ نوع گلسنگ در تخت جمشید شناسایی شده، بیان کرد: تا سال ۸۲ تعداد ۶۵ نمونه گلسنگ در این مجموعه شناسایی شده بود که در حال حاضر براساس آخرین بررسی‌ها و تکمیل اطلاعات بیش از ۱۰۰ نوع گلسنگ در این مجموعه شناسایی شده است.

وی بایان اینکه تمامی گلسنگ‌ها مخرب نیستند، بیان کرد: تمامی این گلسنگ‌ها مخرب نیستند بلکه متفاوت بوده و بر اساس بستر رشد یا مواد شیمیایی که تولید می‌کنند بر روی آثار تأثیرگذار هستند.

وی که مدرک دکترای گلسنگ‌شناسی دارد، اظهار داشت: در حوزه گلسنگ در مجموعه تاریخی تخت جمشید دستاوردهای مهمی به‌دست آمده و هر کدام از کارشناسان بین‌المللی پیرامون وجود گلسنگ‌ها نظرات و ایده‌های مختلفی دارند.

● کشف گونه جدید گلسنگ برای اولین بار در دنیا

وی با تأکید بر اینکه در این پژوهش‌ها گونه جدیدی از گلسنگ نیز شناسایی شده، بیان کرد: این گونه برای اولین بار در دنیا در محوطه تخت جمشید و کوه رحمت دیده شده و تا کنون گلسنگی با این مشخصات در هیچ‌کجای دنیا



مسعود رضایی منفرد سرپرست پایگاه تخت جمشید در این خصوص گفت: کار مطالعاتی بر روی پدیده گلسنگ در مجموعه جهانی تخت جمشید از مدتی قبل شروع شده است.

وی افزود: این پژوهش و تحقیقات دستاوردهای مهمی داشته که در هفته پژوهش نتایج آن اعلام می‌شود.

محققان سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران از چهار ماه قبل تحقیقاتی روی پایش علمی گلسنگ‌ها در مجموعه تاریخی تخت جمشید انجام داده‌اند که طی این تحقیقات دستاوردها و نتایج خوبی به همراه داشته است.

محمد سهرابی مجری این طرح افزود: روش‌های نوین گلسنگ زدایی برای از بین بردن گلسنگ‌ها در این مجموعه طراحی شد که خوشبختانه این روش‌های نوین فوق‌العاده موثر بود.

وی بایان اینکه در حال حاضر به دنبال ثبت این روش جدید برای گلسنگ زدایی هستیم، اظهار داشت: این روش





آغاز مجدد سریال مردان نمکی

آلمانی‌ها در پی کشف راز سربه‌مهر یک معدن

به اینکه تعداد این اشیاء زیاد است مطالعات و پژوهش بر روی آنها به‌صورت مرحله‌ای انجام می‌شود.

وی افزود: نتایج پژوهش‌های سال‌های ۹۰ و ۹۱ در یک کتاب دوزبانه انگلیسی و فارسی طی ماه‌های اخیر در آلمان چاپ شد و نتایج پژوهش‌های امسال و بهار و تابستان سال آینده نیز در جلد دوم این کتاب منتشر می‌شود.

ماجرای مردان نمکی

بنابراین گزارش بعد از آنکه نیم پیکره مرد نمکی شماره یک در سال ۱۳۳۲ در معدن نمک چهر آباد به حال خود رها شد تلاش چندی برای تعطیل کردن استخراج مکانیکی و لغو بهره‌برداری از معدن صورت گرفت تا در پائیز ۱۳۸۳ معدن کاران حین کار با بولدورز مجدداً با بقایای اسکلت انسانی مواجه شدند که به دلیل کار با بولدورز تا حد زیادی متلاشی شده بود.

با جستجوی معدن کاران در میان خاک‌های آشفته، علاوه بر جمع‌آوری قسمت‌هایی از بقایای انسانی تکه‌تکه شده، اشیایی نیز به دست آمد که به اداره میراث فرهنگی و گردشگری استان منتقل شد.

بررسی‌های اولیه بر روی بقایای انسانی، که پس از انتقال به میراث فرهنگی، مرد نمکی ۲ نام‌گذاری شد، نشان داد که این بقایا متعلق به مردی میان سال یا میانگین قد حدود ۱۸۰ سانتی‌متر بوده که در جریان ریزش دیواره‌ها و سقف تونل کشته شده است. از جمله اشیایی که همراه این مرد نمکی یافت شد می‌توان به تکه سبید و میخ‌های چوبی، طناب‌های گیاهی و منسوجات اشاره کرد.

کشف اتفاقی مرد نمکی ۲ و مجموعه‌ای از اشیاء موجب ازسریگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی در معدن نمک چهر آباد بعد از گذشت ۱۱ سال شد.

سریال مردان نمکی معدن چهر آباد با

مهم‌ترین معدن استخراج نمک در دوره هخامنشی و ساسانی است و مردان نمکی یافت شده نیز گویای همین مطلب است. ورود این هیئت آلمانی و آغاز بررسی‌ها در معدن نمک چهر آباد در حالی است که به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی بلندمدتی برای بررسی این معدن وجود دارد، معدنی که شهرت امروزی آن به دلیل گنبد نمکی بزرگ معروف به دوزلاق است که قدیمی‌ترین معدن نمک شناخته‌شده در ایران محسوب می‌شود.

تمایز مردان نمکی چهرآباد از مومیایی‌های دنیا

کارشناس باستان‌شناسی موزه و دانشگاه بوخوم آلمان در مورد مطالعات جدید روی مومیایی‌ها گفت: سال آینده فاز دوم اکتشافات در معدن چهر آباد با حفاری بزرگی آغاز می‌شود.

توماس هانس افزود: فاز نخست اکتشافات که به مدت سه سال بود به اتمام رسیده و با تأمین اعتبار، فاز دوم برای مدت سه تا پنج سال آغاز شد.

وی با تمایز دانستن مردان نمکی چهر آباد از سایر مومیایی‌های دنیا گفت: باید با همکاری مشترک دانشگاه بوخوم آلمان و کارشناسان زنجان به روشی برای نگهداری بلندمدت مردان نمکی برسیم، با توجه به اینکه در دنیا چنین مردان نمکی وجود ندارد، تجربه‌ای در این زمینه نداریم و بررسی وسیعی نیاز است.

همچنین مسئول پژوهش اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان زنجان به مهر گفت: اقدامات مطالعاتی بر روی مردان نمکی و اشیاء مکشوفه از معدن نمک چهرآباد طی همکاری مشترک با پژوهشگران آلمانی انجام شد.

ابوالفضل عالی بایان اینکه سال‌های ۸۳ و ۸۴ و نیز ۸۹ و ۹۰ اشیایی طی حفاری معدن چهر آباد کشف شد افزود: با توجه

«مردان نمکی»، پیکره‌هایی هستند که در معدن نمک زیر خروارها نمک مدفون شدند و امروز آلمانی‌ها برای بررسی این معدن به کاوش در معدن چهر آباد پرداختند تا شاید مرد نمکی دیگری پیدا شود، احتمالی که باستان‌شناسان آلمانی آن را رد نمی‌کنند و می‌گویند: «امکان هر اتفاقی وجود دارد».



رحیم مقدمی

مومیایی‌های طبیعی مردان نمکی، بررسی نمونه‌های به‌دست‌آمده از منسوجات، پارچه‌ها، ابزارآلات، سفالینه‌ها، بقایای انسانی و جانوری و نمونه‌برداری از محل معدن نمک چهرآباد در دستور کار قرار دارد.

چهرآباد: قدیمی‌ترین معدن نمک شناخته‌شده در ایران

فعالیت این تیم تحقیقاتی در حالی انجام می‌شود که یحیی رحمتی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان زنجان با ابراز خرسندی از حضور هیئت آلمانی در زنجان و ادامه پروژه علمی و تحقیقاتی مردان نمکی و معدن نمک چهرآباد اعلام می‌کند که با انجام تحقیقات علمی، شناخت بهتری از تمدن و تاریخ این منطقه به دست خواهد آمد.

وی ادامه بررسی پارچه‌های هخامنشی و چرم‌ها و پوستین‌های به‌دست‌آمده از معدن نمک به همراه ابزارهای معدنی را از برنامه‌های این تیم اعلام کرده و گفته است: علاوه بر ادامه مطالعات معدنی، هم‌زمان با حضور محققان آلمانی، مطالعات گیاه‌شناسی در زمینه ژئومورفولوژی با موضوع مطالعات محیطی و زمین‌باستان‌شناسی با همراهی گیاه‌شناسان و اساتید دانشگاه زنجان در زمینه‌های مختلفی مانند انسان‌شناسی، مومیایی‌ها، بافت‌شناسی، استخوان‌شناسی، DNA، باستانی، مطالعه ریشه و منشأ جغرافیایی مومیایی‌ها، جانورشناسی و گیاه‌شناسی کهن انجام می‌شود.

رحمتی با اشاره به آغاز عملیات میدانی مطالعات میان‌رشته‌ای در معدن چهرآباد از سال ۸۳ ادامه داد: معدن نمک چهرآباد

۲۰ سال از کشف نخستین مرد نمکی در معدن نمک چهر آباد می‌گذرد و این روزها فعالیت تیم آلمانی در دل کوه‌های منطقه چهر آباد دوباره نام این معدن را بر زبان‌ها انداخته تا گفته شود هنوز مشخص نیست چه تعداد مرد نمکی در

معدن نمک چهرآباد مدفون هستند. در این راستا تحقیقات مشترکی برای بررسی هرچه بیشتر مومیایی‌های معدن نمک چهرآباد در دستور کار قرار گرفته تا پروژه تحقیقاتی مطالعه بر روی مردان نمکی و اشیاء مکشوفه از معدن نمک چهرآباد از ۲۰ و دانشگاه بوخوم در زنجان آغاز شود.

ابوالفضل عالی سرپرست ایرانی هیئت مشترک پژوهش مومیایی‌های معدن نمک چهرآباد در بدو ورود هیئت آلمانی به زنجان در مورد جزئیات این همکاری مشترک گفته بود: کار تحقیقات توسط متخصصان ایرانی با مشارکت و همکاری هیئت آلمانی در حوزه‌های باستان‌شناسی، مطالعات محیطی (چشم‌انداز باستان‌شناسی منطقه)، ژئومورفولوژی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی انجام می‌شود.

وی یادآور شد: مطالعه بر روی مومیایی‌های مردان نمکی و همچنین اشیاء و ابزار مکشوفه در معدن نمک چهرآباد نیز در دستور کار هیئت تحقیقاتی است و این پروژه علمی به مدت یک ماه ادامه می‌یابد.

عالی با اشاره به اینکه این پروژه مشترک تحقیقاتی در محل موزه باستان‌شناسی مردان نمکی (عمارت ذوالفقاری) انجام می‌شود گفت: انجام مطالعات بر روی

علاوه بر ادامه مطالعات معدنی، هم زمان با حضور محققان آلمانی، مطالعات گیاهشناسی در زمینه ژئوفورمولوژی با موضوع مطالعات محیطی و زمین باستان شناسی با همراهی گیاهشناسان و اساتید دانشگاه زنجان در زمینه های مختلفی مانند انسان شناسی، مومیایی ها، بافت شناسی، استخوان شناسی، DNA باستانی، مطالعه ریشه و منشأ جنر افیایی مومیایی ها، جانورشناسی و گیاهشناسی کهن انجام می شود



کشف مرد نمکی جدید همانند مرد نمکی شماره سه در پی باطله برداری در زمستان سال ۸۳ تداوم یافت و به دلیل کشف مومیایی توسط بولدوزر، این جسد نیز به صورت متلاشی شده و تکه تکه یافت شد.

بقایای مومیایی یا همان مرد نمکی ۳ شامل استخوان، لباس و قسمت هایی از بافت نرم بود که همچون معدنچیان دیگر بر اثر ریزش تونل و سقوط یک سنگ چند تنی روی او کشته شده است.

به هنگام کشف جسد در وضعیت دمر قرار داشت. به شکلی که صورت و قسمت جلوی بدن روی خاک قرار گرفته بود. دست ها از ناحیه آرنج خم شده، دست چپ روی زمین و دست راست در حالت تقریباً مشتم شده است. پای راست به صورت نیمه باز و پای دیگر جمع شده در زیر شکم قرار داشت. باوجود شکستگی جمجمه در چند قسمت، دلیل مرگ بر اساس تحقیقات انجام یافته توسط دکتر شکوهی با عکس برداری سی تی اسکن، فشار بر قفسه سینه و پارگی قلب در نتیجه ریزش تونل ها و ریزش خاک و آوار روی وی بوده است.

است.

ریزش معدنی در اعماق تاریخ

مرد نمکی پنجم در کاوش فصل دوم در حالی یافت شد که به جز سر بقیه قسمت های بدن زیر صخره و سنگ های آواری بزرگ قرار گرفته بود. شکل جسد نشان می داد که این شخص نیز همچون نمونه های قبلی بر اثر حادثه ای که منجر به تخریب و ریزش تونل شده، کشته و مدفون شده است.

برخلاف مومیایی نمکی شماره ۴ بیشتر بافت بدن مرد نمکی پنجم پوسیده شده و از بین رفته و بافت نرم فقط در قسمت هایی کوچک از دودست، پاها، بخش هایی از صورت، سینه و لگن باقی مانده بود. کم بودن میزان نمک در این محیط، نفوذ آب از بالای کوه به این بخش از معدن، از دلایل اصلی پوسیده شدن زیاد مرد نمکی ۵ است.

پیش از کاوش های دو فصل ۸۳ و ۸۴ در معدن نمک چهر آباد، بر اساس یافته های

سال ۷۲ تصور بر این بود که معدن، محل کشته شدن شاهزاده ساسانی و یا نماینده هیئت حاکمه اقوام سکایی در سده ۸ پیش از میلاد بوده است. اما با کاوش های دو فصل اخیر مشخص شد که همه مومیایی های مکشوفه از معدن، کارگرانی بودند که در نتیجه ریزش معدن و فروریختن دیواره ها و سقف و تونل ها کشته و مدفون شده اند. بر اساس آزمایش ها مشخص شد که مرد نمکی ۳، ۴، ۵، مربوط به دوره هخامنشی با قدمت حدود ۲۳۰۰ سال و مرد نمکی ۱، ۲، مربوط به دوره ساسانی، با قدمت حدود ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ سال قبل است. بنابراین با توجه به شواهد و مدارک موجود، ریزش تونل های معدن چهر آباد، دست کم دو بار رخ داده است.

در حال حاضر به استثنای مومیایی نمکی شماره یک که در موزه ملی نگهداشته می شود، بقیه اجساد و اشیای به دست آمده از معدن چهر آباد در موزه ذوالفقاری زنجان، تحت نظارت کارشناسان مربوط نگهداری می شوند.

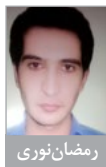
بر اساس تحقیقات انجام گرفته مشخص شد این مومیایی طبیعی، پسر جوانی بوده که به هنگام مرگ حدود ۱۶ سال داشته است. قد این مومیایی ۱۷۰ تا ۱۷۵ سانتی متر است. بر گوش هایش حلقه هایی از جنس نقره دیده می شود. موهای سر وی کوتاه و به رنگ خرمایی است.

به همراه این جوان مومیایی شده، اشیای جالب توجهی نیز کشف شد. یکی از این اشیای چاقوی فلزی با دسته استخوانی است که در غلافی چرمی به کمر بند پارچه ای او بسته شده است. از اشیای دیگر می توان به دو کوزه کوچک سفالی سالم اشاره کرد. همچنین طناب های گیاهی، یک مهره کوچک با لعاب آبی، یک پی سوز سالم دودزده، ۱۱ تکه سفال نیز همراه این جسد یافت شده است.

از ویژگی های بسیار مهم این مومیایی طبیعی، لباس کامل است که بر تن او دیده می شود. این لباس از بالاپوشی بلند، یک شلوار و کفش چرمی تشکیل شده



امروز گردشگری به یکی از مهم‌ترین صنایع درآمدزا در دنیا و کشورمان تبدیل شده ولی متأسفانه در این بین استان‌های محرومی مثل ایلام به دلیل نبود امکانات و محرومیت‌های اقتصادی از درآمد این صنعت بی‌بهره هستند.



رمضان نوری

● ظرفیت‌های سد سیمره برای توسعه فعالیت‌های آبی‌پروری مناسب است

فتح‌الله سلیمانی مدیر امور شیلات جهاد کشاورزی استان ایلام نیز اظهار داشت: سد سیمره یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای توسعه آبی‌پروری در استان است و هم‌اکنون امور شیلات استان برنامه‌های مختلفی برای محقق کردن برنامه‌های این بخش دارد.

وی بیان داشت: اولین اقدام نیز راه‌سازی ۱۰۰ هزار بچه ماهی در سد سیمره به‌منظور تقویت آبی‌پروری، توسعه فعالیت‌های ماهیگیری و... بوده است.

سلیمانی با اشاره به اینکه توسعه فعالیت‌های آبی‌پروری خود گامی مؤثر در راستای جذب گردشگر است، افزود: سد سیمره دارای ظرفیت‌های بسیار زیادی است که توسعه هر یک از این بخش‌ها برای بخش دیگر مهم است.

● سد سیمره و کاربردهای چندگانه که باید مورد استفاده در استان قرار گیرد

سد سیمره به‌عنوان پروژه بزرگ ملی هم‌اکنون بعد از سال‌ها آبیگری شده و علاوه بر عواید خود پروژه، فرصت‌های بی‌نظیری در بخش کشاورزی، آبی‌پروری، تولید برق، گردشگری و محیط‌زیست در استان فراهم شده است. دریاچه سد سیمره به طول ۱۰ کیلومتر، از حیث جغرافیایی زیستگاه بسیار مناسبی برای زمستان‌گذرانی پرندگان مهاجر در این استان شده است و پرندگان مهاجر این سد، بیشتر از گونه‌های حواصیل خاکستری، ماهی‌خوکر ابلق، چنگر، باکالان، اگرث سفید و اردک سرسبز هستند.

سد سیمره حداقل دو استان ایلام و لرستان و در ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان دره شهر بر روی رودخانه سیمره احداث شده و سالانه ظرفیت تولید ۸۵۰ میلیون کیلووات انرژی برق را دارد و با اجرای نیروگاه این طرح ضعف و ناتوانی شبکه برق استان‌های غرب کشور به‌طور کامل برطرف می‌شود. رودخانه سیمره از تلاقی رودخانه‌های قره سو و گاماسیاب شکل گرفته و در مرز ایلام و لرستان جریان داشته و تا انتهای حوزه کرخه ۶۵۰ کیلومتر طول دارد.



غفلت از ظرفیت گردشگری سد سیمره سرمایه‌گذاری‌ها محقق نشد

● گردشگری سد سیمره از نبود سرمایه‌گذار رنج می‌برد

رضا محمدی از کارشناسان گردشگری استان ایلام نیز اظهار داشت: مشکل اصلی گردشگری سد سیمره در واقع مشکل اصلی کل گردشگری استان یعنی همان نبود سرمایه‌گذار و کمبود امکانات است.

وی بیان داشت: هنوز بسیاری از جاذبه‌های بکر و طبیعی پشت سد سیمره برای گردشگران معرفی نشده و اجرای طرح جامع گردشگری مستلزم یک مطالعه همه‌جانبه است. وی عنوان کرد: ایجاد راه دسترسی، احداث آلاچیق‌های متنوع، کمپ‌های گردشگری و... در کنار سد سیمره باعث توسعه گردشگری این منطقه و استان می‌شود.

محمدی با اشاره به اینکه مهم‌ترین ویژگی منطقه وجود رودخانه پر آب سیمره است، گفت: می‌توان از طریق رودخانه سیمره ورزش‌های جت اسکی و قایق‌سواری را در محل سد سیمره راه‌اندازی کرد. وی افزود: دارا بودن آب‌وهوای مناسب در منطقه سیمره لزوم برنامه‌ریزی برای رونق گردشگری آبی را در استان الزامی کرده و اگرچه گردشگران در ایام زمستان نمی‌توانند در دریا شنا کنند اما سایر فعالیت‌های تفریحی دریایی نظیر جت اسکی، قایق‌سواری و... به دلیل آرام بودن رودخانه قابل انجام است.

سد سیمره و دریاچه این سد واقع در شهرستان بدره که هم‌اکنون آبیگری شده موقعیت بسیار عالی برای گردشگران در دل کوه‌های استان ایلام فراهم کرده ولی متأسفانه به‌خوبی از این ظرفیت برای توسعه گردشگری استفاده نمی‌شود. وجود دریاچه در کنار زیبایی‌های طبیعی، پرندگان مهاجر، آثار تاریخی و... باعث شده سد سیمره یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های گردشگری استان باشد که به دلیل نبود امکانات در کنار معرفی نشدن مناسب، هم‌اکنون میزان گردشگران چندانی نیست.

● طرح جامع گردشگری سیمره اجرایی نشد

طی سال‌های اخیر یک طرح بزرگ گردشگری قرار بود در سد سیمره اجرایی شود که علاوه بر تحول در بخش گردشگری استان، بخش مهمی از درآمد آن نصیب مردم شود که البته این طرح هنوز در حد حرف و کاغذ مانده و اجرایی نشده است. این طرح قرار بود توسط بخش خصوصی در چند بخش اجرایی شود که اجرای آن می‌توانست در توسعه گردشگری استان و افزایش بازدید گردشگران از سد سیمره مؤثر باشد ولی برای اجرای این طرح گویا هنوز بخش خصوصی پای کار نیامده است. عبدالملک شنبه زاده مدیر کل میراث فرهنگی استان ایلام با اشاره به ظرفیت‌های بزرگ سد سیمره اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین مناطق گردشگری استان ایلام رودخانه و سد سیمره است.

وی بیان داشت: قرار بود طرح جامع گردشگری سد سیمره توسط بخش خصوصی اجرایی شود که فعلاً این مهم محقق نشده ولی به‌طور قطع میراث فرهنگی از هرگونه سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری استان حمایت می‌کند.

شنبه زاده عنوان کرد: سرمایه‌گذاری در منطقه سیمره برای ایجاد امکانات و ورود گردشگران از توجیه اقتصادی برخوردار است که نیازمند حضور سرمایه‌گذار بخش خصوصی است.

وی با اشاره به اینکه اعتبارات میراث فرهنگی جوابگوی حل مشکلات و زیرساخت‌های بخش گردشگری نیست، گفت: در این زمینه باید مسئولان استانی در اختصاص اعتبارات توجه ویژه‌ای به گردشگری استان داشته باشند.

مدیر کل میراث فرهنگی استان ایلام با بیان اینکه میراث فرهنگی استان ایلام طرح‌های مختلفی در بحث زیرساخت‌های گردشگری استان در دست احداث دارد، گفت: راه دسترسی از جمله مهم‌ترین نیازهای مناطق گردشگری استان است.

وی گفت: دریاچه سد سیمره فرصتی بی‌نظیر برای توسعه گردشگری استان است و میراث فرهنگی ایجاد امکانات و توسعه فعالیت‌های گردشگری این منطقه را در اولویت قرار داده است.



فاتحه سنگ قبرهای تاریخی خوانده شد

میراث شکسته زیر پای بی توجهی

از قبرستان تاریخی روستای ابوالوفا به عنوان تنها قبرستانی یاد می‌شد که شبیه آرامگاه کوروش دارای سنگ قبرهای چندطبقه بود، سنگ قبرهایی که حالا یا تبدیل به راه‌پله و یا راهی زباله‌دانی شده‌اند.

روستای «بله‌فا» معروف به ابوالوفا در ۵۲ کیلومتری کوه‌دشت قبر یکی از امامزاده‌ها را به همین نام در خود جای داده است که هر روزه زائران بی‌شماری را به سمت خود می‌کشاند.



حسین حسینی
آزادبخت

هنرمند گذشتگان ردی از فرهنگ و زندگی زمان خود را روی آن‌ها بر جا گذاشته است. از این دست میل‌ها در بیشتر قبرستان‌های قدیمی اطراف کوه‌دشت وجود دارد که بالای سر سنگ قبرها عمود ایستاده‌اند تا روایت گر مرگ و زندگی انسان باشند. بر روی برخی از این میل‌های سنگی شکل «کل و بز» حک شده و روی برخی دیگر تصویر رقص و پای کوبی و شکار و سوار و ساز و دهل «چمیری و کو تل» نقش بسته که به شیوه‌هایی بسیار هنرمندانه حکاکی شده‌اند.

متأسفانه این سنگ‌های تاریخی که به نوعی آینه‌های هنر و فرهنگ زندگی گذشتگان ما محسوب می‌شوند در روستای «بله‌فا» شکسته شده و روی هم تلنبار شده‌اند که تأسف پربیننده‌ای را بر می‌انگیزد.

قبرستان «بله‌فا» که می‌تواند به یک موزه مردم‌شناسی تبدیل شود و قابلیت آن را دارد که محل بازدید گردشگران باشد، امروز با میل‌های شکسته‌اش جای ریختن آشغال زواری شده است که روزانه برای زیارت امامزاده «بله‌فا» به این روستا می‌آیند، میل‌هایی که از تیر تخریب جان به دربرده هنوز سرپا ایستاده‌اند تا تاریخ هنر و زندگی این دیار را برای رهگذران و گردشگران به‌خوبی بازگو کنند.

نخاله‌های ساختمانی به‌جامانده از ساخت و ساز محوطه پس از سال‌ها هنوز از حرم قبرستان پاک نشده و باعث شده این قبرستان مکان راحت ریختن زباله‌های مردم شود.

محوطه حرم درست در محوطه قبرستان قدیمی «بله‌فا» ساخته شد و قسمتی از قبرستان جای خود را به اتاق‌هایی داده که امروز محل استراحت زوار است. عملیات ساخت این محوطه سبب شد تا میل‌ها و سنگ‌های قبرستان از جای خود کنده و شکسته شوند اما متأسفانه پس از اتمام ساخت کسی مسئولیت بازسازی‌اش را به عهده نگرفت.

تخریب قبرستان قدیمی «بله‌فا» در حالی به دست اوقاف اتفاق افتاد که از سوی میراث فرهنگی کوه‌دشت کوچک‌ترین نظارتی صورت نگرفت تا اجازه ندهند قسمتی از میراث ارزشمند این سرزمین

امامزاده ابوالوفا در بین مردم کوه‌دشت از جایگاه بلندی برخوردار است به‌طوری‌که بیشتر مردم این دیار به آن سوگند یاد می‌کنند.

و اما از دیگر ابعاد اهمیت این روستا سنگ قبرهای تاریخی است که زیر پای عابران محوشده‌اند و پیش‌تر خبرگزاری مهر در گزارشی با عنوان «تاریخ زیر پای رهگذران / سنگ قبرهایی که راه پله شدند» / تصاویری از تخریب یک گورستان تاریخی / پختن «کباب» روی سنگ قبرهای کهن» به عمق فاجعه نابودی سنگ قبرهای کهن در محوطه‌ی این امامزاده پرداخته بود.

اهمیت این قبرستان تاریخی از آن جهت است که این قبرستان تنها مکانی بود که قبرهایی چند طبقه شبیه آرامگاه کوروش داشت و می‌توانست هم‌چنان دست‌نخورده باقی بماند تا محل تماشای گردشگران علاقمند قرار گرفته و حتی بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در این رابطه صورت گیرد.

به گفته برخی از محققان و مطلعین محلی سنگ قبرهایی که امروزه در گورستان روستای ابوالوفا دیده می‌شود بازمانده تعداد زیادی از سنگ قبرهای بالارزش مربوط به قرن پانزدهم تا قرن اخیر است که از لحاظ خطوط و نقوش طرح‌ها از شاهکارهای هنری به‌حساب می‌آیند.

سنگ قبرهای گورستان تاریخی ابوالوفا به سه شیوه پلکانی، خوابیده و خوابیده با میله‌ای به‌صورت عمودی افراشته، ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین مواردی که از لحاظ مردم‌شناسی حائز اهمیت است وجود نقاشی‌هایی بر روی سنگ قبرهای افقی و عمودی است.

خبرگزاری مهر پیش از این با انتشار گزارش‌های متعدد به اهمیت این قبرستان تاریخی پرداخته و نسبت به روند تخریب‌ها در آن هشدار داده اما متأسفانه همواره شاهد واکنش شایسته‌ای از سوی متولیان امر نبودیم.

آن میل‌های ارزشمند زیر سنگ و سیمان راه‌پله‌ها دفن شدند اما امروز روایت تلخ دیگری از برخورد اوقاف کوه‌دشت با این سنگ قبرهای تاریخی گوش توجه دلسوزان میراث فرهنگی را آزار می‌دهد، میل‌های سنگی منقوشی که دست



بدهد یادآور می‌شود: اگر ما غیر از این دستور کار و مجوزها اقدامی انجام دادیم میراث فرهنگی باید از ادامه کار ممانعت کند.

● چرا میراث فرهنگی بعد از ۷ سال مدعی شده است

حجت الاسلام خاکباز با بیان اینکه اگر میراث فرهنگی مدعی است که اقدامات عمرانی ما در امامزاده ابوالوفا غیر قانونی بوده چرا بعد از هفت سال متوجه این موضوع شده اند ادامه می‌دهد: اصلاً چرا میراث فرهنگی آثار تاریخی خود را اینگونه رها کرده که به طور مثال اوقاف این گونه عمل کند.

وی با بیان اینکه من که کارشناس میراث فرهنگی نیستم تصریح می‌کند: در این راستا برای حفظ میراث فرهنگی اطراف بقاع متبرکه و امامزادگان استان بخشی از اعتبارات را میراث فرهنگی تامین کند و بخشی را اوقاف آمادگی دارد در قالب تفاهم نامه همکاری این اعتبارات را تخصیص دهد.

به هر روی وظیفه مسئولان مربوطه است که در حفظ و نگهداری این آثار ارزشمند بکوشند و با بی‌اهمیتی از کنار تخریبشان نگذرند چراکه این سنگ‌قبرها روایت‌گر تاریخ فرهنگ و زندگی این سرزمین هستند، سرزمینی که دستی بر آتش هنر داشته و با داشته‌های فرهنگی‌اش می‌تواند پذیری خیل گردشگران بوده و در این رابطه حرفی برای گفتن داشته باشد.

تلخ تخریب و شکسته شدن میل‌ها اطلاعاتی ندارد، میل‌هایی که چند سال است همچنان با سینه‌های شکسته روی زمین دراز کشیده‌اند تا حاکمی بی‌اهمیتی مسئولان امر خود باشند.

اگر میراث فرهنگی مدعی است که اقدامات عمرانی اوقاف در امامزاده ابوالوفا غیر قانونی بوده چرا بعد از هفت سال متوجه این موضوع شده اند و اصلاً چرا میراث فرهنگی آثار تاریخی خود را اینگونه رها کرده که به طور مثال اوقاف این گونه عمل کند.

حجت الاسلام مرتضی خاکباز مدیر کل اوقاف و امور خیریه لرستان نیز در این رابطه با بیان اینکه کارهای عمرانی صورت گرفته در امامزاده ابوالوفا شهرستان کوهدشت مربوط به هنگام مدیریت من در اوقاف نبوده است می‌گوید: در این زمینه اطلاعاتی ندارم که بخواهم اظهار نظر کنم.

وی با بیان اینکه برای انجام کارهای عمرانی در سطح بقاع متبرکه استان اگر اطراف آنها ابنیه و آثار تاریخی و میراثی باشند با اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تفاهم نامه همکاری در زمینه حفظ آنها داریم ادامه می‌دهد: ضمن اینکه هر برنامه‌ای که میراث فرهنگی در این رابطه به ما بدهند ما آن را اجرایی خواهیم کرد.

مدیر کل اوقاف و امور خیریه لرستان با بیان اینکه میراث فرهنگی در این رابطه باید به ما دستور کار و مجوزهای لازم را



حفاظت را هم انجام دهد تصریح می‌کند: اگر اوقاف در این زمینه همکاری نکنند مجبوریم از طریق مراجع قضایی موضوع را پیگیری کنیم. مدیر میراث فرهنگی، دستی و گردشگری کوهدشت در پاسخ به این سوال که چه برنامه‌ای برای ساماندهی میل‌ها و سنگ‌قبرها دارید، می‌گوید: فعلاً تغییر کاربری انجام نشده است تا به مکانی دیگر منتقل شوند و وظیفه اوقاف است در همان منطقه جایی برای استقرار آنها لحاظ کند.

آنچه قابل تأمل است این که مدیر میراث فرهنگی کوهدشت به عنوان متولی اصلی حفاظت از آثار و میراث تاریخی از فاجعه

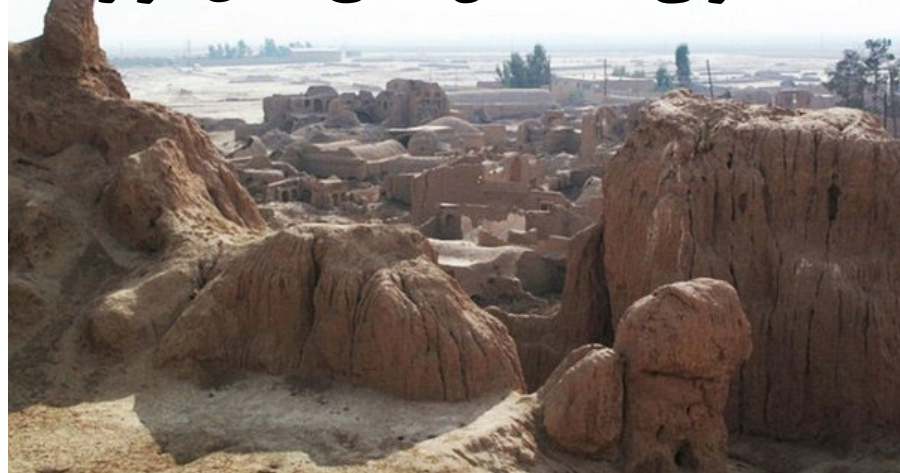
ناپود شود. اما با وضعیت موجود، هراس آن هست که میل‌های شکسته این قبرستان قدیمی همراه با تلنبار زباله‌ها به محل دفن زباله‌ها در دوردست‌های شهر کوهدشت منتقل شوند تا برای همیشه در چاله‌های فراموشی دفن شوند.

مدیر میراث فرهنگی، دستی و گردشگری کوهدشت در این رابطه می‌گوید: اداره اوقاف باعث تخریب و نابودی میل‌ها و سنگ‌قبرهای روستای «بله‌فا» است و این فاجعه هنگام ساخت محوطه حرم اتفاق افتاده است.

صمد حائری با بیان اینکه وظیفه اوقاف است، همچنان که تحویل می‌گیرد کار

«پاده» روستایی با جاذبه‌های فراوان

سمفونی خشت، گل و تاریخ در دل کویر



روستای پاده از توابع شهرستان آرادان با جاذبه های فراوان گردشگری خود تصویری با شکوه از کهن دیار قومس را به تصویر می کشد که آوای خوش تاریخ کهن دیار گرمسار و آرادان را به یادگار دارد.



داوود عبادی

«پاده» یادآور تاریخی کهن و باشکوه در دل کویر است تاریخی که از رونق و اعتبار این روستا در روزگاران قدیم سخن به میان می‌آورد. صنایع الدوله در کتاب مرآت البلدان در خصوص این روستای تاریخی می‌گوید: «اصل اسم این ده، پائین ده است چون سمت مغرب از این ده که می‌گذرد، خاک خوار (گرمسار کنونی) است ولی آبادی نیست به جز روستای ده نمک که آن هم جمع دیوانی ندارد.»

● پاده و هم‌جواری با راه ابریشم

روستای هدف گردشگری پاده در دو کیلومتری شرق روستای اسلام‌آباد و چهار کیلومتری شمال شرقی شهرستان آرادان واقع شده و مخلوطی از باورهای فرهنگی طوایف مختلف است که در سالیان گذشته به دلایل مختلف به این روستا مهاجرت کرده‌اند و درواقع، جایگاهی‌های مکرر، تنوع فرهنگی را در این روستا قوام داده است.

پاده بخش عمده‌ای از شهرت خود را به دلیل قرارگرفتن بر سر راه تاریخی ابریشم، بناهای تاریخی و سفرنامه‌های مختلف همراه دارد تا جایی که ناصرالدین شاه قاجار، هرتوم شیندلر (سفیر کبیر پروس) و صنایع‌دولت از جمله افرادی هستند که در سفرنامه یا کتاب خود، اطلاعات مهمی از

وضعیت پاده در حدود یک قرن پیش آورده‌اند.

برخی معتقد هستند زمین‌های این روستا بسیار حاصل خیز بوده است و مردم بهره‌های فراوانی از آن می‌بردند، به همین به «بهرده» معروف بوده و به‌مرور زمان، در گردش کلام‌ها و زبان‌ها به پاده تغییر نام یافته است. اما هرچه هست امروز نام پاده بر زیر خروارها خاک فراموشی آن چنان خفته که بیدار کردنش همتی عالی یا عزمی راسخ می‌طلبد.

● پاده روستایی سزاوار تحسین

رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان آرادان درباره این روستا، می‌گوید: بافت قدیمی روستا بیش از یک قرن قدمت دارد و شواهد نشان می‌دهد که حدود ۱۲۰ الی ۱۵۰ نفر در قلعه زندگی می‌کردند و سپس بیرون آمده و روستا را ساخته‌اند. به گفته علی محسنی در گذشته سه آب‌انبار در روستا وجود داشته است، آب‌انبار شیخ علی در سال ۱۳۲۰ و

فرهنگی و تاریخی خاص خود می‌تواند با کنار زدن همه مانع‌ها، به رونق گذشته خود بازگردد. در این بین جاذبه های گردشگری پاده را از نظر می‌گذارانیم.

● بافت تاریخی روستای پاده

یکی از ویژگی‌های مهم روستای پاده، حفظ بافت قدیمی و تاریخی آن، شامل ساختمان‌های عمومی و خانه‌های مسکونی است که قدمت برخی از این ساختمان‌ها به بیش از یک قرن می‌رسد.

اهالی این روستا تا حدود ۱۵۰ سال پیش همگی در داخل قلعه زندگی می‌کرده‌اند، ولی به تاریخ از قلعه خارج شده و شروع به ساختمان‌سازی در اطراف قلعه کردند. علاوه بر ساختمان‌های عمومی، تعدادی از ساختمان‌های مسکونی نیز در بافت قدیم روستا وجود دارند، که واجد ارزش تاریخی و فرهنگی از نظر قدمت، نمای ساختمان، معماری و عملکرد آن‌ها هستند. چنانکه پیش‌تر اشاره شد روستای پاده بر سر شاهراه «ری - خراسان» قرار داشت. ضمن این‌که روستای پاده از نظر زراعت، دامداری و باغداری رونق بسیاری داشته و این رونق باعث جذب بسیاری از افراد عبوری به این روستا می‌شده است. آنچه روشن است اینکه مهاجران به این روستا عمدتاً در دوران اوج رونق اقتصادی پاده یعنی دوره قاجاریه به این روستا مهاجرت کرده‌اند و پس از تغییر مسیر و جایابی جاده خراسان و سایر حوادث و وقایع دیگر، پاده کم‌کم رونق خود را از دست داد و بخش قابل توجهی از این جمعیت، این روستا را ترک کردند.

● دژ یا قلعه روستای پاده

مهم‌ترین و قدیمی‌ترین اثر تاریخی پاده، قلعه عظیم و ستبر

● گردشگری پتانسیل اصلی پاده

رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان آرادان درباره جذب گردشگر روستای پاده نیز می‌گوید: این روستای تاریخی در سال گذشته به‌عنوان روستای هدف گردشگری معرفی شد لذا این مکان، پتانسیل بسیار مناسبی در راستای جذب توریست دارد.

محسنی توضیح می‌دهد: ایجاد اقامتگاه بوم گردی توسط اهالی روستا نه تنها از لحاظ اقتصاد روستایی می‌تواند پاده را تقویت کند بلکه می‌تواند در زمینه جذب گردشگر نیز اقدامات مفیدی صورت دهد.

وی افزود: ساکنان می‌توانند برای جذب توریست مکان‌هایی را فراهم کنند. به این ترتیب افراد محلی می‌توانند از این راه درآمد اقتصادی داشته باشند. اما در این راه ابتدا باید به معرفی جاذبه‌های گردشگری پاده بپردازیم چراکه معتقدیم این روستا پتانسیل خوبی برای کویر نوردی، گردشگری و شترسواری دارد و در حال حاضر حدود ۱۴ خانه جدید در منطقه ورودی روستا به این منظور در حال ساخت است.

● روستایی که بوی تاریخی کهن می‌دهد

حفظ نماها و بافت تاریخی روستای پاده و وجود ساختمان‌های قدیمی با معماری‌های کهن در سرتاسر روستا، جلوه‌ای خاص به این روستا بخشیده است به گونه‌ای که قلعه، امامزاده، تکیه، مسجد، حمام، آب‌انبار و تعدادی بناهای مسکونی قدیمی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین بناهای تاریخی این روستا به شمار می‌آیند.

در گذشته با تغییر مسیر جاده کاروان روی قدیمی و فاصله گرفتن آن از روستای پاده، باعث ایجاد وقفه در دوران رونق روستا شد، اما این روستا همچنان با داشتن جاذبه‌های

آب‌انبار خونی در سال ۱۳۱۰ و آب‌انبار ترابری در زمان قاجار ساخته می‌شود. این روستا دارای سه حمام بوده و یک‌خانه گاه قدیمی که این خانه گاه در سال ۱۳۶۲ دایر شده است.

محسنی در خصوص مکان‌های ثبت‌شده این روستا می‌گوید: امامزاده سلطان ابوسعید پاده به شماره ۲۰۱۶۵ در سال ۸۶، قلعه پاده به شماره ۵۸۱۱ در سال ۸۱، حمام پاده در سال ۹۰، یخچال پاده به شماره ۲۰۱۵۷ در سال ۸۶، آب‌انبار روستا به شماره ۱۹۹۵۳ در سال ۸۶ و مفروش این روستا به‌عنوان میراث فرهنگی در سال ۹۱ به ثبت میراث فرهنگی کشور رسیده است.

● اقدامات میراث فرهنگی در احیای پاده

رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری آرادان همچنین درباره خانه‌های موجود در این روستا، توضیح می‌دهد: مهم‌ترین خانه‌های قدیمی روستا که تاکنون به‌جامانده است منزل حاج عباس میرزایی، محمد جان ترابری، مشهدی علی محمد، غلامرضا ترابری، حاج تقی ترابری است که همواره سعی در حفظ آن‌ها داشته‌ایم.

محسنی بیان اینکه برای حفظ این روستای تاریخی علاوه بر تلاش‌های میراث فرهنگی همت و پشتکار اهالی نیاز است، ادامه می‌دهد: اموری چون تبدیل حمام قدیمی به موزه صنایع کشاورزی که در بهمن و اسفند سال ۹۳ مرمت و بازسازی شده است می‌تواند امری درخور توجه باشد.

وی معتقد است حفظ میراث فرهنگی این روستا، حمایت‌ها و بازدیدهای بیشتر نیروی انتظامی و کارشناسان این اداره و اطلاع‌رسانی افراد بومی را می‌طلبد.





آن است. این قلعه بلند و با عظمت با مساحت بیش از یک هکتار از خشت و گل ساخته و در مرکز روستا واقع شده است. دو دوره معماری پیش از اسلام و دوره اسلامی را پشت سر گذاشته، که دوره اسلامی آن به قرن ۱۳ هجری می‌رسد. این قلعه به شکل مدور بر روی یک محوطه بزرگ و بلند آبرفتی ایجاد شده است.

دورتادور آن در بالای همین تپه عظیم آبرفتی، دیوارهای عظیمی ایجاد کرده‌اند. دیوارهای سمت شمال آن بسیار بلند و دست‌نیافتنی است، در سمت جنوب که دروازه ورودی در آن تعبیه شده و احتمالاً دارای طاق نیز بوده است، دیوارهای اطراف کوتاه‌ترند. ورودی قلعه در دوره قدیم دارای یک در سنگی عظیم بود که مدتی از این در به‌عنوان پل استفاده می‌شد.

بعد از عبور از این در، راهروی سرپوشیده‌ای وجود دارد که محوطه اصلی قلعه در گذر از آن قرار داشته است. دورتادور محوطه، دارای اتاق‌هایی با طاق هلالی بوده که آثار آن باقی‌مانده است. معماری این بنا کامل از خشت و گل است و درجهایی از آجرها ۴۵×۴۵ با قطر ۸ و ۱۰ سانتی‌متر استفاده شده است.

با توجه به عظمت و نوع معماری این قلعه و موقعیت سوق‌الجیشی و قرار گرفتن در کنار راه ارتباطی قدیم، می‌توان گفت که در دوره ساسانی احتمالاً یکی از دژهای نظامی بوده است. این قلعه تا حدود ۷۰ سال پیش مورد استفاده اهالی برای سکونت بوده است. فضای معماری و فرم و وضعیت این دژ، کوه خواجه سیستان را به یاد می‌آورد. این قلعه به شماره ۵۸۱۱ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.

● امامزاده سلطان ابوسعید

ساختمان امامزاده سلطان ابوسعید در شرق مسجد قمر بنی‌هاشم واقع شده است. این امامزاده، فاقد شجره‌نامه است ولی می‌گویند که ایشان از فرزندان امام موسی کاظم (ع) هستند. ساختمان امامزاده از خشت و گل در ابعاد ۱۳/۵×۱۱ متر ساخته شده است. نمای این بنا روبه شمال بوده و شامل سه ایوان است که ایوان وسطی از دو ایوان دیگر بزرگ‌تر است.

از تاریخ ساخت این بنا اطلاع دقیقی در دست نیست، اما بر اساس شواهد و قرائن موجود، بیش از سایر ساختمان‌های روستا (به‌جز قلعه) قدمت دارد.

● تکیه روستای پاده

تکیه روستای پاده، یکی دیگر از بناهای تاریخی روستا است، که در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری ساخته شده و در حال حاضر ۱۲۵ سال قدمت دارد. این بنا در غرب مسجد قمر بنی‌هاشم واقع و به آن چسبیده است. ساختمان تکیه مستطیل شکل در ابعاد ۲۳.۵×۱۹ متر است.

بانی این تکیه حاج علی همت بوده است. پس از ساخت تکیه و در حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری شخصی به نام شیخ علی، آبانباری در داخل محوطه تکیه ساخت.

نمای داخلی تکیه شامل پنج طاق نمای دوطبقه در دیواره شرقی و پنج طاق نمای دوطبقه در قسمت غربی و سه طاق نمای بزرگ در قسمت جنوبی است. طاق نمای میانی در قسمت جنوبی تکیه، بزرگ‌ترین طاق نمای تکیه است و قبر شیخ علی (بانی آبانبار تکیه) در این قسمت واقع شده است.

درب ورودی تکیه در قسمت شمالی بنا قرار دارد و با شیب ملایمی به داخل تکیه منتهی می‌شود و در گوشه شمال شرقی این بنا، راهرویی تکیه را به مسجد روستا متصل می‌کند؛ همه‌ساله، مراسم عزیز و عزاداری ماه محرم

در این تکیه برگزاری می‌شود و لازم به ذکر است که ۷۵ هکتار از اراضی زراعی روستای پاده وقف تکیه است.

● آبانبارهای تاریخی پاده

آبانبار خونی نیز که در حدود سال ۱۳۱۰ هجری قمری ساخته شده است در شمال چال خشت‌مالی و جنوب شرقی یخدان روستای پاده قرار دارد. این بنا از آهک و سنگ و ساروج ساخته شده و دارای سقف گنبدی شکل آجری بوده و سر در حمام و پا شیر آن روبه شمال قرار داشته است. این آبانبار تا حدود سال ۱۳۰۰ شمسی مورد استفاده اهالی بوده است. سقف گنبدی آن در سال ۱۳۳۰ شمسی کاملاً فرو ریخت و اکنون تنها منبع اصلی و استوانه‌ای شکل آن باقی‌مانده است.

این آبانبار از بناهای دوره قاجاریه است و اهالی ساخت آن را به حاج تقی تریبی نسبت می‌دهند. عمق آبانبار هفت و قطر آن پنج‌متر است. این آبانبار در گذشته دارای درب بوده و در فصل زمستان (اول چله) آن را با آب رودخانه پر می‌کردند و در آن را کاملاً می‌بستند و اول چله تابستان در آن را می‌گشودند، تا آب گوارای آن به مصرف عموم برسد. این آبانبار با هفت پله به‌پای شیر می‌رسد و نقل است که آب این آبانبار در تابستان آن‌قدر خنک بوده که آشامیدن آن در کنار پای شیر ممکن نبوده است. اهالی روستای فروان در شهرستان آرادان نیز در گذشته از این آبانبار استفاده می‌کردند. گنجایش تقریبی آن را حدود ۲۱۵ مترمکعب تخمین زده‌اند. یکی از بناها و تأسیسات آبی پاده، یخچال یا یخدان آن است که قدمت آن به دوره قاجاریه می‌رسد. این یخدان در سال ۱۳۸۶ به شماره ۲۰۱۵۷ در فهرست آثار ملی و تاریخی کشورمان ثبت شده است. ساختمان این یخچال گنبدی و از خشت و گل ساخته شده است. یخدان پاده در تابستان‌های گرم، یخ موردنیاز مردم و رهگذران را به‌خوبی تأمین می‌کرده است.

● حمام عمومی پاده (حمام کربلایی)

حمام کربلایی روستای پاده نیز بیش از ۱۲۰ سال قدمت دارد که بانی آن کربلایی خدیجه خانم صائمی بوده و مصالح به‌کاررفته در این حمام، شامل سنگ، آهک و ساروج است. این حمام معماری بسیار جالبی دارد و باوجود گذشت سالیان زیاد از زمان ساخت آن، تقریباً سالم و پایرجا باقی‌مانده است در حدود ۵۰ سال پیش تعمیرات اساسی شد. ساختمان حمام شامل یک سردر

کوچک است که با چهار پله وارد رختکن می‌شود. در جنب حمام کربلایی خدیجه، حمامی وجود داشته است که اکنون دیگر اثری از آن وجود ندارد؛ که برخی قدمت آن را حدود ۲۵۰ سال ابراز می‌دارند. این حمام از نوع حمام‌های خزین‌های بوده و کوره‌خانه آن در سمت شمال آن واقع شده بوده است.

و اما حمام حاج غلامرضا تریبی دیگر بنای تاریخی روستای پاده است، این حمام در سال ۱۳۳۴ شمسی توسط شادروان حاج غلامرضا تریبی در محله صائمی‌ها یعنی قسمت شمالی روستای پاده، با مصالح آجر و سیمان ساخته شده است. حمام موصوف دارای چهار دستگاه دوش بوده و اولین حمام دوش، در منطقه آرادان به‌حساب می‌آید.

خانقاه پاده نیز که توسط شخصی به نام مشهدی علی جان و با همکاری حاج ابراهیم میرزایی در طی سال ۳۵ ساخته شد از دیگر بناهای تاریخی و منحصر به‌فرد این خطه است که تا اوایل دهه ۶۰ نیز دایر بود اما متأسفانه به علت برخی غفلت‌ها ساختمان یادشده در حال حاضر به مخروبه بدل شده است.

● رونق گردشگری در پاده و توسعه پایدار

در زمان حاضربه بحث گردشگری به عنوان یک مقوله فرهنگی تگریسته می‌شود با نظر به اینکه مقام معظم رهبری بحث گردشگری را یک مزیت اقتصادی عنوان کرده‌اند، باید نگاه فرهنگی از این صنعت برداشته شود و آن را به عنوان یک مزیت اقتصادی تلقی کنیم. همچنین باید دانست که گردشگری به عنوان سومین صنعت پر رونق جهان پس از نفت و خودرو سازی امروزه جایگاه ویژه‌ای در توسعه جوامع انسانی دارد که می‌توان با این عینک نسبتاً خوش بینانه به پاده نیز نیم‌نگاهی انداخت.

روستایی که پر از پتانسیل‌های گردشگری است و تنها یاری مسئولان را می‌طلبد تا بتوانند در میان مقاصد گردشگری استان سمنان قد راست کند.

از سوی دیگر باید گفت گردشگری می‌تواند نقش ویژه‌ای در اقتصاد، پیشرفت و همچنین اشتغال پایدار جوامع روستایی مانند پاده ایفا کند و در نهایت به مهاجرت معکوس این بار از شهرها به روستا منجر شود.

شاید پاده تا این مهم فاصله زیادی داشته باشد اما نکته مسجل در این میان آن است که این روستا توانایی، ظرفیت و پتانسیل این مهم را در خود دارد.

معرفی تخریب کنندگان «سنگ چهره» به دادگاه

شهری که بی نماد شد

تخریب کنندگان «سنگ چهره» در سرفاریاب کهگیلویه و بویراحمد به دادگاه معرفی شدند اما هیچ چیز دیگر جای این اثر طبیعی را برای مردم این دیار پر نمی کند. مدتی است که مردم منطقه «سرفاریاب» در شهرستان چرام استان کهگیلویه و بویراحمد پس از قرن ها صبح را بدون «برد چهره» آغاز می کنند.



صدیقه امیدی



شدند و خود را برای آغاز روز سختی دیگر آماده کرده بودند، جای سنگ چهره را در کوه زرد خالی دیدند. نه زلزله ای رخ داده و نه طوفانی درنور دیده بود. با خود گفتند که چه بر سر نماد دیارشان آمده که یک شبه عنان از کف داده است. چند جوان خام و ساده لوح به سودای یافتن گنج در زیر این سنگ آن چنان بر ریشه اش پتک زدند که سر از تنش جدا شد و بر زمین افتاد.

سال ها بود که با تابش اولین اشعه های خورشید صبحگاهی به کوه زرد، سنگی چهره زمخت اما مقاومش را به مردمان یکی از کوهپایه های زاگرس نشان می داد و درس مقاومت به آن ها می آموخت.

سنگی به ارتفاع و عرض دو متر و طول سه متر که روی سنگ کوچک دیگری بند شده بود و گردش روزگار طی هزاران سال و یا شاید هم میلیون ها سال این دو را از هم جدا نکرده بود.

«سنگ چهره» یا به قول محلی ها «برد چهره» برای مردم سرفاریاب شهرستان چرام تنها یک سنگ بزرگ نبود که بر روی سنگی کوچک جا خوش کرده باشد. «برد چهره» هویت مردمانی بود که در میان کوه های صعب العبور زاگرس جنوبی زندگی می کردند و با طبیعت پیرامون اخت کرده بودند.

سنگی که نماد مقاومت مردمانی بود که در کوهستان های زاگرس جنوبی کوهی از مشکلات را بر دوش می کشیدند و دم بر نمی آوردند. مردمی که سرپناه شان چهاردیواری از سنگ و بلوط بود و زندگی در کوهستان آن ها را سخت کوش و ابدیده کرده بود.

آن ها نیز همچون «سنگ چهره» زیر بار مشکلات و رنج های زندگی قد خم نکردند همچون «برد چهره» که هزاران سال به رغم باد و باران ها و زلزله ها هنوز استوار مانده و سرخم نمی کرد.

اما یک روز صبح که همه از خواب بیدار

کنند.

باقری سنگ چهره را یک اثر طبیعی ارزشمند دانست و افزود: این اثر مورد استقبال گردشگران در این منطقه قرار گرفته بود.

● تخریب نماد سرفاریاب قابل جبران نیست

فرماندار شهرستان چرام هم سنگ چهره را نماد منطقه سرفاریاب دانست و گفت: تخریب این اثر طبیعی موجب نگرانی شدید اهالی منطقه شده است.

ابراهیم فتاح پور افزود: بسیاری از مردم منطقه در دیدارها و یا از طریق تلفن و پیام کوتاه، نگرانی خود را از این مسئله ابراز کردند.

وی بیان کرد: افراد تخریب کننده این اثر طبیعی شناسایی شده اند و پرونده ای در این خصوص در مراجع قضایی تشکیل شده است.

فتاح پور اظهار داشت: مردم تعلق ویژه ای به این اثر طبیعی داشتند و تخریب این اثر به زودی از ذهن آن ها پاک نخواهد شد.

وی در خصوص امکان بازسازی این اثر طبیعی گفت: بازسازی آن کاری سخت است و اگر هم انجام شود آن حالت طبیعی اش را از دست داده است.

طبیعت بزرگ ترین سرمایه کهگیلویه و بویراحمد است که توسط گذشتگان حفظ شده و نسل امروز نیز باید این میراث را سالم به نسل بعدی دهند.

اما حفاظت از طبیعت همچون کوه، جنگل، رودخانه ها، مراتع و ... نیازمند فرهنگ سازی است که جای آن بیش از همه چیز در کهگیلویه بویراحمد خالی است.

کهن سالان سرفاریاب انگار تکه ای از وجودشان را جدا کرده اند و در محافل و مجالسشان از این اثر طبیعی و یادآور خاطرات دور و نزدیکشان سخن می گویند. برخی از دوستاناران طبیعت نیز در رثای آن شعر می سرایند. اما سنگ چهره قربانی طمع ورزی پوچ و واهی کسانی شد که تیشه برداشته اند و بر ریشه طبیعت می زنند.

● شکایت میراث فرهنگی از تخریب کنندگان سنگ چهره

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد گفت: تخریب کنندگان «سنگ چهره» در سرفاریاب به مراجع قضایی معرفی شدند. محمود باقری افزود: واحد حقوقی این اداره کل با تنظیم شکایت و تشکیل پرونده ای، تخریب این اثر طبیعی را پیگیری می کند.

وی بیان کرد: تخریب این اثر طبیعی در سرفاریاب موجب جریحه دار شدن افکار عمومی این منطقه و استان شده بود.

باقری ناآگاهی و نادانی را عامل این تخریب دانست و اظهار داشت: انسان اگر ذره ای آگاهی داشته باشد به دید سودجویی به یک اثر طبیعی و یا تاریخی نگاه نمی کند.

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد گفت: مردم اگر نسبت به تمدن، تاریخ و طبیعت خود حساس باشند، هیچ فرد سودجویی جرأت تخریب این آثار را ندارد.

وی تصریح کرد: بی توجهی و سهل انگاری ما موجب می شود عده ای با هر قصدی اقدام به تخریب گنجینه های تاریخی و طبیعی استان



اگر خبر سرقت از موزه قاجار تبریز را شنیدید تعجب نکنید چون این موزه مدت هاست بی در و پیکر شده است و دیواری کوتاه‌تر از تنها دیوار روبه‌روی این موزه هم پیدا نمی‌شد که آن‌هم به تازگی تخریب شد.



محمدرضا
علی اشرفی

موزه قاجار تبریز بی در و دیوار شد لقمه راحت برای موزه دزدها



باید با هماهنگی میراث فرهنگی انجام شود. شهرام دبیری با تأکید بر ضرورت حفظ امنیت موزه‌ها می‌افزاید: باید تمام امکانات لازم برای حفظ امنیت این موزه به کار گرفته شود و شورای شهر تبریز نیز در این خصوص می‌تواند پیگیر باشد.

وی سپس ادامه می‌دهد: برای این موضوع نامه‌ای به شورای شهر نرسیده است که اگر مشکل حل نشود باید اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی به ما نامه بزنند و ما مشکل را حل و فصل کنیم.

● اقدامات عمرانی در کنار موزه قاجار کاملاً قانونی است

البته در این طرف قضیه هم شهردار منطقه ۱۰ تبریز قرار دارد که حمایت سختی از این روند دارد و با تأکید بر قانونی بودن اقدامات شهرداری می‌گوید: اقدامات عمرانی در کنار موزه قاجار کاملاً قانونی است.

باقر خوشنواز به تخریب مدرسه فیوضات و شیخ عطار اشاره می‌کند و می‌افزاید: ما این دو مدرسه را بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که با آموزش و پرورش داشتیم تملک کرده و تخریب کردیم تا بوستانی را در آن قسمت احداث کنیم.

وی سپس با تأکید بر اینکه مسئولان استانی در جریان تمام اقدامات شهرداری منطقه ۱۰ تبریز هستند، ادامه می‌دهد: ورودی فعلی موزه کم‌عرض و یک متری است که با آزادسازی این محوطه و تخریب مدارس می‌توان در آن قسمت بوستان و پیاده‌رو ۱۲ متری احداث کرد.

خوشنواز هم در خصوص جزئیات اختلاف بین مأموران شهرداری تبریز و یگان حفاظتی موزه قاجار می‌گوید: مدیران میراث فرهنگی چند نگیهان خود را در جلوی مدرسه فیوضات مأمور کرده بودند تا جلوی تخریب این مدرسه را بگیرند که کار آن‌ها غیرقانونی بوده و برای همین درگیری فیزیکی بین مأموران ما و نگهبانان میراث فرهنگی پیش آمد.

با همه این اوصاف از مسئولان اداره کل میراث فرهنگی و نیز مدیران شهرداری تبریز انتظار می‌رود تا با سعه‌صدر و با تعامل این مشکل را برطرف کنند و مأموران هر دو نهاد به‌جای درگیری فیزیکی با یکدیگر، با کمک هم امنیت این موزه را تأمین کنند تا نبود دیوار و حفاظ مناسب فرصتی برای سارقان تاریخ آذربایجان ایجاد نکند.

موزه که ممکن است در دل خود و زیرزمین آثار گران‌بها و باارزشی داشته باشد، اشتباه است و باید اصولی خاک‌برداری انجام شود.

وی با بیان اینکه تأمین امنیت موزه قاجار در اثر چند تخریب همچون مدرسه فیوضات توسط شهرداری منطقه ۱۰ تبریز مشکل شده است، ادامه می‌دهد: باید به امنیت این موزه که آثار باارزشی از تاریخ آذربایجان در خود جای داده است، بیشتر از این‌ها توجه شود.

حق‌پرست همچنین به جزئیات تخریب دیوار این موزه اشاره می‌کند و می‌گوید: این کار شبانه اتفاق افتاد و به هشدارهای ما هم توجهی نشد و حتی بین چند مأمور شهرداری و یگان حفاظتی موزه هم درگیری اتفاق افتاد ولی بالاخره این دیوار تخریب شد.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی به مسئولیت این اداره کل در حفظ و تأمین امنیت موزه‌های استان اشاره کرد و گفت: باید جلوی تخریب غیراصولی محوطه موزه قاجار و محله ششگلان که یکی از محلات قدیمی تبریز است و در دوره قاجار عمارت‌های بسیار زیبایی در این محله احداث شده است را گرفته شود.

حق‌پرست سپس به تاریخچه این موزه هم اشاره می‌کند و می‌گوید: خانه امیرنظام در سال ۱۳۷۰ از سوی سازمان میراث فرهنگی خریداری شده و با توجه به آسیب‌های جدی که به بنا رسیده بود با حفظ ویژگی‌های معماری بنا و شاخص‌های سنتی مورد بازسازی قرار گرفته و در سال ۱۳۸۵ پس از اتمام عملیات ساختمانی به‌عنوان موزه قاجار مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

وی در خصوص دلیل انتخاب این بنا به‌عنوان موزه قاجار نیز می‌گوید: دلیل انتخاب این بنا به‌عنوان موزه قاجار اهمیت دارالسلطنه تبریز در دوره قاجار بوده است.

● عملیات عمرانی در کنار آثار تاریخی تبریز باید با هماهنگی میراث فرهنگی انجام شود

رئیس شورای اسلامی شهر تبریز نیز در این خصوص و اختلاف‌هایی که بین شهرداری تبریز و اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی وجود دارد می‌گوید: عملیات عمرانی در کنار آثار تاریخی تبریز

از محله قدیمی ششگلان که به‌طرف مقبره الشعرا این نماد بالارزش و البته فرسوده تبریز می‌روید خانه امیرنظام گروسی با آن ستون‌های قدکشیده نظر تان را به خود جلب می‌کند. نزدیک‌تر که بروید قطعا تعجب خواهید کرد: نه از اینکه این خانه موزه شده است، بلکه به این خاطر که موزه دیوار ندارد و فقط با حفاظ سیمی آن را از محوطه کنار خیابان جدا کرده‌اند.

موزه قاجار در محل خانه امیرنظام گروسی قرار گرفته و یکی از بزرگ‌ترین و دیدنی‌ترین موزه‌های تبریز به شمار می‌رود که در ایام مختلف سال پذیرای علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ این کشور است. این موزه در دوطبقه با زیربنای ۱۵۰۰ مترمربع ساخته شده و ساختمان مشتمل بر دو حیاط اندرونی و بیرونی است که باغچه‌ها و حوض‌ها، زیبایی آن را دوچندان کرده است ولی صد افسوس که این موزه آن‌طور که باید و شاید محافظت نمی‌شود و ممکن است سارقان به آن که آثاری به قدمت هویت آذربایجان دارد و گنجینه‌ای ناب است، دستبرد بزنند.

چند روزی است که شهرداری منطقه ۱۰ تبریز دیوار موزه قاجار را برای احداث پارکینگ طبقاتی تخریب کرده و اکنون این موزه بدون حفاظ بوده و هر لحظه احتمال دست برد سارقان از این موزه می‌رود.

حالا این قطب گردشگری تبریز در گیر و دار اختلافات میراث فرهنگی با شهرداری تبریز قرار گرفته و وضعیت خوبی ندارد. دیوار روبه‌روی این موزه مدت‌ها پیش تخریب شده و با تخریب مدرسه شیخ عطار و فیوضات این موزه مستعد هرگونه دزدی و دست برد از سوی سارقان است.

● شهرداری تبریز توجهی به امنیت موزه قاجار نمی‌کند

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی در این خصوص می‌گوید: شهرداری تبریز توجهی به امنیت موزه نمی‌کند و فقط به فکر پروژه‌های عمرانی شهر است در حالی که این موزه گنجینه آذربایجان است و آثار بالارزش زیادی را در خود جای داده است.

فرزین حق‌پرست با اشاره به احداث پارکینگ طبقاتی در مجاور این موزه می‌افزاید: با احداث پارکینگ مخالف هستیم، کار کردن لودر و ماشین آلات سنگین در کنار این



موزه دقیانوس جیرفت به تاریخ پیوست

یک گودال سهم تمدن ۵ هزار ساله



اسماء محمودی

آثار تمدن کهن «ارت» که از آن به عنوان مبدع خط در جهان یاد می‌شود به دلیل عدم ساخت موزه جیرفت به روی هم انبار شده‌اند و سهم این موزه تنها یک گودال است. تمدن بزرگ «ارت» در حاشیه رودخانه هلیل رود و کنار شهر تاریخی دقیانوس یکی از بزرگ‌ترین حلقه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود و لوح‌های یافت شده در تپه کنار صندل قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های بشری است که البته در کمال تعجب پس از سال‌ها از کشف هنوز رمزگشایی نشده است.



و در نهایت زمینی در مجاورت پارک ولیعصر جیرفت در نظر گرفته شد. اما کاری برای احداث این طرح صورت نگرفت تا کار به سال ۸۶ رسید، سال‌ها گذشت تا در سال ۸۸ هیئت دولت به استان کرمان سفر کرد و ۱۹۰ مصوبه در سفر استانی تصویب شد که یکی از آن‌ها ساخت همین موزه بود.

اما باز هم کاری صورت نگرفت تا در سال ۹۱ سرانجام یک گام برای احداث این موزه برداشته شد و کار خاکبرداری موزه انجام شد. نکته جالب از زمان تصویب ساخت این موزه تاکنون این است که سازمان میراث فرهنگی استان کرمان مدیرانی به نام‌های محمد سام، علی کارنما، محمد ایرانمنش، حسین شمس‌الدینی، علی مهاجری، محمود وفاپی به خود دیده است و هنوز هم موزه جیرفت گودالی بزرگ در پارک ولیعصر است که پر از زباله شده است.

● قفل پروژه نیمه تمام ۱۲ ساله در انتظار کلید تدبیر

در آخرین سفری که استاندار کرمان طی چند روز قبل به جنوب استان کرمان داشت یکی از بحث‌های مهم مطرح شده در این سفر، همین موزه شهر جیرفت بود.

استاندار کرمان قول احداث این موزه را داده و حتی ردیف بودجه احداث این بنا را نیز مشخص کرده است و به نظر می‌رسد در نهایت کلید در قفل ۱۲ ساله این طرح چرخیده است و باید منتظر بود و دید این طرح عملیاتی می‌شود و یا در حد وعده باقی می‌ماند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان در جریان این سفر اظهار داشت: یکی از اقداماتی که استانداری کرمان در دستور کار قرار داده است اجرای طرح‌های نیمه‌تمام و بااهمیت بالا در استان است و طبق دستور استاندار کرمان کار احداث این موزه نیز در دستور کار قرار گرفته است.

جعفر رودری در این خصوص گفت: ردیف بودجه این موزه که قبلاً اختصاص یافته اما انجام نشده بود حالا احیاء شده است.

بالین وجود در حفاری‌های مجاز و غیرمجازی که در این منطقه انجام شده هزاران شی تاریخی یافت شده است که برخی از قاچاقچیان گرفته شده و برخی نیز توسط باستان‌شناسان اکتشاف شده‌اند. در سال‌های ابتدای کشف این تمدن بزرگ که آثار بسیاری از دشت مطوط آباد و تپه‌های کناری صندل شمالی و جنوبی کشف شد، برخی از آثار شاخص در موزه‌های کوچک در حاشیه هلیل رود در شهر جیرفت نگهداری شد اما هزاران شی دیگر به دلیل عدم وجود مکان مناسب به رسم امانت به کرمان و تهران ارسال شد و به دلیل اینکه در این شهرها نیز جای مناسبی برای به نمایش گذاشتن آن‌ها وجود نداشت بسیاری از این اشیای تاریخی در انبارها نگهداری شدند.

● موزه‌ای که احداثش تاریخی شد

در همان ایام بود که طبق مصوبه دولت قرار شد موزه بزرگ جیرفت در این شهر احداث شود موزه‌ای که تاکنون سه دولت را به خود دیده است اما همه سهم این موزه از مراحل ساختش گودبرداری محل احداث این موزه است و هیچ اقدام دیگری در این زمینه تاکنون صورت نگرفته اما وعده‌ها برای احداث این موزه در دولت جدید نیز ادامه داشته است.

نزدیک به دوازده سال از زمانی که قرار شد موزه جیرفت ساخته شود می‌گذرد. اواخر دولت اصلاحات و در پی کاوش‌های باستانی که منجر به کشف تمدن هلیل شد، دولت وقت تصمیم به احداث موزه در جیرفت گرفت.

نکته جالب این بود این موزه در طرح‌های اولیه قرار بود روی رودخانه هلیل رود و بر روی سازه‌ای پل مانند احداث شود، طرحی که هیچ‌گاه عملی نشد اما به‌ر روی کارهای مطالعاتی بر روی این موزه از سال ۸۴ آغاز شد و قرار بود در شش ماه دوم همان سال کار احداث موزه جیرفت آغاز شود اما این کار صورت نگرفت و همه چیز به سال ۸۵ موکول شد.

در نهایت در سال ۸۵ قرار شد محل احداث موزه از روی پل به‌روی زمین منتقل شود

وی گفت: ۱۲ میلیارد تومان برای احداث این موزه بر اساس طرحی که در گذشته داده شده بود هزینه می‌شود.

● ردیف بودجه ساخت موزه احیاء شد

فرماندار جیرفت در خصوص تمدن ارت گفت: حدود ۱۶ سال قبل حفاری‌های غیرمجازی توسط برخی افراد سودجو در حاشیه هلیل رود انجام شده و اشیای تاریخی به دست آمد که بلافاصله جلوی این حفاری‌های گرفته شد و در نهایت در همان سال نیز نخستین کاوش‌های باستانی انجام شد.

احمد امینی روش افزود: نتایج این حفاری‌ها بسیار مطلوب بود و اشیای زیادی به دست آمد ضمن اینکه بسیاری از اشیاء که در حفاری‌های غیرمجاز به‌دست‌آمده بود نیز از سودجویان باز پس گرفته شد.

وی افزود: متأسفانه از زمان آخرین کاوش‌هایی که در این مناطق می‌گذرد سال‌ها گذشته اما کار جدی برای آغاز این کاوش‌ها صورت نگرفته است.

امینی روش جیرفت را یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری دانست و به وجود نخستین لوح‌های نوشتاری بشر در این محوطه‌های باستانی خبر داد و گفت: حالا تعداد گردشگرانی که به جیرفت می‌آیند افزایش یافته اما برای نمایش آثار به‌دست‌آمده از این محوطه تنها یک موزه کوچک تأسیس شد اما ساخت موزه بزرگ شهر جیرفت پس از گذشته ۱۲ سال هنوز انجام نشده است.

وی گفت: تنها اقدامی که در دولت گذشته

انجام شده گودبرداری محل ساخت موزه است و کار دیگری انجام نشده است. فرماندار جیرفت درخواست کرد که میراث فرهنگی به‌صورت جدی در این خصوص حضور یابد و خوشبختانه در سفری که چندی قبل توسط برخی اعضای دولت و همچنین استاندار کرمان انجام شد ردیف بودجه ساخت موزه مجدداً احیاء شده است.

● حلقه ناتمام گردشگری جیرفت

وی ادامه داد: اشیایی که هم‌اکنون در موزه کوچک کنونی نگهداری می‌شوند هرچند بسیار غنی هستند اما فقط بخشی از اشیای کشف شده در جیرفت هستند.

امینی روش افزود: در واقع بسیاری از این آثار در خارج از جیرفت است و گردشگران از دیدن آن‌ها محروم هستند و این یعنی حلقه گردشگری در جیرفت کامل نشده است و موزه می‌تواند با توجه به اهمیتی که دارد بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی را به جیرفت بکشاند.

وی از وجود هتل و فرودگاه در جیرفت خبر داد و افزود: چندین هتل دیگر نیز در منطقه در حال ساخت است و خط ریلی منطقه نیز در حال پیگیری است به این ترتیب جیرفت در آستانه یک تحول بزرگ است و امیدواریم موزه جیرفت ساخته شود.

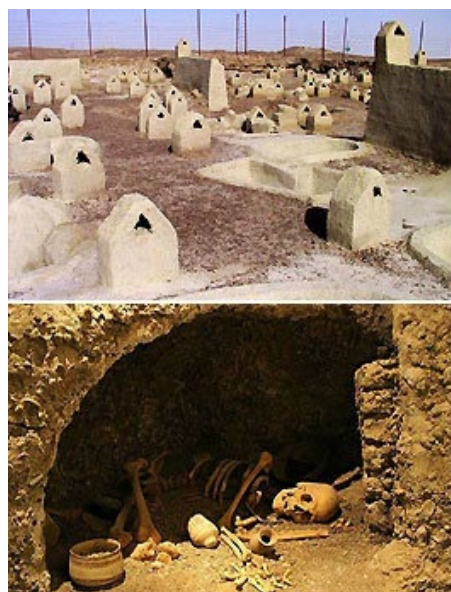
موزه جیرفت هم‌اکنون در دید بسیاری از علاقه‌مندان به تاریخ جیرفت به تاریخ پیوسته است و با مصوبه جدیدی که در دولت یازدهم تصویب شده است همه امیدوارند این موزه در دنیای واقعی ساخته شود و این پروژه ۱۲ ساله به اتمام برسد.

شهر سوخته در بی تدبیری می سوزد تأملی در سکوت تاریخ

سید مرتضی مصطفوی

در روز گاران دور که بشر تازه یک جا نشین شده بود، شهری در سیستان پدید آمد که به گفته باستان شناسان به لحاظ بافت شهری، جمعیت و برنامه ریزی شهری اولین شهر جهان بود اما امروزه در بی تدبیری می سوزد.

شهر سوخته و تمدن هوشمند و خلاق آن با حدود شش هزار سال قدمت، به عنوان بزرگ ترین استقرار شهرنشینی در نیمه شرقی فلات ایران، نمونه ای منحصر به فرد و حکایت گر واقعی علم، صنعت و فرهنگ گذشته های دور این مرزوبوم هست اما امروزه روز به روز در غبار غفلت فرورفته و بدون حفاظت روز به روز تلی از خاک بر داشته هایش می نشیند.



را حیرت زده می کند.

● تأملی در سکوت تاریخ

محقق و پژوهشگر منطقه سیستان در این باره گفت: نمی دانم تا به کی باید شاهد آن باشیم که شهر سوخته همچنان در آتش غفلت بسوزد، هر از چند گاهی این شهر می شود محل جولان سیاسی افراد جویای نام و بس! چند عکس یادگاری و دیگر تمدن هزاران ساله رها می شود.

محمد جهان تاب گفت: سرزمین دلاورپرور سیستان در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود همواره مورد طمع قدرت های بیگانه بوده است؛ اقتصاد قوی و نظام اجتماعی محکم و سابقه تمدن درخشان و روحیه سلحشوری و غیرتمندی مردم این خطه از سرزمین ایران و فداکاری و دین مداری که در نهاد مردم آن است، از عواملی بوده که همواره از سیستان بزرگ دژی تسخیرناپذیر در مقابل هجوم اقوام مجاور و حکومت های غارتگر ساخته است.

● فقر زیر ساخت گردشگری

وی افزود: روزگاری این دیار مهد تمدن بود اما افسوس غبار غفلت بر روی داشته های این مرزبوم پاشیده شده است و سیستان و سیستانی خود را اسیر شعار می بیند و وعده های توخالی، وعده هایی که از در آستانه انتخابات به اوج خود می رسد.

جهان تاب می گوید: رفتارها باید به گونه ای باشد که مردم مرهم بودن را در تمامی روزها احساس کنند، تنها در وادی سیاست تمدن و شکوه سیستان نمایان می شود و

متمدای است که به رسم امانت به دست مهربانان آسمان سپرده شده اما افسوس که روز به روز غبار غفلت بر رویش پاشیده می شود
شهر سوخته زایل شهری شش هزار ساله در دل کویر است که با آشکار شدن اسرار نهفته اش در هر فصل کاوش توسط باستان شناسان، مردم دنیا و به خصوص محققان



میراث هزاران ساله شهر سوخته که هنوز یک سال از ثبت آن در یونسکو نمی گذرد بدون نگرانی و نظارت رها شده است بطوریکه می توانید تا پای گروه حفاری هم، قدم زنان بروید و صدای تاریخ روز به روز زیر قدم ها برداشته شده از بین می رود.

● جهانگردی سوخته؛ چرا کسی پاسخگو نیست

خش خش سفالینه های شکسته با نقش و نگاره های خیره کننده در فضای خاموش و تاریک کویر می پیچد... اینجا چنان از خرده سفالینه، سنگ و فلزهای قدیم مشحون شده که هر قدم بر زمین آن به منزله ورقی بر کتاب تاریخ حماسی نیاکان اساطیری ما «رستم و سهراب» است.

این مکان دشت تفتیده سیستان، قلب داغ و تپنده تاریخ فلات پهناور شرق کشور است، هر ندایی که از آن برمی خیزد سفری جذاب و مسحور کننده به ژرفای تمدن درخشان ایران زمین است و انگار آدمی را به گذشته های دور و دراز رهنمون می کند. این نواها روز و شب با هیاهوی بادهای ۱۲۰ روزه سکوت خاموش و تاریک فضای کویر را در هم می شکند، فراخوانی به اعماق تاریخ می زند و یکه و تنها رازهای سربهمهر گذشته را در گوش ستاره و ماه نجوا می کند.

این دست پرورده تاریخ با ناز و کرشمه سده های متمدای است که به رسم امانت به دست مهربانان آسمان (ماه و ستاره) سپرده شده و در گذار زمان ها به «شهر سوخته» در دل کویر خشن سیستان نور امید و جان تابانده تا همچنان پس از گذشت ۵۲ قرن پرهیبت و مغرور سرافراز بماند.

در قطعه ای از بهشت دشت گونه سیستان به مدد «هامون و هیرمند» در شرق فلات گسترده ایران «شهر سوخته» جای خوش کرده که آوازه اش موجب غرور ایرانی است.

در اینجا هنوز صدای پای تاریخ به گوش می آید، شهر اگرچه فرتوت است، اما با وجود قهر طبیعت و وزش بادهای معروف ۱۲۰ روزه در زیر تلنبار گردوغبار زمانه خمیده نشده و همچنان پایدار نفس می کشد و در این مدت همواره تاریخ را این سو و آن سو با خود همراه برده است.

این دست پرورده تاریخ با ناز و کرشمه سده های

عکس هایی از چشم مصنوعی



این باستان شناس پیشکسوت گفت: تلاش می کنیم این فصل از کاوش با عکس برداری هوایی از محوطه بتوانیم بدون نیاز به حفاری نقشه شهر سوخته را تهیه کنیم.

سجادی با اشاره به کاوش های صورت گرفته در این محوطه تاریخی در سالهای گذشته، کشف نخستین چشم مصنوعی جهان در این محوطه تاریخی را مهم ترین و ارزشمندترین کشف باستان شناسی شهر سوخته اعلام کرد.

وی گفت: کشف این چشم مصنوعی متعلق به یک زن ۳۰ تا ۳۵ ساله مربوط به ۴۸۰۰ سال پیش واکنش رسانه های داخلی و خارجی زیادی را در پی داشت. او کهن ترین تخته نرد جهان، سفال با نقش بز بال دار و جراحی مجسمه انسان را نیز از متحصربه فردترین کشفیات در شهر سوخته دانست.

سید سجادی با اشاره به تاریخچه کاوش ها در شهر سوخته تصریح کرد که شهر سوخته برای نخستین بار در سال ۱۳۳۴ (۱۹۴۵ میلادی) توسط اشتاین شناسایی شد و در سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۸ (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹ میلادی) به تناوب توسط گروه باستان شناسان ایتالیایی مورد کاوش قرار گرفت.

او افزود: پس از پیروزی انقلاب اسلامی کار حفاری در این محوطه تاریخی به مدت ۱۸ سال متوقف شد تا اینکه در سال ۱۳۷۶ در زمان ریاست سید محمد بهشتی بر سازمان میراث فرهنگی کاوش در شهر سوخته شروع و تا سال ۱۳۸۸ ادامه یافت.

وی با اشاره به اینکه در ساهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به مدت ۴ سال کار کاوش در شهر سوخته انجام نگرفت افزود: از سال گذشته با حمایت های پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان شناسی کاوش در این محوطه تاریخی در حال انجام است.

مردم سیستان انتظار دارند با توجه به اهمیت تمدن شرق در چرخه تمدن بشری در فلات ایران، شهر سوخته بار دیگر احیا شود و پای گردشگران نیز در راستای رونق اقتصادی سیستان به این منطقه باز شود.

آثار باستانی متعددی نظیر شهر سوخته زابل، کوه خواجه، قلعه پرتقالی ها، قلعه معروف ایران شهر و ده ها اثر دیگر در این استان وجود دارد و نبود امکانات اولیه نظیر مراکز اقامتی و زیر ساخت های لازم مانع جذب توریسم در سیستان و بلوچستان شده است

شهر سوخته، کشف چشم مصنوعی مربوط به ۴۸۰۰ سال پیش را مهم ترین کشف کاوش های پیشین دانست.

سید منصور سجادی در این باره گفته است: در این فصل از کاوش دو بخش اصلی شهر سوخته مورد کاوش و مطالعات باستان شناسی قرار می گیرد.

او با اشاره به انجام بخش اول کاوش در کارگاه ۲۶ تصریح کرد: کارگاه ۲۶ در سال گذشته نیز مورد کاوش قرار گرفت ولی به دلیل وسعت و اهمیت این بخش در این فصل نیز کار کاوش در آن ادامه می یابد.

این باستان شناس پیشکسوت یکی از اهداف این فصل کاوش را یافتن بخش های احتمالا مسکونی در این کارگاه اعلام کرد و خاطرنشان ساخت که به احتمال قوی این کارگاه یک بخش اداری و عمومی اداره شهر در دوره آخر استقرار شهر سوخته در سال های ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد بوده است. بخش دیگر کاوش در این فصل در محوطه گورستان و باهدف یافتن دلایل و شواهدی در خصوص ساکنین شهر سوخته در آخرین دوره استقرار صورت می گیرد.

سید سجادی تصریح کرد: از میان ۹۰۰ گوری که تا به حال در کاوش های باستان شناسی حفاری شده است تعداد گورهای مربوط به دوره آخر استقرار نادر است. به گفته او، در این فصل از کاوش و در ادامه سایر فعالیت ها، مطالعات انسان شناسی و میان رشته ای مانند باستان آسیب شناسی انجام می گیرد.

دوستان عکس یادگاری های خویش را می گیرند و بس. این محقق سیستانی می افزاید: چطور می توان توقع داشت وقتی که هیچ زیر ساختی در شکوه شش هزار ساله سیستان فراهم نیست گردشگری عزم این دیار کرده و به این دیار سفر کند.

● شهر سوخته؛ اولین مکان استقرار شهرنشینی در شرق فلات ایران

عضو هیئت رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، شهر سوخته که در این شهرستان واقع شده را اولین و بزرگ ترین محل استقرار شهرنشینی در شرق فلات ایران خواند که ابزار و آلات کشف شده در این منطقه، شگفتی و علاقه باستان شناسان و تاریخ دانان را برانگیخته است.

سید باقر حسینی در این باره گفت: وقتی اماکن توریستی استان فاقد امکانات است، چه انگیزه ای برای جذب توریست خارجی به شهر سوخته، کوه خواجه، دهانه غلامان، قلعه پرتقالی در جنوب استان و ده ها اثر دیگر وجود دارد.

وی افزود: طی چند سال اخیر همیشه از این اماکن تاریخی استفاده ابزاری شده است، و هیچ گاه مطابق نیاز اقدامی عملی نشده، باید نگاهمان مطابق با تمدن خفته این دیار باشد تا شاید فردایی بهتر را برای سیستان و تمدنش شاهد باشیم.

● موانع جذب توریسم در سیستان و بلوچستان

نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی گفت: آثار باستانی متعددی نظیر شهر سوخته زابل، کوه خواجه، قلعه پرتقالی ها، قلعه معروف ایران شهر و ده ها اثر دیگر در این استان وجود دارد و نبود امکانات اولیه نظیر مراکز اقامتی و زیر ساخت های لازم مانع جذب توریسم در سیستان و بلوچستان شده است.

● صدای پای تاریخ در شهری که سوخته نیست

سرپرست هیئت کاوش در شهر سوخته نیز با اعلام آغاز پانزدهمین فصل از کاوش های باستان شناسی



■ یک حفره بزرگ سرد و خالی مرکز شهر که انگار با تیرهای خاکستری آهن، به زمین سنجاقش کرده باشند و اطرافش پر از آجرهایی شده که حالا شکسته و به درد نخورند، دیوارهای لخت و تکه های آشفال روی زمین، برگه های مچاله شده روزنامه و بطری های خالی، این صحنه ای است که برای اغلب مادر همه جای ایران، آشناست، صحنه ای از یک ساختمان نیمه کاره که فقط تابلوی زرد رنگ معرفی پروژه و پیمانکارش می تواند نیمچه هویتی به آن بدهد. پروژه های نیمه کاره شبیه حرف های نیمه تمام اند. سرد و غمگین...

■ هرمز به عنوان قلب خلیج فارس با جمعیت هفت هزار و ۵۰۰ نفری متشکل از هزار و ۳۵۰ خانوار جزیره ای بسیار تأثیرگذار در طول تاریخ بوده است. این جزیره با توجه با دارا بودن بیش از ۷۰ نوع طیف رنگی خاک و معادن غنی خاک های سرخ و جذابیت های زمین شناسی به اعتقاد زمین شناسان در دنیا به بهشت زمین شناسی معروف شده است.

■ سال هاست که ماهی خاویار از دریای خزر رخت بسته و ذخیره به سفر رسیده است چرا که شبه خاویارها، قاچاق و برداشت های بی رویه، تیشه به ریشه مروارید سیاه زده است. اجرای طرح ممنوعیت صید ماهیان خاویاری از دریای خزر که از سال ۲۰۱۱ اجرایی شد، روزنه امیدی برای احیای سلطان دریای خزر ایجاد کرد تا بار دیگر، خاویار مازندران در سبد صادرات قرار گیرد و در کنار ممنوعیت صید ماهیان خاویاری، طرح پرورش ماهیان خاویاری در برخی استان ها از جمله مازندران کلید خورد و سرانجام، مروارید سیاه پرورشی در راه بازارهای جهانی قرار گرفت.

■ مهدی آزادی ساکن روستای سرنجه زبودار پلدختر ۳۸ سال سن دارد و ۱۸ سال است که به کار ترمیم اسکناس های کهنه و فرسوده می پردازد، کاری که برایش جذابیت خاصی دارد و البته افراد زیادی هم برای نونوار کردن اسکناس هایشان سراغش می آیند. مهدی آزادی در حال حاضر مفازهدار و زمانی وضع اقتصادی اش خیلی ضعیف بوده است. در سفری که با مینی بوس مسافربری به خرم آباد داشته اتفاقی رخ می دهد که تصمیم می گیرد سراغ نو کردن اسکناس های کهنه برود.

اقتصاد ایران

کارخانه الیاف شیشه در مرنده همچنان یک روپا



یوسف باقری

در سالهای گذشته در دولت اصلاحات با سرمایه گذاری مشترک مردم و دولت قرار شد کارخانه لامپ تصویری در مرنده احداث شود اما بنا به دلایلی این کارخانه در مرنده احداث نشد و جای خود را به الیاف شیشه داد که در صنایع دفاعی و زیربنایی کشور می توانست نقش بسزایی را ایفا کند اما در گذر زمان این کارخانه نیز در مرنده احداث نشد و جای خود را به تولید لوله های پلی اتیلن داد.



شهرستان مرنده گفت: قرارداد اجرای این طرح عظیم با شرکت چینی منعقد شده و قطعا در دهه مبارک فجر با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت شروع خواهد شد. معاون استاندار آذربایجان شرقی و فرماندار ویژه شهرستان مرنده افزود: برای احداث این کارخانه حتی چندین هکتار زمین با اعتباری در حدود ۴۰ میلیارد ریال خریداری شده که در مرحله آماده سازی زمین برای عملیات اجرایی ساخت کارخانه است.

اصغر فضل زاده در رابطه با اجرای طرح الیاف شیشه می گوید: بسیاری از مردم در سالهای گذشته جهت احداث کارخانه لامپ تصویری با اندک پس انداز خود و یا با فروش طلا و جواهرات زنان خود به امید راه اندازی کارخانه و ایجاد اشتغال در شهرستان در این پروژه عظیم سرمایه گذاری کردند که متأسفانه بعد از سالها این کارخانه احداث نشد و بعدها نیز قرار بر این شد که الیاف شیشه بجای لامپ تصویری احداث شود و این هم نشد.

وی در ادامه گفت: مردم دیگر به احداث کارخانه عظیم در شهر مرنده آن هم به اسم الیاف شیشه و لامپ تصویری آلرژی پیدا کرده اند مگر اینکه احداث این کارخانه را با چشم ببینند.

حال سالهاست که مردم مرنده با وعده های مسئولان در اجرای طرح های عظیم صنعتی زندگی می کنند و چشم انتظار احداث کارخانه عظیم الیاف شیشه هستند آیا این وعده داده شده با چندین بار لغو در مرنده اجرا می شود.

طرح الیاف شیشه مرنده

برای اینکه از چگونگی عقد قرارداد و اجرای این طرح با توجه به وعده های داده شده بسیار به سراغ مدیرعامل شرکت الیاف شیشه مرنده می رویم که می گوید: با حضور محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت با امضای رئیس هیئت مدیره سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، کوچا و امین معاون مدیرعامل شرکت چینی و این جانب، ماه گذشته قرارداد احداث این طرح عظیم در مرنده منعقد شد.

وی افزود: بر اساس این قرارداد مقرر شده که شرکت چینی با انتقال دانش تولید الیاف شیشه، طراحی، تأمین تجهیزات و راه اندازی این کارخانه را طی دو سال آینده در مرنده عملی کند.

مدیرعامل شرکت الیاف شیشه مرنده به مقدار تولید و مصرف الیاف شیشه در ایران اشاره می کند می گوید: سالانه بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون تن مصرف الیاف شیشه در ایران است و این شرکت می تواند پس از راه اندازی آن ۳۰ هزار تن الیاف شیشه تولید کند.

داود اجاقی افزود: در این قرارداد شرکت سرمایه گذاری خارجی ملزم شده است ۳۰ درصد تجهیزات این کارخانه را از ایران تأمین کند و مبلغ قرارداد آن نیز ۴۶۰ میلیون یوان و ۱۰۳ میلیارد تومان خواهد بود.

وعده کلنگ زنی احداث کارخانه الیاف شیشه مرنده توسط وزیر صنعت در دهه فجر

فرماندار مرنده در رابطه با شایعات موجود مبنی بر لغو اجرای این طرح عظیم در

در ده فجر امسال عملیات اجرای این طرح عظیم که قرارداد آن نیز با شرکت چینی منعقد شده، شروع شود.

وی بایان اینکه این شرکت با سرمایه گذاری مشترک سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت چینی CNBM ایجاد می شود، عنوان کرد: با احداث و بهره برداری از این واحد انتظار می رود زمینه ایجاد و گسترش صنایع جانبی و پایین دستی برای تولید مواد و محصولات کامپوزیتی مورد استفاده در صنایع خودروسازی، شیمیایی و پتروشیمی، آب و فاضلاب و بسیاری از کاربردهای دیگر فراهم می شود.

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: ارزش ماشین آلات پیش بینی شده برای فعالیت این شرکت در منطقه ۶۵ هزار یورو است که همه آنها ماشین آلات به روز خارجی بوده که در زمان بهره برداری کامل ۴۸۰ نفر اشتغال زایی خواهد داشت.

حضور شرکت چینی در اجرای

سالهاست که مردم شهرستان مرنده با وعده های این چنین دولت ها، صبح را شب می کنند تا شاید روزی دیگر کلنگ این کارخانه در جای دیگری که مسئولان می گویند به زمین زده شده و کارخانه احداث گردد.

در سال گذشته محمدرضا نعمت زاده نماینده مردم مرنده و جلفا در مجلس شورای اسلامی شهر خبر از کلنگ زنی طرح احداث الیاف شیشه جدید به غیر از محل کارخانه لامپ تصویری وعده داده شده در مرنده با سرمایه گذاری دولتی خبر داد که اجرای طرح الیاف شیشه در مرنده می تواند در توسعه شهرستان و ایجاد اشتغال نقش بسیاری را ایفا نماید.

● با احداث کارخانه الیاف شیشه در مرنده برای ۴۸۰ نفر اشتغال ایجاد می شود

برای اینکه بدانیم آیا این طرح عظیم در مرنده احداث خواهد شد یا نه؟ به سراغ نماینده مردم مرنده و جلفا می رویم که حسن نژاد نماینده مردم مرنده و جلفا در مجلس شورای اسلامی می گوید: این واحد صنعتی با سرمایه گذاری ۳۵۰ میلیارد تومان که با توجه به افزایش قیمت دلار به ۵۰۰ میلیارد تومان در زمینی به مساحت ۱۰ هکتار در شهرک صنعتی زنوز احداث خواهد شد، البته مقرر شده بود این طرح در منطقه هرزندات اجرا شود که به دلیل مشکلات موجود در تحویل زمین به این شهرک انتقال یافت.

این نماینده در رابطه با وعده های داده شده برای کلنگ زنی این طرح و لغو آن چندین باره آن می گوید: مقرر شده بود که در دهه مبارک فجر سال گذشته طرح اجرایی آن با حضور نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت در منطقه هرزندات شروع شود که مسئولان مربوطه زمینی را که شرکت گسترش و نوسازی خواسته بودند را نتوانستند تحویل دهند و لذا به تعویق افتاد و مقرر گردید در هفته دولت کلنگ آن به زمین زده شود که به دلیل تراکم کاری وزیر مقرر شده تا اگر اتفاق خاصی نیفتد



حکایت‌های خواندنی برخی پروژه‌های استانی توقف روی نقطه صفر یا صد



زینب آخوندی

حکایت برخی پروژه‌های نیمه‌تمام عجیب است، برخی از آنها در مرحله ۹۹ درصد تکمیل متوقف شده، برخی در مرحله ۱۰ درصدی سال‌هاست بلا تکلیف رها شده‌اند و برخی بارها پیمانکار عوض کرده‌اند.



انجام پروژه‌هایی از این دست می‌گوید: سؤال اینجاست که کی زمان اجرا فرا می‌رسد؟

خسته بند تصریح می‌کند: هرچند دولت تمام تلاش خود را برای اجرای فاز عملیاتی این پروژه آغاز کرده اما نمی‌توان کم کاری‌های محیط زیست در این بخش را نادیده گرفت.

نماینده مردم انزلی تأکید می‌کند: موضوع احیای تالاب باید جدی گرفته شده و برای جلوگیری از نابودی آن راه حل‌های اساسی در نظر گرفت.

● دعوا بر سر تعداد طبقات یک کتابخانه

کتابخانه مرکزی یزد خودش به تنهایی یک تراژدی پر پیچ و خم است، طرحی که نه به خاطر اعتبارات که به خاطر اختلاف بر سر تعداد طبقاتش سال‌هاست روی زمین مانده و حالا این کتابها هستند که بی‌خانه مانده‌اند تا بالاخره یکی تصمیم بگیرد خانه‌شان چند طبقه باشد. پروژه‌ای که از سال ۷۷ آغاز شده و هفت میلیارد تومان هم برای مردم یزد هزینه داشته اما پس از ۱۷ سال فقط یک ساختمان سرد و خالی است.

از بدترین اتفاقات این است که کتابها در یک شهر، جا و مکان نداشته باشند و یزد این روزها به این مشکل مبتلاست. کتابخانه مرکزی این شهر که قربانی اختلاف سر تعداد طبقات شده، طی ۱۵ سال که از عمر نیمه تمام بودنش می‌گذرد، همه جور روز و روزگاری به خود دیده است. از بی‌پولی و اختلاف بر سر مکان‌یابی تا امروز که اختلاف اصلی بر سر ارتفاع بنا است. گویا اگر این مشکل هم حل شود بالاخره موضوعی پیدا می‌شود تا شهر بادگیرها در حسرت کتابخانه مرکزی بماند.

کارشناس عمران اداره کل فرهنگ و ارشاد

● ۱۰ میلیارد تومان هزینه در مرحله مطالعاتی

احیای تالاب انزلی هم از دیگر استان‌هاست. طرحی که ۲۲ سال طول کشیده و با وجود هزینه ۱۰ میلیارد تومانی هنوز در مرحله مطالعات است. گویا در این ۲۲ سال اقلیم و آب و زمین منتظر مانده‌اند تا کسی تصمیم بگیرد و کاری انجام دهد. عنوان نماینده مردم انزلی در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: مدت ۲۲ سال است که سازمان محیط زیست در بخش احیای تالاب فعالیت کرده و در طول این مدت تنها توانسته‌اند بخشی از مطالعات مربوط به تالاب را انجام دهند.

حسن خسته بند ادامه می‌دهد: از ردیف بودجه مستقل تالاب در دولت فعلی مبلغ ۱۰ میلیارد تومان مصوب شد که به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز رسیده که تا امروز هیچ اقدام موثری در این باره صورت نگرفته است.

وی با اشاره به اهمیت تحقیق و مطالعه در

که ستون‌های ایستاده‌شان مدت‌هاست منتظر میلیاردها تومان اعتبار برای طرح‌هایی است که حتی چند برگ مطالعات ندارند، یا سد شفا رود که قرار است قاتل برنجزارها، جنگل و باغ‌های زیتون گیلان باشد اما از سال ۵۳ تا حالا هنوز کسی نتوانسته برایش تصمیم درستی بگیرد.

مطالعه فاز یک سد شفا رود در شش کیلومتری شهر رضوان شهر استان گیلان در سال ۱۳۵۳ کلید خورد. گیلان هم آن زمان از بکرترین مناطق طبیعی کشور به شمار می‌آمد و بدیهی بود مدیریت‌های آن در رقابت با استان‌های مختلف که به دنبال اعتبارات، برای موج جدید سدسازی بودند، از پرآب‌بودن ناحیه خود راضی نباشند؛ چراکه ناحیه پرآب، خیلی نیازی به سد و ذخیره آب ندارد.

در چنین فضایی بود که پیشنهاد بررسی احداث سد روی رودخانه شفا رود مطرح شد. جالب اینکه مطالعات فاز یک این پروژه که به یک شرکت مشاور واگذار شده بود، به جای حداکثر یک سال، هفت سال طول کشید. البته آن زمان فضای استان گیلان هنوز آکنده از عطر برنجزارهایی بود که در جوار دریا، جنگل و زیتون نوید ادامه زندگانی می‌داد.

ادامه مطالعات در فاز دو نیز از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ طول کشید. از آن سال به بعد هم تاکنون با وجود انبوهی از هشدارها، حدود ۲۰ درصد عملیات سازهای آن انجام شده است.

اکنون مدیریت استان و متولیان ساخت این سد بر سر دوراهی صراحت و قاطعیت یا تصمیماتی به رنگ خاکستری، باید به فردای گیلانی فرسوده‌تر از حالا بیندیشد. گیلانی که ساخت این سد می‌تواند اندک رمق باقی مانده از آن را بگیرد و این خطه سبز را به کلی خاکستری کند.

حکایت برخی پروژه‌های نیمه‌تمام عجیب است، برخی از آنها در مرحله ۹۹ درصد تکمیل متوقف شده، برخی در مرحله ۱۰ درصدی سال‌هاست بلا تکلیف رها شده‌اند و برخی بارها پیمانکار عوض کرده‌اند.

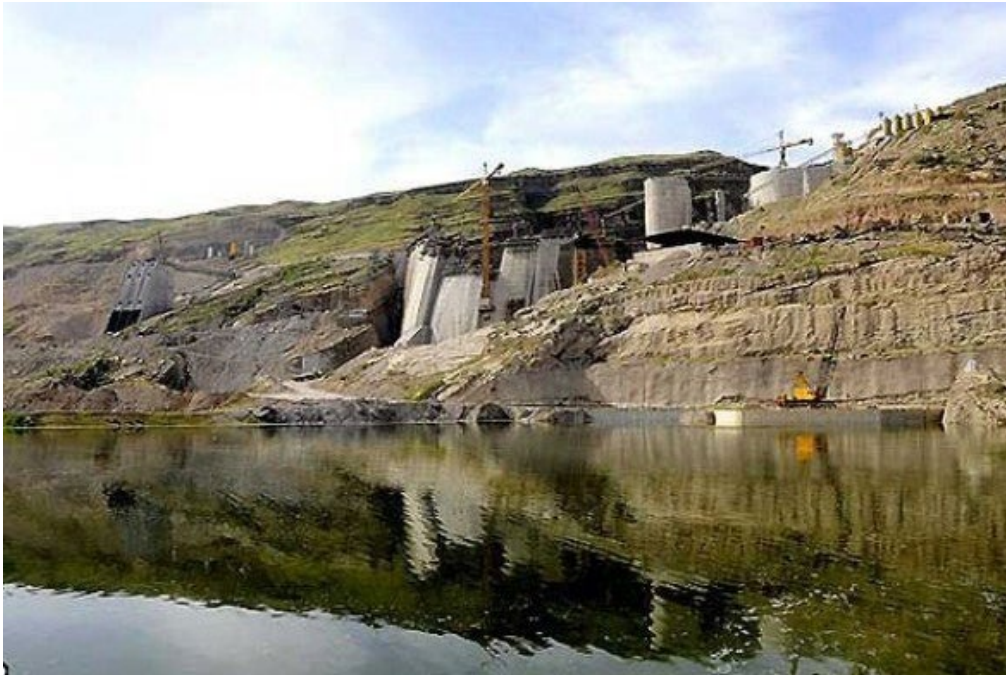
یک حفره بزرگ سرد و خالی مرکز شهر که انگار با تیرهای خاکستری آهن، به زمین سنجاقش کرده باشند و اطرافش پر از آجرهایی شده که حالا شکسته و به درد نخورند، دیوارهای لخت و تکه‌های آشغال روی زمین، برکه‌های مجاله‌شده روزنامه و بطری‌های خالی، این صحنه‌ای است که برای اغلب ما در همه جای ایران، آشناست، صحنه‌ای از یک ساختمان نیمه کاره که فقط تابلوی زرد رنگ معرفی پروژه و پیمانکارش می‌تواند نیمچه هویتی به آن بدهد.

پروژه‌های نیمه کاره شبیه حرف‌های نیمه‌تمام‌اند. سرد و غمگین، انگار صدایی که نیمه از گلو بیرون آمده و نیمی از آن خفه شده، همه جا هم هستند؛ هم حرف‌ها و هم کارهای نیمه تمام.

چند خط و شکل‌های هندسی لجبازی که با پاره‌های آهن یا سیمان ساخته می‌شوند و سال‌ها همانطور خاک می‌خورند. دیگر کم کم می‌شوند بخشی از ناخودآگاه‌مان، یا تکه‌ای از خاطرات کودکی. انگار آن ساختمان تکمیل شود یا آن طرح راه بیفتد، یک چیزی از دست داده‌ایم... وجودشان در هر شهری عجیب نیست. کم و کیفشان گاهی غریب است. مثل آن کتابخانه در بیرجند که هشت سال است روی کاغذ مانده یا آن بیمارستان سروآباد کردستان که هنوز تکمیل نشده دو دارد پیر می‌شود، یا منطقه اقتصادی سلماس که ۱۸ سال طول کشیده تا پیمانکارش را بشناسد.

بعضی پروژه‌ها داستان‌های متفاوتی دارند؛ مثل آل آر تی کرمانشاه و منوریل قم





اسلامی استان یزد می گوید مطالعات این طرح در سال ۷۵ انجام و نخستین قرارداد در سال ۱۳۷۸ منعقد شد و از سال ۸۰ پروژه از ارشاد گرفته و به مسکن و شهرسازی وقت واگذار شد اما این پروژه از آن زمان به بعد مسکوت ماند.

سید ایمان علوی عنوان کرد: علت متوقف شدن طرح نیز طبقه آخر این کتابخانه بود و از آنجا که مسئولان میراث معتقد بودند در بافت تاریخ این ارتقاء قانونی نیست، پس از سال ها توقف طرح، در نهایت در سال ۹۲، طبقه آخر بریده شد.

به گفته وی در حال حاضر تکمیل این کتابخانه به شهرداری یزد سپرده شده و حالا مسئولان استان توقع دارند این تغییر در تولید امر برایشان معجزه ای کرده و گره از این مشکل باز کند. برای کل این پروژه تا امروز ۷ میلیارد تومان هزینه شده و گویا شهرداری قول داده با دو میلیارد تومان هزینه، این کتابخانه را به اتمام برساند.

● توقف در مرحله واگذاری زمین

حکایت کتابخانه مرکزی بیرجند قدری دردناک تر است. این پروژه که مطالعاتش از سال ۸۶ شروع شده و کلنگش در سال ۸۹ به زمین خورده، قرار بود طی چهار سال به بهره برداری برسد که با وجود گذشت هشت سال هنوز در مرحله واگذاری زمین باقی مانده و مردم این شهر کویری را در حسرت یک مکان فرهنگی منتظر نگه داشته است.

آنطور که مدیرکل کتابخانه های عمومی خراسان جنوبی می گوید این پروژه از همان ابتدا با مشکل زمین روبه رو بوده و از سال ۹۱ پیگیری های جدی برای گرفتن زمین آغاز شده است.

محمدرضا رضایی بیان کرد: در حال حاضر پنج هزار متر زمین واقع در بلوار شهید ناصری بیرجند برای احداث این کتابخانه در نظر گرفته شده اما به ۱۰ هزار متر زمین نیاز داریم.

وی با اشاره به اینکه این موضوع در حال حاضر از سوی وزارت راه و شهرسازی در حال پیگیری است، عنوان داشت: تقریباً ۸۰ درصد کارها انجام شده و تا ۲۰ روز آینده تصمیم گیری نهایی برای آن اعلام می شود.

مدیرکل کتابخانه های عمومی خراسان جنوبی ادامه داد: تا زمانی که مشکل زمین پروژه حل و پیمانکار مشخص نشود، کاری نمی توان انجام داد و پیش بینی اعتبار مورد نیاز آن کار سختی است.

● توقف در مرحله ۹۹ درصدی

بیمارستان های ناتمام اما حکایتی غمناک تر دارند. حکایت صف های طولانی پشت در اتاق پزشک، جاده های طولانی برای پیدا کردن یک متخصص و روزهای طولانی برای پاسخ گرفتن از آزمایشگاه ها، حکایت مردان و زنانی که

اما حالا خودش به دردی ۲۳ ساله تبدیل شده و در این سال ها تنها ۴۰ درصد از راه ناتمامش پیموده شده است.

داستان پروژه های نیمه تمام مثل سریال های ۹۰ شبی دنباله دار و طولانی است. مانند موزه طبس که بعد از ۱۶ سال خودش به یک موزه تبدیل شده یا هزار طرح صنعتی یزد که می شود برایشان داستان هزار و یک شب ساخت.

سد گیوی در اردیبهل هم بارها افتتاح و آگیری شده اما هنوز ۹۲ درصد پیشرفت فیزیکی دارد حتی صدای مدیران استانی را درآورده که چرا هر بار برای افتتاحش ما را فرامی خوانید و دست آخر هم تکمیلش نمی کنید.

عملیات اجرای شبکه و سد گیوی ۱۱ سال قبل آغاز شد با این هدف که هشت هزار هکتار از اراضی دیم به آبی توسعه یابد؛ سیلاب رودخانه گیوی مهار شود و منابع آبی موجود برای حوزه های مصرف به شکل بهینه مدیریت شود.

نماینده مردم خلخال و کوثر سال گذشته در خیری تحت عنوان «آگیری اولیه سد گیوی در شهرستان کوثر آغاز شد» آگیری اولیه سدی را اطلاع رسانی کرد که بعدها از آن به عنوان یکی از دغدغه های شهرستان کوثر یاد شد.

آگیری اولیه این سد در حالی به صورت نمادین انجام شد که تزریق نامطلوب و قطره چکانی اعتبارات سد گیوی را به ۱۰۰ درصد پیشرفت نرسانده و هنوز هم مدیرانی که در مراسم آگیری نمادین حضور داشتند از تکمیل نشدن این پروژه گله مندند.

مدیر عامل آب منطقه ای استان در آخرین اظهارات خود در خصوص وضعیت فعلی این پروژه گفته است ما سه پروژه داریم که شامل سد گیوی، بفرآجرد و پروژه آبرسانی مشکین شهر است.

راه های طولانی از روستاها و شهرهای دورافتاده را تا شهری طی می کنند که باید در آن طبیب و درمان بیابند اما چیزی جز معطلی پشت در اتاق ها منتظرشان نیست. یکی از آنها بیمارستان سروآباد کردستان است که ساخت آن از سال ۸۸ آغاز شده و یک سال است پیشرفت فیزیکی ۹۷ درصد دارد اما گویا کسی نیست به داد مردمی برسد که تنشان به نیاز این طبیبان نیازمند شده. رییس اداره راه و شهرسازی شهرستان سروآباد علت تأخیر این پروژه با وجود داشتن ۹۷ درصد پیشرفت فیزیکی در سال گذشته را به برخی اشکالات فنی نسبت می دهد. مسائلی مانند نصب تجهیزاتی هم چون فیل تر تصفیه هوا بود که در قرارداد نصب این تجهیزات توسط دستگاه مجری ذکر نشده بود ولی با مداخله استانداری بنا شده این تجهیزات هم به کار گرفته شود.

محمد درگاهی بیان کرد: هم اکنون پروژه آماده تحویل به دستگاه بهره بردار است و نامه نگاری آماده بودن پروژه هم انجام شده است. وی عنوان کرد: در حال حاضر تنها پروسه اداری در خصوص تحویل و هماهنگی های لازم در این رابطه مانده است.

مدیر شبکه بهداشت شهرستان سروآباد اما علت تأخیر پروژه را مباحث مربوط به طلب پیمانکار و مشکلات اعتباری می داند و از برطرف شدن این مشکلات خبر می دهد. افشین بهمنی در عین حال هیچ زمان دقیقی برای بهره برداری از آن ذکر نکرده و این موضوع را به بازدید کارشناسان از بیمارستان موکول می کند.

بیمارستان آیت الله خویی در خوی هم داستان خودش را دارد. بیمارستانی که قرار بود مرهم دردهای مردم این خطه باشد

حکایت سدهای نیمه تمام لرستان هم برای خودش داستانی است. حوضیان، کمندان، آبسرد، مروک و... که امروز در نیمه راه یا به خاطر بی پولی مانده اند و یا به خاطر احداث سدی در بالادست و از دست رفتن توجیه اقتصادی دیگر به طرح های بی معنی تبدیل شده اند که در پرآب ترین استان کشور، بی آبی اسیرشان کرده.

هر چه هست این نیمه تمام ها قسمتی از سرمایه های کشورمان را در خود حبس کرده اند. گذشت سال های طولانی و تغییر شرایط موجب شده برخی از این طرح ها اصلاً توجیهی برای اتمام نداشته باشند. مانند مونوریل قم که به صورت تحمیلی به شهر وارد شد و در مسیری احداث شده که کمترین مسافر را دارد. حالا مسئولان شهری و استان مانده اند که اگر این قطار شهری راه بیفتد و خالی برود و بیاید، چه کسی هزینه آن را پرداخت می کند و اگر همینطور نیمه تمام بماند، چه توضیحی از وجود این سازه بدتر کیب مقابل دید مردم در هسته مرکزی شهر قابل قبول خواهد بود.

سدها هم خیلی وقت ها چنین شرایط دارند. زمانی رودهای خوشان و جوی های روانی وجود داشته که می شد برای احداث این سدها توجیهی اقتصادی تراشید اما امروز و در شرایطی که زمین لب تشنه مانده، دیگر آبی نیست که این سدها بخواهند کنترلش کنند. همین می شود که یک پروژه نیمه تمام می ماند. مثل یک تکه چوب روی دریا رها شده، هیچ کس نمی داند چکارش باید کرد. به هیچ دردی هم نمی خورد. فقط می تواند آینه عبرت باشد برای کسانی که در آینده می خواهند قدم در مسیرهای مطالعه نشده بگذارند یا کارهای بزرگی را با پشتوانه های کوچک انجام دهند.

مهدی آزادی مرد روستایی لرستانی است که ۸۱ سال بدون هیچ گونه هزینه‌ای به بانک مرکزی کمک کرده، این مغازه‌دار پلدختری اسکناس‌های کهنه را تحویل می‌گیرد و نونوار تحویل می‌دهد.



محسن مهرابی

فرسوده اهمیت بیشتری داده و به آن‌ها رسیدگی کنند و از شخصی که در این کار سرشته دارد برای مرمت و درست کردن اسکناس‌ها استفاده کنند.

کار تعمیر اسکناس در خانواده «آزادی» تنها به «مهدی» محدود نمی‌شود، بقیه خانواده هم به نوعی یا تشویق کننده این حرکت هستند و یا در بخش‌هایی به وی کمک می‌کنند. مادر این مغازه‌دار روستایی پلدختری گفت: ۱۸ سال است که فرزندم این کار را به‌صورت رایگان برای مردم انجام می‌دهد و اهل خانه همگی او را به این راه تشویق می‌کنیم.

حامد آزادی برادر مغازه‌دار روستایی نیز می‌گوید: در کار تعمیر و مرمت اسکناس‌های فرسوده به برادرم کمک می‌کنم، برای این کار اسکناس‌های فرسوده را از مردم جمع‌آوری و برای ترمیم و بازیافت آن‌ها را به برادرم تحویل می‌دهم.

وی افزود: پول‌های فرسوده رانندگان مسافرکش که از روستای زیودار به پلدختر مسافر حمل می‌کنند را برادرم بدون هیچ دستمزدی ترمیم می‌کند و باوجود علاقه شدید خودش به این کار اعضای خانواده نیز وی را تشویق می‌کنند.

● برادر مغازه‌دار پلدختری: دولت امکانات و وسایل موردنیاز را در اختیار برادرم قرار دهد

برادر این مغازه‌دار روستایی گفت: برادرم برای انجام این کار با یکسری مشکلات روبه‌رو است که انتظار می‌رود دولت امکانات و وسایل موردنیاز را در اختیارش قرار داده تا بتواند این کار را در سطح وسیع‌تر و گسترده‌ای انجام دهد.

وی افزود: سالانه اسکناس‌های زیادی به دلیل فرسودگی از چرخه اقتصاد کشور خارج می‌شوند که اگر دولت زمینه و بستر مناسب را برای این کار فراهم کند هم کارآفرینی شده و هم کمک خوبی به بانک مرکزی می‌شود.

نیما آزادی فرزند مهدی آزادی نیز می‌گوید: ترمیم اسکناس‌های کهنه و پاره باعث شده که حجم کارهای پدرم افزایش یابد و من وقتی که از مدرسه به خانه‌بر می‌گردم حدود دو تا سه ساعت از وقتم را صرف کمک به پدرم برای ترمیم اسکناس‌های فرسوده می‌کنم و از این کار راضی هستم.

● سال گذشته بیش از ۸۵ میلیارد تومان اسکناس فرسوده در لرستان امحا شد

یک کارشناس اقتصادی لرستانی در این زمینه گفت: خیلی از افراد در نگهداری اسکناس به عنوان سرمایه ملی دقت لازم را ندارند و وقتی پول را به‌صورت مجاله شده را داخل جیب‌هایمان جای می‌دهیم شاید دیگر به این فکر نمی‌کنیم که سالانه چه هزینه گزاف و سنگینی صرف امحای اسکناس‌های فرسوده و چاپ اسکناس‌های جدید می‌شود.

عینی افزود: در سال ۹۳ بیش از ۸۵ میلیارد تومان اسکناس فرسوده در لرستان جمع‌آوری و برای امحای از استان خارج و به بانک مرکزی تحویل داده شد.

این کارشناس اقتصاد گفت: طبق اظهارنظر یکی از مقام‌های بانک مرکزی، سالانه ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون قطعه اسکناس فرسوده امحا می‌شود که برای چاپ هر یک از آن‌ها حدود ۷۵ تومان و در مجموع مبلغی حدود ۲۷.۵ تا ۵۲.۵ میلیارد تومان در سال برای این کار هزینه می‌شود.

عینی متوسط عمر اسکناس در ایران را پنج سال برآورد کرد و افزود: با توجه به کیفیت اسکناس‌های این زمان باید دست‌کم دو برابر این مدت یعنی ۱۰ سال باشد.

مرد روستایی که ۱۸ سال به بانک مرکزی کمک کرد ماجرای اسکناس‌های نونوار



را شستشو و تمیز میکنم و پارگی آن‌ها را چسب می‌زنم و آن‌ها را با گیره آویزان می‌کنم تا خود را بگیرد سپس بعضی از آن‌ها که نیاز به صاف شدن دارد را «تو» زده، بسته‌بندی میکنم، باند می‌زنم و روانه بازار می‌کنم.

آزادی افزود: این کار من کمکی به اقتصاد کشور به‌حساب می‌آید چون سالانه برای درست کردن اسکناس‌های نو هزینه‌های زیادی باید صرف شود و مردم به‌راحتی آن را از بین می‌برند درصورتی که این اسکناس‌ها نیاز اصلی هر جامعه‌ای است و همه برای به دست آوردن آن تلاش می‌کنند.

این مغازه‌دار روستای زیودار پلدختر ادامه داد: اگر از اسکناس خوب نگهداری شود علاوه بر اینکه در موقع خرید، استفاده و خرج کردن در مقابل دیگران شرم‌نده نخواهیم شد، اسکناس عمر بیشتری پیدا می‌کند و کشور در این رابطه هزینه کمتری متحمل می‌شود.

● کار ترمیم و مرمت اسکناس برایم عادت شده است

آزادی بایبان اینکه دیدهام بالا‌های زیادی سر این اسکناس‌ها می‌آورند، گفت: ترمیم اسکناس‌ها دیگر برایم یک عادت شده، عادتی ۱۸ ساله که اکنون کسبه شهر هم اسکناس‌های فرسوده خود را برای ترمیم تحویل من می‌دهند.

وی به رکورد‌هایش در زمینه ترمیم اسکناس هم اشاره کرد و اظهار داشت: پیش آمده که مبلغ ۲۰ میلیون تومان اسکناس کهنه و پاره را به کمک اعضای خانواده‌ام در مدت کوتاهی ترمیم کرده‌ام.

● عمر اسکناس‌ها هشت سال بیشتر می‌شود

آزادی افزود: در حال حاضر اسکناس‌های از رده خارج‌شده را با عملیاتی که روی آن انجام می‌دهم طوری بازسازی و مرمت می‌کنم که ماندگاری و دوام آن تا هشت سال ادامه پیدا کند. این مغازه‌دار روستایی اعلام کرد: اگر مسئولان حمایت کنند می‌توانم در سطح گسترده‌تر و در چندین استان این کار را به‌طوری که مردم راضی باشند به عهده بگیرم تا کشور به‌واسطه این کار هزینه کمتری متحمل شود.

● از مسئولان انتظار دارم به کارم اهمیت دهند

وی گفت: از مسئولان شهرستان انتظار دارم که به اسکناس‌های

مهدی آزادی ساکن روستای سرنجه زیودار پلدختر ۳۸ سال سن دارد و ۱۸ سال است که به کار ترمیم اسکناس‌های کهنه و فرسوده می‌پردازد، کاری که برایش جذابیت خاصی دارد و البته افراد زیادی هم برای نونوار کردن اسکناس‌هایشان سراغش می‌آیند.

مهدی آزادی در حال حاضر مغازه‌دار و زمانی وضع اقتصادی‌اش خیلی ضعیف بوده است. در سفری که با مینی‌بوس مسافربری به خرم‌آباد داشته اتفاقی رخ می‌دهد که تصمیم می‌گیرد سراغ نو کردن اسکناس‌های کهنه برود.

خودش می‌گوید در این سفر وقتی به مقصد می‌رسد تنها پولی که در جیب داشته یک اسکناس کهنه هزارتومانی بوده است که با اکراه و خجالت آن را به سمت راننده دراز می‌کند و راننده هم به دلیل پاره بودن اسکناس از گرفتن آن امتناع می‌کند، موضوعی که برای مرد روستایی گزارش ما انگیزه می‌شود تا سراغ همه اسکناس کهنه برود و آن‌ها را دوباره صاحب عیار و اعتبار کند.

● اسکناس کهنه بده: اسکناس نو تحویل بگیر

مهدی آزادی می‌گوید: در حال حاضر سالانه افراد زیادی برای درست کردن اسکناس کهنه و فرسوده‌شان به من مراجعه می‌کنند که بدون هیچ‌گونه دستمزدی و به‌صورت رایگان آن‌ها را ترمیم می‌کنم.

آزادی که کارش رونق گرفته است ادامه داد: هم‌اکنون اسکناس‌های کهنه مغازه خودم، دوستان و آشنایان و کسانی که با کار من آشنا هستند و محل‌هایی مانند کمیته امداد، موسسه‌های خیریه، داروخانه‌ها، جایگاه سوخت و سوپرمارکت‌ها را تحویل گرفته و پس از ترمیم به آن‌ها برمی‌گردانم.

وی بایبان اینکه از آنجایی که به این کار علاقه شدید دارد، اسکناس در هر حدی از کهنگی که باشد آن را ترمیم می‌کند، بیان کرد: مغازه‌ام در کنار مدرسه قرار دارد و پول‌هایی که دانش‌آموزان برای خرید می‌آورند بیشتر پاره و کهنه هستند که خودم آن‌ها را ترمیم می‌کنم.

● روزانه یک میلیون تومان اسکناس ترمیم می‌کنم

این مغازه‌دار روستایی با اشاره به اینکه روزانه مبلغ یک میلیون تومان اسکناس ریز و درشت کهنه و فرسوده را به‌صورت رایگان مرمت می‌کند، اظهار داشت: ابتدا اسکناس‌های کثیف

یک بام و دو هوای طرح حبله رود پروژه‌ای با منافع ملی



داوود عبادی



محمدحسین عبادی



محمد رضا حیدری

طرح حبله رود را می‌توان از بزرگ‌ترین پروژه‌های آبخیزداری استان‌های سمنان و تهران دانست پروژه‌ای ملی که با موانعی نیز روبه‌رو است که یکی از آنها برخی اختلافات بر سر استفاده از حق آب این رود است.



تأمین آب از سد نمرود به‌عنوان حق آب حبله رود است و اگر مشکلی در این زمینه ایجاد شود، قطعاً کشاورزی و باغداری فیروزکوه رو به تعطیلی خواهد رفت. این فعال اقتصادی در فیروزکوه ادامه داد: طی سال‌های اخیر اختلاف‌نظرها برای استفاده از حق آب حبله رود میان شهرستان‌های فیروزکوه و گرمسار افزایش یافته است و باید مسئولان در این زمینه هر چه زودتر راهکاری را بی‌اندیشند.

● کشاورزی گرمسار نیز با مشکلات عدیده‌ای رو به رو است

اما وضعیت در گرمسار نیز همین‌گونه است، اعرابی یکی از فعالان بخش صادرات محصولات کشاورزی در استان سمنان، می‌گوید: اقتصاد ما نیز وابسته به کشاورزی است و کشاورزی در گرمسار امروزه با مشکل آب روبه‌رو است متأسفانه طرف فیروزکوهی به‌گونه‌ای موضع می‌گیرد که گویی تنها این عزیزان هستند که مشکل کمبود آب دارند.

وی که بیست‌ودو سال از عمر خویش را صرف کشاورزی و صادرات محصولات آن کرده است، بیان می‌کند: مسئولان در این بین باید حق را به حق‌دار برسانند لذا با شانتاژ و سیاسی کردن موضوع کار به‌جایی نمی‌رسد.

این فعال بخش کشاورزی می‌افزاید: مگر کشاورزی گرمسار متکی به آب نیست که برخی دوستان می‌گویند تولیدات زراعی فیروزکوه با مشکل کم‌آبی روبه‌رو است؟

● طرح حبله رود چیست؟

اما این پروژه در ابتدا چه بوده است که امروز این‌طور مورد مناقشه قرار گرفته است. حبله رود را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آبخیزداری استان‌های سمنان و تهران دانست که اجرای بندهای آبخیزداری، نصب بادشکن، بیابان‌زدایی، احداث سد بر روی رودخانه نمرود، احداث کانال و لوله انتقال آب، طرح‌های بیابان‌زدایی از اجزای آن هستند که قرار است در دو فاز و بین استان‌های سمنان و تهران احداث و افتتاح شود.

در فاز اول طرح، قانون‌های بحران شناسایی و در این راستا بادشکن‌ها و طاق زارهایی در این مناطق ایجاد شد که باید گفت این طرح با مدیریت مناسب آب‌و خاک و بدون

مشهدی عباسی در ادامه بیان داشت: یک میلیون فیروزکوهی از این آب بهره‌مندی شوند اما می‌توان برای چهار تا پنج هزار گرمساری از مکان دیگری آب تأمین کرد.

اما در آخرین اظهارنظر غلامرضا کاتب در مردادماه امسال در نشست بررسی نحوه اجرای طرح بین‌المللی مدیریت آب‌و خاک حبله رود در فرمانداری گرمسار، یکی از راه‌های میان‌مدت رفع مشکل کم‌آبی در شهرستان گرمسار را پروژه سد نمرود فیروزکوه دانست که امسال به اتمام می‌رسد.

این عضو خانه ملت به رسانه‌ها، گفت: سد نمرود می‌تواند با آگیری و ذخیره‌سازی با اولویت کمک به بخش کشاورزی گرمسار عامل مؤثری در رونق این منطقه و حتی مناطق شمالی استان تهران و شهرستان فیروزکوه باشد.

● مدیریت حق آب حبله رود ساماندهی شود

بخشدار مرکزی فیروزکوه درباره آخرین وضعیت حق آب حبله رود اظهار داشت: باید مدیریت حق آب حبله رود ساماندهی شود و توزیع آب بر مبنای مدیریت صحیح صورت پذیرد.

ابوالفضل زمانی نژاد با اشاره به اخذ سیاستی میانه در این بین، بیان داشت: باید به‌گونه‌ای رفتار شود که حق هر دو طرف در این پروژه دیده شود.

وی افزود: کشاورزان منطقه فیروزکوه حق دارند تا از آب‌هایی که در این منطقه جاری است استفاده کنند و تمام تلاش مسئولان منطقه آن است که مدیریت منابع آبی فیروزکوه به امور آب این شهرستان واگذار شود.

● کشاورزی فیروزکوه وابسته به تأمین آب از حبله رود است

حسین علوی یکی از کشاورزان فیروزکوهی با اشاره به این نکته که اقتصاد کشاورزی این شهرستان وابسته به حبله رود است اظهار داشت: امروز بسیاری از مردم فیروزکوه را با محصولات باغی و کشاورزی آن می‌شناسند.

وی افزود: کشاورزی فیروزکوه وابسته به

گذشته حیات این شهرستان را به حبله رود وابسته دانست و خواستار جلوگیری از استفاده غیراصولی در شهرستان‌های فیروزکوه و دماوند از آب این رودخانه شد.

وی خطاب به مسئولان ارشد کشوری، بیان داشت: اگر جلوی برخی سوءاستفاده‌ها گرفته نشود برای همه شما مسئولیت شرعی خواهد داشت چراکه به مردم پائین‌دست این رودخانه، ظلم شده است همچنین شما آقایان بگویید ما برای گرمسار از کجا آب بیآوریم؟ پس جلوی سوءبرداشت‌ها و بازی‌های ناشایست را بگیرید.

● تأکید مسئولان فیروزکوه بر استفاده از حق آب حبله رود

از طرف دیگر مسئولان شهرستان فیروزکوه حق آب حبله رود که آب حبله رود در آن وارد می‌شود را حق خود می‌دانند به‌طوری‌که ابوالقاسم مهری چندی پیش اظهار داشت: استفاده از حق آب حبله سد نمرود حق مردم شهرستان فیروزکوه است.

فرماندار وقت شهرستان فیروزکوه افزود: شهرستان گرمسار با ممنوعیت توسعه زمین‌ها و اراضی کشاورزی خود روبه‌رو است این در حالی که است که فیروزکوه در زمینه باغداری و زراعی نیازمند به آب بوده اما برخی مسئولان گرمسار حق آب حبله سد نمرود را حق مردم فیروزکوه نمی‌دانند. مهری تأکید کرد: این مهم کاملاً بدیهی است و نمی‌دانم چرا برخی عوام زیر بار این حرف منطقی نمی‌روند.

● تذکر کتبی نماینده فیروزکوه به وزیر نیرو

حمیدرضا مشهدی عباسی نماینده فیروزکوه نیز در تیرماه امسال به وزیر نیرو درباره تعیین حق آب حبله رود تذکر کتبی داد و نوشت فیروزکوه و استان تهران خود مشکلات زیادی دارد و چرا سطح زیر کشت در گرمسار طی چند دهه گذشته دو برابر شده ولی فیروزکوه کاهش یافته و بی‌عدالتی ایجاد شده است و چرا آب رودخانه حبله رود را با کانال به گرمسار انتقال داده‌اید و حق آب حبله باغداران فیروزکوه دچار بحران بی‌آبی شده و باغات آن‌ها در حال خشک شدن است، تنش‌های اجتماعی این بی‌برنامگی و بی‌مدیریتی و اقدامات یک‌سویه به عهده شما است.

پروژه حبله رود در حالی سالیان سال است که با موانع مختلفی روبه‌رو می‌شود که استفاده از حق آب حبله رود به‌عنوان یک نقطه اختلافی میان شهرستان‌های فیروزکوه و گرمسار به حساب می‌آید به‌طوری‌که مسئولان هر کدام از این شهرستان‌ها مدعی هستند که سهم لازم به آنان تعلق نگرفته است.

حبله رود به‌عنوان یکی از منابع آبی از کوه‌های شهرستان‌های دماوند و فیروزکوه تأمین‌کننده منبع آبی در شهرستان‌های فیروزکوه و گرمسار و نیاز آبی دو استان تهران و سمنان به حساب می‌آید.

استفاده از آب سد نمرود که از حبله رود وارد این سد مخزنی می‌شود باهدف تأمین آب مورد نیاز مردم شهرستان گرمسار و تأمین آب مورد نیاز صنایع فیروزکوه در قالب فاز یک پروژه حبله رود در سال ۸۴ کلید خورد اما امروز میزان مورد استفاده از حق آب حبله این سد مورد اختلاف مسئولان هر دو شهرستان است.

مسئولان شهرستان گرمسار در مصاحبه‌های متعدد اعلام کرده‌اند که حجم حق آب حبله این سد بیش از ۱۱۰ میلیون مترمکعب است که بر این اساس ۱۰ میلیون مترمکعب حق شهرستان فیروزکوه و مابقی حق شهرستان گرمسار است.

● حجم حق آب حبله سد نمرود ۱۱۰ میلیون مترمکعب است

نماینده مردم شهرستان‌های گرمسار و آزادان در مجلس شورای اسلامی چندی پیش در جمع خبرنگاران با اشاره به ۹۴ درصد پیشرفت فیزیکی کار ساخت سد نمرود، گفت: تکمیل این پروژه نیاز به عزم ملی و مدیریت جهادی دارد.

غلامرضا کاتب حبله رود حق آب حبله این سد را ۱۱۰ میلیون مترمکعب بیان کرد و اضافه کرد: از این رقم ۱۰ میلیون مترمکعب به منطقه فیروزکوه، ۲۰ میلیون مترمکعب حق آب حبله و صنعت گرمسار و ۸۰ میلیون مترمکعب برای کشاورزی شهرستان گرمسار است.

وی همچنین تصریح کرد: اما باید توجه داشت که در این زمینه و سهم حق آب حبله شهرستان گرمسار هیچ مصلحتی نخواهیم داشت؛ چراکه این آب، سهم و حق مردم گرمسار است.

حجت‌الاسلام سید علی مهدی نژاد امام‌جمعه گرمسار نیز در مردادماه سال



شناسایی و در این راستا بادشکن ها و طاق زارهایی در این مناطق ایجاد شده است لذا این طرح با مدیریت مناسب آب و خاک و بدون بهره برداری غیر اصولی از منابع، معیشت مردم را بهبود می دهد.

همچنین فاز اول طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک بر اساس برنامه مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دفتر عمران سازمان ملل متحد، آغاز شد و این مشارکت از سال ۷۶ در حوزه آبخیز جله رود با مساحت ۱۰۲ میلیون هکتار به عنوان منطقه پایلوت آغاز شد و پس از اتمام فاز اول طرح بر اساس جلسه ای با حضور نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت، وزارت امور خارجه و برنامه عمران سازمان ملل تشکیل و با توجه به اهمیت و ضرورت طرح جله رود مقرر شد این طرح به دلیل اولویت داشتن در برنامه های ملی وارد فاز دوم خود شود. اجرای طرح ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک جله رود الگوی مناسبی برای مدیریت جامع حوزه آبخیز است که بدون تردید این پروژه یکی از طرح هایی است که توانسته راهکارهای مناسبی را در پیش پای جوامع محلی قرار دهد.

● جله رود برای اشتغال زایی مؤثر است

یک کارشناس اقتصادی نیز درباره تأثیر اجرای این طرح ملی و منافع آن برای هر دو استان، گفت: طرح ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک جله رود علاوه بر مواجهه رودرو با پدیده بیابان زایی و حفظ و احیای منابع طبیعی و مراتع، توسعه کشاورزی، افزایش تولید و اشتغال زایی را نیز در پی داشته است.

محمدرضا حیدریان با اشاره به این مطلب که اجرای این طرح که با کمک سازمان ملل در حال اجرا است نشان داد که در صورت داشتن طرحی جامع و یک آمایش مناسب می توان بیش از این ها از آنچه در اختیار ما است بهره گرفت، بیان داشت: می توان با هممت جمعی بر زمین خشک نیز فائق آمد و از بیابان، نیز بهره ها گرفت. وی بایان اینکه تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی در سال ۴۲ و دگرگون شدن ساختار جامعه روستایی، مدیریت منابع آب و خاک توسط عوامل محلی صورت می گرفت، افزود: با اصلاحات ارضی، عناصری جدید وارد حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها شد، که مهم ترین آن حضور دولت و نهادهای دولتی بود، البته تضعیف تدریجی نظام های سنتی در سطح روستاها، باعث بروز مشکلات زیادی شد.

جله رود امروز نیازمند نگاهی ملی با در نظر گرفتن مصالح هموطنانی است که روزی زندگی شان مرتبط با این پروژه است، این طرح ملی می تواند در راستای اشتغال زایی، توسعه، بسط فعالیت های کشاورزی و تأمین معاش خانواده های استان سمنان و تهران مؤثر باشد.

با محوریت منابع آب و خاک و افزایش تولید و درآمد زیر حوزه ها و روش شناسی شناخت مشارکت مدار برای آماده سازی برنامه یکپارچه مدیریت منابع آب و خاک از دیگر اهداف این طرح است.

همچنین اساس سند و اعتباراتی که دولت از طریق مکانیزم های خاص برای طرح در نظر گرفته، تقسیم شد و اعتبارات پیش بینی شده برای فاز دوم شامل ۶۰۱ میلیون دلار سهم دولت جمهوری اسلامی ایران و ۱۰۱ میلیون دلار سهم سازمان ملل متحد است که در مجموع بالغ بر ۷۰۱ میلیون دلار خواهد بود.

فاز اول طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک SMLWR بر اساس برنامه مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و برنامه عمران سازمان ملل متحد از سال ۱۳۷۶ در حوزه آبخیز جله رود با مساحت ۱۰۲ میلیون هکتار به عنوان منطقه پایلوت آغاز شد.

● مدیریت پایدار در جله رود الگوی سایر طرح های ملی

پس از اتمام فاز اول طرح بر اساس جلسه ای با حضور نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت، وزارت امور خارجه و برنامه عمران سازمان ملل تشکیل شد و با توجه به اهمیت و ضرورت طرح جله رود، مقرر شد این طرح به دلیل اولویت داشتن در برنامه های ملی وارد فاز دوم خود شود. طرح ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک جله رود علاوه بر مواجهه رودرو با پدیده بیابان زایی و حفظ و احیای منابع طبیعی و مراتع، توسعه کشاورزی، افزایش تولید و اشتغال زایی را نیز در پی داشته است و بدون هیچ جانب داری باید گفت این پروژه نیازمند تعامل دوسویه دو استان در حل مناقشه است.

● کانون های بحران در طرح جله رود شناسایی شدند

به نظر می رسد با تمام اختلافات موجود در سطح کلان مدیریتی بین استان های سمنان و تهران، جله رود همچنان در صدد تکمیل فاز نخست خود است. پیش از این مدیران پروژه گفته بودند که جله رود در فاز اول طرح، کانون های بحران

توسعه نتایج حاصله از پروژه به برنامه ملی حفاظت منابع طبیعی از طریق مشارکت روستاییان در مدیریت حوزه های آبخیز کشور است.

● مشارکت تهران و سمنان لازمه اجرای جله رود

معاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان سمنان با تأکید بر اینکه برنامه پایش و ارزیابی حوزه آبخیز جله رود حاصل تلاش و برنامه ریزی همه ذینفعان در دو استان تهران و سمنان است، اظهار داشت: بدین منظور موضوع تدوین چارچوب پایش و ارزیابی جله رود در کمیته های فنی و کارگروه های تخصصی، مطرح و پس از هماهنگی های اولیه فرآیند اجرای آن از مجرای نشست های کارشناسی کارگروه های تخصصی سه گانه جله رود شامل اقتصادی، اجتماعی، آب و سرزمین در شهریورماه سال ۹۲ آغاز شد.

نوجه خاطر نشان کرد: تعیین شاخص های اثرگذار و پایش شونده در قالب نشست های کارگروه های سه گانه، تهیه و تکمیل دستورالعمل های پایش در قالب نشست های کارگروه های سه گانه، تجزیه و تحلیل دستگاهی هریک از شاخص های پایش شونده در قالب نشست های کارگروه های سه گانه و تهیه برنامه اقدامات مدیریتی برای ارتقای شاخص های پایش شونده و تعیین مهم ترین و اثرگذارترین اقدام برای ارتقای آن ها در قالب نشست های کارگروه های سه گانه از گام های عملیاتی برای تهیه و تدوین برنامه پایش و ارزیابی حوزه آبخیز است.

وی بایان اینکه طرح و برنامه هایی که بدون توجه به دانش بومی و سیستم اطلاعات محلی تهیه و اجرا می شوند، به اهداف مورد نظر نمی رسند، افزود: بر این اساس در اجرای فاز اول این طرح از روستاییان خواسته شد تا نیازها و پروژه های مورد نیاز خود را اعلام کنند.

● اختصاص ۱۷ میلیارد ریال اعتبار برای فاز اول جله رود

از سوی دیگر توسعه اجتماعی با محوریت ایجاد و تقویت تشکلهای مالی واداری و افزایش اشتغال در روستاها، توسعه اقتصادی

بهره برداری غیر اصولی از منابع، معیشت مردم را بهبود می دهد.

همچنین هشت روستا در استان تهران در دو زیر حوزه دلی های و نمرد در شهرستان های دماوند و فیروزکوه شامل روستاهای حصار بن، آرو، هویر، دهنار، لزور، نجفدر، وزنا و زرمان به عنوان روستاهای پیشاهنگ انتخاب شدند، همچنین ۹ روستا و سه مرتع در استان سمنان در دو زیر حوزه رامه و ایچ شامل روستاهای چهارطاق، رامه، قالیباف، ایچ، عبدال آباد، ده نمک، امامزاده عبدالله، جوبین، لاسجرد و مراتع سوتنه زار، لزور، خنار و روستای بهورد به عنوان روستاهای پیشاهنگ انتخاب شدند که این طرح شامل چهار پروژه بیابان زایی، پروژه آبیاری و کشاورزی، پروژه چتر و پروژه آبخیزداری بود.

● کانون های بحران شناسایی شدند

مدیر اجرایی طرح جله رود در استان سمنان با اشاره به این مطلب که در فاز اول طرح، کانون های بحران شناسایی و در این راستا بادشکن ها و طاق زارهایی در این مناطق ایجاد شد گفت: این طرح با مدیریت مناسب آب و خاک و بدون بهره برداری غیر اصولی از منابع، معیشت مردم را بهبود می دهد.

محمدهادی نوجه بایان اینکه فاز اول طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک بر اساس برنامه مشترک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دفتر عمران سازمان ملل متحد، آغاز شد، بیان داشت: این مشارکت از سال ۷۶ در حوزه آبخیز جله رود با مساحت ۱۰۲ میلیون هکتار به عنوان منطقه پایلوت آغاز شد و پس از اتمام فاز اول طرح بر اساس جلسه ای با حضور نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت، وزارت امور خارجه و برنامه عمران سازمان ملل تشکیل و با توجه به اهمیت و ضرورت طرح جله رود مقرر شد این طرح به دلیل اولویت داشتن در برنامه های ملی وارد فاز دوم خود شود. وی افزود: اجرای طرح ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک جله رود الگوی مناسبی برای مدیریت جامع حوزه آبخیز است که بدون تردید این پروژه یکی از طرح هایی است که توانسته راهکارهای مناسبی را در پیش پای جوامع محلی قرار دهد.

● جله رود معیشت مردم را بهبود می بخشد

مجری طرح جله رود در استان سمنان، با تأکید بر اینکه در فاز اول طرح همان طور که ذکر شد کانون های بحران شناسایی و در این راستا بادشکن ها و طاق زارهایی در این مناطق ایجاد شد، افزود: هدف از اجرای طرح جله رود در مسیر تحولات عمرانی سه دهه پیش تاکنون، دستیابی به الگوهای مناسب برنامه ریزی، اجرا، بهره برداری و پایش و ارزشیابی منابع آب و خاک در حوضه آبخیز جله رود و تعمیم و

حاصل دسترنج سیب کاران بویراحمدی به جیب دلالتان می رود



باغداران بویراحمد و دنا در نبود زیرساخت‌هایی همچون سردخانه و صنایع تبدیلی، بهره‌ای از رنج یک ساله خود نبردند و حاصل زحمات آنها نصیب دلال‌ها شد.



دستی به کمر گرفت و آهسته کنار پرچین‌های باغ نشست. نفسی از اعماق ریه هایش بیرون فرستاد.

این آخرین نفری بود که برای خرید محصول باغش آمده بود. قبل از این چند خریدار دیگر هم آمده بودند و چوب حراج بر آن زدند و به همین خاطر مشهدی ظفر حاضر به معامله نشد. هنوز منتظر است که خریداری منصف پیدا شود و محصول درختان سیبش را به قیمتی عادلانه بخرد. اما بیش از این هم نمی‌تواند صبر کند. نیمی از پاییز گذشته و سوز و سرما در راه است. باران پاییزی هم خیلی زود عزم سفر به بویراحمد و دنا می‌کند. همین روزهاست که بیاید و بر کوهپایه‌های دنا ببارد. دیگر بیش از این نمی‌توان سیب‌ها را روی درخت معطل گذاشت.

مش ظفر انباری مناسب هم برای نگهداری ندارد و در این هوای پاییزی خیلی زود سیب‌های سرخ و خوش‌رویش چروکیده می‌شوند و گند می‌زنند. او با خود می‌گوید: شاید بهتر باشد به همان قیمت ناچیزی که دلال پیشنهاد داد آن‌ها را بفروشم و خلاص. اما یادش آمد که چه عرقی ریخته تا این باغ، باغ شده و چه رنجی برده تا آن‌را از گزند سرما و تگرگ، آفت و بی‌آبی به اینجا رسانده است.

با این قیمتی که دلالتان گفته‌اند دخل و خرجش جور نمی‌شود. تازه یک دختر دم بخت دارد که باید راهی خانه شوهرش کند و یک پسر که شهرییه دانشگاهش مانده و اگر تا میان‌ترم واریز نکند، از امتحانات محروم می‌شود. مش ظفر نگاهی به شاخه‌های درختان سیب می‌اندازد. موبایلش را از جیبش درمی‌آورد و شماره تلفن دلال را می‌گیرد. الو.....

● عرق شرم به جای عرق جبین

هزاران باغدار سیب در بویراحمد و دنا همچون مش ظفر دست بر دست گذاشته‌اند و شاهد به یغما رفتن دسترنجشان هستند. آن‌ها که شش ماه گذشته را عرق جبین ریختند تا خنده سیب‌های زرد و سرخشان را ببینند، حالا عرق شرم می‌ریزند که رنجشان حاصلی نداشته تا بر روی سفره نیاز خانواده ببرند. باغداران در هفت هزار هکتار باغ سیب در کهگیلویه بویراحمد نزدیک به ۸۰ هزار تن سیب تولید کرده‌اند و حالا باید روی

دستشان بماند و یا دلالتان دسترنج یک سالشان را یک‌شبه به یغما ببرند. کمبود سردخانه و صنایع تبدیلی در کهگیلویه و بویراحمد سال‌هاست کمر باغداران و صنعت باغداری را شکسته و این تنها کشاورزان نیستند که در نبود سردخانه، صنایع تبدیلی و بازار میوه و تره‌بار ضرر می‌کنند بلکه مصرف‌کنندگان هم از این زیان بی‌نصیب نمی‌مانند.

کمتر از ۲۰ درصد سیب تولیدی کهگیلویه و بویراحمد در داخل استان مصرف و بقیه به خارج استان صادر می‌شود، اما چند ماه بعد همین سیب از دیگر استان‌ها به کهگیلویه بویراحمد می‌آید و باغدار بویراحمدی باید سیب خودش را به قیمت بیشتر بخرد.

حتی در سال‌های اخیر سیب مورد نیاز شب عید استان از دیگر استان‌ها تأمین شد و باغداران استان سیب اصفهان را بر روی سفره‌های هفت‌سین خود دیدند و غبطه خوردند که چرا مرغ همسایه غاز است.

● خروج سیب از کهگیلویه و بویراحمد به خاطر نبود سردخانه

مدیرکل جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد هم از این وضعیت نگران است اما تلاش می‌کند چاره‌ای برای این مشکل باغداران بجوید. او امسال تلاش کرده که سیب شب عید استان را از محصولات همین استان تأمین کند تا حداقل این خیر به خانه روا شود. با این حال مشکلات عرصه کشاورزی استان زیرساختی است و رفع آن‌ها در کوتاه‌مدت ممکن نیست.

جعفر گوهرگانی در این خصوص می‌گوید: ظرفیت سردخانه‌های استان متناسب با تولیدات نیست و برای نگهداری محصولات باغی با کمبود سردخانه مواجه هستیم. وی می‌افزاید: با امکانات ناچیز موجود، تنها می‌توان ۱۰ تا ۱۵ درصد محصولات مازاد در استان را ذخیره کرد.

وی بیان می‌کند: باغدار برای اینکه میوه روی دستش نماند مجبور است آن را به

بهای اندک به دلالتان بفروشد. گوهرگانی می‌افزاید: کوتاه کردن دست واسطه‌ها یکی از اولویت‌های این سازمان است و در این راستا با دستور وزیر جهاد کشاورزی، تعاون روستایی استان اقدام به خرید بخشی از محصولات سیب باغداران برای شب عید کرده است.

● خرید سیب باغداران توسط تعاون روستایی

خرید سیب باغداران این استان برای اولین بار توسط تعاون روستایی انجام شده و می‌تواند آغاز حرکتی مستمر برای حمایت از صنعت باغداری کهگیلویه و بویراحمد باشد.

مدیرکل تعاون روستایی کهگیلویه و بویراحمد کوتاه کردن دست دلالتان را یکی از اهداف خرید سیب باغداران عنوان می‌کند و می‌گوید: از محل منابع داخلی تشکلهای وابسته به تعاون روستایی کهگیلویه و بویراحمد سیب مورد نیاز شب عید مردم استان در این فصل خریداری و ذخیره‌سازی می‌شود.

هوشنگ جهانبخش می‌افزاید: ۷۰۰ تن سیب خریداری می‌شود که ۳۰۰ تن آن برای شب عید نگهداری خواهد شد. وی تأکید می‌کند: با این اقدام هم مشکل کنونی باغداران سیب را حل می‌کنیم و هم شب عید در زمینه تأمین میوه مشکلی نخواهیم داشت.

وی بیان می‌کند: همه‌ساله سیب باغداران استان با کمترین قیمت توسط دلالتان خریداری می‌شد اما هم‌اکنون سیب باغداران بالاتر از قیمت فعلی بازار خرید می‌شود.

جهانبخش عنوان می‌کند: با ورود سازمان تعاون روستایی برای خرید سیب باغداران، بازار به نفع باغدار متعادل شده و حتی قدرت چانه‌زنی را برای افزایش قیمت بالا برده است.

اما مدیرکل تعاون روستایی استان خیر خوش دیگری هم می‌دهد که تحقق آن

می‌تواند در آینده فروش سیب این استان را تضمین کند.

او می‌گوید: استان‌های کرمان، خوزستان، هرمزگان، یزد و بوشهر مشتری سیب‌های این استان شده‌اند و هم‌اکنون برخی از این استان‌ها در حال خرید سیب استان هستند و به‌زودی برخی دیگر نیز ورود پیدا می‌کنند.

● سرنوشت نامعلوم ۸۰ درصد سیب تولیدی استان

خرید محصولات باغی کشاورزان استان توسط تعاون روستایی تنها مرهمی کوچک در مقابل زخم‌های بی‌شمار باغداران است. زیرا در این سال‌های بی‌پولی، دولت توانایی خرید محصولات زیادی ندارد و سر بسیاری از کشاورزان بی‌کلاه می‌ماند.

کل محصول تولیدی سیب استان بیش از ۸۰ هزار تن است که تنها ۷۰۰ تن آن توسط دولت خریداری می‌شود و از طرفی تنها امکان ذخیره‌سازی دو هزار تن آن در سردخانه‌های استان وجود دارد و بالغ‌بر ۸۰ درصد این محصول سرنوشتی نامعلوم دارد.

بر این اساس پنجمین تولیدکننده سیب کشور باید به دنبال راهی دیگر برای استفاده بهینه از این ظرفیت کشاورزی‌اش باشد.

● توان تأمین سیب جنوب کشور را داریم

مدیرکل تعاون روستایی استان نبود سردخانه کافی را یکی از مشکلات عرصه باغداری در استان می‌داند و می‌گوید: اگر سردخانه کافی در این استان وجود داشت می‌توانستیم تأمین‌کننده سیب مورد نیاز استان‌های جنوبی باشیم.

جهانبخش می‌افزاید: سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رغبتی به ایجاد سردخانه ندارند و این در حالی است که دولت از سرمایه‌گذاری در این بخش حمایت می‌کند.

وی همچنین نبود صنایع سورتینگ و بسته‌بندی را از دیگر کمبودها در عرصه کشاورزی استان عنوان می‌کند و می‌گوید: هنوز توانسته‌ایم به‌خوبی از ظرفیت‌های کم‌ظایر تولید محصولات متنوع باغی در استان استفاده کنیم.

برای آنکه دسترنج مش ظفر و باغداران دیگر این استان یک‌شبه بر باد نرود و اقتصاد کهگیلویه و بویراحمد هم از آن بهره‌مند شود، کشاورزی استان راهی دراز در پیش دارد.

راهی که از ایجاد زیرساخت‌های مختلف از جمله صنایع تبدیلی و بسته‌بندی می‌گذرد و باید به بازارهای صادراتی منتهی شود. این راه یک‌شبه طی نمی‌شود و نیازمند برنامه‌ریزی و عزم همگانی دارد.

تداوم خشکسالی در استان کرمان و اصلاح الگوی کشت بسیاری از کشاورزان کرمانی را به سمت توسعه تولید زعفران در مزارع سوق داده است و بذر طلای سرخ به تدریج در مزارع پاشیده می‌شود.



اسماعومودی

این کارشناس کشاورزی گفت: ما در برخی از دشت‌های استان شاهد افت سطح آب در طول سال هستیم بطوریکه چندین متر از سطح آب کم شده و چاه‌ها کف شکنی شده‌اند و به بستر زمین رسیده‌ایم اما هنوز در این شرایط هندوانه می‌کاریم. وی ادامه داد: این روند نیاز به اصلاح دارد و تغییر الگوی کشت نیز در همین راستا مطرح می‌شود در حقیقت جهاد کشاورزی باید با توجه به میزان آب در دسترس، نوع خاک و شرایط اقلیمی بهترین محصولی که در هر منطقه تولید می‌شود را به کشاورز پیشنهاد دهد.

قائم پناه افزود: یکی از دلایلی که ما شاهد از بین رفتن ۷۰ درصد از آب در آبیاری مزارع در استان هستیم این است که آب مجانی در اختیار کشاورز قرار گرفته است و باید این سبک را تغییر دهیم و کشاورز بداند برای مصرف آب در بخش کشاورزی باید پول بدهد.

وی گفت: در چنین شرایطی شاهد کشت زعفران در استان کرمان هستیم که به‌خصوص در زرند و کرمان و راور در حال انجام است و خوشبختانه زعفرانی بسیار مرغوب در این مناطق به‌خصوص «دشت خاک» کشت می‌شود و می‌تواند به برندی قابل توجه تبدیل شود.

این کارشناس کشاورزی افزود: این محصول در طول کشت به آب بسیار اندکی نیاز دارد که اکثر این نیاز با بارش یک باران نیز رفع می‌شود و در مقابل سود زیادی را عاید کشاورز می‌کند و توسعه این کشت در کرمان در حقیقت رمز توسعه کشاورزی و تداوم روستا نشینی است.

● به کشاورزان تسهیلات پرداخت می‌شود

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان در خصوص کشت زعفران می‌گوید: خوشبختانه شاهد اقبال کشاورزان کرمانی به سمت تولید زعفران بوده‌ایم و نهایت همکاری نیز با کشاورزان در این خصوص انجام شده است.

عباس سعیدی افزود: در سال جاری دو هزار و ۹۰۰ کیلوگرم زعفران در مزارع محدود زعفرانی که در استان وجود دارد برداشت شده است که رقم قابل توجهی است و باید توسعه یابد. وی تصریح کرد: در راستای سیاست‌های جدیدی که در استان کرمان در حال انجام است تغییر الگوی کشت در دستور کار



لبخند زعفرانی بر لب کرمانی‌ها

طلای سرخ جای طلای سبز را می‌گیرد

می‌تواند شاه‌کلید رفع مشکلات کشاورزان در استان کرمان باشد و به همین دلیل هم کشت این محصول در اکثر شهرستان‌های استان کرمان به‌خصوص در مناطق شمالی استان در دستور کار قرار گرفته است.

محمد قائم پناه، کارشناس کشاورزی استان کرمان در این خصوص می‌گوید: متأسفانه استفاده از کشت‌های آب‌پر در استان کرمان به‌خصوص در بین خانوارهای روستایی بسیار مرسوم است بطوریکه آب موجود در برخی مواقع صرف کشت بادمجان و کدو می‌شود و در نهایت هر کیلو از این محصول قیمتی معادل ۵۰۰ تومان در بازار دارد و برای تولید هر کیلو چهار لیتر آب استفاده می‌شود که هر لیتر آن قیمتی بسیار بیشتر از ۵۰۰ تومان دارد و این یعنی از بین بردن آب به‌عنوان ثروت اصلی کشاورزی است.

هر کیلو این بادمجان قیمتی معادل ۵۰۰ تومان در بازار دارد و برای تولید هر کیلو چهار لیتر آب استفاده می‌شود که هر لیتر آن قیمتی بسیار بیشتر از ۵۰۰ تومان دارد و این یعنی از بین بردن آب به‌عنوان ثروت اصلی کشاورزی است. وی تأکید کرد: کشاورزان اگر به تداوم روند زندگی روستایی خود علاقه دارند باید برای رفع این مشکل برنامه‌ریزی کنند در حقیقت نیاز نیست برخی از محصولات آب‌پر در استان کشت شود و باید محصولی تولید کنیم که سود افزوده بالایی برای استان به همراه داشته باشد.

خشک‌سالی‌های ۱۷ ساله در استان کرمان گریبان کشاورزی این استان را گرفته است، بطوریکه از خشک‌سالی به‌عنوان مهم‌ترین چالش دهه جاری در استان کرمان یاد می‌شود و ادامه این رویه می‌تواند اقتصاد استانی را که بر اساس سند چشم‌انداز، کشاورزی مهم‌ترین محور اقتصادش است را با خطر جدی مواجه کند.

کم‌آبی در کرمان به حدی رسیده است که نزدیک به هزار روستای کرمان آب خوردن نیز ندارند و با تانکر آبرسانی می‌شوند، خشک شدن قنوات و رودخانه‌های فصلی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی در استان کرمان هر روز تبعات جدیدی برای استان به بار می‌آورد و کشاورزان خطر را بیش از گذشته حس می‌کنند.

کم‌آبی در کرمان به حدی رسیده است که نزدیک به هزار روستای کرمان آب خوردن نیز ندارند و با تانکر آبرسانی می‌شوند، خشک شدن قنوات و رودخانه‌های فصلی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی در استان کرمان هر روز تبعات جدیدی برای استان به بار می‌آورد.

کاهش سطح کمی و کیفی کشاورزی در استان کرمان هر روز بیشتر گلوئی کشاورزان را فشار می‌دهد و بسیاری از روستاییان به‌جای کشاورزی به سمت کارگری در شهرهای بزرگ سوق پیدا کرده‌اند.

وجود شرایط سخت کم‌آبی، دور نمایی نامطلوب را در وضعیت کنونی در مقابل چشمان ناظران اقتصادی قرار داده است و برای رفع این مشکل اجرای طرح‌هایی از جمله همیار آب در استان در دستور کار قرار گرفته است.

نسب کنتور بر روی چاه‌های آب، پلمپ چاه‌های آب غیرمجاز، توسعه صنعت و معدن در کنار کشاورزی، تغییر الگوی کشت و توسعه آبیاری مکانیزه در دستور کار قرار گرفته است. با این وجود بسیاری از کشاورزان استان کرمان به دلیل مهاجرت، حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ شده‌اند و تولیدکنندگان دیروز، امروز نقش، معضل اجتماعی و فرهنگی شهرهای بزرگ را ایفاء می‌کنند.

● توسعه مزارع زعفران سیاست استراتژیک کشاورزی کرمان

در این میان طرح‌های تغییر الگوی کشت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌های رفع مشکلات کشاورزی در استان کرمان مدنظر قرار گرفته است و مهم‌ترین گزینه تغییر کشت نیز توسعه کشت زعفران در دشت‌های کم‌آب استان کرمان است.

زعفران به دلیل نیاز کم به آب و صرفه بالای اقتصادی



شتر داری صنعتی مغفول مانده

دومین قطب پرورش شتر کشور کشتارگاه ندارد



در حالی خراسان جنوبی به عنوان دومین قطب پرورش شتر کشور مطرح است که از ظرفیت‌ها این صنعت در استان به خوبی استفاده نشده و سرمایه گذاری صنعت شتر داری استان در نقطه کور است.

اقلیم گرم و خشک خراسان جنوبی همیشه بستر مناسبی را برای پرورش شتر کشور فراهم کرده است که نباید فراموش کرد خشک سالی های متوالی و فقر مراتع، شتر داران استان را با مشکلاتی مواجه کرده است.



فاطمه زیاپی

● **کشتارگاه ویژه شتر در سطح استان وجود ندارد**
ولی پور مطلق با بیان اینکه در حال حاضر کشتارگاه ویژه شتر در سطح استان وجود ندارد، اظهار کرد: این در حالی است که هم اکنون تعداد ۳۷ واحد صنعتی و روستایی که دارای پروانه بهره برداری و بالغ بر هزار واحد سنتی فاقد پروانه بهره برداری در استان فعال هستند.

وی با بیان اینکه هم اکنون ۲۹ هزار و ۴۱۱ نفر شتر در استان وجود دارد، تصریح کرد: پرورش شتر برای ۳۰۰ نفر اشتغال ایجاد کرده است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی از پرداخت تسهیلات سرمایه در گردش به شتر داران استان خبر داد و گفت: تهیه علوفه رایانه از دیگر تسهیلاتی است که در اختیار شتر داران قرار می گیرد.

خراسان جنوبی در تولید و پرورش شتر دومین استان کشور است اما در زمینه فرآوری تولیدات این صنعت سهمی ندارد.

● **سرمایه گذاری صنعت شتر داری استان در نقطه کور است**

مدیرکل دامپزشکی خراسان جنوبی نیز در گفت و گو با مهر نیز با بیان اینکه سرمایه گذاری صنعت شتر داری استان در نقطه کور است، بیان داشت: خراسان جنوبی دومین استان کشور در تولید و پرورش شتر است اما همچنان این صنعت با روش های سنتی پیش می رود. علیرضا رفیعی پور با اشاره به اینکه در حال حاضر شرایط به گونه ای است که خشک سالی های ۱۷ ساله بسیار از صنایع دامی ما را دچار مشکل کرده است، گفت: در این شرایط و با توجه به سازگاری که شتر در منطقه کویر و خشک دارد با ایجاد کشتارگاه صنعتی مجهز می توان از گوشت، شیر، کوهان، کرک و... این حیوان چند

خراسان جنوبی هم اکنون ۲۹ هزار نفر شتر را در بیابان های خشک و بی آب و علفش جای داده و دومین استان بر خوردار از این سرمایه طبیعی است.
در حالی که شرایط اقلیمی این استان زیستگاه مناسبی برای شترها به وجود آورده است اما متأسفانه علی رغم پتانسیل های موجود صنعت شتر داری در خراسان جنوبی مورد توجه قرار نگرفته و این صنعت جذاب و پر کاربرد از رونق افتاده و با تداوم چنین شرایطی رو به زوال خواهد رفت.

استفاده از گوشت شتر، کرک، شیر و بهره روری از شتر برای باربری یکی از جمله مسائلی است که توانسته است این حیوان را به یکی از محبوب ترین چهارپایان در مناطق بیابانی خراسان جنوبی تبدیل کند، ضمن آنکه بر خلاف سایر حیوانات، شتر کمتر گرفتار بیماری های مسری می شود و نگهداری آن آسان تر است.

● **تولید ۳۶۷ تن گوشت شتر در استان**

رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی گفت: خراسان جنوبی به رغم خشک سالی های پی در پی هنوز استعداد های لازم برای پرورش شتر را دارد.
هاشم ولی پور مطلق ادامه داد: از ابتدای سال جاری تاکنون ۳۶۷ تن گوشت شتر به ارزش بالغ بر ۸۰ میلیارد ریال در استان تولید شده است.

وی با بیان اینکه ۷۰ تن از گوشت تولیدی شتر در سال جاری به استان های تهران، کرمان، یزد، خراسان رضوی و سمنان فرستاده شده است، بیان کرد: سال گذشته میزان هزار و ۱۰۰ تن به ارزش ۲۴۲ میلیارد ریال گوشت شتر در استان تولید شده است.

بنا به گفته رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، خراسان جنوبی رتبه دوم کشوری تولید و پرورش شتر را از آن خود کرده است.

جدی قرار گرفته و از تولید محصولاتی آب بر و کم بازده جلوگیری می شود و در مقابل، کشاورزی که به سمت تولید محصولات کم آب و پربازده می روند کمک و حمایت می شوند.

وی ادامه داد: در سال جاری شاهد افزایش بیش از ۳۴۲ هکتاری مزارع زعفران در استان کرمان هستیم و این روند مطابق برنامه ریزی آتی که صورت گرفته است ادامه خواهد یافت.
سعیدی سطح زیر کشت کنونی این محصول را در استان ۸۲۲ هکتار دانست و گفت: این روند به سرعت در حال افزایش است و خوشبختانه محصول تولیدی نیز از کیفیت بسیار بالا برخوردار است و توان صادراتی نیز دارد.

وی از زرنده کوهبنان و بافت به عنوان شهرستان های پیش رو، در زمینه کشت زعفران یاد کرد و افزود: کشت در سایر شهرستان ها نیز در حال انجام است و برای تشویق کشاورزان تسهیلات مناسبی نیز به کشت زعفران اختصاص یافته است و با سیاست های حمایتی سعی داریم کشاورزان را به سمت تولید این محصول پرسود سوق دهیم.

خوشبختانه در سال جاری کشت زعفران در استان کرمان توسعه یافته است و هر سال شاهد اقبال بیشتر کشاورزان به این محصول هستیم

سعیدی به رتبه هفتم استان کرمان در زمینه سطح زیر کشت زعفران در کشور اشاره کرد و افزود: کشت محصول زعفران در استان بسیار نوپا است و با ادامه روند فعلی کرمان می تواند به یکی از قطب های اصلی تولید زعفران در کشور تبدیل شود.

وی گفت: هم اکنون کار برداشت زعفران در استان کرمان در حال انجام است و تا آخر آذرماه ادامه خواهد یافت.

وی ادامه داد در هر دوره کشت زعفران در هر هکتار ۲۰ نفر مشغول به کار می شوند و این میزان قابل توجه است.

مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان نیز در این خصوص اظهار داشت: خوشبختانه در سال جاری کشت زعفران در استان کرمان توسعه یافته است و هر سال شاهد اقبال بیشتر کشاورزان به این محصول هستیم.

مهدی لطفعلی زاده ادامه داد: مهم ترین شهرستان استان در زمینه تولید این محصول زرنده است و ۲۱۰ هکتار از اراضی این شهرستان زیر کشت قرار گرفته است که ۱۶۰ هکتار آن بارور است.

وی ادامه داد: سعی می کنیم بهترین پیاز زعفران را با توجه به شرایط استان در اختیار کشاورزان قرار گیرد و در مرحله نخست پیاز زعفران از زرنده و در نهایت از خراسان رضوی تأمین می شود.

● **زعفران میتواند کاهش تولید پسته را جبران کند**

وی گفت: توسعه این محصول می تواند در کنار افزایش توان اقتصادی روستاییان کشاورزی استان را نیاز نجات دهد.

وی اصلاح الگوی کشت و مکانیزه کردن آبیاری را از اهداف بسیار جدی بخش کشاورزی در استان کرمان دانست و خواستار پیگیری این سیاست از سوی کشاورزان شد.

معاون جهاد کشاورزی استان کرمان افزود: ما تسهیلات و حمایت های لازم را نیز انجام می دهیم و این کشاورزان هستند که باید همت کنند.

وی متوسط برداشت زعفران در استان را از هر هکتار پنج کیلو و در بهترین شرایط ممکن تا هفت کیلو اعلام کرد و گفت: بیماری و آفت این گیاه در استان بسیار نادر است به همین دلیل بهترین فرصت مقابل کشاورزی استان قرار گرفته است.

در حالی هر سال میلیون ها لیتر آب در مزارع استان هدر می رود که زعفران می تواند زمینه لازم را برای توسعه و رونق دوباره روستا نشینی در استان مهیا کند این در حالی است که پسته به عنوان مهم ترین کشت ارزآور در استان کرمان هم اکنون وضعیت نامطلوبی قرار گرفته و هر سال از میزان تولید این محصول به دلیل خشک سالی کاسته می شود و زعفران این فرصت را به استان می دهد که همچنان بتواند در این عرصه پیش رو باشد.

برابر شرایط موجود درآمد کسب کرد. وی با بیان اینکه ذبح سنتی شتر در استان با نظارت دامپزشکی و با رعایت اصول بهداشتی و شرعی انجام می‌شود، گفت: اما این شیوه کمکی به اقتصاد استان نمی‌کند.

مدیرکل دامپزشکی خراسان جنوبی با اشاره به پرورش بیش از ۲۹ هزار نفر شتر در استان بیان داشت: شترداری به‌عنوان یک صنعت مغفول مانده و ما باید کاری کنیم که از این ظرفیت برای توسعه استان استفاده شود.

وی با بیان اینکه حلقه‌های به‌درازی صنعت نیز در استان وجود ندارد، بیان کرد: برای ایجاد کشتارگاه و شرکت‌های بسته‌بندی در زمینه لبنیات، گوشت و ... پیگیری‌های لازم دنبال شود.

رفیعی پور با اشاره به اینکه شیر شتر نیز کیفیت بالایی دارد که برای فرآوری آن نیاز به احداث کارخانه در استان داریم، ادامه داد: شیر شتر برای درمان بیماری‌های کبد،

کم‌خونی، سل مؤثر است. مدیرکل دامپزشکی خراسان جنوبی با بیان اینکه پرورش شتر نسبت به گاو و گوسفند بسیار کم‌هزینه‌تر است و ضریب مقاومت شتر نسبت به شرایط محیطی و بیماری‌ها بسیار بالاتر است، تصریح کرد: هر شتر نزدیک به ۵۰۰ کیلوگرم و حداکثر یک تن گوشت قرمز تولید می‌کند. وی عنوان کرد: گوشت شتر در اتحادیه اروپا مورد توجه و تأیید قرار گرفته و در حال حاضر از کشورهای عربی به اروپا صادر می‌شود و ما با ورود در زمینه صادرات می‌توانیم عواید اقتصادی زیادی را برای استان به‌دست آوریم.

● اجرای طرح شتر موهبت الهی در استان

رفیعی پور از اجرای طرحی با عنوان «شتر موهبت الهی» توسط دامپزشکی استان خبر داد و بیان کرد: در اجرای این طرح پروسه پرورش، تکثیر، کشتارگاه، بسته‌بندی و... برای استفاده از ظرفیت این صنعت برنامه ارائه شده است.

وی با بیان اینکه اجرای این طرح برای تصمیم‌گیری و اجرا به تیم اقتصادی استان ارائه شده است، عنوان کرد: اجرای این طرح اقتصاد استان و صنعت شترداری را متحول خواهد کرد.

مدیرکل دامپزشکی خراسان جنوبی با بیان اینکه با اجرای این طرح همچنین خراسان جنوبی به قطب شترداری کشور تبدیل خواهد شد، ادامه داد: اجرای این طرح منتظر تصویب در دفتر اقتصادی استانداری است.

خراسان جنوبی همواره به‌عنوان استانی محروم مطرح شده، درحالی‌که توانمندی‌های طبیعی بسیار بالایی در زمینه‌های مختلف از جمله صنعت شترداری که سازگار با اقلیم این استان است دارد که امید است با ارائه طرح‌های علمی و حمایت مسئولان از سرمایه‌گذاری در این بخش صنایع تبدیلی مرتبط با صنعت شترداری در این استان ایجاد شود و استفاده از این محصولات صنعت پرورش شتر را به صنعتی سودآور در این استان مبدل کند.



تلخکامی گلستان از طرح‌های شیرین ناتمام داستان فرار سرمایه‌گذاران

بندر خواجه نقی در استان گلستان



زهره آغایی

مدیران گلستانی در حالی وعده حمایت از سرمایه‌گذار می‌دهند که بخشی از یک هزار پروژه نیمه‌تمام استان طرح‌هایی است که سرمایه‌گذاران به امید توسعه و رونق به دنبال اجرای آن در گلستان بودند.

پرواضح است جامعه‌ای می‌تواند در مسیر رشد و توسعه اقتصادی به‌درستی گام بردارد که آشنایی کافی از منابع سرمایه‌گذاری داشته و با شناسایی درست منابع و هدایت کارآمد آن به سمت سرمایه‌گذاری به تسریع در رشد اقتصادی دیگر بخش‌ها کمک کند.

استان گلستان به‌رغم منابع و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که داراست نتوانسته به جایگاه واقعی در رشد و توسعه اقتصادی و همچنین جذب سرمایه‌گذار دست یابد. این موضوع در حالی است که از یک‌سو مدیران استان مدعی تلاش برای هموار کردن مسیر سرمایه‌گذاری هستند و از سوی دیگر سرمایه‌گذاران ناهمگنی بین‌دستگاهی و مدیران اجرایی، بروکراسی‌های اداری و توجه ناکافی به بحث سرمایه‌گذاری را مانع اصلی فعالیت خود در گلستان می‌دانند.

یک سرمایه‌گذار باسابقه گفت: ضعف در حمایت، از عوامل اصلی توقف سرمایه‌گذاری و یا واگذاری طرح‌ها قبل از اتمام پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده است.

● جذب سرمایه‌گذار دغدغه جدی مدیران گلستان نیست

حسین قاسمی افزود: نه تنها جذب سرمایه و سرمایه‌گذار یک دغدغه جدی در گلستان نیست بلکه سیاست‌های نادرست مدیریتی استان، مانع حمایت از سرمایه‌گذاران شده است.

وی متذکر شد: اگر قرار است رویای رونق اقتصادی در گلستان محقق شود باید

سرمایه‌گذاری قابل توجهی در مرکز استان انجام نشده است.

وی اضافه کرد: تجربه‌های ناموفق سرمایه‌گذاری در مرکز استان نشان می‌دهد بروکراسی‌های اداری، انگیزه را از سرمایه‌گذاری سلب کرده است.

وی با یادآوری اینکه در ابتدای فعالیت دوره چهارم شورای شهر، کمیسیون جدیدی برای تقویت سرمایه‌گذاری فعال شد، تصریح کرد: بررسی منابع و توانمندی‌های شهر گرگان در مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در اولویت این کمیسیون قرار داشت و امید می‌رفت با تصویب شیوه‌نامه سرمایه‌گذاری در شورای گرگان در فاصله کوتاهی، گام‌های بلندی در مرکز استان برداشته شود.

وی یادآور شد: هرچند تصویب شیوه‌نامه به‌تنهایی نمی‌تواند عاملی برای جذب سرمایه‌گذار باشد اما امید می‌رود تعامل بین‌دستگاهی بتواند زمینه‌ای برای جذب بیش‌ازپیش مشارکت و رونق اقتصادی استان باشد.

نورا متذکر شد: گام‌هایی در جذب سرمایه‌گذار برداشته شده اما باید پیگیری همچنان بروکراسی‌های اداری مانع بزرگی

برای مردم این شهرستان نداشته‌اند. در همین رابطه، رئیس شورای اسلامی مرکز استان بروکراسی اداری و قوانین دست و پاگیر را مانع اصلی دانسته و معتقد است حمایت از سرمایه‌گذاری در گلستان فقط یک شعار است و در عمل این امر محقق نمی‌شود.

● بروکراسی اداری در حوصله سرمایه‌گذاران نیست

زهره نورا، رئیس شورای اسلامی شهر گرگان گفت: تأمل، حمایت و تسریع در امر سرمایه‌گذاری طی سال‌های اخیر به یک شعار تبدیل شده و ما حتی نمی‌توانیم یک مصداق عملی از این شعار در مرکز استان بیابیم.

وی ادامه داد: هرچند در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های بسیاری بر روی کاغذ نوشته شده و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های طبیعی نشان از توانمندی در این حوزه دارد اما به دلیل نبود مشوق‌ها و معافیت‌ها و همچنین نبود حمایت‌های کافی از سرمایه‌گذاری‌های گذشته و حال، رغبتی برای سرمایه‌گذاری جدید در استان وجود ندارد و در سال‌های اخیر هیچ

سیاست‌های نادرست موجود اصلاح شده و مدیریت درست برای جذب سرمایه اعمال شود.

وی به برخی سیاست‌های نادرست اشاره و تصریح کرد: هم‌اکنون با اعمال شیوه‌های نادرست در اجرای قانون کار، به کارفرما به‌عنوان متخلف و فراری نگاه می‌کنند و این امر انگیزه برای سرمایه‌گذاری در استان را از بین می‌برد.

سرمایه‌گذاران شیوه‌های نادرست مدیریتی و ناهمگنی بین‌دستگاهی را مانع بزرگ سرمایه‌گذاری و به‌واسطه آن رونق اقتصادی می‌دانند. موضوعی که باعث شده هم‌اکنون استان ما گلستانی از پروژه‌های نیمه‌کاره و طرح‌های شکست‌خورده‌ای باشد که سرمایه‌گذاران به امید رونق اقتصادی، گلستان را برای اجرا آن‌ها انتخاب کرده بودند.

این مسئله هم در سطح کلان استان و در سطح شهرستان‌ها مشهود است، به‌خصوص گرگان که وعده‌گاه طرح‌های بزرگی همچون شهر بازی مدرن، تله‌کابین، مجموعه تفریحی است که در سخن شیرین هستند ولی در عمل جز تلخی دستاوردی



و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک این مهم تحقق یابد.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای استانداری گلستان ادامه داد: خوشبختانه با تصویب ایجاد منطقه آزاد در شمال استان گلستان، باب جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی و البته صنعتی در استان باز خواهد شد.

مرگداری اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین مزایای آن تسهیل دسترسی به بازار کشورهای آسیا میانه است و از سوی دیگر، اتصال شبکه ریلی کشورمان به راه‌آهن ترکمنستان و قزاقستان در مرز اینچه برون، امکان صادرات محصولات صنعتی و کشاورزی استان به همسایگان شمالی و حتی چین را فراهم خواهد کرد.

وی یادآور شد: ایجاد منطقه آزاد با مزایای ویژه‌ای که با خود به همراه دارد می‌تواند تحولی در میزان جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در استان باشد، این منطقه با برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و دوری از برخی قوانین زیربنائی داخلی، برخورداری از امکانات زیربنائی مناسب و مدیریت اجرایی کارآمد می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به دلیل بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی همچون ارزانی نیروی کار و مواد اولیه و نزدیکی به بازارهای مصرف جذب کند.

وی متذکر شد: منطقه آزاد می‌تواند از یکسو سرمایه‌های خارجی را برای گسترش صنایع صادرات محور جذب نماید و از سوی دیگر با انتقال فناوری و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، اقتصاد نسبتاً بسته استانی را به اقتصاد بین‌المللی و کشورهای همسایه ملحق کند، بنابراین ایجاد منطقه آزاد می‌تواند به‌عنوان یک خط‌مشی سریع و راهی میانبر برای تحقق اهدافی همچون جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی در استان مورد استفاده قرار گیرد.

هرچند معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای استانداری گلستان معتقد است زمینه و بستر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی با تأمین زیرساخت‌ها فراهم شده اما شواهد و قرائن موجود حاکی از موانع و مشکلاتی است که مانع از رغبت سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی در گلستان است.

به مجلس شورای اسلامی ارسال شده و همچنین راه سبز (راه‌آهن شمال به جنوب) و اتصال به کشورهای سی‌ای‌اس و توسعه و تحکیم و همچنین استفاده از ظرفیت‌های متقابل اقتصادی کشورهای همسایه و تکمیل راه‌آهن گرگان - اینچه برون و تکمیل پایانه صفر مرزی از اقدامات صورت گرفته برای توسعه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی استان گلستان بوده است. وی ادامه داد: به‌زودی ۲۰۰ هکتار از اراضی شمال استان برای سرمایه‌گذاری و ایجاد پایانه غلات به ۱۱ شرکت سرمایه‌گذاری واگذار می‌شود.

وی همچنین از در اختیار قرار دادن یک هزار هکتار از اراضی اینچه برون برای کارخانه فولاد، شرکت پتروپالایش و شهرک متالوژی خبر داد و افزود: ساماندهی بندر خواجه نقس و تکمیل کریدور دریایی، تکمیل خطوط ریلی و اتصال راه‌آهن شمال به جنوب به راه‌آهن گرگان - سمنان و همچنین زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای از دیگر اقدامات در حوزه تأمین زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری در استان بوده است. به گفته وی تمام راهکارها و طرح‌های زیربنایی و زیرساختی برای توسعه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در استان پیش‌بینی و وارد فاز اجرایی شده است.



است که در حوصله سرمایه‌گذار نیست.

● نبود زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاران را فراری می‌دهد

همان‌طور که تأکید شد پیچیدگی اداری استان در حمایت از سرمایه‌گذاران مانعی بزرگ بر سر راه سرمایه‌گذاران است. درعین حال کارشناسان اقتصادی موانع و مشکلات فراروی این حوزه را در سه بخش مختلف طبقه‌بندی کرده و معتقدند نبود زیرساخت‌های لازم و ضعف در تأمین این زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاران را از استان فراری می‌دهد.

یک کارشناس ارشد اقتصاد در این باره گفت: گلستان پتانسیل‌های فراوانی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دارد اما میزان جذب سرمایه‌گذار تا کنون متناسب با این پتانسیل نبوده است.

تورج یوسفی افزود: موانع و مشکلات پیش رو در استان را می‌توان به سه دسته مشکلات مربوط به قوانین و مقررات، مشکلات اعتباری و سایر مشکلات تقسیم‌بندی کرد.

وی ادامه داد: در حیطه قانونی مشکلاتی مانند نبود تحقق کامل پنجره واحد سرمایه‌گذاری، زمان‌بر بودن اخذ استعلام‌ها، مشکلات ناشی از قوانین و مقررات کار، بیمه و تأمین اجتماعی و... برای کارفرمایان و سرمایه‌گذاران در بخش‌های اقتصادی وجود دارد.

وی گفت: احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تعیین دفتری مربوط به سرمایه‌گذاری در جدول سازمانی آن، احاله امور ستاد سرمایه‌گذاری استان به استانداری‌ها، بخشنامه وزیر کشور در خصوص تشکیل مرکز جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری در استانداری‌ها و همچنین تغییرات متعدد در قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری از جمله قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تصویب قانون رفع موانع

تولید در راستای حل مشکلات قانونی در نیمه دوم سال گذشته رقم خورده است. وی با تأکید بر اینکه یکی از بحث‌های اساسی در هر نوع سرمایه‌گذاری، مسئله تأمین مالی پروژه است، اضافه کرد: محدودیت منابع داخلی باعث شده سرمایه‌گذاران تمایل کمتری به آغاز طرح‌های جدید داشته باشند.

وی تصریح کرد: مشکلاتی همچون کمبود اعتبارات استانی برای ارائه تسهیلات به پروژه‌های سرمایه‌گذاری نیمه‌تمام و جدید، نبود بازارهای مالی مناسب و فعال جهت تأمین منابع مالی و ناآشنایی دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی با شیوه‌های مختلف تأمین منابع مالی داخلی و خارجی از دیگر موانع و چالش‌های موجود بر سرمایه‌گذاری است که تا کنون کمتر بدان توجه شده است.

وی متذکر شد: فراهم کردن زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری از جمله آب، برق، گاز، راه، ریل، اسکله، بندرها و تجهیزات فرودگاهی می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات در این حوزه را حل کرده و طبیعتاً ضعف در هر کدام از این موارد می‌تواند مشکلی برای سرمایه‌گذاران تلقی شود.

● روند رو به بهبود سرمایه‌گذاری در گلستان

درحالی که کارشناسان اقتصادی ضعف در تأمین زیرساخت‌ها را مانع سرمایه‌گذاری در استان می‌دانند اما معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای استانداری گلستان معتقد است روند جذب سرمایه‌گذار در استان رو به بهبود است، راهکارهای تحقق توسعه اقتصادی در استان آسان شده و زمینه و بستر تأمین زیرساخت‌های جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی برای توسعه صادرات استان آماده شده است. علی مرگداری بایبان این مطلب گفت: منطقه آزاد تجاری اینچه برون که لایحه آن در دولت به تصویب رسیده و از شهریورماه

مروارید سیاه به خزر بر می گردد

خاویار سوگلی صادرات مازندران

علیرضا نوری
گجور یان

مروارید سیاه که سال‌های سال از دریای خزر کوچ کرده بود دوباره به زادگاهش بر می گردد و به عنوان سوگلی سوغات مازندران راهی بازارهای جهانی می‌شود. سال‌هاست که ماهی خاویار از دریای خزر رخت بسته و ذخایرش به صفر رسیده است چراکه شبه خاویارها، قاچاق و برداشتهای بی‌رویه، تیشه به ریشه مروارید سیاه زده است.



از ۴۰ مزرعه در زمینه پرورش ماهیان خاویاری در استان‌های ساحلی گیلان، مازندران و گلستان به علاوه استان‌های قم، لرستان و فارس فعالیت می‌کند.

● لزوم تدوین برنامه توسعه فعالیت‌های شیلاتی

توسعه پرورش ماهیان خاویاری و آبی‌پروری می‌تواند ارزآوری خوبی برای اقتصاد مازندران داشته باشد از این رو به تأکید صاحب‌نظران و کارشناسان باید برنامه‌ای مدون برای فعالیت‌های شیلاتی در استان طراحی و شیوه‌های سنتی تولید کنار گذاشته شود.

به هر روی، مازندران تا رسیدن به افق توسعه‌ای مطلوب در زمینه پرورش و صادرات ماهیان خاویاری راه زیادی در پیش دارد و درحالی‌که هر روز بر مشتریان خاویار خزر افزوده می‌شود، اما شبه خاویارها و قاچاق ماهیان خاویاری، برند صادراتی مروارید سیاه را تهدید می‌کند.

پایتخت خاویار ایران و جهان تبدیل شود. وی با اشاره به دردست ساخت بودن کارخانه خوراک آبی‌زیان به ظرفیت ۱۱ هزار تن در سال به صورت زنجیره‌ای یادآور شد: برند خاویار مازندران دوباره جهانی خواهد شد.

● دریافت کدصادراتی خاویار مازندران

مازندران که تولید گوشت ماهیان خاویاری را با راه‌اندازی مزارع آبی‌پروری و تولید ماهیان خاویاری با افتتاح بزرگ‌ترین مرکز پرورش ماهی خاویاری خاورمیانه در دستور کار قرار داده است، موفق به دریافت کد و مجوز صادرات خاویار پرورشی به اروپا شد و این امر ارزآوری خوبی نصیب کشور و استان خواهد کرد.

در حال حاضر هر کیلوگرم خاویار ۸۷۰ دلار ارزش‌گذاری شده است که نوید خوبی برای توسعه صادرات مروارید سیاه خواهد بود و کشورهای اروپایی، آلمان، بلژیک و انگلیس مقصد خاویار مازندران خواهد بود. اکنون بیش

داده می‌شود. مازندران با راه‌اندازی بزرگ‌ترین مزرعه پرورش ماهیان خاویاری قره برون در چک‌رود جویبار، عزمش را جزم کرده تا نامش را به عنوان صادرکننده برتر خاویار در جهان ثبت کند. مازندران با راه‌اندازی بزرگ‌ترین مزرعه پرورش ماهیان خاویاری قره برون در ساحل چک‌رود جویبار، عزمش را جزم کرده تا نامش را به عنوان صادرکننده برتر خاویار در جهان ثبت کند. این مزرعه که پنج هکتار وسعت و ۹۶ استخر پرورش ماهی دارد، قرار است سالانه ۳۰ تن خاویار و دو هزار تن گوشت ماهی تولید کند و به گفته مدیرعامل شرکت تعاونی پرورش ماهیان خاویاری قره برون، این مزرعه به فناوری نوین برگشت آب، دستگاه تزریق ازون و اکسیژن خالص مجهز است و آب مورد نیاز آن از دریای خزر با دبی پنج‌متر مکعب در ثانیه تأمین می‌شود.

اسحاق اسلامی به ظرفیت بالای شهرستان در زمینه تولید خاویار اشاره و اظهار امیدواری کرد این منطقه در آینده نه‌چندان دور به

اجرای طرح ممنوعیت صید ماهیان خاویاری از دریای خزر که از سال ۲۰۱۱ اجرایی شد، روزه امید می‌دیدی برای احیای سلطان دریای خزر ایجاد کرد تا بار دیگر، خاویار مازندران در سید صادرات قرار گیرد و در کنار ممنوعیت صید ماهیان خاویاری، طرح پرورش ماهیان خاویاری در برخی استان‌ها از جمله مازندران کلید خورد و سرانجام، مروارید سیاه پرورشی در راه بازارهای جهانی قرار گرفت.

حسن حبیب نژاد مدیرکل شیلات مازندران در این زمینه می‌گوید: این استان در سال جاری ۷۰ درصد صادرات ماهیان خاویاری پرورشی کشور را به خود اختصاص داده و میزان صادرات استان به ۷۸۰ کیلوگرم رسیده است.

وی گفت: از مزیت ماهیان خاویاری پرورشی استان این است که از نظر پرورش و تغذیه نزدیک به طبیعت دریای خزر است و ارزش بالایی دارد.

حبیب نژاد ادامه داد: خاویار پرورشی استان قابل قیاس با خاویار استان‌هایی نیست که در آب‌هایی غیر از دریای خزر پرورش



فرصت ۱۸۰ روزه تحول هرمز بدون نتیجه تمام شد جوانان مهاجرت می‌کنند

احمد رنجبری
فرصت ۱۸۰ روزه‌ای که معاون سیاسی استاندار هرمزگان به مسئولان جزیره هرمز برای تحول در این جزیره داد، پایان یافت اما هنوز اتفاق خاصی در این منطقه رخ ن داده و جوانان در حال ترک هرمز هستند.

هرمز به عنوان قلب خلیج فارس با جمعیت هفت هزار و ۵۰۰ نفری متشکل از هزار و ۳۵۰ خانوار جزیره‌ای بسیار تأثیرگذار در طول تاریخ بوده است. این جزیره با توجه با دارا بودن بیش از ۷۰ نوع طیف رنگی خاک و معادن غنی خاک‌های سرخ و جذابیت‌های زمین‌شناسی به اعتقاد زمین‌شناسان در دنیا به بهشت زمین‌شناسی معروف شده است.

جزیره‌ای که روزگاری نه‌چندان دور محل ارتباط تجار شرقی، اروپایی و آفریقایی بوده است، جزیره هرمز، نگین خلیج فارس و کلید طلایی تجارت منطقه جزیره‌ای که رونق اقتصادی، اشتغال‌زایی معادن خاک سرخ و نمک، رفقا و آمد لنج‌های تجاری و باربری برای بارگیری خاک سرخ و نمک این جزیره به کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای اروپایی، آفریقایی و آسیایی زبان زد خاص و عام بود امروزه سایه شوم بیکاری و رکود اقتصادی آن، مردم این جزیره را پا درآورده است.

● وعده‌های ۱۸۰ روزه مسئولان به جزیره‌نشینان هرمز در حد حرف ماند

در اردیبهشت‌ماه سال جاری بود که معاون سیاسی استاندار

اقتصاد مردم جزیره رخ نداد. یکی از شهروندان هرمزی در خصوص معضل بیکاری آن‌هم در میان قشر جوان تحصیل‌کرده گفت: معضل بیکاری قشر جوان تحصیل‌کرده و مهاجرت آن‌ها به شهرهای دیگر امروز دامن گیر جوانان این جزیره شده است. این شهروند اظهار داشت: جوانان تحصیل‌کرده ما که به عنوان پتانسیل‌های بالقوه شهرمان هستند پس از متحمل شدن هزینه‌های

برای معارفه بخشدار جدید به این جزیره آمد و در جلسه شورای اداری این جزیره بیان کرد: مسئولان باید تا ۱۸۰ روز در این شهر تحول ایجاد کنند. اگر می‌در آن جلسه عنوان کرد: چند سال پیش که به این جزیره سفر کردم همین وضعیت داشت اکنون هم دارد و از مسئولان خواست که در خصوص توسعه اقتصادی و اشتغال در این جزیره اقدام کنند. اما در این مدت هیچ اتفاق خاصی برای بهبود شرایط اشتغال و

کردند.

رئیس شورای شهر هرمز اظهار داشت: بازدید اعضای کمیسیون عمران از جزیره هرمز سبب شد تا آن‌ها دید بازر و مطلوب‌تری نسبت به توسعه این جزیره و صیانت از بهشت کانی شناسی ایران داشته باشند.

● الحاق هرمز به منطقه آزاد راهکاری برای برون رفت از مشکلات

زرنگاری ادامه داد: ایجاد و بهبود زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه همچون الحاق هرمز به منطقه آزاد می‌تواند عامل برون رفت هرمز از بن‌بست اقتصادی و طبیعی و تبدیل شدن به یک منطقه تجاری و گردشگری شود که این زیرساخت‌ها می‌تواند سرمایه‌گذار بخش خصوصی را به جزیره هرمز بکشاند.

قنبر زرنگاری گفت: کوتاه‌سازی مسیر دریایی جزیره هرمز در دولت‌های قبلی استارت آن زده شد، ولی متأسفانه این پروژه بزرگ به حال خود رها شده است.

رئیس شورای شهر هرمز در خصوص اقدامات و زیرساخت‌ها در خصوص الحاق جزیره هرمز به منطقه آزاد بیان داشت: مرحله اول که کلیات طرح الحاق به منطقه آزاد بود با تلاش نمایندگان استان و دیگر نمایندگان در خانه ملت به تصویب رسید که به دلیل وارد شدن ایراداتی مبنی بر اینکه کل یا بخشی از این جزیره به منطقه آزاد تبدیل شود سبب شد تا بر این مصوبات

قنبر زرنگاری با اشاره به مشکلات جزیره هرمز افزود: اصلی‌ترین چیزی که در وهله اول نگاه همه را به خودش جلب می‌کند سونامی خاموشی به نام «مهاجرت» است که دارد این جزیره را فرامی‌گیرد.

وی بیان کرد: طبق بررسی و واکاوی‌هایی که صورت گرفته، نبود اشتغال و مسکن مناسب برای جوانان مهم‌ترین عامل مهاجرت مردم این جزیره به شهرستان‌های هم‌جوار است. رئیس شورای شهر هرمز بیان اینک متأسفانه هنوز با گذشته تصویب جزئیات طرح الحاق این جزیره به منطقه آزاد قشم، الحاق محقق نشده، عنوان کرد: نبود منابع و راهکاری برای خروج جزیره هرمز از بن‌بست و همچنین نبود کارخانه‌ها و صنایع که اشتغال و دلگرمی برای جوانان ایجاد کند بر تعداد مهاجرت‌های ساکنان جزیره افزوده است.

عضو شورای شهر هرمز با اعتقاد بر اینکه مشکلات جزیره هرمز بسیار زیاد است، خواستار همکاری و تعامل مسئولان کشوری و استانی جهت رفع و پیگیری مشکلات شد و ادامه داد: ما مسئولان به‌عنوان نماینده‌های مردم نباید منتظر اشخاص خاصی باشیم که بیایند مشکلات جزیره را حل کنند.

رئیس شورای شهر هرمز گفت: ایجاد اشتغال مولد یکی از مباحث جدی کار آفرینی است و با سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل مستقیم می‌توان به رشد اشتغال دست یافت. با ایجاد اشتغال مولد و در اختیار گذاشتن زمین جهت تأمین مسکن موجب

سرسام‌آور تحصیل و فراغت از تحصیل با نبود شغل و مسکن مناسب، مهاجرت را بر ماندن در شهر و دیار خود ترجیح می‌دهند. وی افزود: دولت می‌تواند با یک برنامه‌ریزی مدون و کارشناسی شده بخشی از این معضل را برطرف سازد.

رنجبر یکی از جوانان تحصیل کرده که دارای مدرک کارشناسی ارشد است، گفت: بیکاری امروز در بین جوانان رواج زیادی پیدا کرده، به‌طوری که بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و اعتیاد از ردپای بیکاری در معضلات اجتماعی جامعه است. این جوان هرمزی عنوان کرد: بنده حدود ۷ سال است فارغ‌التحصیل شده‌ام که برای یافتن شغل آبرومندانه ۶ سالی است پیگیر هستم که موفق نشده‌ام.

یکی دیگر از تحصیل کرده‌های هرمز اظهار کرد: متأسفانه در جزیره طرح‌های زیربنایی ریشه‌ای و ماندگاری اجرا نشده و با تصویب کلیات طرح الحاق هرمز به منطقه آزاد قشم موج امیدواری در بین جوانان و تحصیل کرده‌های این جزیره زده شد ولی متأسفانه این امر هم هنوز محقق نشده است و این قضیه باعث افزایش بیکاری بخصوص در قشر تحصیل کرده این جزیره شده است.

حسن سلامتی تأکید کرد: بیکاری و نبود مسکن مناسب بزرگ‌ترین مشکل جوانان این جزیره است و نبود شغل در هرمز نیز منجر به مهاجرت بی‌رویه جوانان به شهرهای دیگر مانند بندرعباس، قشم، میناب و... شده است.

سلامتی اظهار کرد: به‌طور متوسط در هر خانواده هرمزی، یک تا دو نفر بیکار وجود دارد و بی تفاوتی مسئولین سبب شده تا آمار بیکاری و مهاجرت در هرمز بالا رود.

وی بیان کرد: ایجاد اشتغال پایدار و حمایت از سرمایه‌گذاران از راه‌های مبارزه با پدیده شوم بیکاری جلوگیری از مهاجرت جوانان به شهرهای اطراف است و امیدواریم مسئولان استان و شهرستان برای کاهش بیکاری و جلوگیری از مهاجرت جوانان این جزیره چاره‌ای بیندیشند.

وی جزیره‌نشینان را مرزبانان استان مرزی هرمزگان دانست و گفت: باید اقدام اساسی برای جلوگیری از مهاجرت جزیره‌نشینان به سرزمین اصلی انجام شود چراکه برای امنیت این استان مرزی باید در آینده هزینه‌های سنگین‌تری پرداخت شود.

بالین‌حال جوانان جزایر محرومی همچون هرمز با مشکل بیکاری و توسعه‌نیافتگی منطقه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. جزیره هفت هزار و ۵۰۰ نفری هرمز نیز از این قاعده مستثنا نیست و با وجود نیروی تحصیل کرده جوانی کار، به دلیل نبود زیرساخت‌ها و سرمایه، مسکن و خدمات رفاهی جوانان این دیار به شهرهای بزرگ و مناطق صنعتی شهرهای هم‌جوار بندرعباس و میناب ورودان و قشم مهاجرت می‌کنند.

جوانانی که با شوق و اشتیاق تمام مشقت و سختی‌های دوران تحصیل را به جان خریده‌اند تا بتوانند با اندوخته دانش خود برای شهر خود مفید فایده واقع شوند اما بعد از گذر از دوران تحصیل و دیدن چنین وضعیت نابسامانی در منطقه، مهاجرت را بهترین عامل فرار از بیکاری می‌دانند.

جزیره هرمز در بن‌بست اقتصادی و معیشتی و میان دو غول توسعه‌یافته بندرعباس و قشم قرار گرفته است، بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی این جزیره موجب شده تا زیرساخت‌های توسعه آن، هم آن‌گونه که انتظار می‌رود شکل نگیرد.

هرچند گذران زندگی این دیار با صیادی رقم می‌خورد اما خشک‌سالی و فقدان صید در چند سال اخیر در این جزیره باعث روی آوردن مردم این سامان به شهرنشینی و فاصله گرفتن از بخش صیادی شده است.

به اعتقاد بسیاری از شهرنشینان و کارشناسان مسائل اجتماعی عمده مشکلات و ناهنجاری‌هایی که بعضاً شاهد آن هستیم معضل بیکاری است که امروزه دامن گیر بسیاری از جوانان هرمز شده است.

● پدیده مهاجرت دامنگیر جزیره هرمز

عضو شورای شهر هرمز با اشاره به نبود منابع پایدار در جزیره از بروز پدیده خطرناک «مهاجرت» در میان مردم این جزیره خبر داد.



اصلاحیه بزنند و به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه شد که اکنون منتظر به تصویب رسیدن این اصلاحیه در آن کمیسیون هستیم به همین دلیل هیچ‌گونه اقداماتی برای آغاز یا اتمام زیرساخت‌هایی این جزیره صورت نگرفته است.

زرنگاری افزود: با توجه به اینکه در بهمن‌ماه سال گذشته رئیس مجلس شورای اسلامی به همراه فرمانده نیروی دریایی سپاه از این جزیره بازدید و از نزدیک با مردم این جزیره دیدار کردند یکی از اصلی‌ترین خواسته مردم این جزیره در این سفر مصوب شدن جزئیات الحاق این جزیره به منطقه آزاد قشم بود که رئیس مجلس وعده دادند پس از تصویب بودجه سال ۹۴ این موضوع در دستور کار مجلس قرار بگیرد که متأسفانه بعد از تصویب بودجه سال ۹۴ هنوز در این خصوص هیچ اقدامی عملی صورت نگرفته است، امیدواریم که نمایندگان استان هرمزگان در خانه ملت در این خصوص تصمیم عاجلی بگیرند و جزیره هرمز را از بن‌بست رهایی دهد.

رئیس شورای شهر هرمز با اشاره به واگذار نکردن زمین به جوانان این جزیره گفت: دغدغه اصلی جوانان بعد از اشتغال، مسکن است و عده زیادی از جوانان این جزیره فاقد زمین و مسکن هستند. در حال حاضر ۲۵۰ خانوار که قریب به اتفاق جوانان این جزیره هستند.

وی گفت: جوانان این جزیره با وضعیت فعلی که همان نبود اشتغال و مسکن است و به یک دغدغه تبدیل شده است، مجبور به اشتغال در خارج از هرمز هستند تنها دلیل ماندن در جزیره هرمز امیدواری به داشتن زمین برای تهیه مسکن است. اگر این هم از آن‌ها دریغ شود در صورت فراهم شدن کمترین امکانات و شرایط جزیره را ترک خواهند کرد که قطعاً به صلاح نظام نیست. رئیس شورای شهر هرمز عنوان کرد: برای جلوگیری از مهاجرت جوانان این جزیره مشکل اقتصادی و مسکن اهالی جزیره هرمز حل بشود.

کاهش آمار مهاجرت خواهد شد.

وی همچنین به راه‌های پیشگیری و جلوگیری از مهاجرت افراد از جزیره هرمز به شهرهای استان دیگر اشاره کرد و افزود: در نخستین گام باید زمین جهت احداث سرپناه برای جوانان و تشویق کارفرمایان و سرمایه‌گذاران در اختیار قرار داد و به این ترتیب مانع مهاجرت افراد به دیگر شهرها شد.

زرنگاری ادامه داد: جزیره هرمز به‌عنوان یک شهر گردشگری شناخته می‌شود، متأسفانه مهم‌ترین ویژگی این جزیره که زمینه‌ساز اشتغال و کسب‌وکار بسیاری از مردم منطقه است در حال تخریب شدن و از بین رفتن است.

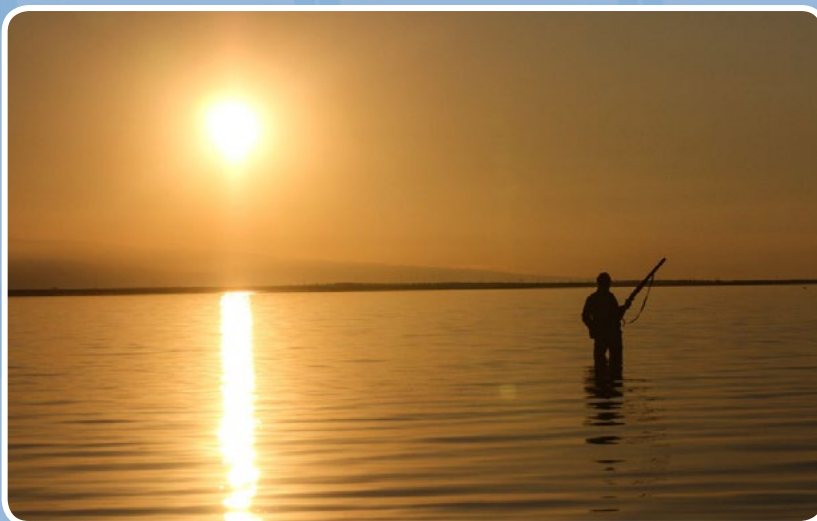
● اشتغال بزرگ‌ترین دغدغه جوانان هرمزی

وی تأکید کرد: اشتغال به‌یقین یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های جوانان جزیره هرمز است که اگر زمینه این مهم به‌طور صحیح فراهم نباشد همگان شاهد مهاجرت روزافزون هرمزی‌ها به شهرهای دیگر استان خواهند بود.

رئیس شورای اسلامی شهر هرمز، با اشاره به وضعیت عمرانی و آبادانی و توسعه‌نیافتگی این جزیره گفت: درآمد شهرداری هرمز را ناچیز بوده و کمک‌های دولتی جوابگوی اقدامات عمرانی در این جزیره نیست و اعتبارات در نظر گرفته‌شده برای شهرداری‌ها صرفاً صرف هزینه حقوق کارکنان می‌شود.

وی با اشاره به بازدید سال گذشته رئیس و اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی از جزیره هرمز گفت: این کمیسیون ضمن بازدید از بخش‌های مختلف جزیره، راه‌های توسعه این جزیره را مورد بررسی قرار دادند. از طرح رینگ دور جزیره و همین‌طور ایجاد دیواره ساحلی این جزیره بازدید و در نشست با مسئولان محلی راه‌های توسعه جزیره را بعد از تصویب نهایی الحاق این جزیره به منطقه آزاد قشم را ارزیابی

گزارش های متنوع تصویری که در طول یک ماه از اقصی نقاط کشور توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری منتشر می شود آنقدر گسترده هست که دست به انتخاب زدن از میانشان کاری دشوار باشد اما نگاه ما در این آلبوم تصویری بیش از نگاهی خبری به رویدادهای یک ماه گذشته، قائل به نگاهی هنرمندانه بوده و اینکه در همین فرصت کوتاه چند صفحه نگاه شما به اقلیم ایران بچرخد.



شکار مرغابی

تنها ترین بانوی نارنجی پوش
/ حکایت خاله صغری، بانوی
نارنجی پوش شهر پیش قلعه
خراسان شمالی، تنهایی است.
حکایت زندگی او روزگار خسته
فراموشی است



هفته چهاردهم کورس پائیزه گنبد کاووس



تشیع پیکر شهید مدافع حرم محمدرضا فخمی

هوای خاکستری
اصفهان



دیوار مهربانی



دیوار مهربانی



برداشت زرشک

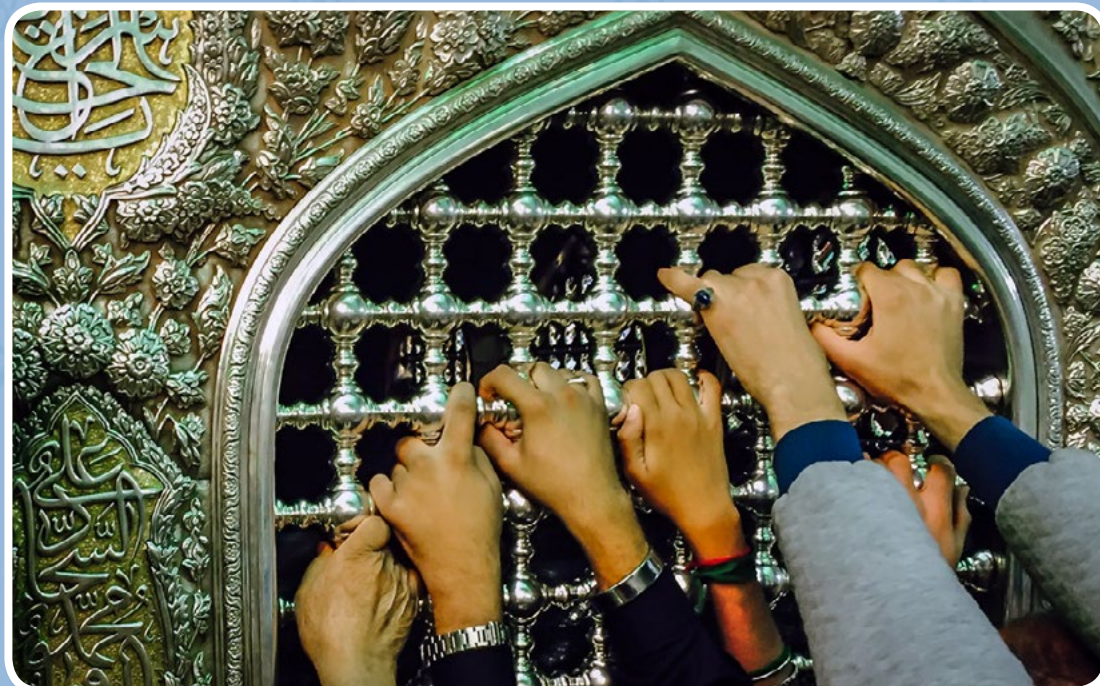


دومین جشنواره سراسری سیاه بازی
در سالن سلمان هراتی ساری استان
مازندران برگزار شد



مرتفع ترین مدرسه بیلاقی تالش





زائران حرم مطهر رضوی

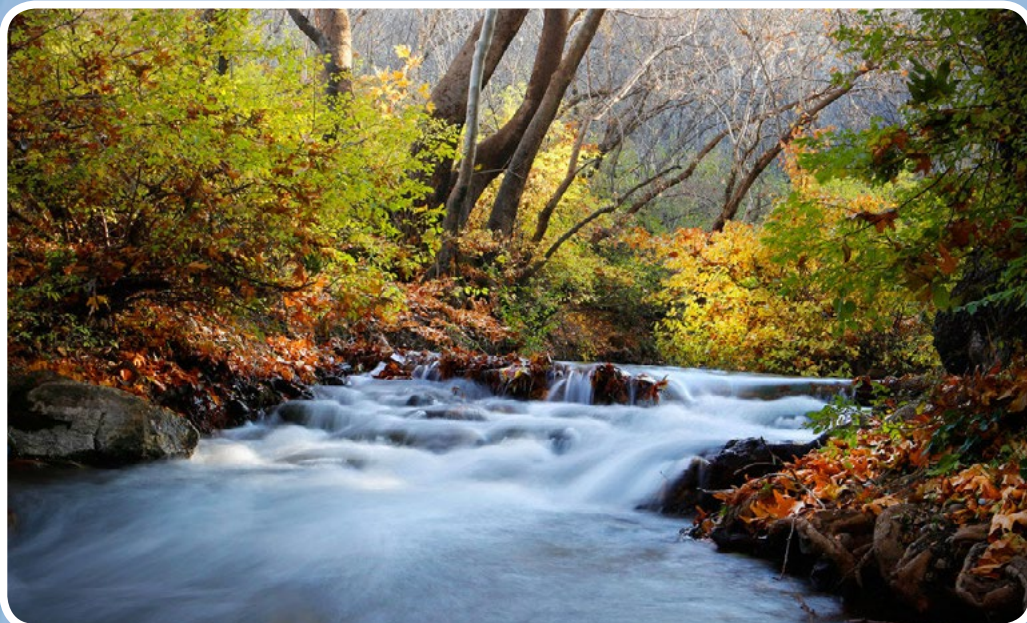


سفر وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی به شاهرود و میامی



مه گرفتگی در اندیمشک

طبیعت پاییزی



نکوداشت شهدای اهل تسنن
شمال کشور



اسب اصیل ترکمن

